



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



ارسلان علی محمد صابری

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

درسام

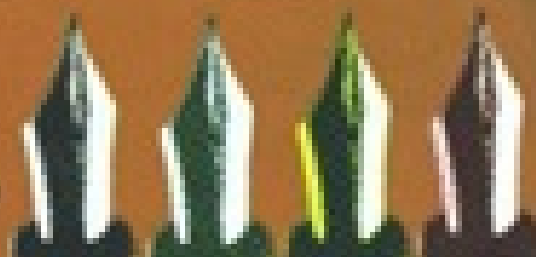
مؤلف: علی قزلباش
محرران: محمد علی قزلباش

فقه مقاصد

درآمدی بر

نکات مهمی که در این کتاب به بحث پرداخته شده است
از اصول اساسی فقه مقاصد
و مهم ترین اصول فقه از دیدگاه مذاهب اهل بیت
و مذاهب چهارگانه

مؤلف: محمد علی قزلباش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درسنامه درآمدی بر فقه مقارن

نویسنده:

مصطفی جعفرپیشه فرد

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
درسنامه درآمدی بر فقه مقارن	۳۷
مشخصات کتاب	۳۷
اشاره	۳۷
پیشگفتار	۳۸
مقدمه	۴۱
فصل اول: آشنایی با پیشینه مذاهب فقهی و چکیده‌ای از آراء اصولی آنها	۴۶
اشاره	۴۶
اشاره	۴۶
۱. برجسته‌ترین مشترکات مذهبی عامه و خاصه	۴۷
۲. پیدایش مکتب اهل حدیث و اهل رأی در میان عامه	۴۸
اشاره	۴۸
الف) مکتب اهل حدیث	۴۸
ب) مکتب اهل رأی	۴۹
۳. پیدایش مذاهب چهارگانه عامه	۵۱
۴. مذهب حنفی (نخستین مذهب)	۵۱
اشاره	۵۱
اصول اساسی مذهب حنفی	۵۲
مهمترین منابع فقهی مذهب حنفی	۵۵
۵. مذهب مالکی (دومین مذهب)	۵۵
اشاره	۵۵
اصول اساسی مذهب مالکی	۵۶
مهمترین منابع فقهی مذهب مالکی	۵۹

۶۰	۶. مذهب شافعی (سومین مذهب).....
۶۰	اشاره.....
۶۱	اصول اساسی مذهب شافعی.....
۶۲	مهم‌ترین منابع فقهی مذهب شافعی.....
۶۲	۷. مذهب حنبلی (چهارمین مذهب).....
۶۲	اشاره.....
۶۴	اصول اساسی مذهب حنبلی.....
۶۵	برخی از آراء کلامی احمد بن حنبل.....
۶۵	مهم‌ترین منابع فقهی مذهب حنبلی.....
۶۶	۸. تداوم مذهب حنبلی در قرون متأخر.....
۶۹	فصل دوم: مقایسه اصول اساسی استنباط مذاهب اسلامی.....
۶۹	اصول اساسی استنباط.....
۶۹	۱. قرآن کریم.....
۷۰	۲. سنت نبوی متواتر و مشهور.....
۷۰	۳. سنت نبوی منقول به خبر واحد ثقه.....
۷۰	۴. سنت نبوی منقول به خبر مرسل و ضعیف.....
۷۱	۵. سنت اهل بیت:.....
۷۱	۶. قول صحابی.....
۷۲	۷. اجماع.....
۷۲	۸. قیاس.....
۷۳	۹. استحسان.....
۷۴	۱۰. عرف و عادت.....
۷۴	۱۱. استصحاب.....
۷۵	۱۲. استقراء.....

۱۳. استدلال	۷۶
۱۴. شرع من قبلنا	۷۶
۱۵. البرائة الاصلية يا الاباحة الاصلية	۷۷
۱۶. مصالح مرسله	۷۷
۱۷. سد ذرائع و فتح ذرائع	۷۸
۱۸. مراعاة الخلاف	۷۹
۱۹. عمل اهل مدينة	۷۹
۲۰. اصالة التخيير	۸۰
۲۱. اصالة الاحتياط	۸۰
اقسام حکم شرعی	۸۱
۱. اقسام حکم تکلیفی	۸۱
۲. تقسیم حکم به «واقعی اولی» و «واقعی ثانوی»	۸۱
۳. معنای «سنت» و فرق آن با «مستحب» و «مندوب»	۸۲
۴. معنای کراهت و ترک اولی	۸۳
فصل سوم: «طهارت» از دیدگاه مذاهب اسلامی	۸۵
۱. احکام آب‌ها و مطهرات	۸۵
احکام آب‌ها	۸۵
۱. آب مطلق	۸۵
۲. آب کثیر	۸۵
۳. ملاک آب کثیر	۸۶
۴. آب قلیل	۸۷
مطهرات	۸۷
۱. آب مطلق	۸۷
۲. آب مضاف	۸۷

۸۸	۳. استحاله
۸۸	۴. سوزاندن نجاست با آتش
۸۹	۵. آفتاب
۸۹	۶. زمین
۹۱	۷. جمع‌بندی
۹۲	۲. اعیان نجس
۹۲	نجاسات
۹۲	۱. ادرار و مدفوع غیر حلال گوشت
۹۲	۲. ادرار و مدفوع حلال گوشت
۹۳	۳. منی
۹۳	۴. وَدْی و مَدْی و وَدْی
۹۴	۵. قی (استفراغ)
۹۴	۶. خون
۹۵	۷. مَیِّت
۹۵	۸. مردار
۹۵	۹. اجزای مردار
۹۶	۱۰. شراب
۹۶	۱۱. فقاغ
۹۷	۱۲. سگ و خوک
۹۷	۱۳. کافر
۹۷	۱۴. قیح (چرک و زرد آب)
۹۸	۱۵. جمع‌بندی نجاسات
۹۹	۳. احکام تخلی
۹۹	احکام تخلی

۱. وجوب ستر عورت ۹۹
۲. رو به قبله یا پشت به آن نبودن ۹۹
۳. تخلی بر قبور ۱۰۰
۴. تخلی در ملک دیگران و در موقوفات ۱۰۰
۵. تخلی در آب راکد و جاری ۱۰۱
۶. تخلی در جاده، خیابان و محل عبور و مرور مردم ۱۰۱
۷. استبرا ۱۰۱
۸. استنجا و تطهیر محل خروج ادرار و مدفوع ۱۰۲
۹. چگونگی انجام استنجا ۱۰۳
۱۰. مکروهات تخلی ۱۰۳
۱۱. مستحبات تخلی ۱۰۳
۴. احکام وضو ۱۰۵
- احکام وضو ۱۰۵
- نواقض وضو ۱۰۵
۱. ادرار، مدفوع و باد معده و روده ۱۰۵
۲. مذی و ودی ۱۰۵
۳. خواب غالب بر چشم و گوش ۱۰۶
۴. امور زایل کننده عقل ۱۰۶
۵. استحاضه قلیله ۱۰۶
۶. منی عورت ۱۰۷
۷. لمس ۱۰۷
۸. استفراغ ۱۰۸
۹. خون و قیج ۱۰۸
۱۰. قهقهه ۱۰۹

۱۰۹	۱۱. ارتداد و خوردن گوشت شتر
۱۱۰	۱۲. جمع‌بندی نواقض
۱۱۰	احکام وضو
۱۱۰	۱. شستن صورت
۱۱۱	۲. از بالا به پایین شستن صورت
۱۱۲	۳. شستن دست‌ها
۱۱۲	۴. مسح سر
۱۱۳	۵. آب مسح
۱۱۳	۶. مسح سر با داشتن حایل
۱۱۴	۷. مسح پاها
۱۱۴	۸. مسح پا با داشتن حایل
۱۱۵	۹. ترتیب
۱۱۵	۱۰. موالات
۱۱۶	۱۱. نیت
۱۱۷	۱۲. جمع‌بندی
۱۱۷	شرایط و غایات وضو
۱۱۷	۱. شرایط مورد اتفاق در وضو (۱)
۱۱۸	۲. شرایط مورد اختلاف در وضو
۱۱۸	۳. غایات مورد اتفاق در وضو
۱۱۹	۴. غایات مورد اختلاف در وضو
۱۱۹	۵. وضوهای مستحب
۱۲۰	مستحبات و مکروهات وضو
۱۲۰	۱. معنای سنت‌ها و مستحبات وضو
۱۲۱	۲. مستحبات وضو

۱۲۱	۳. معنای مکروهات وضو
۱۲۲	۴. مکروهات وضو
۱۲۳	۵. احکام غسل
۱۲۳	غسل جنابت
۱۲۳	۱. موجبات غسل جنابت
۱۲۳	۲. احتلام
۱۲۴	۳. واجبات غسل جنابت
۱۲۵	۴. اعمالی که غسل جنابت در آن‌ها لازم است
۱۲۵	۵. محرمات در حال جنابت
۱۲۶	۶. مکروهات حال جنابت
۱۲۶	۷. کفایت غسل جنابت از وضو
۱۲۸	۶. احکام بانوان
۱۲۸	احکام حیض
۱۲۸	۱. تعریف حیض
۱۲۸	۲. سنّ بلوغ دختران و حکم آن
۱۲۹	۳. یائسگی و حکم آن
۱۲۹	۴. سنّ یائسگی
۱۳۰	۵. مدّت حیض
۱۳۰	۶. اکثر طهر
۱۳۱	۷. اقلّ طهر
۱۳۱	۸. محرمات مورد اتفاق در زمان حیض
۱۳۱	۹. محرمات مورد اختلاف در زمان حیض
۱۳۲	۱۰. استماع آیه سجده در حال جنابت و حیض
۱۳۳	۱۱. کیفیت غسل حیض

احکام استحاضه	۱۳۳
۱. تعریف استحاضه	۱۳۳
۲. اقسام استحاضه	۱۳۳
۳. غسل استحاضه	۱۳۴
۴. حکم استحاضه	۱۳۴
احکام نفاس	۱۳۵
۱. تعریف نفاس	۱۳۵
۲. اقل نفاس	۱۳۵
۳. اکثر نفاس	۱۳۶
۴. حکم نفاس و غسل آن	۱۳۶
سایر اغسال واجب و مستحب	۱۳۶
۱. غسل مس میت	۱۳۶
۲. مسلمان شدن کافر	۱۳۷
۳. از دنیا رفتن	۱۳۷
۴. جمع‌بندی غسل‌های واجب	۱۳۷
۵. غسل‌های مستحب	۱۳۸
۷. احکام تیمم	۱۳۹
تیمم	۱۳۹
مسوغات تیمم	۱۳۹
۱. نداشتن آب	۱۳۹
۲. طلب و جستجوی آب	۱۳۹
۳. ترس و تعدّر از استعمال آب	۱۴۰
۴. داشتن آب غیر کافی	۱۴۰
۵. تیمم در تنگی وقت نماز	۱۴۱

۱۴۱	۶. چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است
۱۴۲	۷. نیت در تیمم
۱۴۲	۸. مسح صورت
۱۴۳	۹. مسح دست‌ها
۱۴۳	۱۰. ترتیب
۱۴۳	۱۱. موالات
۱۴۴	۱۲. تسمیه
۱۴۵	۸. احکام درگذشتگان
۱۴۵	احتضار و غسل میت
۱۴۵	احکام محتضر
۱۴۵	۱. برگرداندن محتضر به سوی قبله
۱۴۶	۲. تلقین
۱۴۶	غسل میت
۱۴۶	۱. غسل میت
۱۴۷	۲. شرایط مورد اتفاق در وجوب غسل میت
۱۴۷	۳. غسل جنین سقط شده
۱۴۸	۴. غسل مقداری از جسم
۱۴۸	۵. تعداد غسل میت
۱۴۹	۶. کیفیت غسل میت
۱۵۰	۷. حنوط
۱۵۰	۸. همگن و همسان بودن غاسل
۱۵۱	۹. غسل دادن زن و شوهر به وسیله یکدیگر
۱۵۱	۱۰. فقدان همگن
۱۵۲	کفن میت

۱. وجوب تکفین ۱۵۲
۲. حداقل مقدار لازم در کفن ۱۵۲
۳. شرایط و ویژگی‌ها، و سنت‌ها و مستحبات کفن ۱۵۳
- نماز میت ۱۵۴
۱. حکم نماز میت ۱۵۴
۲. شرایط کسانی که بر میت نماز می‌گذارند ۱۵۵
۳. شرایط مورد اتفاق در نماز میت ۱۵۵
۴. شرایط مورد اختلاف: حاضر بودن میت ۱۵۵
۵. قرار دادن جنازه در برابر نمازگزار ۱۵۶
۶. قرار دادن میت بر زمین ۱۵۶
۷. واجبات و ارکان نیت در نماز میت ۱۵۷
۸. نماز میت در حال ایستاده ۱۵۷
۹. تعداد تکبیرهای نماز میت ۱۵۷
۱۰. چگونگی نماز میت و آداب آن ۱۵۸
۱۱. اقامه نماز میت در مسجد ۱۵۹
۱۲. شهید ۱۶۰
۱۳. اولیای میت ۱۶۱
۱۴. وقت اقامه نماز میت ۱۶۳
- تشییع میت ۱۶۳
۱. تشییع میت ۱۶۳
۲. شرکت زنان در تشییع جنازه ۱۶۴
- دفن میت ۱۶۵
۱. دفن میت ۱۶۵
۲. دفن میت به سمت قبله ۱۶۵

۱۶۵	۳. قرار دادن لحد برای قبر
۱۶۶	۴. مستحبات و مکروهات دفن
۱۶۶	احکام قبور
۱۶۶	۱. نوشتن روی قبر
۱۶۷	۲. بنای بر قبور
۱۶۷	۳. نیش قبر
۱۶۸	۴. تعزیت و تسلیت به مصیبت‌زدگان
۱۶۸	۵. گریستن بر میت
۱۶۹	زیارت اهل قبور
۱۶۹	۱. زیارت اهل قبور برای مردان
۱۶۹	۲. زیارت اهل قبور برای زنان
۱۷۰	۳. زیارت قبر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم
۱۷۱	فصل چهارم: مباحث نماز از دیدگاه مذاهب اسلامی
۱۷۱	۱. نمازهای واجب و نافله‌ی یومیه و اوقات آن‌ها
۱۷۱	نمازهای واجب یومیه
۱۷۱	۱. اهمیت نماز
۱۷۱	۲. تعداد نمازهای واجب یومیه
۱۷۲	اوقات نمازهای واجب یومیه
۱۷۲	۱. وقت نماز ظهر
۱۷۲	۲. وقت نماز عصر
۱۷۳	۳. وقت نماز مغرب
۱۷۴	۴. وقت نماز عشا
۱۷۴	۵. وقت نماز صبح
۱۷۵	۶. اقامه نماز در برخی زمان‌ها دارای نهی است

۱۷۵	۷. نماز متعلق نهی
۱۷۷	۸. جمع بین نمازهای ظهر و عصر، مغرب و عشا
۱۷۷	۹. موارد جواز جمع میان دو نماز
۱۷۸	تعداد و احکام نمازهای نافله
۱۷۸	۱. نمودار نمازهای غیر واجب
۱۷۹	۲. تفصیل نمازهای نافله
۱۸۲	۳. نمازهای شب و وتر و حکم قنوت در آنها
۱۸۳	۴. حکم قنوت در نمازها
۱۸۵	۲. مقدمات نماز:
۱۸۵	اشاره
۱۸۶	قبله
۱۸۶	۱. حکم قبله
۱۸۷	۲. تعریف قبله
۱۸۷	۳. چهل به جهت قبله
۱۸۸	۴. نماز در جوف و بام کعبه
۱۸۹	لباس نمازگزار
۱۸۹	۱. حکم ستر عورت در نماز
۱۸۹	۲. حدّ عورت و پوشش در نمازها
۱۹۰	۳. حکم پوشش در غیر نماز
۱۹۰	۴. حد پوشش مردان در غیر نماز
۱۹۱	۵. حد پوشش زنان در غیر نماز
۱۹۲	۶. نگاه مرد به زن نامحرم
۱۹۲	۷. نگاه زن به مرد نامحرم
۱۹۳	۸. حکم لمس و صدا

۹. شرایط لباس نمازگزار	۱۹۳
۱۰. شرایط مکان نمازگزار	۱۹۴
۱۱. نماز زن و مرد در کنار یکدیگر	۱۹۴
۱۲. مکان‌هایی که نماز در آن‌ها مکروه است	۱۹۵
۱۳. نماز در مقبره	۱۹۵
۱۴. قرار دادن سُتره	۱۹۶
۱۵. عبور از مقابل نمازگزار	۱۹۶
۱۶. جلوگیری نمازگزار از عبور دیگران	۱۹۷
احکام مساجد	۱۹۸
۱. نمازگزاردن در مسجد	۱۹۸
۲. آداب مسجد	۱۹۸
۳. محل عبور قرار دادن مسجد	۱۹۹
۴. خوابیدن در مسجد	۱۹۹
۵. وارد کردن نجس و متنجس در مسجد	۲۰۰
اذان و اقامه	۲۰۰
۱. مشروعیت اذان	۲۰۰
۲. جایگاه اذان	۲۰۱
۳. الفاظ مورد اتفاق در اذان	۲۰۱
۴. الفاظ مورد اختلاف در اذان	۲۰۱
۵. حکم اذان	۲۰۲
۶. حکم اقامه	۲۰۲
۷. فاصله بین اذان و اقامه	۲۰۳
۸. الفاظ اقامه	۲۰۴
۹. اذان و اقامه برای زنان	۲۰۵

۱۰. اذان برای اموری خاص ۲۰۶
۳. ارکان و واجبات نماز ۲۰۷
- اشاره ۲۰۷
- واجبات نماز ۲۰۸
۱. ارکان و واجبات نماز ۲۰۸
- واجب اول: نیت ۲۱۱
۱. معنا و حکم نیت ۲۱۱
۲. تلفظ به نیت ۲۱۲
- واجب دوم: تکبیره الاحرام ۲۱۳
۱. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن ۲۱۳
۲. لفظ تکبیره الاحرام ۲۱۳
- واجب سوم: قیام ۲۱۴
۱. حکم قیام در نمازهای فریضه و نافله ۲۱۴
۲. مقدار لازم در قیام ۲۱۴
- واجب چهارم و هفتم: قرائت و ذکر ۲۱۵
۱. حکم فاتحه الكتاب و ذکر ۲۱۵
۲. حکم قرائت مأموم ۲۱۶
۳. تکفیر یا تکتف (دست بسته نماز خواندن) ۲۱۶
۴. حکم بسمله ۲۱۷
۵. استعاذه ۲۱۸
۶. دعای افتتاح ۲۱۸
۷. تأمین (آمین گفتن پس از حمد) ۲۱۹
۸. قرائت سوره، بعد از فاتحه ۲۲۰
۹. مقدار لازم از سوره در قرائت ۲۲۰

۱۰. حکم قرائت سوره برای امام و مأموم و منفرد ۲۲۱
۱۱. تکبیرهای انتقال ۲۲۱
۱۲. بالا بردن دست‌ها هنگام تکبیرها ۲۲۲
۱۳. باز کردن بین دو پا ۲۲۲
- واجب پنجم ۲۲۳
۱. حکم رکوع ۲۲۳
۲. ذکر رکوع ۲۲۳
۳. ذکر برخاستن از رکوع ۲۲۴
- واجب ششم: سجده ۲۲۵
۱. چگونگی رفتن به سجده و برخاستن از آن ۲۲۵
۲. حکم سجده ۲۲۵
۳. اعضای سجود ۲۲۶
۴. ما یصخ السجود علیه ۲۲۶
۵. بالا بودن موضع سجده ۲۲۷
۶. ذکر سجده و مقدار آن ۲۲۸
۷. چگونگی قرار دادن اعضای سجده بر زمین ۲۲۸
۸. چگونگی نشستن پس از سجده ۲۲۹
۹. جلسه استراحت ۲۳۰
۱۰. نشستن بین دو سجده ۲۳۰
۱۱. سجده تلاوت ۲۳۱
۱۲. مواضع سجده تلاوت ۲۳۱
۱۳. دعای هنگام سجده تلاوت ۲۳۲
۱۴. سجده شکر ۲۳۲
- واجب هشتم: تشهد ۲۳۳

۲۳۳	۱۵. تشهد اول
۲۳۳	۱۶. تشهد آخر
۲۳۳	۱۷. ذکر تشهد
۲۳۴	۱۸. استحباب اشاره با انگشت سیاه
۲۳۵	۱۹. صلوات در تشهد اول
۲۳۵	۲۰. صلوات در تشهد آخر
۲۳۶	۲۱. دعا در تشهد آخر
۲۳۷	واجب نهم: سلام
۲۳۷	۲۲. سلام
۲۳۷	۲۳. صیغه سلام
۲۳۸	۲۴. توجه و اشاره به چپ و راست هنگام سلام
۲۳۸	۲۵. نیت در سلام
۲۳۹	واجب دهم: ترتیب
۲۳۹	۱. ترتیب
۲۴۰	واجب یازدهم: موالات
۲۴۰	۱. موالات
۲۴۱	۴. مبطلات و مکروهات نماز و احکام سهو و شک
۲۴۱	مبطلات نماز
۲۴۱	۱. مهمترین مبطلات نماز
۲۴۳	احکام شک و سهو در نماز
۲۴۳	۱. مکروهات نماز
۲۴۳	۲. شک در عدد رکعات
۲۴۴	۳. اسباب سجده سهو
۲۴۵	۴. حکم سجده سهو

۲۴۶	۵. چگونگی سجده سهو
۲۴۸	۵. نماز مسافر و نماز جماعت
۲۴۸	نماز مسافر
۲۴۸	۱. قصر نماز در سفر
۲۴۸	شرایط قصر خواندن نماز
۲۴۸	۱. مسافت شرعی
۲۴۹	۲. قصد سفر از زمان خروج
۲۴۹	۳. مباح بودن سفر
۲۴۹	۴. سفر شغلی
۲۴۹	۵. گذشتن از حدّ ترخص
۲۵۰	۶. اقتدای مسافر به حاضر
۲۵۰	۷. نیت اقامت
۲۵۱	نماز جماعت
۲۵۱	احکام نماز جماعت
۲۵۱	۱. حکم جماعت در نمازهای روزانه
۲۵۲	۲. اهمیت نماز جماعت/
۲۵۲	۳. به جماعت خواندن نمازهای غیر روزانه
۲۵۳	۴. شرایط امام جماعت؛ موارد اتفاقی
۲۵۴	۵. شرایط امام جماعت؛ موارد اختلافی
۲۵۴	۶. اقتدا به مخالف در مذهب یا اجتهاد
۲۵۵	۷. اتحاد مکان و نبودن حایل
۲۵۶	۸. نماز پیرامون کعبه
۲۵۶	۹. حکم مسبوق
۲۵۷	۶. نمازهای دیگر:

۲۵۷	اشاره
۲۵۸	نماز جمعه
۲۵۸	۱. وجوب نماز جمعه
۲۵۸	شرایط وجوب اقامه نماز جمعه
۲۵۸	۱. اذن حاکم
۲۵۹	۲. جماعت
۲۵۹	۳. عدد شرکت‌کنندگان
۲۵۹	۴. تعدّد جمعه و رعایت فاصله
۲۶۰	۵. محل اقامه نماز جمعه
۲۶۱	۶. ایراد دو خطبه
۲۶۱	۷. عدالت امام جمعه
۲۶۱	۸. شرایط مکلفان به شرکت در نماز جمعه
۲۶۱	۹. محتوای خطبه نماز جمعه
۲۶۲	۱۰. حرف زدن در حال خطبه
۲۶۳	۱۱. شرط عربی بودن خطبه
۲۶۳	۱۲. چگونگی نماز جمعه
۲۶۴	نماز عیدین
۲۶۴	۱. حکم نماز عید
۲۶۵	۲. چگونگی نماز عید
۲۶۶	۳. آداب نماز عید
۲۶۶	۴. تکبیرهای ایام عید
۲۶۶	نماز آیات
۲۶۶	۱. حکم نماز کسوف و خسوف
۲۶۷	۲. اقامه نماز کسوف و خسوف به جماعت

۲۶۷	۳. چگونگی انجام نماز کسوف و خسوف
۲۶۸	۴. نماز زلزله
۲۶۸	۵. سایر آیات
۲۶۹	نماز استسقا
۲۶۹	۶. حکم نماز استسقا
۲۶۹	۷. چگونگی انجام نماز استسقا
۲۷۰	۸. آداب نماز استسقا
۲۷۰	نماز تراویح
۲۷۰	۹. نماز تراویح
۲۷۱	۱۰. مندوبات نماز تراویح
۲۷۲	۱۱. برخی نمازهای مستحب
۲۷۳	فصل پنجم: مباحث روزه از دیدگاه مذاهب اسلامی
۲۷۳	اشاره
۲۷۴	روزه و مبطلات آن
۲۷۴	۱. تعریف روزه
۲۷۴	۲. اقسام روزه
۲۷۵	۳. وجوب روزه ماه مبارک رمضان
۲۷۵	۴. مبطلات روزه که مورد اتفاق است
۲۷۶	مفطرات روزه
۲۷۶	۱. مفسدات موجب قضا و كفاره در ماه رمضان
۲۷۷	موجبات قضا
۲۷۷	۱. مبطلات موجب قضا، در ماه رمضان
۲۷۹	احکام روزه
۲۷۹	۱. شرایط وجوب روزه

۲۸۰	۲. کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۲۸۰	۳. قضای روزه رمضان
۲۸۱	۴. فدیة تأخیر قضای رمضان
۲۸۱	۵. كفارة افطار عمدی
۲۸۲	۶. قضای نماز و روزه از سوی میت
۲۸۲	۷. روزه در مناطق قطبی
۲۸۳	۸. روزه مسافر
۲۸۴	۹. حکم روزه در سفر
۲۸۴	احکام هلال
۲۸۴	۱. ثبوت ماه رمضان
۲۸۴	۲. شرطیت اتحاد افق
۲۸۵	۳. اعتبار حکم حاکم
۲۸۵	۴. اعتبار قول منجمان
۲۸۵	۵. راه‌های اثبات هلال
۲۸۶	اقسام روزه
۲۸۶	۱. روزه‌های حرام
۲۸۷	۲. روزه مستحب گرفتن زن
۲۸۷	۳. روزه یوم‌الشک
۲۸۸	۴. روزه‌های مکروه
۲۸۸	۵. روزه عاشورا
۲۸۹	۶. روزه‌های مستحب
۲۸۹	۷. شب قدر
۲۹۰	احکام اعتکاف
۲۹۰	۱. اعتکاف

۲۹۰	۲. مدت اعتکاف
۲۹۰	۳. شرایط مورد اتفاق در اعتکاف
۲۹۱	۴. روزه در زمان اعتکاف
۲۹۱	۵. طهارت از جنابت، حیض و نفاس
۲۹۲	۶. مسجد محل اعتکاف
۲۹۲	۷. خروج از مسجد در حال اعتکاف
۲۹۳	۸. آمیزش جنسی در حال اعتکاف
۲۹۴	۹. محرمات و مفسدات دیگر در اعتکاف
۲۹۵	فصل ششم: مباحث حج و عمره از دیدگاه مذاهب اسلامی
۲۹۵	۱. وجوب حج و شرایط و اقسام آن
۲۹۵	۲. واجبات احرام
۲۹۵	وجوب حج
۲۹۵	۱. وجوب حج، یک بار در عمر
۲۹۵	۲. فوری یا تراخی بودن وجوب حج
۲۹۵	۳. شرایط وجوب حج
۲۹۶	۴. اسلام، شرط صحت یا وجوب
۲۹۶	۵. وجوب همراه داشتن مخرم (بر زنان)
۲۹۷	۶. نیابت در حج
۲۹۷	۷. استنباه برای مستطیع عاجز یا میت
۲۹۷	۸. نیابت از بلد یا میقات
۲۹۸	اقسام حج
۲۹۸	۱. انواع حج
۲۹۸	۲. حج قرآن
۲۹۹	۳. انتخاب نوع حج

میقات احرام	۳۰۰
۱. مواقیت مکانی	۳۰۰
۲. احرام قبل از میقات	۳۰۰
۳. عبور از میقات بدون احرام	۳۰۱
۴. ماه‌های حج	۳۰۱
۵. احرام قبل از ماه‌های حج	۳۰۲
احرام	۳۰۲
۱. مستحبات احرام	۳۰۲
۲. تیمم بدل از غسل احرام	۳۰۳
۳. واجبات احرام	۳۰۳
۴. حکم تلبیه	۳۰۴
۵. ذکر تلبیه	۳۰۵
۳. تروک احرام	۳۰۶
تروک احرام (۱)	۳۰۶
۱. شکار صحرایی وحشی	۳۰۶
۲. جماع و مقدمات آن	۳۰۶
۳. عقد ازدواج برای خود و دیگران	۳۰۶
۴. استمنا و خودارضایی جنسی	۳۰۷
۵. استفاده از عطریات و چیزهای خوشبو	۳۰۷
۶. پوشیدن چیز دوخته	۳۰۷
۷. پوشیدن چکمه و جوراب و مانند آن	۳۰۸
۸. سرمه کشیدن	۳۰۸
۹. فسوق	۳۰۸
۱۰. جدال	۳۰۹

۱۱. نگاه در آینه	۳۰۹
۱۲. کشتن جانوران ساکن در بدن	۳۰۹
۱۳. انگشتن به دست کردن	۳۰۹
۱۴. پوشش زیور برای زنان مُحرم	۳۱۰
۱۵. روغن مالی به بدن	۳۱۰
۱۶. ازاله مو	۳۱۱
۱۷. پوشاندن سر برای مردان محرم	۳۱۱
۱۸. پوشاندن صورت برای زنان	۳۱۱
۱۹. استغلال	۳۱۲
۲۰. بیرون آوردن خون از بدن خود	۳۱۲
۲۱. ناخن گرفتن	۳۱۲
۲۲. کندن دندان	۳۱۲
۲۳. کندن درخت یا گیاهان روئیده در حرم	۳۱۳
۲۴. سلاح در بر داشتن (مسلح شدن)	۳۱۳
۲۵. حنا	۳۱۳
۲۶. محرمات احرام به صورت شعر	۳۱۴
۴. طواف و نماز آن	۳۱۵
۵. سعی	۳۱۵
۶. تقصیر	۳۱۵
ورود به مکه	۳۱۵
۱. قطع تلبیه در احرام عمره تمتع	۳۱۵
۲. حکم ورود به مکه	۳۱۵
۳. آداب ورود به مکه و مسجدالحرام	۳۱۶
طواف	۳۱۷

۳۱۷	اقسام طواف
۳۱۷	۱. طواف قدوم
۳۱۸	۲. طواف عمره تمتع
۳۱۸	۳. طواف عمره مفرده
۳۱۸	۴. طواف زیارت
۳۱۹	۵. طواف نساء
۳۱۹	۶. طواف وداع
۳۱۹	۷. طواف مستحب
۳۱۹	۸. شرایط طواف
۳۲۱	۹. واجبات طواف
۳۲۲	۱۰. مستحبات طواف
۳۲۳	۱۱. اضطباع
۳۲۴	۱۲. رَمَل
۳۲۵	۱۳. نماز طواف
۳۲۵	سعی میان صفا و مروه
۳۲۵	۱. وجوب سعی میان صفا و مروه و شرایط و کیفیت آن
۳۲۶	۲. تعداد سعی
۳۲۶	۳. تکرار سعی
۳۲۷	تقصیر
۳۲۷	۱. حلق یا تقصیر در عمره تمتع
۳۲۸	۲. تعداد افعال واجب در عمره تمتع
۳۲۹	۳. چگونگی تقصیر
۳۲۹	۴. حلق یا تقصیر در عمره مفرده
۳۳۰	۵. تعداد افعال واجب در عمره مفرده

۳۳۱	۷. احرام حج
۳۳۱	۸. وقوف به عرفات و مشعر
۳۳۱	۹. مناسک منا
۳۳۱	احرام حج
۳۳۱	۱. زمان و مکان احرام حج
۳۳۲	۲. قطع تلبیه در احرام حج
۳۳۲	وقوف در عرفات
۳۳۲	۱. زمان وقوف در عرفات
۳۳۳	۲. خطبه امام در عرفات
۳۳۴	۳. قصر یا تمام بودن نماز امام و سایر حجاج در عرفات
۳۳۴	۴. جمع نماز ظهر و عصر در عرفات
۳۳۵	۵. نماز جمعه در عرفات
۳۳۵	۶. مستحبات وقوف در عرفات
۳۳۶	۷. زمان کوچ از عرفات
۳۳۶	وقوف در مشعرالحرام
۳۳۶	۸. بیتوته شب عید در مشعرالحرام (پیش از وقوف بین الطلوعین)
۳۳۷	۹. وقوف پس از طلوع فجر در مشعرالحرام
۳۳۸	۱۰. شرایط وقوف در عرفات و مشعرالحرام
۳۳۹	۱۱. نماز مغرب و عشاء شب عید قربان و چگونگی آن
۳۴۰	۱۲. مستحبات وقوف در مزدلفه
۳۴۱	مناسک منا
۳۴۱	۱. مناسک واجب منا در عید قربان
۳۴۱	۲. ترتیب اعمال عید قربان
۳۴۲	ویژگی‌شن‌ها

۳۴۲	۱. جنس و اندازه شن‌ها (سنگریزه)-----
۳۴۳	شرایط رمی-----
۳۴۳	۱. محل جمع‌آوری سنگریزه-----
۳۴۴	۲. بکر بودن سنگریزه‌ها-----
۳۴۴	۳. مباح بودن حصاة-----
۳۴۵	واجبات رمی-----
۳۴۵	۱. پرتاب کردن-----
۳۴۵	۲. اصابت به جمره-----
۳۴۶	۳. تعداد سنگ‌ها-----
۳۴۷	۴. پشت سر هم انداختن-----
۳۴۷	۵. زمان رمی جمره عقبه-----
۳۴۸	۶. مستحبات و سنن رمی جمره عقبه-----
۳۴۹	قربانی و احکام آن-----
۳۴۹	۱. ذبح-----
۳۵۰	۲. سنّ قربانی-----
۳۵۰	۳. صفت و ویژگی‌های قربانی-----
۳۵۰	۴. تعداد قربانی-----
۳۵۱	۵. بدل قربانی-----
۳۵۲	۶. مکان ذبح-----
۳۵۲	۷. زمان ذبح-----
۳۵۳	احکام حلق یا تقصیر در حج-----
۳۵۳	۱. وجوب حلق یا تقصیر-----
۳۵۴	۲. زمان حلق یا تقصیر-----
۳۵۴	۳. مکان حلق یا تقصیر-----

۳۵۵	۴. وظیفه مردان بدون مو (اگر حلق برای آن‌ها متعین باشد)
۳۵۵	۵. مستحبات حلق
۳۵۵	۶. خروج از احرام حج
۳۵۶	۷. مراحل تحلل از احرام
۳۵۷	اهمّ مستحبات منا
۳۵۷	۱. خطبه روز عید قربان
۳۵۸	۲. کوچ از منا در روز عید
۳۵۸	۳. تکبیرهای روز عید
۳۵۹	۱۰. اعمال بعد از منا
۳۵۹	۱۱. مناسک ایام تشریق
۳۵۹	واجبات بعد از اعمال منا
۳۵۹	۱. طواف زیارت
۳۵۹	۲. نماز طواف زیارت
۳۶۰	۳. سعی میان صفا و مروه
۳۶۰	۴. تحلل دوم از احرام
۳۶۱	۵. طواف نساء و نماز آن
۳۶۱	۶. تحلل سوم از احرام
۳۶۱	مناسک ایام تشریق
۳۶۱	۱. بیتوته شب یازدهم و دوازدهم در منا
۳۶۲	۲. كفاره ترك بیتوته
۳۶۲	۳. عبادت در مکه به جای بیتوته در منا
۳۶۳	۴. حکم معذورین از بیتوته
۳۶۳	رمی ایام تشریق
۳۶۳	۱. رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم

۲. ترتیب در رمی جمرات سه گانه ۳۶۳
۳. زمان رمی جمرات سه گانه، روزهای یازدهم و دوازدهم ۳۶۴
۴. کوچ از منا در روز دوازدهم (نُفَر اول) ۳۶۴
۵. بیتوته شب سیزدهم برای کسی که غروب آن شب در منا بوده ۳۶۵
۶. بیتوته شب سیزدهم برای کسی که در حال احرام، صید یا با زن نزدیکی کرده ۳۶۵
۷. رمی روز سیزدهم ۳۶۶
۸. زمان رمی روز سیزدهم ۳۶۶
۹. زمان کوچ از منا در روز سیزدهم (نُفَر دوم) ۳۶۷
۱۰. خطبه امام پیش از نُفَر اول ۳۶۷
- خاتمه ۳۶۸
- فصل هفتم: مروری بر سایر ابواب فقهی از دیدگاه مذاهب اسلامی ۳۷۵
- قسمت اول: سیری در مباحث زکات و خمس از نگاه مذاهب اسلامی ۳۷۵
- اشاره ۳۷۵
- زکات فطره ۳۷۵
۱. زکات فطره ۳۷۵
۲. حکم زکات فطره ۳۷۶
۳. شرایط وجوب زکات فطره ۳۷۶
۴. مقدار فطره ۳۷۷
۵. مصرف فطره ۳۷۸
۶. چگونگی پرداخت فطره ۳۷۸
۷. زمان وجوب فطره ۳۷۹
- زکات اموال ۳۸۰
۸. اهمیت زکات ۳۸۰
۹. موارد مورد اتفاق در متعلّق زکات ۳۸۰

۳۸۱	۱۰. موارد اتفاقی در عدم تعلّق زکات
۳۸۲	۱۱. موارد اختلافی میان امامیه و سایر مذاهب در تعلّق زکات
۳۸۳	۱۲. وجوب خمس غنیمت
۳۸۳	۱۳. مهمترین موارد اختلافی در وجوب خمس
۳۸۴	۱۴. نتیجه‌گیری
۳۸۵	قسمت دوم: سیری در ابواب معاملات از نگاه مذاهب اسلامی
۳۸۵	اشاره
۳۸۶	باب بیع و مکاسب محرمه
۳۸۶	۱. اشاره
۳۸۶	۲. احکام کلی بیع
۳۸۷	۳. مکاسب محرمه
۳۸۸	باب حجر
۳۸۸	۱. عوامل حجر
۳۸۸	۲. علایم بلوغ
۳۸۹	۳. اولیای صغیر
۳۹۰	عقود شرعی دیگر
۳۹۰	۱. مضاربه
۳۹۰	۲. شرکت
۳۹۱	۳. اجاره
۳۹۱	۴. ضمان و کفالت و حواله
۳۹۱	۵. هبه
۳۹۲	۶. رجوع در هبه
۳۹۲	۷. وصیت
۳۹۳	۸. وصیت به حج و قرائت قرآن و مانند آن

قسمت سوم: مروری بر احوال شخصیه از نگاه مذاهب اسلامی	۳۹۴
اشاره	۳۹۴
نکاح	۳۹۵
۱. حکم نکاح	۳۹۵
۲. نکاح موقت	۳۹۵
۳. شاهد گرفتن برای عقد	۳۹۶
۴. نکاح اکراهی و هزلی	۳۹۶
۵. لزوم ولی در نکاح	۳۹۶
۶. ولی مجبر	۳۹۷
۷. مراتب اولیا	۳۹۷
۸. محرمات ابدی	۳۹۸
۹. محرمات بالجمع	۳۹۹
۱۰. ازدواج با کفار	۳۹۹
۱۱. مهمترین شرایط حرمت با شیرخواری	۳۹۹
۱۲. کمیت رضاع موجب حرمت	۴۰۰
مباحث طلاق	۴۰۱
۱. ارکان طلاق	۴۰۱
۲. سه طلاقه و ملاک آن	۴۰۲
مباحث اطعمه و اشربه	۴۰۳
۱. پرندگان حلال و حرام	۴۰۳
۲. چهارپایان	۴۰۳
۳. حشرات	۴۰۳
۴. آبزیان	۴۰۴
۵. حیوان جلال	۴۰۴

- چند واجب اجتماعی ۴۰۴
۶. ولیمه ۴۰۴
۷. افشای سلام و رد آن ۴۰۵
۸. تسمیت العاطس ۴۰۵
- قسمت چهارم: مروری بر سیاست از دیدگاه مذاهب اسلامی ۴۰۶
- اشاره ۴۰۶
- مجازات اسلامی ۴۰۷
۱. انواع مجازات ۴۰۷
۲. مشروب‌خواری ۴۰۷
۳. حکم مشروبات مست کننده ۴۰۸
۴. حکم مواد مخدر ۴۰۸
۵. حدّ زنا و لواط ۴۰۸
۶. تحریم به اثر لواط ۴۰۹
۷. وطی در دُبُر ۴۰۹
۸. وطی بهائم ۴۰۹
۹. حکم حیوان وطی شده ۴۱۰
- انواع مجازات ۴۱۰
۱۰. استمنا با دست ۴۱۰
۱۱. مساحقه ۴۱۱
۱۲. حدّ سرقت ۴۱۱
- قصاص و دیات ۴۱۱
۱. ولی دم ۴۱۱
۲. قتل مسلمان به خاطر قتل ذمی ۴۱۲
۳. دیه زن ۴۱۲

۴۱۲	۴. مقدار دیه
۴۱۳	۵. قصاص از مرد به خاطر زن
۴۱۳	مباحث امامت
۴۱۳	۶. مجری حدود و قصاص
۴۱۳	۷. وجوب امامت
۴۱۴	۸. شرایط امامت
۴۱۴	۹. امامت
۴۱۴	۱۰. اجماع بر ولایت فقیه
۴۱۶	خاتمه
۴۱۶	بخش پایانی
۴۱۸	فهرست منابع
۴۲۴	درباره مرکز

درسنامه درآمدی بر فقه مقارن

مشخصات کتاب

نام کتاب: درسنامه درآمدی بر فقه مقارن

نویسنده: مصطفی جعفر پیشه فرد

موضوع: احکام و مناسک

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

ناشر: نشر مشعر

ص: ۱

اشاره

پیشگفتار

ص: ۳۳

تحقق اهداف و آرمان‌های یک سازمان، به علل و عوامل مختلفی بستگی دارد. در این میان، به گفته کارشناسان و صاحب‌نظران «مدیریت سازمانی» و نیز به گواهی «آموزه‌های وحیانی»، «عامل انسانی» اساسی‌ترین و محوری‌ترین نقش را در موفقیت و بالندگی سازمانی ایفا می‌کند. دیگر عوامل سازمانی در پرتو عامل انسانی و حول محور او، شکل گرفته و حرکت می‌کند. سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها، ابزار و سخت‌افزارهای سازمان، تابعی از خواست و اراده نیروی انسانی و دانش و تدبیر او می‌باشد. بالطبع کم و کیف نتایج و خروجی‌های سازمان نیز مانند «ورودی‌ها» و «فرآیند»، متأثر از فعالیت و تدبیر نیروی انسانی است. بنابراین نیروی انسانی، افزون بر اینکه عامل موفقیت هر سازمانی است، شاخص و معیاری برای پیش‌بینی میزان موفقیت آن سازمان نیز محسوب می‌شود.

بی‌جهت نیست که دنیای مدرن با پی‌ریزی‌های علمی همچون روان‌شناسی کار، جامعه‌شناسی مشاغل و مدیریت، بخش اعظمی از مباحث این علوم را به عامل انسانی اختصاص داده است. پیش‌تر از این نیز آموزه‌های وحیانی، بر جایگاه و اهمیت نیروی انسانی و نقش محوری آن در رستگاری و موفقیت جمعی اشاره کرده و به مؤمنان و جامعه دینی اکیداً توصیه نموده که در واسطه‌سازی کارها و مسئولیت‌ها، به شایستگی و صلاحیت نیروهای انسانی توجه کنند:

ص: ۳۴

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا. (۱)

در آیات دیگر، این رویه را تدبیر خداوند متعال در عالم تکوین و تشریع معرفی کرده است:
اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ. (۲)

قَالَ أَنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ أَمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا تَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ. (۳)

هدف و رسالت اساسی انبیای الهی نیز تربیت و پرورش انسان‌ها بوده است:

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ. (۴)

نهادها و مؤسسات دینی نیز برای تضمین موفقیت و دستیابی به اهداف و آرمان‌های سازمان، باید بر مبنای آموزه‌های وحیانی و یافته‌های بشری، جذب و گزینش نیروهای کارآمد و تعلیم و تربیت آنان را در اولویت مأموریت‌های خود قرار دهند. در همین راستا، «حوزه نمایندگی ولی فقیه در امور حج و زیارت» پس از فراغت از طراحی و اجرای فرآیند جذب و گزینش، «آموزش و ارتقای سطح علمی و فرهنگی نیروی انسانی به ویژه روحانیون» را در کانون برنامه‌های ستادی خود قرار داد و دوره‌های آموزش بدو خدمت، ضمن خدمت و تکمیلی را راه‌اندازی نمود. از آن‌جا که تدوین متون آموزشی کاربردی متناسب با واحدها و سرفصل‌های مصوب، از مراحل و عناصر اصلی و اساسی دوره‌های آموزشی محسوب می‌شود، به طور همزمان گردونه تدوین متون آموزشی

۱- نساء: ۵۸

۲- انعام: ۱۲۴

۳- بقره: ۱۲۴

۴- همان: ۱۲۹

ص: ۳۵

نیز به حرکت درآمد. نکته حائز اهمیت این که متون آموزشی پس از تدوین توسط گروه‌های علمی و تخصصی معاونت امور روحانیون و ارزیابی ناظران محتوایی، به صورت «درسنامه» برای حداقل یک ترم، به طور آزمایشی تدریس می‌شود تا پس از نظرسنجی و گردآوری نقطه نظرات مدرسان و دانش‌پژوهان، به رفع و اصلاح کاستی‌های احتمالی اقدام شود و برای آموزش در دوره‌های بعد، تدوین نهایی شود.

نوشتار حاضر، از جمله همین متون آموزشی است که توسط «گروه علمی و تخصصی فقه» به رشته تحریر درآمده و در قالب «درسنامه» منتشر شده و در اختیار شرکت‌کنندگان دوره‌های آموزشی روحانیون قرار می‌گیرد. فرصت را مغتنم شمرده و از تدابیر و تلاش‌های ارزشمند گروه علمی و تخصصی فقه به ویژه محقق و مؤلف گرانمایه جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای مصطفی جعفرپیشه فرد تقدیر و سپاس به عمل می‌آید.

انتظار می‌رود که مدرسان و دانش‌پژوهان محترم پس از طی دوره، نقطه نظرات اصلاحی خود را پیرامون متن، محتوا، منابع و دیگر بخش‌های درسنامه، جهت رفع و اصلاح نواقص و اشکالات احتمالی به کمیته تدوین ارایه نمایند.

معاونت امور روحانیون

کمیته تدوین متون آموزشی

بهار ۱۳۸۸

ص: ۳۷

مقدمه

۱. زائر پیرو مذهب اهل بیت علیهم السلام آنگاه که به سرزمین وحی گام می‌نهد و توفیق تشرّف به زیارت حرمین شریفین نصیبش می‌گردد، نخستین پدیده‌ای که با آن روبرو می‌شود و توجّهش را جلب می‌کند، تفاوت‌هایی است که در اعمال و عبادات شرعی و مناسک حج و عمره میان مذهب اهل بیت علیهم السلام و پیروان دیگر مذاهب اسلامی مشاهده می‌کند؛ از وضو و وقت نماز و اذان و اقامه و شرایط نماز گرفته تا بستن احرام و طواف و دیگر اعمال و مناسک. اگرچه چهارچوب اصلی مناسک و عبادات در میان تمامی مذاهب اسلامی یکسان است، ولی همین تفاوت‌های جزئی که در انجام عبادات وجود دارد، برای هر تازه واردی سؤال برانگیز است:

- تفاوت‌ها به طور مشخص و تفصیلی چیست و چگونه است؟

- مذاهب فقهی در میان مسلمانان از چه زمان و چگونه پدید آمده‌اند؟

- آیا اصول اساسی اجتهاد و استنباط آن‌ها یکسان است؟

- آیا همان گونه که شاهد تفاوت‌هایی میان فقه اهل بیت علیهم السلام و دیگر مذاهب هستیم، میان گروه‌های مذاهب اهل سنت هم تفاوت وجود دارد؟

- اصولاً تفاوت‌های فقهی مذاهب اسلامی از کجا ریشه می‌گیرد و منشأ آن چیست؟

۲. زائر پاسخ این پرسش‌ها و مانند آن را از کجا می‌تواند سراغ بگیرد؟ جایی که انتظار می‌رود، پاسخی مناسب و از روی علم و آگاهی به این قبیل پرسش‌ها ارائه کند و او را قانع

ص: ۳۸

سازد کجاست؟ بی‌تردید، نخستین مأمن و جایگاه قابل تکیه‌ای که زائر برای رسیدن به پاسخ‌هایش می‌یابد، روحانی کاروانی است که در طول سفر همراه او است و او را گام به گام، نه تنها هدایت به مقصود، که ایصال الی المطلوب می‌کند.

در سال‌های اخیر، که هر سال بیش از نیم میلیون نفر از ایران برای انجام مناسک حج و عمره عازم سرزمین وحی می‌شوند، تعداد قابل توجهی از آن‌ها را افراد تحصیل کرده و دانشگاہیان و دانش‌آموزان تشکیل می‌دهند و از پرسش‌های مهم و اساسی آن‌ها درباره تفاوت‌های فقهی مذاهب است و کسی که مسئولیت سنگین هدایت و ارشاد مذهبی کاروان را بر دوش گرفته، نمی‌تواند پرسش‌های زائران را در مورد تفاوت‌های فقهی مذاهب بی‌پاسخ بگذارد و از کنار آن بی‌تفاوت بگذرد.

۳. افزون بر نیازهایی که به آن‌ها اشاره شد، یک روحانی و عالم پیرو اهل بیت علیهم السلام در مکه و مدینه، به طور طبیعی با مسلمانان سایر مذاهب رو به رو می‌شود و با آن‌ها به گفت و گو و چه بسا بحث علمی می‌پردازد، و این در حالی است که بسیاری از آن‌ها، اهل فضل و علم و افراد فرهیخته‌ای هستند که گفت و گو با آن‌ها و پاسخگویی به پرسش‌ها و شبهاتشان در موضوعات فقهی، نیازمند آشنایی اجمالی با فقه و فتاوی آن‌ها در فروع مختلف مربوط به مناسک حج و عبادات شرعی است. پس یک عالم دینی پیرو فقه اهل بیت علیهم السلام نمی‌تواند از آن‌ها کم اطلاع و یا ناآگاه باشد.

۴. می‌توان گفت: از همان آغاز اسلام و پیدایش تشیع، فضای اختناق و ارباب بر پیروان اهل بیت علیهم السلام حاکم بود. از نمونه‌های آن سبّ و لعنی است که در منبرها و وعظها، به امیر مؤمنان، علی علیه السلام می‌کردند و روشن است آنچه از همان ابتدا در میان مسلمانان رواج داشت و تبلیغ می‌شد، فقه اهل سنت بود و جامعه بر اساس فتوای آن‌ها اداره می‌شد و اعمال فردی و اجتماعی؛ اعم از عبادات، معاملات و سیاست مسلمانان، بر پایه فقه آن‌ها شکل می‌گرفت.

ص: ۳۹

اهل بیت علیهم السلام و پیروان آنها در دل این اکثریت، به صورت تقیه و در خفا و انزوا روزگار سپری می کردند و هرگاه مجالی می یافتند، گوشه‌هایی از علوم، معارف و فقه خود را در اختیار مشتاقان قرار می دادند و به خطا و اشتباهات فقهای حاکم و تکیه زده بر کرسی افتاء که آزادانه در همه جا به اجرا در می آمد، اشاره می کردند.

امامان شیعه می کوشیدند هر چه بیشتر جلوی انحرافات را بگیرند و مسلمانان و به ویژه پیروان خود را به سمت و سوی فقه صحیح که بر اساس موازین استوار است، ارشاد کنند.

بر این اساس، فقه شیعه به عنوان فقهی مستقل و در جزیره‌ای جدا از فقه دیگر مذاهب متولد نشد، بلکه تکوین آن به صورت مقارنه‌ای و در چارچوب بیان انحرافات و اشتباهات و خطاهایی بود که فقه مذاهب دیگر دچار آن شده بودند. اگر بزرگانی چون آیه‌الله بروجردی رحمه الله معتقد بودند که: فقه اهل بیت و روایات ائمه علیهم السلام در واقع حاشیه‌ای بر فقه اهل سنت بوده و فقه دیگر مذاهب به منزله متن آن قرار گرفته، سرّش همین است.

بر این اساس، هرگاه محقق و عالمی دینی در مسیر فقاهاست باشد و توجهی به اقوال و فتاوی اهل سنت نکند، معلوم نیست بتواند هسته مرکزی بحث را بکاود و به عمق موضوع برسد؛ چرا که بسیاری از روایات اهل بیت علیهم السلام ناظر به آرای اهل سنت است و راویان و اصحاب ائمه علیهم السلام در مورد آنچه پیرامون خود می دیدند، از امام علیه السلام می پرسیدند. امام علیه السلام نیز آنها را به رأی و فتوی صحیح و بر طبق میزان و معیار راهنمایی می کردند.

آنچه گذشت، ناظر به ضرورت توجه و اطلاع از ریشه‌ها و اصول فتاوی اهل سنت است. به خلاف دو مورد قبل که ناظر بود بر ضرورت آموختن فقه مقارن بر طبق شرایط موجود، برای روحانی کاروان‌های حج و عمره.

۵. از زاویه و بُعد دیگر باید گفت برخی از روایات اهل بیت علیهم السلام در زمان و موقعیت تقیه صادر شده است؛ به گونه‌ای که در اخبار علاجیه، برای رفع تعارض در روایات متعارض، یکی از مرجحات را مخالفت عامه دانسته‌اند؛ (فانّ الرشد فی خلافهم).

ص: ۴۰

فقیه و آشنا به مبانی فقهی مذهب اهل بیت علیهم السلام، برای این که از عهده حل تعارض روایات برآید و از فتوایی که مستند به روایت تقیه‌ای است بپرهیزد، لازم است با فقه مذاهب دیگر آشنا و مرتبط باشد؛ این هم ضرورت چهارمی است که نشان می‌دهد پرداختن به فقه مقارن اهمیت دارد.

۶. سیره فقه‌های گذشته، به ویژه قدما نیز گواهی است بر ضرورت توجه و اشراف به فقه اهل سنت. عالمان برجسته و شاخص شیعه، همانطور که در اعتقادات و مسائل کلامی در مناظره با اکثریت اهل سنت، به تألیف کتب در مقارنه با عقاید دیگر مذاهب و ردّ افکار امثال اشاعره و معتزله می‌پرداختند، در اصول فقه و فقه نیز، از حوزه اصلی کار آنها، توجه و بررسی اصول فقه و فقه اهل سنت بوده است. «انتصار» و «ناصریات» سید مرتضی، «خلاف» شیخ طوسی، «معتبر» محقق حلی، «تذکره» و «منتهی» علامه حلی رحمهم الله نمونه‌هایی از این سیره و روش زیبا و خردمندانه است. این سیره اگرچه در میان متأخرین کم رنگ شده است، به گونه‌ای که گویا فقیه خود را چندان نیازمند اطلاع و مراجعه به کتب اهل سنت نمی‌بیند، ولی هنوز هم این درخشش را در فقه عالمانی مانند آیة‌الله بروجردی مشاهده می‌کنیم که با طرح فتاوی اهل سنت، به تجزیه و تحلیل فقیهانه می‌پردازد و بر اساس آن موشکافی علمی خود را دنبال می‌کند.

۷. امروزه، بیداری اسلامی فراگیر شده است و جهانیان، به ویژه مسلمانان به سمت معارف اهل بیت علیهم السلام و به خصوص فقه آن گرایش پیدا کرده‌اند. در پرتو انقلاب کبیر اسلامی در ایران و درخشش شیعیان در مناطق مختلف جهان، بسیاری از مسلمانان علاقه‌مند به ارتباط بیشتر و گسترده‌تر با دانش و معارف شیعی شده‌اند. بر عالمان شیعی لازم است برای پاسخ به این نیاز و برای سیراب کردن تشنگان معارف اهل بیت علیهم السلام با فقه اهل سنت آشنا شوند و خود را در معرفی هر چه بیشتر اهل بیت علیهم السلام موفق‌تر و کارآمدتر نمایند؛ چرا که «تُعرف الأشياء بِأضدادِها». آری، در مقام مقایسه و مقارنه میان دو فقه است

ص: ۴۱

که برجستگی فقه اهل بیت علیهم السلام و وابستگی آن به مبدأ نورانی وحی و چشمه سار علوم نبوی آشکار و قابل ارائه به مشتاقان می گردد. پس باید فقه آن‌ها را بشناسیم تا بتوانیم از فقه اهل بیت علیهم السلام در برابر شبهات دفاع کنیم و دیگران را به مشکلات و چالش‌های در پیش روی فقه دیگر مذاهب واقف گردانیم.

۸. بر اساس آنچه در محورهای بالا- گذشت و مواردی که در ضرورت آشنایی و اطلاع عالمان شیعی از فقه مذاهب اسلامی شمردیم لزوم تهیه و تدوین متنی برای این مهم، امری بدیهی و غیر قابل انکار است. البته از آنجا که فقه مقارن در سطوح مختلف قابل تدوین و ارائه می‌باشد، نخستین مرحله و گام در این مسیر آشنایی و اطلاع از فتاوی مذاهب مختلف در مورد موضوعات فقهی است. البته همراه با اشاره‌ای به پیشینه مذاهب و اصول اساسی استنباط از نگاه آن‌ها؛ و در مراحل بالاتر، اطلاع از ادله و مستندات فتوا و تجزیه و تحلیل و نقد آن‌ها، می‌تواند و باید در دستور کار مشتاقان و اهل فن قرار گیرد. به همین منظور و در جهت گام برداشتن در راه پاسخگویی به ضرورت بالا و آشنایی اجمالی و فشرده عزیزان روحانی کاروان‌ها، به گونه‌ای که بتوانند به راحتی به مقایسه میان مذاهب مختلف و آرا و فتاوی آن‌ها بپردازند، اثر حاضر توسط یکی از اعضای کمیته فقه، حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای مصطفی جعفرپیشه فرد، تنظیم و در اختیار عزیزان قرار گرفته است. این اثر به گزارش فشرده‌ای از تاریخچه و آرای اصولی و فقهی پنج مذهب امامیه، حنبلیه، حنفیه، شافعیه و مالکیه پرداخته و در قالب مسائل جداگانه، با استفاده از منابع معتبر پنج مذهب، مقایسه میان آن‌ها را بیان می‌کند. امید است که ارباب فضل و دانش با یادآوری‌ها و توصیه‌های مشفقانه و نقدهای منصفانه خویش، دوستان خود را در کمیته فقه، یاری کنند و اعطای این موهبت بزرگ را از آن‌ها دریغ نورزند.

گروه علمی- / تخصصی فقه

بهار ۱۳۸۸

فصل اول: آشنایی با پیشینه مذاهب فقهی و چکیده‌ای از آراء اصولی آنها

اشاره

اشاره

نخستین شکافی که در میان مسلمانان، پس از عروج پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم به ملاً اعلی، ایجاد شد، اختلاف درباره مرجعیت علمی و سیاسی اهل بیت علیهم السلام بود و ریشه‌های این اختلاف در زمان حیات پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم وجود داشت. پیروان اهل بیت علیهم السلام بر این باور بودند که مرجعیت علمی و سیاسی باید به دست کسانی باشد که عصمت و مصونیت خدایی داشته باشند. (۱) و این ویژگی تنها در اهل بیت علیهم السلام وجود دارد. ایشان با توجه به آیات فراوان قرآنی، مانند آیه ولایت، آیه اولی الامر، آیه تطهیر و حدیث غدیر و ثقلین، (۲) بر تمسک به عترت طاهره در مسائل علمی؛ به ویژه فقه و شریعت اسلامی، و اطاعت از ایشان در امور دینی و دنیوی پافشاری داشتند. در مقابل، اگرچه عامه بر اساس آیه «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»، شوری: ۲۳ به مودت خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معتقد بودند؛

۱- ن. ک به: علامه طباطبایی، شیعه در اسلام، صص ۳۹-۳۵

۲- پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مواقف گوناگون حدیث ثقلین را بیان کرده‌اند؛ مانند روز غدیر، روز عرفه در حجة الوداع، بر منبر خویش در مدینه، بعد از انصراف از طائف، در حجره خویش در بستر بیماری فرمود: «یا أیها الناس إني ترکت فیکم ما إن أخذتم به لن تضلوا؛ کتاب الله و عترتی اهل بیتی»، امام شرف الدین گوید: «الصالح الحاکمه بوجوب التمسک بالثقلین متواتره و طرقها عن بضع و عشرين صحابياً متضافرة، إلی أن قال: وقد اعترف بذلك جماعة من أعلام الجمهور حتی قال ابن حجر- إذا ورد حدیث الثقلین- ثم اعلم ان الحدیث التمسک بهما طرقاً کثیره وردت عن نیف و عشرين صحابياً». ن. ک. به: المراجعات، صص ۲۲-۱۹؛ سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۱، صص ۵۲۵-۵۲۳

ص: ۴۶

ولی به امامت و مرجعیت علمی و سیاسی ایشان اعتقادی نداشتند. پیروان این مکتب برای پاسخ به مسائل فقهی خود، به صحابه مراجعه می‌کردند، در حالی که پیروان مکتب اول، به عترت طاهره مراجعه می‌کردند و معتقد بودند حدیث آن‌ها، حدیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است. (۱)

۱. برجسته‌ترین مشترکات مذهبی عامه و خاصه

اگرچه در مباحث مختلف کلامی و فقهی، عامه و خاصه اختلاف دیدگاه دارند ولی مشترکات فراوانی آن‌ها را به هم پیوند می‌زند. مهم‌ترین مشترکات این دو مذهب در مباحث مرتبط با فقاہت و اصول و مبانی اجتهاد عبارت‌اند از:

- (۱) توحید و ربوبیت تشریعی الهی.
 - (۲) نبوت عامه و نبوت خاصه و واحد بودن دین و شریعت.
 - (۳) خاتمیت و این که حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرامه حرام الی یوم القیامه.
 - (۴) جامعیت شریعت اسلامی و این که احکام آن در همه ابعاد حیات انسانی - که نیازمند هدایت و ارشاد الهی می‌باشد - گسترده است.
 - (۵) حجیت منابع چهارگانه؛ کتاب، سنت، اجماع و عقل.
- عامه و خاصه در این اصول اشتراک نظر دارند، اگرچه در شاخه‌های این فروع و یا تفسیر آن‌ها، دیدگاه‌های آنان متفاوت می‌باشد و بر اساس همین اصول است که می‌توان منشور وحدت میان تمامی مسلمانان را تدوین و تنظیم کرد.
- وسائل الشیعه، ابواب صفات القاضی، باب ۸، ح ۲۶

۱- روی الکلینی یاسنادہ عن هشام بن سالم وحماد بن عثمان و غیرہ، قالوا سمعنا أبا عبد الله عليه السلام يقول: حدیثی، حدیث ابی و حدیث ابی حدیث جدی، و حدیث جدی حدیث الحسین، و حدیث الحسین حدیث الحسن، و حدیث الحسن حدیث أمير المؤمنين عليه السلام و حدیث أمير المؤمنين حدیث رسول الله و حدیث رسول الله قول الله عزوجل.

۲. پیدایش مکتب اهل حدیث و اهل رأی در میان عامه

اشاره

بر اساس بینش عامه که صحابه را مرجع علمی پاسخگویی به نیازهای فقهی می‌شمردند، پس از ارتحال نبی اعظم صلی الله علیه و آله و سلم صحابه در مناطق مختلف بلاد اسلامی پراکنده شدند و مرجعیت مردم را به دست گرفتند، لیکن آنان در آنچه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می‌کردند متفاوت بودند و همه آن‌ها به طور یکسان محضر آن حضرت را درک نکرده و از گفتار و کردار و سیره ایشان مطلع نبودند. از این جهت هر یک از آن‌ها بر حسب درک و فهم خود و به اندازه‌ای که توانسته بودند با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نشست و برخاست داشته باشند، از شریعت بهره گرفته و احکام فقهی را به دست آورده بودند؛ لذا در مقام پاسخگویی به استفتائات و پرسش‌های مردم، میان آن‌ها تفاوت دیدگاه زیادی پدید آمد و بدین صورت، هنوز قرن اول اسلامی به پایان نرسیده بود که دو مکتب فقهی در میان مذهب عامه رایج گردید:

الف) مکتب اهل حدیث

مکتب اهل حدیث در حجاز و به ویژه در مدینه پدید آمد. پرچمداران این مکتب، هفت فقیه معروف، همچون سعید بن مسیب (م ۹۴۲)، عروه بن زبیر (م ۹۴)، قاسم بن محمد (م ۱۰۶) بودند که سعید بن مسیب را باید از برجسته‌ترین آنان شمرد. اگرچه گفته شده، پیش از این هفت نفر؛ عباس، زبیر، عبدالله بن عمر، از پرچمداران مکتب حدیث بوده‌اند. مکتب اهل حدیث، پس از پیدایش، توسط عده‌ای از بزرگان؛ مانند مالک، شافعی و احمد بن حنبل حمایت و گسترش یافت. [\(۱\) شیوه و منهج اصلی مکتب اهل حدیث، پذیرش و قبول نص بود. آن‌ها در مسائل فقهی به کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رجوع می‌کردند و در صورت فقدان نص، به آثار صحابه](#)

۱- محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۱۴۳-۹۴؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود؛ تاریخ التشریع الإسلامی، ج ۱، صص ۷۱-۶۹

ص: ۴۸

و در نهایت بر طبق رأی و فکر شخصی خویش عمل می‌کردند و آن را «اجتهاد» می‌نامیدند. ایشان برخلاف اهل رأی، سنت را مستقل از قرآن در تشریع احکام می‌شمردند و لذا تخصیص قرآن با خبر واحد را مجاز می‌دانستند و برای عمل به خبر واحد، شرایط خاصی جز وثاقت و حافظ بودن راوی قائل نبودند. البته در میان خود اهل حدیث، گرایش‌های مختلفی به تدریج بروز کرد که در مباحث بعدی به گزارش فشرده از آن‌ها خواهیم پرداخت. (۱)

ب) مکتب اهل رأی

اهل رأی به کسانی گفته می‌شد که در مقام استنباط فقهی، قائل بودند به اعمال نظر و فکر شخصی، در مواردی که با فقدان نص مواجه می‌شدند. اگرچه در میان بسیاری از اهل حدیث نیز مراجعه به رأی شخص مجاز شمرده می‌شد، ولی این مراجعه به صورت حداقل و در موارد ضرورت مشروعیت داشت. ولی اهل رأی قائل به توسعه در این زمینه بودند. آن‌ها مراجعه به رأی را اجتهاد و تأویل می‌نامیدند و معتقد بودند از زمان صحابه، اجتهاد به رأی وجود داشته است و خلفا؛ به ویژه خلیفه دوم، اصل و اساس آن محسوب می‌شوند. (۲) اجتهاد به رأی را اگرچه به حضرت امیر علیه السلام نیز نسبت داده‌اند (۳)، ولی این ادعایی است خلاف واقع و مسأله مخالفت اهل بیت علیهم السلام و در رأس آن‌ها امام علی علیه السلام با عمل به رأی شخصی در مقام کشف و استنباط حکم شرعی، از مسلمات و ضروریات شمرده می‌شود و در جوامع روایی شیعه و در سیره و روش اهل بیت علیهم السلام کاربرد قیاس فقهی در استنباط

۱- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، ص ۶۹؛ محمد الخضری بک، تاریخ التشریع الاسلامی، صص ۹۳-۹۵

۲- محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۹۵ و ۹۴

۳- همان، ص ۱۱۴؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ج ۱، صص ۴۷۹-۴۷۱

ص: ۴۹

احکام مورد انکار شدید قرار گرفته است. (۱) در هر صورت، در مورد ریشه مکتب رأی گفته‌اند: عبدالله بن مسعود به پیروی از خلیفه دوم و سپس یاران او؛ مانند علقمه بن قیس (م ۶۲)، اسود بن یزید (م ۷۵) و شریح بن الحارث (م ۸۲) از استوانه‌های اهل رأی بودند و در ادامه زعامت این مکتب در اختیار ابراهیم نخعی (م ۹۵) و شاگردش حماد بن سلیمان (م ۱۲۰) قرار گرفت. حماد بن سلیمان (م ۱۲۰) استاد ابوحنیفه است و ابوحنیفه نه تنها ادامه‌دهنده راه اهل رأی شمرده می‌شود، بلکه خود از معماران بزرگ این مکتب است. (۲) اگرچه اهل رأی هم مانند اهل حدیث، احکام را از روایات اخذ می‌کردند و آن را معتبر می‌شمردند، ولی برای پذیرش روایت، نکات و شرایطی ویژه قائل بودند و آن مقدار که از روایات جعلی بیمناک بودند، از فتوا بر اساس رأی و فکر شخصی هراسی نداشتند. از نظر آن‌ها احکام الهی دارای معانی معقول است و علل و ضابطه‌ای دارند که می‌توان با تفکر به حقایق آن‌ها نایل شد. از این رو، حتی در مواردی قیاس را بر خبر واحد ترجیح می‌دادند. (۳) نزاع میان اهل حدیث و اهل رأی، نزاعی گسترده و توان فرسا بود. از ابن حنبل نقل شده که اصحاب رأی را بدعت‌گذار، گمراه و دشمن سنت معرفی می‌کرد. در برابر اهل رأی هم فقهای اهل حدیث را به جمود و ضعف فکری متهم می‌کردند.

در این میان، مکتب خاصه و پیروان اهل بیت علیهم السلام، هر دو مکتب رأی و حدیث را برخلاف صراط مستقیم و ناصواب می‌شمردند. خاصه ضمن آن که مراجعه به فکر شخصی

۱- ن. ک. به: عبدالحسین شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، موسوعه الامام شرف‌الدین، ج ۲، سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین،

ج ۲، صص ۸۴ و ۹۵

۲- محمد سلام مدکور، همان، صص ۱۲۰-۱۱۴

۳- محمد سلام مدکور، همان، صص ۱۲۲-۱۲۰؛ محمد ابراهیم جنانی، ادوار اجتهاد، صص ۱۱۳-۱۰۱

ص: ۵۰

و قیاس و اجتهاد رأی را محکوم می‌دانستند؛ منابع سنت را منحصر به روایات پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی‌کردند و حجیت و سنت را به روایات اهل بیت علیهم السلام هم توسعه می‌دادند. (۱)

۳. پیدایش مذاهب چهارگانه عامه

پس از ظهور دو مکتب «اهل حدیث» و «اهل رأی» و در ذیل دو مکتب یاد شده (در عصر خلفای عباسی) فقهای برجسته‌ای ظهور کردند که به تدریج مذاهب مختلف عامه را پدید آوردند. مشهورترین پیشوایان مذاهب فقهی عامه عبارت بودند از: حسن بصری، ابوحنیفه، مالک بن انس، ابن ادریس شافعی، احمد بن حنبل، اوزاعی، سفیان ثوری، داود بن علی اصفهانی اهری و ابن جریر طبری. سایر مذاهب، به جز چهار مذهب، به تدریج از صحنه بیرون رفتند و بر اثر سیاست‌های مختلفی که حکومت‌های مختلف، همچون دولت عباسی، عثمانی و اموی اتخاذ کردند؛ چهار مذهب حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی ادامه حیات دادند. در ادامه بحث، گزارشی مختصر و فشرده از پیدایش و مبانی اساسی این چهار مذهب را خواهیم دید.

۴. مذهب حنفی (نخستین مذهب)

اشاره

ابوحنیفه، نعمان بن ثابت بن زوطی (۱۵۰-۸۰ ه. ق.) از نژاد فارس، در کوفه به دنیا آمد و در همان جا به فروش لباس خَز اشتغال داشت. در دوره حیات او، خلافت از بنی‌امیه به عباسیان منتقل شد. (۱۳۲ ه. ق.) وی در کوفه به آموختن فقه پرداخت و در حلقه درسی حماد بن سلیمان درآمد. فقه اهل رأی را از او آموخت و بعد از مرگ استاد خویش، زعامت مذهب رأی را برعهده گرفت و دیری نپایید که مذهبش به سرعت در عالم اسلام منتشر

۱- ن. ک. به: ج ۱۸ وسائل الشیعه، ابواب صفات القاضی، باب ۶، مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، صص ۴۶۳-۳۸۵

ص: ۵۱

گردید. (۱) مذهب حنفی در مناطق زیادی؛ چون عراق، افغانستان، پاکستان، هند، چین، شام، اروپا، ترکیه، آلبانی، یوگسلاوی و رومانی منتشر شد. مذهب رسمی خلافت‌ها و سلسله‌های سلطنتی مختلف؛ از جمله عباسیان، صفاریان، سلجوقیان و غزنویان حنفی بود و تا همین اواخر، مذهب رسمی دولت عثمانی نیز حنفی بود.

در علت انتشار و کثرت پیروان حنفی می‌توان به سه عامل عمده اشاره کرد:

۱. تربیت شاگردان فراوان و توانمند در این مذهب ۲. قرار گرفتن مذهب رسمی دستگاه سیاسی خلافت‌ها و حکومت‌ها و منصوب شدن قضات حنفی در جهان اسلام؛ به عنوان نمونه، قاضی ابویوسف شاگرد ابوحنیفه از طرف هارون الرشید به ولایت قضایی در بغداد منصوب شده بود و ابویوسف تنها حنفی‌ها را به قضاوت در سراسر عالم اسلام می‌گمارد. (۲)

۳. ماهیت مذهب حنفی که با تکیه بر قیاس و اجتهاد به رأی، راهی سهل و انعطاف‌پذیر را در اختیار پیروان خود قرار می‌داد و با سرعت می‌توانست مشکلات مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... را به خصوص برای دستگاه خلافت با کمک قیاس و مانند آن از سر راه بردارد.

اصول اساسی مذهب حنفی

۱. کتاب خدا؛ (قرآن)

۲. سنت نبوی: اگرچه سنت از منابع اجتهادی همه مذاهب اسلامی است، ولی مذهب حنفی تنها به حدیث متواتر یا مشهوری که فقها به آن عمل کرده‌اند، اعتماد می‌کند و اما در

۱- محمد الخضری بک، تاریخ التشریع الاسلامی، صص ۱۴۴ و ۱۴۳؛ تاریخ الطبری، ج ۵، صص ۶۲۲-۵۹۷

۲- محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۶۰۴-۵۹۹؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ص

ص: ۵۲

پذیرش خبر واحد، شرایط سختی را، علاوه بر عادل و ضابط بودن راوی قائلند؛ از جمله این که:

- راوی خودش به روایت عمل کرده باشد.

- علاوه بر ضبط متن محتوای آن را فهمیده و درک کرده باشد.

- روایت از امور مورد ابتلا و عامّ البلوی نباشد.

آن‌ها روایات خلفای اربعه را می‌پذیرند، ولی روایات افرادی چون ابوهریره را که معروف در فقه و درک مدلول روایت نیستند، رد می‌کنند، مگر این که موافق قیاس باشد. (۱)۳. قول صحابی: در صورت فقدان نص و نبودن کتاب و سنت نبوی، اگر حکمی مورد اجماع و اتفاق صحابه بود، اعتبار دارد. (۲)۴. قیاس: در صورت فقدان نص و نبودن قول صحابی، به قیاس تمسک می‌شود.

اصولی‌ها، قیاس فقهی (تمثیل منطقی) را چنین تعریف می‌کنند: «إلحاق أمر غیر منصوص علی حکمه، بِأمر آخر منصوص علی حکمه لعلّه جامعۀ بینهما». بحث درباره حجّیت قیاس، از مباحث پر دامنه، از صدر اسلام بوده است. در حالی که حنفیه آنقدر شعاع دایره حجّیت قیاس را توسعه می‌دهند که در مواردی حتی آن را بر خبر واحد نیز مقدم می‌دارند و برخی از آن‌ها صرف شباهت در اوصاف را کافی برای قیاس حکمی به حکم دیگر می‌دانند.

در مقابل، گروهی مانند ظاهریه آن را معتبر نمی‌دانند. برخی از معتزله و علمایی مانند ابن حزم آن را موجب تناقض در احکام و برافروخته شدن آتش اختلاف در امت اسلامی تلقی می‌کنند. از نظر خاصه نیز قیاس حجّیت ندارد و عمل به قیاس مورد نهی شدید اهل

۱- همان

۲- الشیخ ابوزهره، تاریخ المذاهب الاسلامیه، ص ۳۷۶؛ علی محمد معوص و عادل احمد عبدالموجود، همان، ج ۲، ص ۸۱

ص: ۵۳

بیت علیهم السلام می‌باشد. (۱)۵. استحسان: در تعریف استحسان، میان اصولی‌ها اختلاف است. کرخی از علمای حنفی، استحسان را اینگونه تعریف می‌کند: «الاستحسان هو العدول فی المسأله عن مثل ما حکم به فی نظائرها إلی خلافه لوجه أقوى».

در اعتبار و حجیت استحسان، میان عامه اختلاف عمیق وجود دارد. در حالی که شافعی گفته است: «من استحسَن فقد شرَّع» و آن را بی‌اعتبار شمرده است. مذاهب دیگر؛ به ویژه حنفیه در شعاعی وسیع به حجیت آن معتقدند.

آنچه توجه به آن در بحث حجیت استحسان لازم است این است که در استحسان، سند و مدرک آن باید مورد ملاحظه قرار گیرد. سند استحسان ممکن است یکی از امور ذیل باشد: قیاس حنفی، نص، اجماع، عرف و ضرورت. از این رو، به نظر امامیه، اگر منظور از استحسان اخذ به اقوی الدلیلین باشد، می‌توان آن را معتبر دانست، ولی روشن است که در این صورت استحسان منبعی در مقابل سایر منابع، مانند کتاب و سنت و عقل نخواهد بود و نیازی به طرح جداگانه آن نیست (۲) و در غیر این صورت نیز روشن است که فاقد حجیت خواهد بود.

۶. اجماع: اگرچه در تعریف اجماع و معیار تحقق آن، میان مذاهب اختلافی گسترده حاکم است ولی در هر صورت، حنفیه اجماع را معتبر می‌شمرند. (۳)۷. عرف: عرف را تعریف کرده‌اند به: «ما استقرَّت النفوس علیه بشهادة العقول وتلقته الطبائع بالقبول»، عرف در مذهب حنفی جایگاهی مهم دارد، به ویژه آن که ابوحنیفه

۱- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، صص ۳۴۳-۳۰۶؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۳۵۷-۲۶۶

۲- محمد تقی حکیم، اصول العامه للفقهاء المقارن، صص ۳۶۳-۳۴۷؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۸۰-۲۶۶؛ علی محمد

معوض و عادل احمد عبدال موجود، ج ۲، ص ۸۲

۳- محمد تقی حکیم، همان، صص ۲۶۲-۲۴۱؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۴۲-۲۳۱

ص: ۵۴

در تجارت و معامله با مردم اهل خبره بوده و از عرف آگاهی داشته است. (۱) از نظر مذهب امامیه، عرف در تشخیص معانی الفاظ و ظهور عرفی کلمات و در تشخیص موضوعات عرفی حجت است. همچنین عرف، به عنوان سیره عقلا- در صورتی که در مرآی و مسمع شارع باشد و شارع از آن نهی نکرده باشد، اعتبار دارد. (۲)

مهمترین منابع فقهی مذهب حنفی

در مذهب حنفی کتب محمد بن حسن شیبانی، منبع اصلی و اولیه فقه حنفی محسوب می‌شود. مهمترین آنها، شش کتاب است که به آنها «ظاهرالروایه» گویند. در وصف این شش کتاب گفته‌اند: «تؤخذ بما فیها و لا یرجح علیها غیرها إلّا بترجیح خاص».

این شش کتاب عبارت‌اند از:

۱. المبسوط ۲. الجامع الکبیر ۳. الجامع الصغیر ۴. کتاب السیر الکبیر ۵. کتاب السیر الصغیر ۶. کتاب الزیادات.
- افزون بر کتب محمد بن حسن شیبانی، برخی دیگر از منابع معتبر حنفیه عبارت‌اند از:
۱. المختصر، المعروف به «الکتاب»، تألیف: احمد بن محمد القدوری البغدادی.
۲. بدائع الصنائع، تألیف: علاءالدین بن مسعود کاشانی.
۳. الهدایه، تألیف: علی بن ابی بکر عبدالجلیل المرغینانی.
۴. مختصر الوقایه، تألیف: عبدالله بن مسعود الحبوبی. (۳)

۵. مذهب مالکی (دومین مذهب)

اشاره

مالک بن انس (۱۷۹-۹۳ ه. ق.) در شهر مدینه متولد شد و به جز سفر برای حج، هرگز

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۵۰-۲۴۴

۲- محمد تقی حکیم، صص ۴۱۲-۴۰۶

۳- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ج ۲، صص ۹۶ و ۹۵

ص: ۵۵

از مدینه بیرون رفت. نزد امام صادق علیه السلام، علی محمد بن المنکدر و ربیعہ الرأی تلمذ کرد و سپس به تدریس حدیث و فقه روی آورد.

مالک نخستین کسی است که در عالم عامه، به تدوین حدیث بر اساس ابواب فقهی پرداخت. کتاب «الموطأ» اثر حدیثی اوست. وی در زمینه فقه تألیف ندارد و فقه او را شاگردانش تدوین و تنظیم کرده‌اند.

در مقابل مذهب حنفی که ادامه مکتب اهل رأی به حساب می‌آید، فقه مالک تداوم بخش مکتب اهل حدیث می‌باشد. اگرچه از رأی نیز بهره می‌گیرد. مالک به طور کلی از مباحث کلامی اجتناب می‌کرد و خوض در امور غیبی را نمی‌پسندید و قائل به رؤیت الله در قیامت بود.

فقه مالکی در حجاز منتشر شد و سپس در غرب عالم اسلام و آفریقا گسترش یافت.

علت آن هم حمایت دستگاه خلافت اموی- که در اندلس حکومت می‌کردند- از این مذهب بود؛ به گونه‌ای که فقه او را مذهب رسمی خود قرار دادند. (۱)

اصول اساسی مذهب مالکی

اصول مذهب مالکی را به دو گروه تقسیم می‌کنند: «اصول مشترک» و «اصول اختصاصی»

الف) اصول مشترک با سایر مذاهب

۱. قرآن کریم.

۲. سنت؛ علاوه بر خبر متواتر، به نظر مالکی‌ها خبر واحد در صورت ثقه و حافظ بودن راوی معتبر است. اگرچه عمل اهل مدینه بر

خبر واحد تقدم دارد. (۲)

۱- محمد سلام مدکور، همان، ۶۲۵-۶۱۶؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ج ۲، صص ۱۰۷-۹۷؛ محمد

الخضری بک، همان، ص ۱۴۹

۲- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۳۲-۶۲۷؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۰۷ و ۱۰۸

ص: ۵۶

۳. اجماع؛ به نظر مالکی‌ها، معیار تحقق اجماع و اعتبار آن، اجماع اهل مدینه است. (۱) ۴. قول صحابی؛ صحابی به کسی گفته می‌شود که «لَقِيَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَبَقِيَ مَعَهُ مَدَّةٌ يَصِحُّ مَعَهَا إِطْلَاقُ:» - صاحب فلان - علیه، بلا تحدید لهذه المدة». مالکیه بیش از دیگر مذاهب به حجیت قول صحابی معتقدند و آن را بر خبر واحد مقدم می‌دارند. (۲) ۵. قیاس؛ در صورت فقدان چهار اصل گذشته، نوبت به قیاس می‌رسد. (۳) ۶. استصحاب؛ استصحاب به نظر عامه ظن به بقای حکم است و به نظر مالکیه در شعاعی گسترده معتبر است.

۷. استقراء؛ به نظر مالکیه معتبر است.

۸. استدلال؛ «محاولة الدليل المفضي إلى الحكم الشرعي من جهة القواعد لا من جهة الأدلة المنصوبة» بر اساس تعریف بالا، مالکیه استدلال را از اصول استنباط می‌شمرند. (۴) ۹. الاستحسان؛ مالکیه با ترجیح مصلحت بر قیاس، آن را استحسان می‌نامند. مالک گفته است: «الاستحسان تسعة أعشار العلم».

۱۰. شرع من قبلنا؛ احکام شرایع سابقه برای اهل اسلام نیز معتبر است، مگر این که منسوخ شده یا تخصیص خورده باشد و مالکیه این اصل را معتبر می‌دانند.

۱۱. البرائة الأصلية؛ به نظر عامه، برائة الأصلية نوعی از انواع استصحاب است و اعتبار دارد. (۵)

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۳۸-۶۳۲؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ج ۲، صص ۱۱۴-۱۰۹

۲- همان

۳- همان

۴- همان

۵- همان

ص: ۵۷

(ب) اصول اختصاصی مذهب مالکی:

۱. عمل اهل مدینه:

به نظر مالکی‌ها عمل اهل مدینه حجت و بر خبر واحد معتبر است. حتی در صورتی که اهل مدینه اختلاف داشتند، یک رأی بر رأی دیگر ترجیح داده می‌شود، ولی از نظر اهل مدینه به قول سومی رجوع نمی‌شود. (۱) ۲. مصالح مرسله:

به نظر اکثر اصولیان عامه «مصلحت» فایده و ثمره‌ای است که بر احکام شرعی مترتب می‌شود و مقصود شارع را از جعل احکام تأمین می‌کند. همچنین منظور از «مرسله» آن است که بر نص خاص شرعی تکیه نکند و از عمومات یا از حکم عقل شود.

«مصالح مرسله» بنابر آنچه شهرت یافته، از اصول اختصاصی مذهب مالکی است. به نظر مالکیه مصلحت مرسله بر خبر واحد مقدم است. (۲) به نظر خاصه، اگر عقل بتواند به صورت یقینی و قطعی کشف ملاک و مصلحت کند، اعتبار دارد و الا حجت نیست.

۳. سد ذرایع و فتح ذرایع

ذریعه عبارت از مقدمه و وسیله‌ای است که منجر به انجام حرام یا انجام واجب می‌شود.

به نظر مالکی‌ها ذریعه‌ای که به انجام حرام و پیدایش مفسده منتهی شود حرام است و این قانون را «سد ذرائع» گویند و مقدمه‌ای که به قرب الی الله و مقصد خیری بینجامد، حکم مقصود و ذی المقدمه را پیدا می‌کند؛ به این اصل هم «فتح ذرایع» گویند. (۳)

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۴۲-۶۳۲؛ محمد تقی حکیم، همان، صص ۳۸۸-۳۶۹ و ۳۸۹، ۴۰۱ و ۴۰۰؛ علی محمد

معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۱۹-۱۱۴؛ محمد الخضری بک، همان، صص ۱۵۱ و ۱۵۰

۲- همان

۳- همان

ص: ۵۸

۴. مراعاة الخلاف:

وقتی دو دلیل متعارض وارد شد، می‌توان به مقتضای هر دو عمل کرد و در نتیجه به دو حکم متنافی رسید. مالکیه بر طبق این اصل عمل می‌کنند و نام آن را مراعاة الخلاف می‌نهند. اگرچه در برخی دیگر از مذاهب، همانند حنفیه و شافعیه نیز این اصل به طور محدودتر پذیرفته شده است. (۱)۵. مراعاة العرف:

اعتبار و حجیت عرف و مراعات آن، از امور مورد اتفاق بقیه مذاهب عامه نیز هست و حنفیه و شافعیه هم با آن‌ها اشتراک رأی دارند، ولی با توجه به نظر مالکیه در بحث مصالح مرسله، عرف را در شعاعی گسترده‌تر از دیگر مذاهب، معتبر شمرده‌اند؛ زیرا به نظر آن‌ها، عرف یکی از مصادیق مصلحت است. (۲)

مهمترین منابع فقهی مذهب مالکی

۱. المدونه: اساس مذهب مالکی و مهمترین کتاب آن محسوب می‌شود. اگرچه در مؤلف آن اختلاف است؛ مشهور است که تلمیذ مالک، سحنون بن سعید، مدونه را از او روایت کرده است.
۲. الواضحه، تألیف: ابن حبيب.
۳. متن الرسالة، تألیف: عبدالله ابن ابی زید القيروانی.
۴. الکافی فی فقه اهل المدینه، تألیف: یوسف بن عبدالله النمری القرطبی.
۵. بدایةالمجتهد و نهایةالمقتصد، تألیف: محمد بن احمد بن رشد.
۶. مختصر الخلیل، تألیف: خلیل بن اسحاق الجندی.

۱- علی محمد معوض، همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۰؛ محمد سلام مدکور، همان، ص ۶۴۱

۲- علی محمد معوض، همان، صص ۱۴۰ و ۱۳۹

۶. مذهب شافعی (سومین مذهب)

اشاره

محمد بن ادریس شافعی (۲۰۴-۱۵۰ ه. ق.) از نژاد قریش است و در غزه به دنیا آمد. او در دو سالگی به مکه منتقل گردید و در آنجا به حفظ قرآن و احادیث و آموختن فقه نزد علمای آن دیار پرداخت. وی در شهر مکه، موطأ مالک را حفظ کرد و سپس برای شرکت در درس مالک بن انس، عازم مدینه شد. مدت نه سال تا هنگام مرگ مالک، نزد او به تلمذ پرداخت. سپس برای کار در دستگاه حکومتی عازم یمن شد، ولی در آنجا به اتهام گرایش به مذهب تشیع، دستگیر و به مرکز خلافت، نزد هارون الرشید فرستاده شد. وی این اتهام را از خود رفع کرد، اگرچه علاقه خود را به اهل بیت و امام علی علیهم السلام پنهان نمی کرد.

شافعی در عراق با فقه حنفی و علمای آن مذهب؛ از جمله محمد بن حسن شیبانی آشنا شد و این رابطه موجب گردید که شافعی علاوه بر مکتب اهل حدیث که از مالک آموخته بود، مکتب اهل رأی را نیز در آن دیار بیاموزد. وی عراق را به مقصد مکه ترک گفت و برای بار دوم در زمان خلافت امین، به عراق وارد شد، در حالی که مذهبی ممزوج از مذهب حنفی و مالکی پدید آورده بود. در عراق، مذهب خویش را اعلام و عده‌ای را با خود همراه کرد و به این مذهب او، مذهب عراقی یا مذهب قدیم شافعی گویند. شافعی عراق را بار دیگر ترک کرد، اما پس از مدّت کوتاه برای بار سوم، بار دیگر به عراق بازگشت، اما این بار، پس از اقامتی چند ماهه، راهی مصر شد و در آنجا میان پیروان مذهب مالکی، مذهب خود را که با تغییراتی نسبت به گذشته همراه بود، گسترش داد. آرای او در مصر به مذهب مصری یا مذهب جدید شافعی شهرت یافت. (۱) مذهب شافعی از یک سو به دلیل ایجاد شرایط سخت برای اعتماد به روایات، با مذهب

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۴۷-۶۴۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۵۷-۱۴۱؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ح ۴، صص ۱۶۴ و ۱۶۳؛ محمد الخضری بک، همان، صص ۱۵۷ و ۱۵۶

ص: ۶۰

حنفی مخالف است و احیاناً قیاس را بر آن ترجیح می‌دهد، از سویی دیگر با مذهب مالکی نیز مخالف است که عمل اهل مدینه را بر خبر واحد مقدم می‌دارد. شافعی کتب زیادی از خود به یادگار گذاشته است. «الرساله» در اصول و «الأم» در فقه از کتب مهمی است که به قلم او تألیف و درتکونین و نشر مذهب او مؤثر بوده است. مذهب شافعی در برخی مناطق توانست بر دو مذهب حنفی و مالکی غلبه یابد و به ویژه در مصر پیروانی پیدا کند. (۱) شافعی از نظر اعتقادی، کلام‌الله را قدیم می‌شمرد. اصحاب خود را از خوض در علم کلام باز می‌داشت. امامت را در قریش می‌دانست و معاویه را فئه یاغی به حساب می‌آورد. (۲)

اصول اساسی مذهب شافعی

۱. کتاب الله.
۲. سنت نبوی؛ شافعی مدافع شدید عمل به خبر واحد ثقه و ضابط است و آن را همچون قرآن واجب الاتباع می‌داند و شرایط مالکیه و حنفیه را برای عمل به خبر واحد مردود می‌شمرد.
۳. اجماع؛ اجماع با تفسیر خاصی نزد شافعی اعتبار دارد، چون او علم به اتفاق را غیر ممکن می‌شمارد، لذا «عدم العلم بالخلاف» را اجماع شمرده و آن را حجت می‌داند.
۴. قول صحابی؛ بعد از نص (کتاب و سنت) و اجماع، قول صحابه معتبر است و بر قیاس مقدم می‌شود.
۵. قیاس؛ در صورت وجود علت منضبط و فقدان خبر صحیح، قیاس اعتبار دارد.
۶. استصحاب؛ یکی از مصادر استنباط، استصحاب است.

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۵۳-۶۴۹؛ علی محمد معوض، همان، ص ۱۵۲

۲- همان، صص ۶۷۰، ۶۵۱ و ۶۵۰، علی محمد معوض، همان، صص ۱۵۱-۱۴۹؛ محمد الخضری بک، همان، صص ۱۵۸ و ۱۵۷،

۱۶۲ و ۱۶۱

ص: ۶۱

۷. عرف؛ از اصول معتبر و از مصادر استنباط محسوب می‌شود. (۱) شافعی استحسان را مردود می‌شمرد و می‌گوید: «من استحسن فقد شرع». (۲)

مهم‌ترین منابع فقهی مذهب شافعی

۱. الأم، تألیف: محمد بن ادريس شافعی.
۲. مختصر المزنی، تألیف: اسماعیل بن یحیی المصری المزنی.
۳. المهذب، تألیف: ابراهیم بن محمد شیرازی.
۴. متن ابی شجاع، تألیف: احمد بن حسین بن احمد اصفهانی.
۵. منهاج الطالبین، تألیف: یحیی بن شرف الحزامی النووی. (۳)

۷. مذهب حنبلی (چهارمین مذهب)

اشاره

احمد بن محمد بن حنبل المروزی (۲۴۱-۱۶۴ ه. ق.) که نسب عربی دارد، در بغداد متولد شد. خاندان او در مرو حاکم شده بودند و از این جهت زبان فارسی را می‌دانست. بعد از حفظ قرآن و آموزش عربی، برای آموختن حدیث در درس قاضی ابویوسف حنفی شرکت جست. بر اثر این ارتباط با فقه اهل رأی و مذهب حنفی نیز آشنا شد. وی سپس در طلب فراگیری حدیث به شهرهای مختلف از جمله کوفه، بصره، مکه و مدینه، شام و یمن مسافرت کرد و در علوم حدیث به جایگاهی رفیع نایل شد. وی در بغداد شافعی را دید و مدتی طولانی در حلقه درس وی شرکت کرد و مذهب شافعی در او مؤثر واقع شد. با این وجود گرایش به حدیث در اندیشه فقهی او موج می‌زند؛ به گونه‌ای که عده‌ای او را از فقها به شمار نیاورده و محدّثش نامیده‌اند. لذا در فقه او این امر کاملاً مشهود است که فقه اثری و

۱- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ص ۱۵۱

۲- همان

۳- علی اصغر مروارید، همان

ص: ۶۲

حدیثی است. او در علم حدیث، مسند را تدوین کرده است. مسند احمد بن حنبل، مشتمل بر بیش از چهل هزار حدیث است. او علاوه بر مسند، کتب دیگری نیز تألیف کرد. ولی در زمینه فقه، اثری از خود به جای نگذاشت، بلکه از نوشتن آن کراهت داشت و فقه او را بزرگترین فرزندش به نام صالح و برخی از مریدانش گردآوری کرده‌اند؛ فقهی که بر اساس سنت و گفتار صحابه و تابعین شکل گرفته است. (۱) فقه حنبلی در جهان اسلام گسترش چشمگیری نیافت و پیروان و مقلدان مذهب حنبلی در اعصار گذشته آنچنان قابل توجه نبوده‌اند. اگرچه در دوران معاصر، با تسلط وهابیان بر حجاز، مقداری بر اقتدار این مذهب افزوده شد. درباره علت کمی پیروان این مذهب و عدم گسترش عقاید ایشان، محققان عامه دلایلی را ذکر کرده‌اند:

۱. مذهب حنبلی آخرین مذهب، پس از مذاهب حنفی، مالکی و شافعی است و هنگامی ظهور کرد که دیگر مذاهب، تقریباً به تمامی مناطق اسلامی راه یافته بودند.

۲. قضات جهان اسلام، پیرو این مذهب نبودند و قضاوت از عوامل مهم نشر مذاهب فقهی بوده است.

۳. خوی و منش افراطی پیروان مذهب حنبلی، موجب پرهیز و اجتناب مردم از این مذهب بوده است.

۴. روی نیاوردن به اجتهاد و پافشاری بر حدیث و اقوال گذشتگان و تلاش در جهت جمع روایات مختلف با یکدیگر.

فقه احمد بن حنبل تنها در اطراف بغداد و شام پیروانی پیدا کرد. (۲)

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۷۱-۶۹۶؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۷۰-۱۵۹؛ محمد الخضری بک، همان، ص ۱۶۱

۲- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۶۷-۱۶۵

اصول اساسی مذهب حنبلی

۱. قرآن کریم و سنت؛ احمد بن حنبل افزون بر قرآن و سنت متواتر، به مقتضای روایت واحد نیز عمل می‌کرد، اگرچه در میان صحابه به آن خبر عمل نشده و خلفا حتی با آن مخالفت کرده‌اند. ابن حنبل هیچ عمل و رأی و قیاس و اجماعی را مقدم بر حدیث صحیح نمی‌دانست و حدیث ضعیف نیز اگر دلیل محکمی علیه آن نباشد، قابل اعتماد و بر قیاس مقدم است.
۲. فتوای صحابه؛ در صورت فقدان نص، به فتوای صحابه رجوع می‌شود.
۳. انتخاب از میان اقوال صحابه در صورت اختلاف آن‌ها؛ هر قولی که مرجّحی از کتاب و سنت داشت یا قولی که مربوط به اعلم بود، همچون خلفا، آن قول مقدم است.
۴. حدیث مرسل؛ احادیث مرسل از احادیث ضعیف محسوب می‌شود، ولی احادیث ضعیف را از اقسام حدیث حسن شمرده نه حدیث باطل و منکر و متهم.
۵. قیاس؛ در موارد ضرورت از قیاس استفاده می‌شود. (۱) علاوه بر اصول پنجگانه بالا، در صورت فقدان نص و اثر و در صورتی که مشابهت برای تمسک قیاس موجود نباشد، می‌توان به استصحاب وجودی و عدمی تمسک کرد. همچنین فقه حنبلی در صورتی که استصلاح و مصالح مرسله، با مقاصد شریعت موافق و با اصول آن در تنافی نباشد و با تمسک به آن حرج رفع گردد با این اصل نیز موافق است. لذا با این که شافعی به مصالح مرسله معتقد نبود، در مذهب حنبلی بیش از سایر مذاهب حتی مذهب مالکی، اخذ به مصالح مرسله مطرح است.
- همچنین مذهب حنبلی سدّ ذرایع را که به فساد منجر می‌شود، می‌پذیرد، کما این که احمد بن حنبل نسبت به اجماع، نظری همچون شافعی دارد که منظور از آن عدم علم به

۱- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۶۸ و ۱۶۷؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۹۶-۶۸۸

ص: ۶۴

خلاف است و آلا مدعی اجماع کاذب است. (۱)

برخی از آراء کلامی احمد بن حنبل

احمد بن حنبل، برخلاف دستگاه خلافت عباسی، قائل به قدیم بودن قرآن بود و از این رو به تازیانه و زندان محکوم و در عصر خلافت مأمون، معتصم و واثق، گرفتار محنت بود، تا این که در عصر متوکل این محنت به پایان رسید. در مسأله توحید، قائل به امکان رؤیت الهی در قیامت است. در امامت، خروج بر امام، حتی امام ظالم را جایز نمی‌داند و سخن گفتن در مورد اعمال صحابه و خلفا را بدعت می‌شمرد. با آن که احمد بن حنبل معتقد است: «إِنَّ الْخِلَافَةَ لَمْ تَزَيِّنْ عَلِيًّا بَلْ عَلِيٌّ زَيَّنَهَا» ولی اجازه سخن گفتن در مورد جنگ‌های میان آن حضرت و معاویه را نمی‌دهد و آن را جایز نمی‌داند. او امامت را به نص می‌داند و لذا خلافت ابوبکر را نیز به نصب او توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای امامت جماعت در ایام بیماری دانسته است. (۲)

مهم‌ترین منابع فقهی مذهب حنبلی

به جز مسند احمد بن حنبل که اصل اولیه این مذهب است، مهم‌ترین منابع فقهی حنبلی عبارت‌اند از: (۳) ۱. مختصر الخرقی، تألیف: عمر بن حسین بن عبدالله. ۲. شرح الخرقی، تألیف: قاضی ابی یعلی محمد بن حسین بن فراء. ۳. رؤوس المسائل، تألیف: عبدالخالق بن عیسی بن احمد هاشمی.

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۶۹۶-۶۹۲

۲- همان، صص ۶۸۰-۶۷۸

۳- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۹۴ و ۱۹۳؛ علی اصغر مروارید، المصادر الفقهیه

ص: ۶۵

۴. عمده‌الفقه، تألیف: عبدالله بن احمد بن قدامه.

۵. المقنع، تألیف: عبدالله بن احمد بن قدامه.

۶. الکافی فی فقه ابن حنبل، تألیف: عبدالله بن احمد بن قدامه.

۷. المغنی، تألیف: عبدالله بن احمد بن قدامه.

۸. تداوم مذهب حنبلی در قرون متأخر

همانطور که گذشت، مذهب حنبلی، توفیق چندانی در گسترش نداشت، تا این که در قرن هفتم، ابن تیمیه ظهور کرد. تقی‌الدین ابن تیمیه الحرانی (۷۲۸-۶۶۱ ه. ق.) نزد اساتید دمشق تلمیذ کرد، ولی بیشتر مطالعاتش جنبه خودآموزی داشت. وی در سال ۶۹۸ برای نخستین بار بر اثر ارائه «الفتاوی الحمدیه» اعتراض عده‌ای از فقها را بر ضد خود برانگیخت و این حرکت، بارها تکرار شد و همچنان تا پایان عمر او تداوم داشت. آرا و فتاوی شاذ، او را به زندان افکند. بارها او را به اسکندریه و قاهره تبعید کردند. او که از نظر فقهی پیرو احمد بن حنبل بود، در بسیاری موارد آرای او را ابراز کرد که با مذهب ابن حنبل نیز توافق نداشت.

وی برخلاف ابن حنبل، نسبت به صحابه و حتی خلفای اربعه، از بدگویی ابایی نداشت.

در مورد خلیفه اول می‌گفت: «ابوبکر اسلم شیخاً لایدری ما یقول». خلیفه دوم را تخطئه می‌کرد، خلیفه سوم را محب مال می‌شمرد و فتاوی امام علی علیه السلام را در هفده مورد بر خطا و برخلاف نص قرآن می‌دانست و آن حضرت علیه السلام را به حب ریاست متهم می‌کرد.

ابن تیمیه قائل به نزول خداوند از آسمان بود و زیارت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و استغاثه به آن حضرت را مجاز نمی‌دانست. همین دوران در مقابل عقاید و آرای شاذ ابن تیمیه، تألیف کتب در پاسخ به اندیشه‌های او و صدور فتاوی فقهی، علیه افکار او موجب گردید که افکار ابن تیمیه، گسترش عمیق در میان مردم پیدا نکند. لذا در میان علمای اهل سنت عده‌ای او را قائل به تجسیم یا تحیز الهی و عده‌ای او را زندیق و عده‌ای به دلیل این که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم،

ص: ۶۶

خطاب به علی علیه السلام فرموده بود: «لَا يُغَضُّكَ إِلَّا مُنَافِقٌ»، او را منافق شمردند. حتی عده‌ای افکار او را ناشی از تلاش برای به دست گرفتن حکومت می‌دانستند.

پس از ابن تیمیه، شاگرد او ابن قیم جوزی (۷۵۱-۶۹۱ ه. ق.) از پیروان سرسخت اوست که در هیچ رأی و نظری، از اندیشه او خارج نمی‌شود. وی نیز همچون ابن تیمیه مورد انکار علمای عامه عصر خویش قرار گرفت و همچون استادش به زندان و تازیانه محکوم شد. (۱) اندیشه‌های انحرافی ابن تیمیه و شاگردش، بر اثر تلاش علمی علمای اهل سنت و تألیف کتب و صدور فتاوی مختلف، ناموفق در تاریخ رها گردید و به فراموشی سپرده شد تا این که پس از گذشت حدود چهار قرن، فرقه وهابی به وجود آمد و راه وی را تداوم بخشیدند.

محمد بن عبدالوهاب نجدی (۱۲۰۷-۱۱۱۵) در شهر عینه، از شهرهای نجد در حجاز متولد شد. پدرش از قضات حنبلی بود. از کودکی علاقه‌ای وافر به مطالعه کتب ابن تیمیه و ابن قیم جوزی داشت و از اندیشه آن‌ها متأثر شد. از همان دوران جوانی مبارزه خود با اعمال مذهبی مردم نجد را آغاز و در سفر به مدینه منوره، توسل به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کرد. وی سفرهای مختلف به بصره، زبیر، احسا و شهرهای نجد مانند حریمه داشت. در شهر حریمه ملازم پدر گردید ولی بر اثر مخالفت با عقاید مردم، میان او و پدرش نزاع در گرفت و نزاع میان او با پدرش و دیگر مردم تا زمان مرگ پدر تداوم یافت. وی پس از مرگ پدرش روش خود را ادامه داد و در نتیجه عده‌ای در حریمه به او گرویدند. او از حریمه به عینه رفت و ابتدا با امیر آن دیار، عثمان بن محمد به توافق رسید، ولی پس از مدتی امیر عینه او را از شهر بیرون راند. پس از آن ابن عبدالوهاب رهسپار درعیه شد و با امیر آنجا، محمد بن سعود، به توافق رسید و رابطه میان شیخ محمد و آل سعود آغاز شد و مسلک محمد بن عبدالوهاب، شعار حکومت محمد بن سعود قرار گرفت. وی برای نشر این

۱- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۹۰-۱۷۷

ص: ۶۷

مسلک با شهرهای مجاور خود پیکارها کرد.

از همین زمان بود که یورش به قبایل نجد و غارت اموال آنها شروع شد. هر کس افکار ابن عبدالوهاب را نمی‌پذیرفت به کفر محکوم و جان و مالش مباح می‌شد. در این مدت مردم ریاض از دعوت او سرپیچی کردند و دهام بن اوس، امیر ریاض با «ابن سعود» سال‌ها پیکار کرد تا عاقبت مغلوب شد و حکومت ریاض به دست ابن سعود افتاد، پس از او عبدالعزيز به امارت رسید. او نیز برای نشر مسلک وهابیون جنگ‌ها کرد و به مکه یورش برد. جنگ‌های وهابی‌ان در نجد و بیرون از آن؛ در یمن، حجاز، سوریه و عراق، بر اساس مبانی فکری ابن تیمیه همچنان پس از مرگ وی (۱۲۰۶ ه. ق.) نیز- که ابن عبدالوهاب مروج آن بود- ادامه یافت. در سال ۱۲۱۶ پیروان او به کربلا- حمله کردند و بر اثر آن هزاران نفر به شهادت رسیدند و اموال و اشیای نفیس و خزائن حائر حسینی علیه السلام به یغما رفت. وقتی این خبر منتشر شد، فتحعلی شاه صدهزار لشکر فراهم کرد، سلیمان پاشا والی بغداد نیز لشکری برانگیخت که با آنها در صحرای نجد به رزم پردازند لیکن در ایران جنگ روسیه پیش آمد و در عراق فتنه کردها برپا شد.

اگرچه ابن عبدالوهاب صاحب اندیشه‌ای جدید نبود، ولی از همان زمان توسط پدرش عبدالوهاب و برادرش سلیمان بن عبدالوهاب، در کتاب «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» به افکارش پاسخ داده شد.

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطا، از علمای بزرگ شیعه (متوفی ۱۲۲۸ م) نخستین فقیه امامیه است که در کتاب منهج الرشاد به عقاید انحرافی آنها پاسخ داد. (۱)

۱- ن. ک. به: جعفر سبحانی، آیین وهابیت، صص ۳۴-۲۵؛ آلوسی، تاریخ النجد، صص ۱۱۳-۹۰؛ ناصر مکارم شیرازی، وهابیت بر سر دو راهی، صص ۳۶-۳۱؛ امام خمینی قدس سره، کشف الاسرار، ص ۶

فصل دوم: مقایسه اصول اساسی استنباط مذاهب اسلامی

اصول اساسی استنباط

۱. قرآن کریم

مذاهب اسلامی؛ نخستین منبع برای استنباط حکم شرعی قرآن کریم است و تردیدی در حجیت و اعتبار آن نیست. (۱) یادآوری:

۱. در مورد قرآن کریم، هم از جهت قدیم یا حادث بودن آن، هم از جهت این که قرآن لفظ و معنا است یا معنای تنهاست و هم از جهت مباحث مرتبط با اعتبار و حجیت ظواهر آن، مباحث فراوانی در اصول فقه و کلام مذاهب اسلامی مطرح است.

۲. در مورد تعریف سنت و دامنه آن، کیفیت اثبات سنت و این که می‌تواند مخصّص قرآن باشد یا نه و این که آیا سنت، مانند قرآن مشرّع است یا نه؟ مباحث فراوانی در مذاهب اسلامی مطرح است.

۱- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، ص ۹۱؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۲۰۵ و ۱۹۰؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، صص ۲۰۷-۲۰۵

ص: ۷۲

۲. سنت نبوی متواتر و مشهور

مذاهب اسلامی؛ پس از قرآن کریم اگر سنت نبوی صلی الله علیه و آله و سلم قطعی باشد و از طریق خبر متواتر یا مشهور، عمل به آن، مورد اتفاق باشد، اعتبار چنین سنتی در میان تمامی مذاهب، مسلم و غیر قابل تردید است. (۱)

۳. سنت نبوی منقول به خبر واحد ثقه

امامیه؛ معتبر است.

حنبلیه؛ معتبر است اگرچه صحابه و خلفا با آن مخالفت کرده باشند یا اجماع برخلاف آن باشد. حنفیه؛ صرف وثاقت و ضابط بودنِ راوی کافی نیست و خبر واحد شرایط دیگری هم باید دارا باشد تا حجت قرار گیرد. حنفیه برای عمل به خبر واحد ثقه شرایطی مانند اهل فهم و درک بودن راوی، عمل کردن خود راوی به روایت، مبتلا- به نبودن مضمون روایت و ... را مطرح کرده‌اند. شافعیه؛ معتبر است و بر قیاس و عمل اهل مدینه مقدم است. مالکیه؛ معتبر است ولی عمل اهل مدینه بر خبر واحد مقدم است. (۲)(۳)

۴. سنت نبوی منقول به خبر مرسل و ضعیف

امامیه؛ اعتبار ندارد مگر این که قرائن صدق داشته باشد.

حنبلیه؛ اگر دلیل محکمی بر ضد آن نباشد به حدیث ضعیف عمل می‌شود و بر قیاس مقدم است.

۱- محمدتقی حکیم، همان، صص ۱۸۵ و ۱۲۰؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۱۸-۲۰۸؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۲۰۸ و ۲۰۷

۲- محمدتقی حکیم، همان، صص ۲۱۰-۱۹۷؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۲۱-۲۱۹

۳- محمدتقی حکیم، همان، صص ۲۱۰-۱۹۷؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۲۱-۲۱۹

ص: ۷۳

حنفیه؛ اعتبار ندارد.

شافعیه؛ اعتبار ندارد مگر این که مراسیل همچون سعید بن مسیب باشد.

مالکیه؛ اعتبار ندارد. (۱)

۵. سنت اهل بیت:

امامیه؛ تفاوتی میان سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و سنت اهل بیت علیهم السلام وجود ندارد و شرایط اعتبار و حجیت هر دو یکسان است.

مذاهب چهارگانه؛ قول و فعل اهل بیت علیهم السلام سنت محسوب نمی‌شود و اعتبار ندارد مگر آن که مطلبی را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کنند که به عنوان راوی حدیث با قولشان برخورد می‌شود. (۲)

۶. قول صحابی

امامیه؛ در صورتی که حدیثی نقل کنند و واجد شرایط حجیت خبر واحد باشد، معتبر است و آلا اعتبار ندارد. حنبلیه؛ در صورت فقدان نص، معتبر است، حتی قول تابعی نیز در صورت فقدان حدیث مرسل، معتبر و بر قیاس مقدم است. حنفیه؛ در صورت اجماعی و مورد اتفاق بودن میان آن‌ها معتبر است. شافعیه؛ در صورت فقدان نص و اجماع، یکی از مصادر استنباط است و مقدم بر قیاس می‌باشد. مالکیه؛ قول صحابی نه تنها معتبر است بلکه بر خبر واحد ترجیح دارد. (۳)

۱- محمد تقی حکیم، همان، صص ۱۸۱-۱۳۹؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۷۷۰-۷۳۷

۲- محمد تقی حکیم، همان، صص ۱۸۱-۱۳۹؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۷۵۰-۷۳۷

۳- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، صص ۴۲۸-۴۲۵؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الاسلام، صص ۲۴۶

ص: ۷۴

۷. اجماع

امامیه؛ در صورت کشف از سنت معتبر می‌باشد.
 حنبلیه؛ اجماع به معنای اتفاق رأی جمع، دروغ است ولی به معنای عدم علم به خلاف، معتبر است.
 حنفیه؛ معتبر است.
 شافعیه؛ تحقق «علم به اتفاق» ناممکن است و «عدم العلم بالخلاف» اجماع محسوب می‌شود ولی اجماع اهل مدینه معتبر نیست.
 مالکیه؛ اجماع، به اتفاق اهل مدینه محقق می‌شود و این اجماع اعتبار دارد. (۱)

۸. قیاس

امامیه؛ اعتبار ندارد و عمل به آن، مورد انکار و نهی شدید اهل بیت علیهم السلام است.
 حنبلیه؛ در صورت ضرورت و در ظرف فقدان نص و قول صحابی و حدیث مرسل به آن عمل می‌شود.
 حنفیه؛ معتبر است و در مواردی بر اخبار آحاد نیز مقدم می‌باشد. به نظر برخی از حنفیه صرف شباهت در اوصاف کافی بر جواز قیاس است.
 شافعیه؛ مذهب شافعی در اعتبار قیاس حد وسط میان مذهب حنفی و مالکی محسوب می‌شود. اگر علت مضبوط باشد در صورت فقدان خبر واحد حجت است.
 مالکیه؛ در صورت فقدان ادله از کتب، سنت، اجماع و قول صحابی، قیاس معتبر است.

۱- محمد تقی حکیم، همان، صص ۲۶۲ و ۲۴۱؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۴۲-۲۳۱ و ۶۹۷-۵۸۵ و ۷۰۰-۶۹۹

ص: ۷۵

یادآوری:

۱. از میان مذاهب عامه، ظاهریه نیز به شدت منکر حجیت قیاس می‌باشند.
۲. اهل بیت علیهم السلام در روایات متواتر خطرات عمل به قیاس را یادآور شده‌اند. (۱)

۹. استحسان

امامیه؛ اعتبار ندارد.

حنبلیه؛ استحسان معتبر است و با آن، از قیاس عدول می‌شود.

حنفیه؛ استحسان در شعاعی وسیع معتبر است، حنفی‌ها بیش از دیگر مذاهب عامه، به استحسان تمسک می‌جویند.

شافعیه؛ استحسان اعتبار ندارد و «من استحسن فقد شرع».

مالکیه؛ الاستحسان: تسعة اعشار العلم. (۲) یادآوری:

درباره استحسان تعریف‌های مختلف وجود دارد؛ از جمله: «العدول بحکم المسأله عن نظائرها لدلیل خاص شرعی» یا «ما يستحسنه المجتهد بعقله» یا «دلیل ینقدح فی نفس المجتهد لایقدر علی التعبير عنه». به نظر امامیه در صورتی که سند استحسان دلیلی محکم و معتبر باشد، حجت است ولی در این صورت نیز استحسان اصلی مستقل در قبال سایر اصول نیست. ظاهریه هم منکر حجیت استحسان می‌باشند و آن را شهوت و ضلالت می‌نامند. (۳)

- ۱- محمد تقی حکیم، همان، صص ۳۴۲-۲۸۷؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۶۶-۲۵۲ و ۶۹۷-۵۸۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، صص ۲۳۴-۲۰۸
- ۲- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقہ المقارن، صص ۳۶۳-۳۴۵؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۲۸۰ و ۲۶۶ و ۶۹۷-۵۸۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، صص ۲۴۳-۲۴۰
- ۳- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقہ المقارن، صص ۳۶۳-۳۴۵؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۲۸۰ و ۲۶۶ و ۶۹۷-۵۸۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، صص ۲۴۳-۲۴۰

۱۰. عرف و عادت

امامیه؛ در تشخیص موضوعات عرفی و معانی الفاظ و ظهور کلام معتبر است و در غیر این صورت باید بازگشت آن به سیره عقلا یا متشرعه باشد و شرایط حجیت آن را دارا باشد.

مذاهب چهارگانه؛ عرف و عادت به نظر مذاهب اربعه اهل سنت، حجت و معتبر است و در مذهب مالکیه، به عنوان یکی از مصادیق مصلحت مورد اعتماد وسیع است، به گونه‌ای که به خاطر آن، عام تخصیص می‌خورد و مطلق مقید می‌شود و قیاس ترک می‌گردد. فقهای عامه برای اثبات حجیت عرف به روایت «مَا رَأَى الْمُشْلِمُونَ حَسَنًا فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ حَسَنٌ» تمسک می‌جویند. عرف اقسام گوناگون عملی و قولی، عام و خاص و عرف قدیم و طاری دارد و اختلاف عامه در محدوده اعتبار آن است. (۱)

۱۱. استصحاب

امامیه؛ استصحاب یکی از قواعد و اصول معتبر است. مشهور میان متأخرین آن را از اصول عملیه محسوب می‌کنند و در شعاع اعتبار آن، میان اصولی‌های امامیه اختلاف است.

حنبلیه؛ استصحاب، عدمی و وجودی هر دو، در صورت فقدان نص و اثر معتبر است.

حنفیه؛ اکثر حنفیه آن را حجت نمی‌دانند و برخی از آن‌ها فقط استصحاب عدمی را معتبر می‌شمرند.

شافعیه؛ به نظر اکثر شافعی‌ها استصحاب عدمی و وجودی هر دو معتبر است.

مالکیه؛ مطلقاً استصحاب حجیت دارد و در شعاع گسترده به آن می‌توان عمل کرد.

۱- محمدتقی حکیم، همان، صص ۴۱۳-۴۰۳؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۵۰-۲۴۶ و ۶۹۷-۵۸۵؛ علی محمد معوض و

عادل احمد عبدال موجود، همان، صص ۲۵۴-۲۵۱

ص: ۷۷

یادآوری:

۱. استصحاب نزد عامه عبارت است از: «الظن ببقاء الحكم في الحال أو الاستقبال، بناء على ثبوته في الماضي و عدم تغييره».
۲. در واقع اجماع مسلمانان حتی زیدی‌ها و ظاهری‌ها استصحاب را معتبر می‌دانند و اختلاف در شعاع آن است. (۱)

۱۲. استقراء

امامیه؛ در کتب اصولی امامیه، از استقراء به عنوان یک اصل و حجت معتبر، بحث نشده و اعتبار آن ثابت نیست، مگر این که به نوعی به مذاق شرع یا تنقیح مناط قطعی منجر گردد.

حنبلیه و حنفیه؛ در کتب حنبلیه و حنفیه نیز به اصل استقراء تصریح نشده و اعتبار آن ثابت نیست.

شافعیه و مالکیه؛ به نظر شافعی‌ها و مالکی‌ها، استقراء نیز مانند قیاس و استصحاب، از ادله است و معتبر می‌باشد. (۲) یادآوری:

۱. استقراء نزد عامه یعنی: «تتبع الحكم في جزئياته على حاله يغلب على الظن أنه في صورة النزاع على تلك الحالة».
۲. منطقیون و بعضی از اصولی‌ها استقراء را به تام و ناقص تقسیم می‌کنند. استقراء ناقص، ظنی است و حجت نیست ولی استقراء تام، قطعی و قطعی نبودنش مورد خلاف است، اباضیه از خوارج نیز حجیت استقراء را پذیرفته‌اند.

۱- محمد تقی حکیم، همان، صص ۴۶۰-۴۲۹؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۳۱۴-۳۰۷ و ۶۹۷-۵۸۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۲۵۱-۲۴۷

۲- محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۳۲۲-۳۲۰؛ ۶۹۷-۵۸۸

ص: ۷۸

۱۳. استدلال

امامیه؛ در کتب امامیه، اصلی به نام استدلال، به عنوان یکی از اصول اساسی استنباط مطرح نیست. حنبلیه، حنفیه و شافعیه؛ در کتب اصولی‌ها، استدلال مطرح نیست. البته برخی، مجموعه‌ای از ادله - غیر از نص و اجماع و قیاس - را استدلال می‌شمرند و حتی استحسان و استصحاب و شرع من قبلنا را داخل آن دانسته‌اند. در مواردی هم استدلال شامل قیاس منطقی می‌شود. بعضی هم استدلال را چنین توضیح داده‌اند؛ «وجد السبب فیثبت الحكم و وجد المانع فانتفی الحكم». مالکیه؛ استدلال به عنوان اصل مستقل در اصول مذهب مالکیه مطرح شده است. یادآوری:

استدلال در اصطلاح عامه به معنای اقامه دلیل بر مطلوب است و «سین» و «تا» زاید است. (۱)

۱۴. شرع من قبلنا

امامیه؛ در کتب اصولی امامیه، شرع من قبلنا، به عنوان یک اصل مستقل مطرح نیست و با توجه به مسلم بودن تحریف کتب شرایع گذشته، جایی برای بحث از آن باقی نمی‌ماند. مذاهب چهارگانه؛ تمام فقها «شرع من قبلنا» را حجت دانسته و عمل به مقتضای آن را در صورت عدم نسخ و تخصیص، لازم شمرده‌اند ولی بعضی شافعیه و طبق روایتی از ابن حنبل، شرع من قبلنا، برای ما معتبر شمرده نشده است؛ چون شریعت اسلام ناسخ تمامی

۱- محمد سلام مدکور، همان، صص ۳۲۳ و ۳۲۲ و علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، ص ۱۱۲

ص: ۷۹

شرايع سابق است. (۱)

۱۵. البراءة الأصلية یا الاباحة الأصلية

همه مذاهب اسلامی؛ در کتاب‌های اصول خاصه و عامه این اصل با نام‌های مختلف مطرح گردیده و طبق برخی از تعریف‌ها نوعی از استصحاب شمرده شده است. از این اصل با نام‌هایی مانند: «الأصل في الأشياء الاباحه»، در مقابل «الأصل في الأشياء الحظر»، یاد شده و جمهور عامه به آن معتقدند. در کتب خاصه نیز از این اصل به عنوان «أصل البراءة العقلية» و «أصل البراءة الشرعية» یاد می‌شود. در هر حال، اعتبار آن از اجماعیات مذاهب اسلامی است. (۲)

۱۶. مصالح مرسله

امامیه؛ در صورتی که از مصلحت، کشف کامل و قطعی حکم شرعی شود، حجت است و گر نه حجت نیست و از آنجا که عقل راهی برای کشف ملاک قطعی ندارد، حجت مصالح مرسله، از جهت صغروی با مشکل مواجه است. حنبلیه؛ مصلحت اعتبار دارد و در شعاعی گسترده قابل تمسک است. حنفیه؛ بیشتر اصحاب حنفیه، احکام را معلق بر مصالح مرسله می‌شمرند به این شرط که: «الملائمة للمصالح المعتبرة المشهود لها بالأصول». شافعیه؛ در صورت تشابه مصلحت با اجماع و نص معتبر است و الا اعتباری ندارد.

-
- ۱- محمد تقی حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، صص ۴۲۰-۴۱۳؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۲۳۰-۲۲۸؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، ص ۱۱۳
 - ۲- محمد تقی حکیم، همان، صص ۴۵۵ و ۴۵۸ و ۴۷۵-۴۶۱ و ۴۹۷-۴۹۵؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۳۲۶ و ۳۲۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۱۴ و ۱۱۳

ص: ۸۰

مالکيه؛ مصلحت معتبر است و بر خبر واحد مقدم. (۱) یادآوری:

مصلح مرسله، از مباحث بسیار حساس و مزال اقدام است که امکان سوء استفاده از آن، به ویژه به وسیله سیاستمداران وجود دارد، لذا در کتب اصول مفصل به این بحث پرداخته‌اند. ظاهریه هم مانند امامیه به شدت آن را مردود می‌شمارند.

۱۷. سدّ ذرائع و فتح ذرائع

مذاهب اسلامی و اهل سنت (جز مالکیه)؛ به صورت موجه جزئی و فی الجمله، سدّ ذرائع و فتح ذرائع را پذیرفته‌اند، اگرچه در گستره و حدود آن اختلاف نظر دارند ولی در این که این دو، نزد آن‌ها از اصول مستقل باشد، محلّ تأمل و تردید است. امامیه آن‌ها را مستقل نمی‌شمرند؛ همانطور که ظاهریه منکر آن هستند.

مالکیه؛ سدّ ذرائع و فتح ذرائع، دو اصل از اصول اساسی و اختصاصی این مذهب شمرده می‌شود.

یادآوری:

سدّ ذرائع و فتح ذرائع، بیش از هر چیز با مسأله نیت در عمل و هدف و مقصود از آن مرتبط می‌شود و مقصود از آن، کاری است که وسیله برای کاری دیگر قرار گیرد.

اگر وسیله برای حرام باشد، با اصل سدّ ذرائع حرمت ثابت می‌شود و اگر وسیله برای واجب باشد، با اصل فتح ذرائع وجوب آن به اثبات می‌رسد. (۲)

۱- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، صص ۳۹۰-۳۶۵؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۳۰۷-۲۸۰؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشریع الاسلامی، ج ۲، صص ۱۱۸ و ۱۱۷

۲- محمد تقی حکیم، همان، صص ۴۰۰-۳۹۱؛ محمد سلام مدکور، همان، صص ۳۱۹-۳۱۴؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۲۴۰-۲۳۴ و ۲۴۳-۲۴۰

۱۸. مراعاة الخلاف

امامیه؛ در کتب امامیه، از «مراعاة الخلاف» به عنوان اصلی از اصول استنباط یاد نشده و به نظر آن‌ها دلیلی بر اعتبار آن وجود ندارد. مالکیه، شافعیه و حنفیه؛ به این سه مذهب نسبت داده شده که مراعاة الخلاف را یکی از اصول شمرده‌اند ولی در مذهب مالکیه بر اصل بودن مراعاة اخلاف بیش از مذاهب دیگر تصریح شده است. در توضیح آن گفته‌اند: «فی کتب المالکیة یوجد بعض المسائل لها حکمان متنافیان، لتوارد دلیلین المتعارضین علیه؛ احادیثها أخذ به المالکیة و الآخر أخذ به غیرهم، فاعتبروا کلا الحکمین معللین ذلک بمراعاة الخلاف». بعضی از مالکی‌ها نیز آن را نوعی استحسان شمرده‌اند. به هر حال، «مراعاة الخلاف» را یکی از اصول مذهب مالکی شمرده‌اند و در مذهب شافعی و حنفی نیز این اصل مطرح شده ولی از مذهب حنبلی در این باره نقلی دیده نمی‌شود. (۱)

۱۹. عمل اهل مدینه

امامیه؛ عمل اهل مدینه در کتب امامیه به عنوان یکی از اصول استنباط، مطرح نیست و فی نفسه اعتبار ندارد. مذاهب چهارگانه، غیر از مالکیه؛ عمل اهل مدینه در نظر این مذاهب به طور مستقل به عنوان یک اصل شمرده نشده؛ ولی مالک عمل آن را به طور مستقل مطرح کرده است. منظور مالک از حجیت عمل اهل مدینه آن است که عمل اهل مدینه خواه مبتنی بر نقل و حدیث باشد یا مبتنی بر اجتهاد و استدلال و خواه قبل از قتل عثمان یا پس از آن باشد، به نظر مالک، معتبر و حجت است و بر خبر واحد مقدم می‌باشد.

۱- علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، همان، صص ۱۲۱ و ۱۲۰

ص: ۸۲

یادآوری:

در برخی از نامه‌های مالک، با فقهایی که فتوایی برخلاف عمل اهل مدینه داشته‌اند به شدت مخالفت شده است. (۱)

۲۰. اصالة التخيير

مذاهب اسلامی؛ در کتب اصولی امامیه، اصالة التخيير یکی از اصول عملیه شمرده می‌شود و آن، به «تخيير عقلي» و «تخيير شرعي» تقسیم می‌شود و فی الجمله معتبر است.

اگرچه در شعاع اعتبار آن، مباحث مفصلی عنوان کرده‌اند؛ در کتب سایر مذاهب اسلامی، از «اصالة التخيير» به عنوان یکی از اصول استنباط، بحثی به میان نیامده است. (۲)

۲۱. اصالة الاحتياط

مذاهب اسلامی؛ از جمله اصولی که در متون اصول امامیه مورد بحث و گفت و گوی فراوان است و فی الجمله مورد پذیرش قرار گرفته، «احتياط» است. اصالة الاحتياط به دو احتياط شرعی و عقلي تقسیم می‌شود و در مورد شرایط جریان و مورد اعتبار آن، اختلاف وجود دارد. لیکن در کتب اصولی اهل سنت، به طور مستقل، چنین اصلی مطرح نشده است. (۳) یادآوری:

در کتب امامیه، علاوه بر اصول گذشته، اصول مهم دیگری نیز مطرح گردیده؛ مانند سیره عقلا و سیره متشرعه و اصول لفظی بسیار مهمی مانند اصالة الظهور، قواعد مربوط به عموم

۱- محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الإسلام، صص ۶۳۵-۶۲۵؛ علی محمد معوض و عادل احمد عبدالموجود، تاریخ التشريع الاسلامی، ج ۲، صص ۱۱۶-۱۱۴

۲- محمد تقی حکیم، الاصول العامة للفقهاء المقارن، صص ۴۹۲-۴۷۷ و ۵۲۷-۵۰۳

۳- همان

ص: ۸۳

و اطلاق و مقدمات حکمت و مستقلات و غیر مستقلات عقلی که طرح آن در کتب اصول اهل سنت، آن هم به طور مستقل، کمتر به چشم می‌خورد. بر این اساس، اگر علمای دو گروه شیعه و سنی گروه‌های علمی تشکیل می‌دادند و در مورد مباحث یاد شده به بحث و گفت و گو می‌نشستند، ثمرات فراوانی بر آن مترتب می‌شد.

اقسام حکم شرعی

۱. اقسام حکم تکلیفی

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ احکام تکلیفی به پنج دسته تقسیم می‌شود: ۱. واجب ۲. مستحب ۳. مباح ۴. مکروه ۵. حرام. حنفیه؛ به هشت دسته تقسیم می‌شود: ۱. فرض ۲. واجب ۳. سنت مؤکد ۴. سنت غیر مؤکد ۵. اباحه ۶. کراهت تنزیهی ۷. کراهت تحریمی ۸. حرام. البته در برخی از کتب هفت قسم حکم تکلیفی به حنفیه نسبت داده‌اند و واجب و سنت مؤکد را یک چیز شمرده‌اند. (۱)

۲. تقسیم حکم به «واقعی اولی» و «واقعی ثانوی»

در مذهب امامیه، تقسیم دیگری برای احکام مطرح گردیده، به عنوان «حکم واقعی اولی» و «حکم واقعی ثانوی». حکم ثانوی، حکم شرعی و واقعی است که با پیش آمدن حالات خاص و ثانوی بر موضوع؛ مانند ضرر، حرج، مصلحت و ضرورت مترتب می‌گردد، چنین تقسیمی در کتب اهل سنت نیامده است. (۲)

-
- ۱- محمد تقی حکیم، الاصول العامه للفقهاء المقارن، صص ۶۹ و ۶۴؛ محمد سلام مدکور، مناهج الاجتهاد فی الاسلام، صص ۶۱۳ و ۶۱۲؛ عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۱
- ۲- همان

ص: ۸۴

یادآوری:

علاوه بر تقسیماتی که گفتیم، تقسیمات دیگری مانند تقسیم حکم شرعی به «تکلیفی» و «وضعی» و تقسیم آن به «واقعی» و «اهری» در میان مذاهب اسلامی مطرح گردیده و مورد بررسی و مناقشه قرار گرفته است؛ چنان که هر یک از اقسام حکم تکلیفی و حکم وضعی و ... نیز به اقسام مختلف تقسیم شده و مورد بحث قرار گرفته است. (۱)

۳. معنای «سنت» و فرق آن با «مستحب» و «مندوب»

امامیه؛ سنت به عملی گفته می‌شود که انجامش مطلوب شارع است و ثواب دارد ولی بر ترک آن نهی‌ای نیامده و تفاوتی با مستحب و مندوب ندارد. در اصطلاح دیگر، در فقه امامیه، برخی از واجبات مانند غسل جنابت و دو رکعت اول نماز، که مستقیماً توسط خداوند تشریع شده، فریضه نامیده می‌شوند و برخی از واجبات که مستقیماً توسط خداوند تشریع نشده، مانند رکعت سه و چهار برخی از نمازهای یومیه سنت نام دارد.

حنبلیه؛ سنت، مندوب و مستحب، الفاظ مترادف‌اند و به کارهایی گفته می‌شود که انجامش ثواب است ولی ترکش عقوبت ندارد و سنت، به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود.

حنفیه؛ سنت گاهی مؤکد است و گاهی غیر مؤکد. سنت مؤکد به آن واجبی گفته می‌شود که اهمیت آن کمتر از فرض است و فرض به عملی گفته می‌شود که در مقابل فرض اعتقادی و علمی است. عقوبت ترک واجب، محروم شدن از شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و اما سنت غیر مؤکد، همان مستحب و مندوب است و ترک آن عقاب ندارد.

شافعیه؛ سنت، مندوب، مستحب و تطوع الفاظ مترادف‌اند و به عملی گفته می‌شود که مطلوب و انجامش ثواب است، ولی ترک آن عقاب ندارد. سنت تقسیم می‌شود به سنت عینی و کفایی؛ مثلاً گفتن «بسم الله ...» سر سفره جمعی توسط یک نفر، سنت کفایی است

ص: ۸۵

چون از بقیه ساقط می‌شود.

مالکیه؛ سنت مطلوب و مورد تأکید شارع است. دلیلی بر وجوب آن نیست و انجامش ثواب ولی ترک آن عقاب ندارد و اما مندوب اگرچه مطلوب شارع است، ولی روی آن تأکید نکرده و انجامش ثواب دارد و ترک آن عقاب ندارد و مترادف فضیلت است. یادآوری:

اگرچه در نظر شافعی‌ها و حنبلی‌ها، سنت با مستحب مترادف است و ترک آن عقوبت ندارد ولی موجب محرومیت از ثواب خواهد شد و مالکی‌ها نیز این را قبول دارند. از این رو، شایسته نیست که سنت‌ها سبک شمرده شوند؛ زیرا حرمان از ثواب هم نوعی عقوبت است. (۱)

۴. معنای کراهت و ترک اولی

امامیه؛ کاری که ترک آن مطلوب است و به حد حرمت نمی‌رسد و انجامش عقاب ندارد، مکروه نامیده می‌شود و انجام کاری که نهی ارشادی دارد، موجب ترک اولی است.

حنبلیه؛ ترک سنت مؤکد را مکروه گویند و اما ترک سنت غیر مؤکد، ترک اولی است و همچنین ترک کاری که نهی غیر قطعی بر ترک آن وارد است، مکروه می‌باشد.

حنفیه؛ کراهت بر دو قسم است: تحریمی و تنزیهی. ترک واجب (سنت مؤکد) کراهت تحریمی است؛ چون به حرام نزدیکتر است و موجب عقوبت می‌شود، ولی ترک سنت غیر مؤکد کراهت تنزیهی نام دارد و موجب عقوبت نیست. انجام سنت غیر مؤکد ثواب دارد.

شافعیه؛ کاری که ترک آن دارای ثواب است ولی انجامش عقوبت ندارد؛ مانند ترک

۱- عبدالرحمان الجزیری، الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۱ و ۶۰ و صص ۷۱ و ۲۱۹، چاپ جدید، صص ۶۱ و ۶۹ و ۲۱۰ دارالفکر، ۱۴۲۴ ه. ق؛ المعجم الأصول، شیخ محمد صنفور علی، صص ۶۳۹ و ۶۳۸

ص: ۸۶

سنت‌های وضو، مکروه است، اما ترک غیر سنت، ترک اولی است و به آن مکروه تنزیهی می‌گویند؛ مانند اسراف در آب وضو و حرف زدن هنگام وضو.

مالکیه؛ ترک سنت‌های وضو از مکروهات است و عقوبت ندارد و برخی از این سنت‌ها مؤکد و برخی غیر مؤکد است. یادآوری:

میان آنچه امامیه مکروه می‌دانند با آنچه اهل سنت مکروه می‌شمارند، تفاوت اساسی وجود دارد؛ زیرا آن‌ها ترک سنت را مکروه می‌دانند ولی در مذهب امامیه ترک مستحب مکروه نیست، بلکه مکروه در نظر امامیه امری است که نهی دارد ولی نهی آن به حدّ حرمت نمی‌رسد. (۱)

فصل سوم: «طهارت» از دیدگاه مذاهب اسلامی

۱. احکام آب‌ها و مطهرات

احکام آب‌ها

۱. آب مطلق

مذاهب اسلامی؛ آب مطلق در برابر آب مضاف یا مقید، به آبی گفته می‌شود که عنوان «آب»، بدون قید و اضافه بر آن صادق باشد.

آب مطلق انواعی دارد؛ مانند آب جاری، آب باران، آب چاه و چشمه، آب مطلق با تمام اصنافش، طاهر و مطهر از حدث و خبث می‌باشد.

یادآوری:

در اصطلاح، به مطهر، طهور نیز گفته‌اند! (۱)

۲. آب کثیر

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ آب مطلق اگر کثیر باشد، با ملاقات نجس، متنجس نمی‌شود، ولی اگر یکی از اوصاف سه گانه‌اش (بو، رنگ، مزه) بر اثر نجاست متغیر شد، محکوم به نجاست است.

مالکیه؛ در شرع مقدس، آب قلیل و کثیر ندارد و هر آب مطلق مادام که یکی از اوصاف

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۵-۱۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۵-۱۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۲-۳۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۶۸-۶۵؛ بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ۱، ص ۷۱؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۴۴؛ فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۹۷

ص: ۹۲

سه گانه‌اش بر اثر نجاست متغیر نشود، محکوم به طهارت است؛ قلیل باشد یا کثیر. (۱)

۳. ملاک آب کثیر

امامیه؛ اگر آب به اندازه کر باشد، کثیر است و با ملاقات نجس، متنجس نمی‌شود.

حنبلیه؛ آب اگر به اندازه دو قله باشد، کثیر محسوب می‌شود.

حنفیه؛ آب به اندازه‌ای باشد که یک سوی آن به حرکت درآمده و سوی دیگر آن ساکن ماند، کثیر است.

شافعیه؛ مانند حنبلیه معتقدند: اگر به مقدار دو قله باشد، کثیر است. (۲) یادآوری (۱):

۱. اندازه کر در نظر مشهور امامیه این است که مساحت آن سه وجب و نیم (طول)، در سه وجب و نیم (عرض)، در سه وجب و نیم

(عمق) باشد و از جهت وزن هزار و دویست رطل عراقی، که بر اساس کیلو ۳۷۷/۴۱۹ می‌شود.

۲. ابن عقیل از قدمای امامیه مانند مالکیه میان قلیل و کثیر تفاوتی قائل نیست.

یادآوری (۲):

قله در لغت به معنای کوزه و مقدار آن را از جهت مساحت یک ذراع و یک چهارم ذراع از جهت طول و عرض و عمق و از جهت

وزن ۴۴۶۳۷ رطل مصری گفته‌اند. (۳)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۶ و ۴۵

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۲-۱۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۷ و

۴۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۵ و ۱۴

۳- فرهنگ عمید، ج ۳، ص ۱۹۰۲؛ تذکره، ج ۱، صص ۲۰ و ۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۲ و ۴۱

ص: ۹۳

۴. آب قلیل

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ آب قلیل به مجرد ملاقات با نجس، متنجس می‌شود، اگرچه یکی از اوصاف سه گانه‌اش متغیر نشده باشد و اما از نظر مالکیه گذشت که آب، قلیل و کثیر ندارد. (۱)

مطهرات

۱. آب مطلق

مذاهب اسلامی؛ آب مطلق - جمیع اصنافش - طاهر و مطهر از حدث و خبث می‌باشد. (۲) سید مرتضی رحمه الله از فقهای امامیه نیز مانند علمای عامه ازاله خبث با آب مضاف را مجاز می‌شمرد. (۳)

۲. آب مضاف

مذاهب اسلامی؛ آب مضاف یا آب مقید در مقابل آب مطلق، آبی است که با چیزی مانند گل آمیخته یا از چیزی مانند گل و میوه گرفته شده باشد. به اتفاق علمای اسلامی، به جز حنفیه، آب مضاف طاهر است، ولی رفع حدث و ازاله خبث نمی‌کند، ولی حنفیه آب مضاف را مانند آب مطلق مطهر می‌دانند، اگرچه به نظر آنها ازاله نجاست با گلاب به خاطر

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۲-۱۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۷ و ۴۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۵ و ۱۴

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۲ و ۱۱؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۲۰۶؛ المذهب فقه شافعی، عمده الفقه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۲، صص ۶۸۳ و ۸۶۷؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۷۱

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۳۳

ص: ۹۴

تضییع مال، کراهت دارد. (۱)

۳. استحاله

مذاهب اسلامی؛ استحاله عبارت است از دگرگون شدن ماهیت چیزی و تبدیل آن به ماهیتی دیگر؛ مانند تبدیل خمر به سرکه و خون آهو به مشک. به نظر همه مذاهب اسلامی، استحاله از مطهرات محسوب می‌شود. (۲) یادآوری: در برخی از منابع فقهی شیعه، به مواردی چون تبدیل خمر به سرکه، به جای «استحاله»، «انقلاب» گفته شده است. (۳)

۴. سوزاندن نجاست با آتش

امامیه؛ اگر سوزاندن، نجاست را تبدیل به خاکستر یا دود یا بخار کند، مطهر است ولی اگر با سوختن، تبدیل به زغال یا سفال یا آجر شود، مطهر نیست.
حنبلیه؛ مطهر نیست و خاکستر و دود نجس، همچنان نجس است.
حنفیه؛ مطهر است.
شافعیه؛ مطهر نیست و خاکستر و دود نجس، نجس است.
مالکیه؛ آتش زایل کننده نجاست نیست. البته مشهور مالکیه خاکستر نجس را پاک می‌دانند.

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۳-۳۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۰؛ الخلاف، ج ۱، صص ۵ و ۴؛ فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۹۶
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۷۵ و ۷۴؛ فرهنگ فقه، ج ۱، ص ۳۹۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۹ و ۲۸
 - ۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۳۲

ص: ۹۵

یادآوری:

فقه‌ای امامیه سوزاندن را با عنوان «استحاله» آورده‌اند و آن را یکی از مطهرات دانسته‌اند. (۱)

۵. آفتاب

امامیه؛ زمین، ساختمان و چیزهایی که در آن به کار رفته است؛ مانند در و پنجره و درخت و گیاه، با شرایطی، به وسیله آفتاب پاک می‌شود.

حنبله؛ آفتاب مطلقاً مطهر نیست.

حنفیه؛ مانند امامیه - با شرایطی - آفتاب را مطهر می‌دانند.

شافعیه؛ در قول قدیم آفتاب را مطهر می‌دانست ولی در قول جدید آن را مطهر نمی‌دانند.

مالکیه؛ مانند حنبله و شافعیه آفتاب را مطهر نمی‌دانند. (۲)

۶. زمین

امامیه؛ زمین با شرایطی، کف پا و کف کفش را پاک می‌کند.

حنبله؛ مطهر نیست.

حنفیه؛ مانند امامیه زمین را با شرایطی مطهر می‌دانند.

شافعیه و مالکیه؛ زمین مطهر نیست. (۳)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۷۵ و ۷۴؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۲۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۳۲ و ۱۳۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۰

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۲۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۱۲۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۷۶ و ۷۵؛ الهدایه فقه حنفی، المصاדר الفقهیه، ج ۱، ص ۲۶۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۸

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۷۹؛ الهدایه فقه حنفی، المصاדר الفقهیه، ج ۱، ص ۲۶۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۶۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۲

ص: ۹۶

یادآوری (۱):

حنفی‌ها موارد دیگری را بر مطهرات افزوده‌اند:

(۱) مسح: زدودن و ازاله نجاست از اجسام صیقلی؛ مانند شمشیر، آینه، ناخن، شیشه و ظروف چرب، مطهر آن‌هاست.

(۲) فرک: مالیدن و زدودن منی آدمی، اگر خشک شده باشد، آن را پاک می‌کند، ولی اگر منی خیس باشد، با مالیدن پاک نمی‌شود.

(۳) ندف: زدن پنبه موجب تطهیر آن است.

(۴) دلک: مالیدن محکم متنجس بر زمین، مطهر آن است.

(۵) حت: تراشیدن و خراشیدن با دست و چوب نیز از مطهرات است. (۱) یادآوری (۲):

اختلاف اساسی حنفی‌ها با دیگر مذاهب آن است که آن‌ها معتقدند: تفاوتی میان آب و دیگر موارد مطهر نیست؛ همانطور که آب ازاله نجاست می‌کند، سایر چیزها هم که ازاله نجاست می‌کنند مطهر می‌باشند، ولی سایر مذاهب معتقدند تطهیر با آب موضوعیت دارد و خصوصیتی تبعیدی دارد که با سایر اشیاء قابل مقایسه نیست. (۲) یادآوری (۳):

در فقه امامیه هم، علاوه بر مطهراتی که گفتیم، اموری به عنوان مطهر مطرح شده است:

۱. انتقال: اگر خون انسان و حیوانات دارای خون جهنده، به بدن حیوانی برسد که خون جهنده ندارد و جزو بدن او شود، پاک می‌گردد. ۲. اسلام: اگر کافر شهادتین بگوید و مسلمان شود، تمام بدن او پاک می‌شود. ۳. تبعیت: در مواردی، شیء نجس به واسطه پاک شدن چیز دیگر پاک می‌شود. ۴. استبراء حیوان جلال: مطهر بول و غائط اوست. ۵. ازاله

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۶۰؛ الهدایه فقه حنفی المصاדר الفقهیه، ج ۱، صص ۲۶۲-۲۶۰؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۷۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۲

۲- ر. ک. به: بدایه المجتهد، ج ۱، صص ۷۲ و ۷۱

ص: ۹۷

عین نجاست از بدن حیوان. ۶. غیبت و امور دیگری در کتب امامیه مطهر شمرده شده که البته در میان خود امامیه تفصیلات و اختلافاتی نسبت به آن‌ها مطرح است. به علاوه، محتمل است برخی از مواردی که امامیه به عنوان مطهر از آن‌ها یاد می‌کنند، در فقه مذاهب دیگر نیز قائل داشته باشد که بررسی و تتبع تفصیلی آن از حوصله و هدف این نوشتار بیرون است. (۱) یادآوری (۴): آنان که به سرزمین حجاز سفر کرده‌اند، از نزدیک دیده‌اند که در تطهیر حرمین شریفین، از آبی مخلوط به مواد شوینده و ضد عفونی کننده استفاده می‌شود که برای ازاله نجاست است. این شیوه تطهیر اگرچه بر طبق مذهب حنفی است، ولی تطبیق آن بر سایر مذاهب اهل سنت، جای ابهام و سؤال دارد. شاید توجه آن این باشد که یا باید آن آب‌های مورد استفاده را آب مضاف ندانند و یا این که فقهای جدید سایر مذاهب، به گونه‌ای به فتاوی ابوحنیفه گرایش پیدا کرده‌اند؛ مانند آنچه نسبت به مؤلف کتاب فقه السنه می‌توان حدس زد.

۷. جمع‌بندی

مطهرات از نظر مذاهب اسلامی چند گروه‌اند:

(الف) مطهرات مشترک میان همه یا اکثریت: (۱) آب مطلق؛ (۲) استحاله

(ب) مطهرات مشترک میان امامیه و حنفیه: (۱) سوزاندن با آتش که ملحق به استحاله است (۲) آفتاب (۳) زمین.

(ج) مطهرات مخصوص امامیه: (۱) اسلام (۲) انتقال (۳) تبعیت (۴) استبراء حیوان جلال و ...

درسنامه در آمدی بر فقه مقارن ؛ ؛ ص ۹۷

مطهرات مخصوص حنفیه: (۱) آب مضاف (۲) مسح (۳) فرک (۴) دلک (۵) حت و به طور کلی، ازاله نجاست، در نظر حنفیه مطهر محسوب می‌شود.

ص: ۱۰۱

۲. اعیان نجس**نجاسات****۱. ادرار و مدفوع غیر حلال گوشت**

مذاهب اسلامی؛ ادرار و مدفوع حیوانی که خون جهنده دارد و حلال گوشت نیست، نجس است. (۱) یادآوری: اهل سنت، حیواناتی مانند الاغ و قاطر را غیر حلال گوشت می‌شمرند و از این رو، ادرار و مدفوع آن‌ها را نیز نجس می‌دانند. (۲)

۲. ادرار و مدفوع حلال گوشت

امامیه؛ پاک است.

حنبلیه؛ پاک است مگر این که اکثر غذایش از نجاست باشد.

حنفیه؛ نجس است.

شافعیه؛ نجس است.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۵۰ و ۴۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۱ و ۲۰

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۹

ص: ۱۰۲

مالکیه؛ پاک است، ولی اگر عادت به خوردن نجاست کند، نجس است. (۱) یادآوری: حنفی‌ها به دو نوع نجاست معتقدند: ۱. نجاست مغلظه ۲. نجاست مخففه. از نظر آن‌ها نجاست مأکول اللحم و حلال گوشت مخففه است. (۲)

۳. منی

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه و شافعیه)؛ مطلقاً نجس است. حنبلیه؛ منی آدمی و حیوان حلال گوشت پاک و منی بقیه حیوانات نجس است. شافعیه؛ منی انسان و حیوانات پاک است جز منی سگ و خوک. یادآوری: طبق روایتی دیگر از احمد بن حنبل، منی مطلقاً نجس است. همچنین شافعی در قول قدیمش قائل به نجاست منی انسان بوده است. (۳)

۴. وَدِی و مَذِی و وَدِی

امامیه؛ پاک است. مذاهب چهارگانه؛ سه رطوبت و ذی، مَذِی و و دِی محکوم به نجاست است. فقط حنبلیه، مَذِی و و دِی حلال گوشت را از حکم مذکور مستثنی می‌دانند و آن را پاک می‌شمرند. (۴)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۵۰ و ۴۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۱ و ۲۰

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۹

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۰؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۷۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۰

۴- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۵۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۰؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۷۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۹

ص: ۱۰۳

یادآوری:

وذی رطوبتی است که بعد از خروج منی، از انسان خارج می‌شود و مذی رطوبتی است که هنگام ملاعبه زن و مرد با یکدیگر، خارج می‌گردد و ودی رطوبتی است که پس از خروج ادرار، خارج می‌شود. (۱)

۵. قی (استفراغ)

امامیه؛ پاک است

مذاهب چهارگانه؛ نجاست قی، از امور مورد اتفاق مذاهب اربعه اهل سنت است. (۲) یادآوری:

۱. برخی تفصیلات جزئی در مورد نجاست قی نزد مذاهب اهل سنت مطرح است.

۲. شیخ طوسی نجاست قی را به برخی از علمای شیعه نیز نسبت داده است. (۳)

۶. خون

امامیه؛ خون حیوانی که جهنده باشد نجس و خون حیوانی که جهنده نیست پاک است.

حنبلیه؛ خون مطلقاً نجس است جز در موارد خاص؛ مانند خون شهید و خون ماهی.

حنفیه؛ مانند مذهب امامیه نظر داده‌اند.

شافعیه؛ خون مطلقاً نجس است مگر خون شهید و برخی از حشرات.

مالکیه؛ مطلقاً نجس است مگر خون شهید و برخی از حشرات. (۴)

۱- رساله اجوبه الاستفتائات ترجمه فارسی، ص ۲۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۹

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۵۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۱ و ۲۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۶

۳- تذکره الفقهاء، همان، المبسوط، ج ۱، ص ۳۸

۴- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۵۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۹ و ۱۸؛ بدایه المجتهد، ج ۱، صص ۶۹ و ۶۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۸

ص: ۱۰۴

یادآوری:

بعضی از علمای اهل سنت خون قلیل را نجس ندانسته‌اند. (۱)

۷. میت

امامیه و حنفیه؛ میت آدمی نجس است و میت مسلمان با غسل پاک می‌شود.

حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ پاک است.

یادآوری:

در الفقه علی المذاهب الأربعة، پاک بودن میت انسان، به همه مذاهب چهارگانه نسبت داده شده و حنفیه را استثنا نکرده است که جای تأمل دارد. (۲)

۸. مردار

مذاهب اسلامی (جز شافعیه)؛ مردار حیوانی که دارای خون جهنده است را نجس می‌شمرند و مردار حیوانات دریایی و حیواناتی که خون جهنده ندارند را پاک می‌دانند، ولی شافعیه مردار تمامی حیوانات را نجس شمرده‌اند، جز مردار ملخ را. (۳)

۹. اجزای مردار

مذاهب اسلامی (جز شافعیه)؛ در مردار، اجزایی که روح دارند نجس و اجزای بدون روح؛ مانند مو و پشم پاک است. ولی شافعی تمامی اجزای مردار را نجس می‌شمرد و میان

۱- بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۶۸

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۶۰ و ۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۵۶

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۶۵-۶۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸ و ۱۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۷

ص: ۱۰۵

اجزای روح دار و بدون روح فرقی نمی گذارد. (۱) یادآوری:

۱. در قولی دیگر از شافعی، تفصیل میان اجزای دارای روح و بدون روح پذیرفته شده است.
۲. تفصیل ذکر شده در نظر مذاهب اسلامی در مورد غیر سگ و خوک است.
۳. در این که کدام جزء بدن دارای روح است و کدام جزء دارای روح نیست؛ مانند استخوان، میان مذاهب اختلاف است.

۱۰. شراب

مذاهب اسلامی؛ شراب و هر مایع مست کننده، به اتفاق مذاهب اسلامی نجس است، اگرچه از برخی قدمای امامیه؛ مانند صدوق و ابن عقیل و نیز از برخی از اهل سنت و طبق یکی از اقوال شافعی، نقل شده است که آن را پاک دانسته‌اند. (۲)

۱۱. فقاغ

امامیه؛ فقاغ و آب جو، همچون خمر است، هم در حرمت و هم در نجاست. مذاهب چهارگانه؛ فقهای اهل سنت، همچنان که شرب فقاغ را حرام نمی‌دانند، آن را نجس هم نمی‌شمرند و حکم به طهارت آن می‌دهند. (۳)

- ۱- تذکره الفقها، ج ۱، صص ۶۵-۶۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸ و ۱۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۷
- ۲- تذکره الفقها، ج ۱، صص ۶۵ و ۶۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲ و ۲۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۱
- ۳- تذکره الفقها، ج ۱، ص ۶۵

ص: ۱۰۶

۱۲. سگ و خوک

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ سگ و خوک را نجس می‌دانند، اما حنفیه خوک را نجس و سگ (به جز آب دهان او) را پاک می‌شمارند. (۱) یادآوری:

برخی از مالکیه، خنزیر را نجس و سگ را پاک شمرده‌اند. (۲)

۱۳. کافر

امامیه؛ کافر و اصناف مختلفی از آن، چون مرتد، ناصبی و خوارج را محکوم به نجاست کرده‌اند. مذاهب چهارگانه؛ هیچ یک از اصناف مختلف کفار را نجس نمی‌دانند. یادآوری:

بعضی از فقهای امامیه، کافر اهل کتاب را پاک می‌دانند. (۳)

۱۴. قیح (چرک و زرد آب)

امامیه؛ چرک و زرد آب زخم را پاک شمرده‌اند. مذاهب چهارگانه؛ چرک و زرد آب زخم، اگرچه خون همراه آن نباشد، نجس می‌باشد. (۴)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۶۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۸ و ۲۱

۲- الکافی فی فقه اهل المدينه فقه مالکی؛ المصادر الفقهيه، ج ۱، ص ۳۶۷

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۳؛ مجمع فقه الجواهر، ج ۶، صص ۲۳ و ۲۲؛ اجوبه الاستفتاءات ترجمه فارسی، ص ۶۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۸ و ۶۷

۴- فرهنگ فارسی عمید، ج ۳، ص ۱۹۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۵۷

ص: ۱۰۷

۱۵. جمع‌بندی نجاسات

نجاسات از نظر مذاهب اسلامی سه گروه‌اند:

الف) نجاسات مشترک میان همه یا اکثر مذاهب اسلامی: ۱. ادرار و مدفوع ۲. منی ۳. خون ۴. مردار و اجزای آن ۵. شراب ۶. سگ و خوک.

ب) نجاسات مخصوص به تمامی یا اکثریت امامیه: ۱. میت ۲. فقّاع ۳. کافر

ج) نجاسات مخصوص به تمامی یا اکثریت اهل سنت: ۱. وذی و مذی و ودی ۲. قی (استفراغ) ۳. قیح (چرک و زرد آب).

ص: ۱۱۱

۳. احکام تخلی

احکام تخلی

۱. وجوب ستر عورت

مذاهب اسلامی؛ وجوب ستر عورت از ناظر محترم، هنگام تخلی و غیر آن، از احکام روشن و مسلمی است که فقهای امامیه در بحث تخلی به آن تصریح کرده‌اند ولی سایر مذاهب اسلامی، اگرچه متعرض این بحث در این قسمت نشده‌اند ولی در سایر ابواب فقهی حدود پوشش را مطرح کرده‌اند. (۱)

۲. رو به قبله یا پشت به آن نبودن

امامیه؛ در حال تخلی، چه در فضای باز یا در ساختمان، مطلقاً رو به قبله یا پشت به قبله بودن حرام است. حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ در فضای باز رو به قبله و پشت به قبله بودن حرام است ولی در بنا و ساختمان حرام نیست. حنفیه؛ رو به قبله یا پشت به قبله بودن در حال تخلی مطلقاً کراهت تحریمی دارد. (۲)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۶۵-۱۶۴

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۱۹-۱۱۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۸۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۵؛ بدایة المجتهد، ج ۱، صص ۷۵ و ۷۴؛ الخلاف، ج ۱، صص ۲۰ و ۱۹

ص: ۱۱۲

یادآوری:

۱. طبق روایتی دیگر، احمد بن حنبل فتوایی همچون امامیه دارد.

۲. از شیخ مفید و سلار، که از فقهای امامیه هستند نیز جواز استقبال و استدبار در ساختمان نقل شده است. (۱) ۳. حنفی‌ها کراهت را به «کراهت تنزیهی» و «کراهت تحریمی» تقسیم می‌کنند و کراهت تحریمی را به حرام نزدیک‌تر می‌دانند. به نظر آن‌ها حرام در مقابل فرض است و کراهت تحریمی در مقابل واجب و سنت مؤکد. از این رو، انجام و ارتکاب کراهت تحریمی عقوبت دارد ولی کراهت تنزیهی دارای عقوبت نیست. (۲)

۳. تخلی بر قبور

امامیه؛ تخلی بر قبور مؤمنان در صورتی که هتک و بی‌احترامی به آنان باشد، حرام است. حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ تخلی بر قبور جایز نیست. حنفیه؛ تخلی بر قبور کراهت تحریمی دارد. (۳)

۴. تخلی در ملک دیگران و در موقوفات

مذاهب اسلامی؛ تخلی در ملک دیگران، بدون اجازه آن‌ها و تخلی در جایی که برای افراد خاصی وقف شده است، جایز نیست. (۴)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۱۹ و ۱۱۸

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۰

۳- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۷۱ و ۱۷۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۸۵

۴- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۱۷۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۸۷ و ۸۶

ص: ۱۱۳

۵. تخلّی در آب راکد و جاری

امامیه؛ ادرار کردن در آب راکد و جاری کراهت دارد.

حنبلیه؛ مدفوع کردن در آب راکد و جاری به جز آب دریا حرام است و ادرار در آب راکد و جاری کثیر کراهت دارد.

حنفیه؛ تخلّی در آب راکدِ قلیل حرمت دارد ولی در آب راکد کثیر دارای کراهت تحریمی و در آب جاری کراهت تنزیهی است. شافعیه؛ تخلّی در آب کراهت دارد.

مالکیه؛ تخلّی در آب راکد قلیل حرام است ولی در آب راکد کثیر و در آب جاری جایز است. (۱)

۶. تخلّی در جاده، خیابان و محل عبور و مرور مردم

امامیه، حنفیه و شافعیه؛ تخلّی در مکان‌های پیش گفته کراهت دارد.

حنبلیه و مالکیه؛ تخلّی در این مکان‌ها حرام است. (۲)

۷. استبرا

امامیه؛ به نظر مشهور امامیه، استبرا مستحب است و فایده‌اش آن است که اگر رطوبتی از او خارج شد که نمی‌داند بول است یا نه، حکم به پاکی آن می‌کند.

حنبلیه، حنفیه و مالکیه؛ استبرا واجب است جز این که ظن غالب پیدا کند که چیزی در محل باقی نمانده است.

شافعیه؛ استبرا واجب نیست مگر این که ظن غالب پیدا کند که در محل چیزی باقی

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۰؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۸۰؛ الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۸۶؛ فقه‌السنه، ج ۱، ص ۲۵

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۲۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، ص ۸۷

ص: ۱۱۴

مانده است.

یادآوری:

به نظر می‌رسد مقصود فقهای اهل سنت از این وجوب، نه مولوی، بلکه ارشاد است به این که با عدم استبرا و خروج رطوبت مشکوک، حکم به نجاست رطوبت می‌شود و چنان که وضو گرفته وضویش باطل می‌شود. از این رو، از جهت اثر استبرا فتوای آن‌ها نظیر فتوای امامیه می‌شود. (۱)

۸. استنجا و تطهیر محل خروج ادرار و مدفوع

امامیه؛ استنجا از ادرار و مدفوع واجب است و از امور دیگر؛ مانند ودی، مذی و ودی واجب نیست. حنبلیه؛ استنجا از ادرار و مدفوع و هر ماده نجس دیگر؛ مانند خون، ودی و مذی که از عورتین خارج شود، واجب است. حنفیه؛ اگر نجاست از محل، تجاوز کند استنجا، سنت مؤکد می‌شود و اگر از محل تجاوز کرده باشد فرض است. شافعیه؛ همچون حنبلیه، استنجا از هر ماده نجس را واجب می‌شمرند. مالکیه؛ استنجا مستحب و مندوب است جز در مواردی خاص: مانند استنجای زنان یا در صورتی که آلودگی تجاوز کرده باشد. (۲) یادآوری:

۱. غرض از وجوب استنجا، وجوب نفسی نیست بلکه منظور این است که بدون استنجا،

- ۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۱۷۷ و ۱۷۶؛ توضیح المسائل حضرت امام رحمه الله، مسأله ۷۳ و ۷۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۸۵ و ۸۴
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۲۴ و ۱۲۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۸۳ و ۸۲؛ بدایة المجتهد، ج ۱، صص ۷۴-۷۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۶

ص: ۱۱۵

نماز باطل است. (۱)۲. استنجا مأخوذ است از: «نجوت الشجرة إذا قطعتها»؛ چون کسی که استنجا می‌کند، آلودگی را از محل قطع می‌کند. (۲)

۹. چگونگی انجام استنجا

امامیه؛ مخرج بول تنها با آب پاک می‌شود اما مخرج مدفوع، در صورت عدم تجاوز نجاست، با سه سنگ و مانند آن‌هم پاک می‌شود.

مذاهب چهارگانه؛ مخرج بول و غایط را می‌توان با آب یا سنگ و مانند آن پاک کرد. (۳)

۱۰. مکروهات تخلی

مذاهب اسلامی؛ از مکروهات حال تخلی عبارت‌اند از: (۱) رو به روی خورشید یا ماه بودن (۲) رو به روی باد بودن (۳) حرف زدن، جز هنگام ضرورت (۴) تطهیر با دست راست (۵) ایستاده ادرار کردن. (۴)

۱۱. مستحبات تخلی

فقهای امامیه برخی از کارها را از مستحبات و آداب تخلی شمرده‌اند برخی از فقهای اهل سنت نیز متعرض آن شده‌اند مانند: (۱) نشستن در جایی که کسی او را نبیند (۲) با پای

۱- الخلاف، ج ۱، ص ۲۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی. المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۵۱

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۸۱ و ۸۲

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۳۰-۱۲۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۹۰ و ۸۹؛ الخلاف، ج ۱، صص ۳۱-۲۰

۴- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۲۱-۱۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۸۹ و ۸۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۷-۲۴؛ العروة

الوثقی، ج ۱، صص ۱۸۱-۱۷۹

ص: ۱۱۶

چپ داخل و با پای راست خارج شدن (۳) پوشانیدن سر (۴) انداختن سنگینی بدن روی پای چپ (۵) بسم الله گفتن و دعا خواندن در حال ورود و خروج و هنگام استنجا. (۱)

۱- تذکره الفقها، ج ۱، ص ۱۲۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۷۹ و ۱۷۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۷-۲۴

ص: ۱۱۹

۴. احکام وضو

احکام وضو

نواقض وضو

۱. ادرار، مدفوع و باد معده و روده

مذاهب اسلامی؛ ادرار، مدفوع و باد معده، اگر از محل معمول و عادی خارج شود، موجب بطلان و نقض وضو می‌شود. (۱)

۲. مذی و ودی

امامیه؛ بیرون آمدن مذی و ودی موجب بطلان وضو نمی‌شود.

مذاهب چهارگانه؛ بیرون آمدن مذی و ودی وضو را باطل می‌کند. (۲) یادآوری:

مذی مایعی است که هنگام ملاعبه و لذت خارج می‌شود و ودی مایعی است که بیشتر پس از ادرار بیرون می‌آید.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۰۰ و ۹۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۳ و ۷۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸

۳. خواب غالب بر چشم و گوش

امامیه؛ خواب به گونه‌ای که چشم نبیند و گوش نشود، ناقض وضو است.
 حنبلیه؛ خواب ناقض وضو است جز آنجا که خواب سبک و در حال نشسته یا ایستاده باشد.
 حنفیه؛ خواب ناقض وضو نیست، مگر آنگاه که به پهلو یا به پشت خوابیده باشد؛ به گونه‌ای که کنترل نداشته باشد.
 شافعیه؛ اگر به پهلو یا به پشت خوابیده باشد وضو باطل می‌شود.
 مالکیه؛ خواب سبک؛ کوتاه باشد یا بلند، موجب نقض و بطلان وضو نیست و اگر سنگین باشد در هر حال ناقض وضو است. (۱)

۴. امور زایل کننده عقل

مذاهب اسلامی؛ دیوانگی، بیهوشی و مستی که عقل را از بین می‌برند، ناقض وضو هستند. (۲)

۵. استحاضه قلیله

امامیه؛ خون استحاضه قلیله در زنان، موجب بطلان وضو و از نواقض است.
 مذاهب چهارگانه؛ فقهای مذاهب عامه، در بحث نواقض وضو، از استحاضه قلیله نام نبرده‌اند، بلکه از بعضی از آن‌ها مانند مالک نقل شده که آن را ناقض ندانسته است. اصولاً اهل سنت، مستحاضه را همچون مسلوس و مبطون از ذوی الأغدار دانسته‌اند که در اکثر موارد، عبادات مشروط به طهارت برای آنان طهارت شرط نیست.

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۰۴ و ۱۰۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۴ و ۷۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۹ و ۳۸؛ الخلاف ج ۱، ص ۲۱
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۹

ص: ۱۲۱

یادآوری:

ابن عقیل، از فقهای امامیه نیز خون استحاضه را ناقض وضو نشمرده است. (۱)

۶. مسّ عورت

امامیه؛ دست زدن به عورتین (قُبْل یا دُبْر) مطلقاً- برای زنان و مردان- موجب نقض وضو نیست.

حنبلیه؛ مسّ عورتین خود یا دیگری، زن یا مرد، اگر با باطن کف باشد ناقض وضو است.

حنفیه؛ مسّ عورت ولو از روی شهوت ناقض وضو نیست لیکن اگر زن انگشت، پنبه و مانند آن را داخل فرج خود کند، وضویش باطل می‌شود.

شافعیه؛ مانند حنبلیه گفته‌اند مسّ عورتین خود یا دیگری، زن یا مرد، اگر با باطن و کف دست باشد، ناقض وضو است.

مالکیه؛ مسّ قُبْل خود، با کف دست، تنها برای مردان ناقض وضو است ولی مسّ دُبْر مطلقاً و مسّ فرج برای زنان ناقض وضو نیست.

یادآوری:

از فقهای امامیه، شیخ صدوق مسّ باطن قُبْل (برای مردان) و دُبْر با انگشتان را ناقض وضو شمرده است. (۲)

۷. لمس

امامیه؛ لمس بدن دیگری مطلقاً موجب بطلان وضو نیست.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۰۵-۱۰۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۱۵

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۱۱-۱۰۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۹-۷۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۹؛ الخلاف، ج ۱، صص ۲۳ و ۲۲

ص: ۱۲۲

حنبلیه؛ لمس بدن زن توسط مرد و بالعکس، محرم باشد یا اجنبی، اگر بدون حایل باشد، ناقض وضو است. حنفیه؛ همچون امامیه معتقدند لمس موجب نقض وضو نیست مگر این که مرد آلت خود را بر فرج زن قرار دهد یا مذي خارج شود.

شافعیه؛ لمس بدن اجنبی، ولو بدون لذت و شهوت، در صورتی که بدون حایل باشد، وضو را باطل می‌کند. مالکیه؛ اگر لمس بدون حایل و از روی لذت باشد ولو مو را لمس کند، وضو باطل می‌شود. فرقی نمی‌کند کسی که لمس می‌شود اجنبی باشد یا زوجه، زن باشد یا مرد و بوسیدن از مصادیق لمس است، مگر بوسیدن برای وداع باشد یا از روی رحمت. (۱)

۸. استفراغ

امامیه؛ قی و استفراغ کردن وضو را باطل نمی‌کند. حنبلیه؛ قی هر گونه که باشد ناقض وضو است. حنفیه؛ استفراغ، اگر دهان را پر کند، موجب بطلان وضو است. شافعیه و مالکیه؛ همچون امامیه استفراغ ناقض وضو نیست. (۲)

۹. خون و قیح

امامیه، شافعیه و مالکیه؛ خروج خون و قیح (چرک) از غیر مخرج بول و ادرار ناقض وضو نیست. حنبلیه؛ خروج خون و قیح از غیر مخرج بول و ادرار، اگر زیاد باشد ناقض وضو است.

- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۱۲ و ۱۱۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۶-۷۴؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۲
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۷۳ و

ص: ۱۲۳

حنفیه؛ خروج خون و قیح از غیر مخرج بول و ادرار، اگر از محل تجاوز کند، ناقض وضو است. (۱)

۱۰. قهقهه

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ قهقهه مطلقاً ناقض وضو نیست.

حنفیه؛ قهقهه در اثنای نماز ناقض وضو است.

یادآوری:

ابن جنید از فقهای امامیه هم قهقهه در اثنای نماز را مبطل وضو دانسته است. (۲)

۱۱. ارتداد و خوردن گوشت شتر

امامیه و حنفیه؛ ارتداد و خوردن گوشت شتر ناقض وضو نیست.

حنبلیه؛ ارتداد و خوردن گوشت شتر ناقض وضو است.

شافعیه؛ خوردن گوشت شتر ناقض وضو نیست و ارتداد هم فی نفسه ناقض وضو نیست مگر این که مرتد مسلوس باشد.

مالکیه؛ ارتداد ناقض وضو است ولی خوردن گوشت شتر وضو را باطل نمی کند. (۳) یادآوری:

برخی از فقهای شیعه حکم به استحباب وضو پس از مذی و ودی و قی و بوسیدن از روی شهوت و مسّ فرج و مسّ باطن دبر و خندیدن در نماز کرده اند. (۴) به نظر می رسد این حکم مبنی بر قاعده تسامح در ادله سنن است و لذا مشهور فقها

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۰۶؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۰

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۲؛ الخلاف، ج ۱، ص ۲۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۹

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۷۹

۴- العروة الوثقی فی موجبات الوضوء و نواقضه، ج ۱، مسأله ۴، ص ۱۸۵

ص: ۱۲۴

انجام وضو در موارد مذکور را به رجاء مطلوبیت پذیرفته‌اند ولی حکم به استحباب نکرده‌اند.

۱۲. جمع‌بندی نواقض

نواقض وضو از نظر مذاهب اسلامی:

- الف) نواقض مورد اتفاق تمامی مذاهب اسلامی: (۱) ادرار (۲) مدفوع (۳) باد معده (۴) زوال عقل.
 ب) نواقض در نظر امامیه: (۱) نوم (۲) استحاضه قلیله.
 ج) نواقض مشترک میان تمامی یا اکثریت اهل سنت: (۱) مذي و ودی (۲) مسّ عورت (۳) لمس.
 د) نواقض مخصوص در نظر برخی از مذاهب اهل سنت: (۱) استفراغ (۲) خون و قیح (۳) قهقهه (۴) ارتداد (۵) خوردن گوشت شتر. (۱)

احکام وضو

۱. شستن صورت

امامیه؛ یک بار شستن صورت از رستگاه موی سر تا آخر چانه (در طول) و به اندازه پهنای میان انگشت شست و میانه (در عرض) واجب است.

حنبلیه؛ (در طول) شستن صورت از رستگاه مو تا آخر چانه برای کسی که ریش ندارد و تمامی ریش ولو طولانی باشد برای کسی که ریش دارد واجب است ولی شستن زیر چانه لازم نیست و اما (در عرض) پهنای صورت و حتی گوش‌ها و داخل دهان و بینی باید شسته شود.

۱- العروة الوثقی فی موجبات الوضوء و نواقضه، ج ۱، مسأله ۴، ص ۱۸۵

ص: ۱۲۵

حنفيه؛ (در طول) شستن صورت از رستنگاه مو تا آخر چانه برای کسی که ریش ندارد واجب است ولی کسی که ریش بلند دارد لازم نیست ریش را بشوید، همچنین شستن زیر چانه لازم نیست و اما (در عرض) از گوش تا گوش باید شسته شود ولی شستن خود گوش لازم نیست.

شافعیه؛ (در طول) شستن صورت از رستنگاه مو تا زیر چانه واجب است، کسی هم که ریش بلند دارد باید تمامی آن را بشوید و اما (در عرض) شستن از گوش تا گوش واجب است.

مالکیه؛ شستن صورت از رستنگاه مو تا آخر چانه (در طول) برای کسی که ریش ندارد و تمامی ریش برای کسی که ریش دارد واجب است و (در عرض) شستن از گوش تا گوش واجب است. (۱) یادآوری:

وضو، اسم مصدر است. فعل آن تَوَضَّأَ و مصدرش التَّوَضُّعُ است یا وَضُوءٌ و مصدرش وضائه می‌باشد. پس وضو در لغت اسم است برای نظافت و حسن. (۲)

۲. از بالا به پایین شستن صورت

امامیه؛ شستن از بالا به پایین واجب است و اگر به عکس بشوید وضو باطل است. مذاهب چهارگانه؛ شستن از بالا به پایین صورت را واجب نمی‌دانند و هرگونه شسته شود، کافی است.

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۵۲-۱۴۹؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰-۵۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۲ و ۳۱؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۲، صص ۹۲۲ و ۹۲۱
 - ۲- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۶

ص: ۱۲۶

یادآوری:

سید مرتضی، از فقهای امامیه، شستن به عکس را مکروه می‌شمرد. (۱)

۳. شستن دست‌ها

امامیه؛ شستن دست‌ها از آرنج تا سر انگشتان، همراه با خود آرنج واجب است و همچنین تقدیم دست راست بر دست چپ در شستن واجب است.

مذاهب چهارگانه؛ شستن تا آرنج همراه با خود آرنج واجب است و تقدیم دست راست بر دست چپ واجب نیست اگرچه افضل است.

یادآوری:

طبق مذهب امامیه، باید شستن دست‌ها از آرنج آغاز شود ولی در مذاهب اهل سنت، به عکس است و باید در آرنج ختم شود. (۲)

۴. مسح سر

امامیه؛ مسح کردن قسمتی از جلوی سر واجب است و شستن و پاشیدن آب، به جای مسح کفایت نمی‌کند.

حنبلیه؛ مسح کردن تمام سر و گوش‌ها واجب و فرض است و شستن به جای مسح کفایت می‌کند.

حنفیه؛ مسح کردن ربع (۱۴) سر واجب و مسح تمامی سر سنت است.

شافعیه؛ مسح مقدار کمی از سر کفایت می‌کند و مسح همه سر سنت است و شستن یا پاشیدن آب هم کفایت می‌کند.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۵۷ و ۱۵۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۸۰

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۵۹-۱۵۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۲؛ الکافی لابن قدامه فقه

حنبلی المصاادرالفقهیه، ج ۱، صص ۹۲۳-۹۲۱

ص: ۱۲۷

مالکیه؛ مسح تمام سر فرض و واجب است و شستن به جای مسح کفایت می‌کند. (۱)

۵. آب مسح

امامیه؛ مسح باید با رطوبت باقیمانده دست باشد و مسح با آب جدید باطل است. مذاهب چهارگانه؛ به نظر مذاهب اهل سنت، لازم نیست مسح با رطوبت باقیمانده دست‌ها باشد، با آب جدید هم کفایت می‌کند، بلکه طبق بعضی از مذاهب، مسح باید با آب جدید باشد. (۲) یادآوری:

۱. به نظر حنفی‌ها، اگر به مقدار لازم در مسح، آب باران بر سر بریزد کفایت می‌کند ولو مسح با دست هم نکند. (۳) ۲. علامه در تذکره لزوم آب جدید در مسح را به تمامی مذاهب اهل سنت نسبت داده است. (۴)

۶. مسح سر با داشتن حایل

امامیه؛ مسح باید بر پوست یا موی سر باشد و مسح بر حایل؛ همچون عمامه، باطل است. حنبلیه؛ مسح بر عمامه جایز است با این شرط که پوشیدن آن در حال طهارت باشد.

- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۶۳-۱۶۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۲؛ الخلاف، ج ۱، ص ۱۳
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۶۶-۱۶۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۵؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۸۱ و ۸۲
- ۳- بدائع الصنائع فقه حنفی المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۲۱
- ۴- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۶

ص: ۱۲۸

به نظر شافعیه، حنفیه و مالکیه، مسح بر عمامه، در صورت عذر داشتن جایز است. (۱)

۷. مسح پاها

امامیه؛ پاها باید با رطوبت باقیمانده در دست‌ها مسح شود و شستن به جای مسح باطل است. مذاهب چهارگانه؛ واجب است پاها شسته شود. این فتوا بر مبنای آن است که در آیه وضو: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ» (مائده: ۶)، واژه «أَرْجُلَكُمْ» عطف بر «أَيْدِيَكُمْ» باشد. (۲)

۸. مسح پا با داشتن حایل

امامیه؛ مسح باید بر خود پا باشد. پس اگر حایلی در پا باشد مانند جوراب و کفش و ... باطل است. مذاهب چهارگانه؛ مسح بر خُفّ (نوعی چکمه به نام موزه) و ساتر جایز است و در این صورت، اموری مانند جنابت و کندن خُفّ (به جز مالکیه)، گشتن یک شبانه روز برای مقیم و سه شبانه‌روز برای مسافر تنها مسح را باطل می‌کند. (۳)

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۳؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۳۲؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۸۲؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۲۱ و ج ۲، ص ۹۳۳
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۷۰-۱۶۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۳-۳۲؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۳؛ بدائع الصنائع فقه حنفی المصادر الفقهیه، ج ۱، صص ۲۲ و ۲۱
 - ۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۷۴-۱۷۲؛ الخلاف، ج ۱، ص ۱۸؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱، صص ۳۲-۲۵ و ج ۲، ص ۹۲۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۷-۴۴؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۲۹-۱۱۸

ص: ۱۲۹

یادآوری:

علامه در تذکره، پس از این که دو فتوای بالا را از اهل سنت نقل می‌کند که از یک سو در پاها شستن را واجب می‌شمرند و مسح را کافی نمی‌دانند و از سوی دیگر مسح بر خُفین را به جای شستن پاها جایز می‌شمرند، گوید: «و من اغرب الأشياء تسويع المسح على الخف لرفع الحدث عن الرجلين، و منعه عن البشرة».

۹. ترتیب

امامیه؛ ترتیب بین اعضای وضو واجب و از شرایط صحت وضو است.

حنبلیه و شافعیه؛ ترتیب بین اعضای وضو فرض است.

حنفیه و مالکیه؛ ترتیب بین اعضای وضو فرض نیست ولی سنت است.

یادآوری:

آن دسته از فقهای اهل سنت که ترتیب را معتبر می‌دانند، آن را از واجبات وضو دانسته‌اند. (۱)

۱۰. موالات

امامیه؛ رعایت موالات و فاصله نینداختن میان اعضای وضو واجب است و عدم رعایت آن موجب بطلان وضو است.

حنبلیه؛ رعایت موالات میان اعضای وضو و انجام فوری افعال وضو، فرض و واجب است.

حنفیه و شافعیه؛ رعایت موالات سنت است نه فرض. لذا شستن عضوی پس از خشک شدن عضو قبل کراهت دارد.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۸۶ و ۱۸۵؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۳؛ العروة الوثقى، ج ۱،

ص ۲۳۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصاادر الفقهیه، ج ۱، ص ۵۰

ص: ۱۳۰

مالکیه؛ رعایت موالات میان اعضای وضو و فوریت آن، به گونه‌ای که هر عضو را پیش از خشک شدن عضو قبل بشوید، فرض است.

یادآوری:

آن گروه از فقهای اهل سنت که موالات را معتبر می‌دانند، آن را از فرایض وضو می‌شمرند. (۱)

۱۱. نیت

امامیه؛ نیت، یعنی قصد انجام فعل به انگیزه اطاعت و امتثال امر الهی، در وضو واجب است و ریا و عدم خلوص، مبطل وضو می‌باشد.

حنبلیه؛ نیت و قصد رفع حدث یا حصول طهارت برای اموری که مشروط به طهارت‌اند؛ مانند نماز و طواف و مس قرآن، از شرایط وضو محسوب می‌شود و واجب است.

حنفیه؛ نیت، مانند ترتیب و موالات، شرط وضو نیست و وضو بدون نیت هم جایز و صحیح است. مالکیه و شافعیه؛ نیت از فرایض وضو محسوب می‌شود.

یادآوری:

حنبلی‌ها نیت را «شرط وضو» و مالکی‌ها و شافعی‌ها «فرض وضو» شمرده‌اند. (۲)

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۸۹ و ۱۸۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹-۵۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۳۶ و ۲۳۵
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۴۱-۱۳۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰-۵۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۱؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی المصادر الفقهیه، ج ۱، صص ۵۱ و ۵۰ و ج ۲، صص ۹۱۸ و ۹۱۷

ص: ۱۳۱

۱۲. جمع‌بندی

الف) در وضو شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و مسح پاها، از افعال واجب و از فرایض مورد اتفاق در مذاهب اسلامی است که نصّ قرآن کریم محسوب می‌شود.

ب) ترتیب و موالات و نیت مورد اختلاف است. عده‌ای از اهل سنت این سه را قبول ندارند ولی اجماع فقهای امامیه بر معتبر بودن آنها است. اگرچه برخی از فقها در گذشته؛ مانند علامه حلی رحمه الله این امور را از افعال وضو شمرده‌اند، ولی در متون فقهی جدیدتر؛ مانند عروۃ الوثقی و رساله‌های توضیح المسائل، این سه امر از شرایط شمرده شده نه از افعال و واجبات و ظاهراً حق با گروه دوم است.

شرایط و غایات وضو**۱. شرایط مورد اتفاق در وضو (۱)**

مذاهب اسلامی؛ ۱) مطلق بودن آب ۲) پاک بودن آب ۳) نبودن مایع و حایلی که مانع رسیدن آب به پوست شود ۴) ناتوان نبودن از استعمال آب به خاطر بیماری و مانند آن. این چهار شرط، از شروط مورد اتفاق مذاهب اسلامی است. یادآوری:

ابو حنیفه وضو با نیذ خرما را در سفر مجاز شمرده ولی سایر حنفی‌ها در این فتوا از او پیروی نکرده‌اند. (۲)

۱- العروۃ الوثقی، ج ۱، صص ۲۳۲-۲۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۸۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۵۱

۲- بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۴۵، بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۰

ص: ۱۳۲

۲. شرایط مورد اختلاف در وضو

امامیه؛ شرایط دیگری نیز برای وضو آمده است:

(۱) ظرف آب وضو از طلا و نقره نباشد؛ اهل سنت اگرچه استعمال ظرف طلا و نقره را جایز نشمرده و حرام می‌دانند ولی استفاده از آن را موجب بطلان وضو ندانسته‌اند.

(۲) مباشرت و کمک نگرفتن از دیگران؛ اهل سنت تصریح به این شرط ندارند و عده‌ای مانند شافعی‌ها و حنبلی‌ها کمک گرفتن را جایز شمرده‌اند.

(۳) وسعت وقت؛ فقهای امامیه در تنگی وقت وضو گرفتن را جایز نمی‌دانند و می‌گویند به جای وضو باید تیمم کرد، ولی به عکس امامیه، اهل سنت معتقدند حتی در تنگی وقت باید وضو گرفت و چنانکه در بحث تیمم می‌آید، تیمم در تنگی وقت جایز نیست مگر در موارد خاص.

(۴) غصبی نبودن آب و ظرف وضو؛ اگرچه اهل سنت غصب را حرام می‌دانند ولی وضو با آب و ظرف غصبی را باطل ندانسته‌اند.

(۱)

۳. غایات مورد اتفاق در وضو

مذاهب اسلامی؛ برای انجام عبادات زیر گرفتن وضو و رفع حدث اصغر واجب است:

(۱) اقامه نماز واجب یا مستحب (۲) طواف کعبه (حنفی‌ها وضو برای طواف را واجب می‌دانند ولی شرط صحت آن نمی‌شمرند) (۳) مس و دست زدن به قرآن. (۲)

-
- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۳۴-۲۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹-۴۶ و ۱۳۷ و ۱۳۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۸۵ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۰۳؛ القوانین الفقهیه فقه مالکی، الأم فقه شافعی، و الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۵۲۰ و ج ۲، صص ۵۶۱، ۸۸۱ و ۸۸۰ و نیز ص ۹۲۶؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، صص ۳۷ و ۳۶
- ۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۸۷-۱۸۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۴-۴۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۶-۴۸

ص: ۱۳۳

یادآوری:

۱. در فقه امامیه، طواف مستحب مشروط به طهارت از حدث نیست. ۲. در برخی از مذاهب اهل سنت، جواز حمل مصحف نیز مشروط به وضو است ولی در مقابل، در فقه اکثر مذاهب اهل سنت مانند شافعی، حنفی و مالکی، مس آیات قرآن که در غیر مصحف است، مانند کتب فقه و حدیث بدون وضو اشکال ندارد. در مذهب امامیه مس کلمات و آیات و اسم خداوند مطلقاً بدون وضو حرام است و مس اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت زهرا علیها السلام و ائمه و انبیا علیهم السلام نیز اشکال دارد.

۴. غایات مورد اختلاف در وضو

امامیه؛ انجام سجده تلاوت و سجده شکر و نماز میت مشروط به طهارت و وضو نیست. مذاهب چهارگانه؛ انجام امور مذکور مشروط به طهارت از حدث نیست. (۱)

۵. وضوهای مستحب

فقه‌های امامیه برای بسیاری از اعمال، وضو و طهارت را مستحب شمرده‌اند. فقه‌های اهل سنت هم در برخی موارد با فتوای امامیه همراه شده‌اند، حتی گاهی فتوا به وجوب وضو داده‌اند. برخی از مهمترین این موارد عبارت‌اند از: ۱. وضو هنگام خوابیدن ۲. وضو گرفتن جنب هنگام خوابیدن و خوردن و آشامیدن ۳. تجدید وضو برای نماز ۴. نماز میت ۵. سجده تلاوت ۶. سجده شکر ۷. همراه داشتن قرآن. (۲)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۹۴-۱۹۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۴۷ و ۴۴۳

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۹۵-۱۹۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۴۷ و ۴۴۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۳ و ۴۴

مستحبات و مکروهات وضو

۱. معنای سنت‌ها و مستحبات وضو

امامیه؛ در نظر امامیه، مستحب، سنت و مندوب مترادف‌اند و در نتیجه، مستحبات و مندوبات وضو، سنت‌های آن هم شمرده می‌شود. ولی ترک سنت و مستحب، مکروه به حساب نمی‌آید.

حنبلیه؛ سنت، مندوب و مستحب الفاظ مترادف‌اند و به کاری می‌گویند که انجامش دارای ثواب است ولی ترک آن عقوبت ندارد. گرچه سنت به «مؤکد» و «غیر مؤکد» تقسیم می‌شود. ترک سنت مؤکد مکروه است ولی ترک غیر مؤکد مکروه نیست. حنفیه؛ سنت به مؤکد و غیر مؤکد تقسیم می‌شود؛ سنت مؤکد، آن واجبی است که نسبت به فرض اهمیت کمتری دارد و فرض عملی است؛ یعنی در عمل با آن معامله فرض می‌شود و ترک آن گناه دارد و عقوبت آن محرومیت از شفاعت است، اما سنت غیر مؤکد همان مستحب و مندوب است و ترک آن عقاب ندارد.

شافعیه؛ سنت، مندوب و مستحب و تطوع الفاظ مترادف‌اند و به اموری می‌گویند که مطلوب است و ثواب دارد. سنت تقسیم می‌شود به «سنت عینی» و «سنت کفایی»؛ سنت کفایی مانند تسمیه (بسم الله گفتن) در صورتی که گروهی مشغول خوردن غذا می‌باشند.

مالکیه؛ سنت و مندوب فرق دارد؛ سنت را شارع طلب کرده و بر آن تأکید ورزیده است در حالی که دلیلی بر وجوب آن نیست اما مندوب را شارع خواسته لیکن بر آن تأکید نکرده است.

یادآوری:

به نظر اهل سنت، چون ترک سنت، حرمان از ثواب را در پی دارد، شایسته نیست سبک

ص: ۱۳۵

شمرده شود چون حرمان از ثواب هم نوعی عقوبت است. (۱)

۲. مستحبات وضو

مذاهب اسلامی در بسیاری از مستحبات و سنن وضو، اتفاق نظریه دارند، اگرچه در مواردی هم میان آنان اختلاف هست. مستحبات مورد اتفاق همه مذاهب که حنفیه هم آن را سنت مؤکد و واجب می‌شمردند عبارت‌اند از: ۱. تسمیه و بسم‌الله گفتن ۲. شستن دست‌ها قبل از وضو ۳. مضمضه ۴. استنشاق ۵. مسواک زدن ۶. دعا خواندن در اثنای وضو یا بعد از آن. (۲)

۳. معنای مکروهات وضو

امامیه؛ مکروه، آن کاری است که نهی دارد ولی نهی‌اش در حد حرمت نیست و عقاب ندارد اگرچه ترکش مطلوب است. حنبلیه؛ ترک کردن سنت‌های مؤکد مکروه است ولی ترک سنت غیر مؤکد، ترک اولی است نه مکروه. حنفیه؛ کراهت دو قسم است: تحریمی و تنزیهی؛ کراهت تحریمی به حرام نزدیکتر است، ترک سنت مؤکد کراهت تحریمی دارد ولی کراهت تنزیهی عقوبت ندارد و همان ترک سنت غیر مؤکد است. شافعیه؛ مکروهات وضو ترک سنت‌های آن است. مالکیه؛ مکروهات وضو ترک سنت‌های آن است و عقوبت ندارد، اگرچه مکروهات، بعضی مؤکد و بعضی غیر مؤکداند.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۲ و ۶۱

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۰۲-۱۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۹-۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۸-۳۳

ص: ۱۳۶

یادآوری:

مذاهب چهارگانه اهل سنت، همگی بر این نظریه‌اند که ترک سنت مکروه است ولی در مذهب امامیه صرف ترک سنت یا مستحب، مکروه شمرده نمی‌شود. (۱)

۴. مکروهات وضو

امامیه؛ ۱. کمک گرفتن از دیگران، در مقدمات قریبه وضو ۲. خشک کردن آب وضو (به نظر مشهور) ۳. وضو گرفتن در محل استنجا ۴. وضو گرفتن با ظرف طلاکوب و نقره‌کوب. مذاهب چهارگانه؛ سنت‌هایی که در بالا اشاره شد، مکروه است وضو گیرنده آن‌ها را ترک کند. چون ترک آن‌ها موجب حرمان از ثواب است. (۲)

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۲-۶۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۰
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۰۳ و ۲۰۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۷۲-۶۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۲۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۰۲-۲۰۰

ص: ۱۳۹

۵. احکام غسل

غسل جنابت

۱. موجبات غسل جنابت

مذاهب اسلامی؛ دو چیز موجب غسل جنابت و حدث اکبر است: ۱. آمیزش جنسی، حتی اگر منی هم بیرون نیاید ۲. خروج منی در حالت بیداری و از روی لذت و شهوت. (۱) یادآوری:

غُسل (به ضم غین) در لغت به معنای ریختن آب بر تمام بدن و شستن آن است. در مقابل، غِسل (به کسر غین) به معنای صابون و مانند آن است و غَسَل (به فتح غین) اسم برای شستن با آب می‌باشد و اما غسل در اصطلاح شرعی، شستن تمام بدن، با آب پاک، به شیوه مخصوص است. (۲)

۲. احتلام

امامیه؛ خروج منی در حالت خواب را «احتلام» خوانده و گفته‌اند که آن، موجب غسل جنابت است ولی در صورت شک در خروج منی، غسل واجب نیست.

حنبلیه؛ پس از خواب، اگر شک کند که رطوبت خارج شده، منی است یا مزی، در

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۲۴-۲۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۹۶ و ۹۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۸ و ۴۷

۲- همان

ص: ۱۴۰

صورتی که پیش از خواب، اسباب لذت موجود نبوده، غسل واجب نیست و رطوبت، حمل بر مَیْذی می‌شود و در غیر این صورت غسل واجب است.

حنفیة و مالکیة؛ اگر یقین دارد رطوبت خارج شده در خواب منی نیست وظیفه‌ای ندارد در غیر این صورت، اگرچه شک در منی بودن آن هم دارد باید غسل کند.

شافعیة؛ اگر شک دارد رطوبتی که در خواب خارج شده منی است یا مَیْذی، می‌تواند حمل بر منی کرده، غسل نماید و یا حمل بر مَیْذی کند و غسل انجام ندهد. (۱)

۳. واجبات غسل جنابت

امامیه؛ غسل دو گونه است؛ ارتماسی و ترتیبی. واجبات غسل ترتیبی عبارت‌اند از:

۱. نیت ۲. شستن تمام بدن ۳. ترتیب: اول سر و گردن، دوم طرف راست، سوم طرف چپ.

حنبلیه؛ تنها فریضه در غسل جنابت رساندن آب به تمام بدن است و داخل دهان و بینی هم باید شسته شود. زن‌ها برای شستن موهای بافته خود در غسل جنابت لازم نیست آن‌ها را باز کنند ولی در غسل حیض باید آن را باز کنند و تسمیه نیز در غسل جنابت برای عالم غیر ناسی واجب است.

حنفیة؛ فرایض غسل سه چیز است: ۱. مضمضه ۲. استنشاق ۳. شستن تمام بدن، در ضمن بر زن واجب نیست موهای بافته خود را باز کند.

شافعیة؛ فرایض غسل عبارت‌اند از: ۱. نیت ۲. شستن تمام بدن و موهای بافته را اگر مانع از رسیدن آب است باز کند ولی شستن داخل دهان و بینی لازم نیست.

مالکیة؛ فرایض غسل عبارت‌اند از: ۱. نیت ۲. شستن تمام بدن ولی شستن داخل دهان و بینی لازم نیست و موی بافته با ریسمان یا غیر آن اگر مانع رسیدن آب است باید شسته شود ولی عروس اگر موهای او آرایش شده، لازم نیست سر خود را بشوید چون موجب

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۲۴-۲۲۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۹۹ و ۹۸

ص: ۱۴۱

اتلاف مال است. و در صورت امکان سر خود را مسح می‌کند. همچنین اگر تمام بدن او آرایش شده و بر اثر شستن ضایع می‌شود، لازم نیست غسل به جا آورد و تیمم می‌کند.

یادآوری:

بعضی از امامیه، ترتیب میان طرف راست و چپ را مبنی بر احتیاط دانسته‌اند. (۱)

۴. اعمالی که غسل جنابت در آنها لازم است

امامیه؛ ۱. نماز واجب و مستحب ۲. طواف واجب ۳. روزه ماه رمضان و قضای آن. مذاهب چهارگانه؛ اعمال متوقف بر وضو و طهارت از حدث اصغر، در حال حدث اکبر و بدون غسل جنابت هم حرام است. این امور عبارت‌اند از: ۱) نماز واجب و مستحب ۲) نماز میت ۳) طواف ۴) سجده تلاوت و شکر. ولی انجام روزه واجب یا مستحب در حال جنابت اشکال ندارد. (۲) یادآوری:

۱. فقهای امامیه نماز میت، سجده شکر و تلاوت در حال حدث اکبر را جایز و صحیح می‌دانند. ۲. فقهای اهل سنت، اقامه نماز و طواف و غیره را بدون وضو، علاوه بر بطلان حرام شمرده‌اند.

۵. معزومات در حال جنابت

امامیه؛ ۱. مس قرآن کریم ۲. رفتن به مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم ۳. توقف در مساجد دیگر ۴. خواندن سوره‌های عزائم ۵. مکث در مشاهد مشرفه. مذاهب چهارگانه؛ اموری که می‌آید علاوه بر مواردی که در مسأله پیشین گذشت، از

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۳۲-۲۲۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۰۳-۱۰۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۹۷-

۲۹۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۴ و ۵۳

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۸۴ و ۲۸۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۰۷-۱۰۵

ص: ۱۴۲

محرمات حال جنابت محسوب می‌شوند: (۱) مس قرآن کریم (۲) قرائت قرآن کریم مگر مقداری اندک از آن (۳) ورود به مطلق مساجد مگر برای ضرورت. بنابراین از نظر اهل سنت تفاوتی میان مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر مساجد نیست. (۱) یادآوری:

۱. سوره‌های عزائم به نظر امامیه عبارت‌اند از: علق، نجم، فصلت و سجده. نظریه مذاهب دیگر در بحث سجده تلاوت می‌آید. ۲. به نظر برخی از فقهای امامیه تنها خواندن آیه سجده از این سوره‌ها حرام است و تلاوت آیات دیگر آن جایز است. ۳. برخی از فقهای امامیه، مکث در مشاهد مشرفه را بنا بر احتیاط حرام دانسته‌اند.

۶. مکروهات حال جنابت

امامیه؛ ۱. خوردن و آشامیدن مادام که مضمضه و استنشاق نکرده است ۲. خوابیدن مگر این که وضو بگیرد ۳. حمل مصحف و مس اوراق آن ۴. خضاب کردن ۵. جماع برای محتلم. مذاهب چهارگانه؛ مکروه همان ترک سنت است و لذا مواردی که به عنوان مکروهات حال جنابت مطرح شد، در کتب فقهای اهل سنت نیامده است؛ اگرچه آن‌ها، برخی این موارد را در عنوان مستحبات آورده‌اند؛ مثلاً گفته‌اند: مستحب است شخص جنب برای خوابیدن، خوردن و یا آشامیدن وضو بگیرد. (۲)

۷. کفایت غسل جنابت از وضو

مذاهب اسلامی؛ غسل جنابت جایگزین وضو می‌شود و کسی که غسل جنابت انجام

-
- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۸۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۴۱-۲۳۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۰۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۱-۴۹، بدایة المقیه، ج ۱، صص ۴۳-۳۹
 - ۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۹۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۴۴-۲۴۱؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی المصادر الفقهیه، ج ۲، ص

ص: ۱۴۳

می‌دهد، لازم نیست وضو بگیرد، اگرچه وضو گرفتن قبل از غسل جنابت را مستحب و سنت شمرده‌اند. (۱)

۱- تذکره الفقها، ج ۱، صص ۲۴۵ و ۲۴۴؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۵؛ مختصر الزنی فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی المصادر الفقهیه، ج ۲، صص ۹۵۷ و ۶۶۷

ص: ۱۴۷

۶. احکام بانوان

احکام حیض

۱. تعریف حیض

حیض در لغت به معنای سیلان است. بنابراین زمانی حاض الوادی گفته می‌شود که سیل آب در وادی به جریان افتد. و اما در اصطلاح شرعی، به نظر مذاهب اسلامی، به خونی گفته می‌شود که غالباً در هر ماه، از رحم زنانی که در سن بلوغ به سر می‌برند و صغیره و یائسه نیستند خارج می‌شود و احکام خاصی مانند ترک نماز و روزه و عده طلاق و وفات و حرمت آمیزش جنسی بر آن مترتب می‌شود. (۱)

۲. سن بلوغ دختران و حکم آن

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ سن بلوغ دختران تمام شدن نه سال قمری است. پیش از این زمان، به دختر، صغیره گفته می‌شود، ولی به نظر حنفی‌ها صغیره دختری است که به هفت سالگی نرسیده است. به اتفاق مذاهب اسلامی خونی که دختر پس از بلوغ و پس از ایام صغیره بودن می‌بیند، خون حیض محسوب می‌شود و خونی که پیش از بلوغ می‌بیند

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۱۶ و ۳۱۵؛ توضیح المسائل، بحث حیض، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۰۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۹۷ و ۹۶

ص: ۱۴۸

حکم حیض را ندارد. (۱) یادآوری:

به فتوای مالکیه، دختری که در سن نه تا سیزده سالگی به سر می‌برد، اگر خونی ببیند، باید به اهل خبره یا پزشک مراجعه کند؛ اگر پزشک آن را حیض تشخیص داد حکم به حائض بودن او می‌شود. ولی دختری که سیزده سال به بالا دارد را «مراهقه» گویند و خون او به طور جزم و یقین حیض محسوب می‌شود.

۳. یائسگی و حکم آن

مذاهب اسلامی (جز شافعیه)؛ خون حیض، همان‌گونه که از جهت ابتدا و آغاز، محدود به زمان بلوغ است، از جهت پایان نیز زنان تا سن خاصی خون حیض می‌بینند و پس از آن، اگر هم خونی مشاهده کنند، حکم حیض را ندارد. این زمان را، زمان یائسگی گویند. ولی به نظر شافعیه، یائسگی در زن مطرح نیست و تا پایان عمر زن ممکن است حائض شود، اگرچه غالباً در سن ۶۲ سالگی خون حیض قطع می‌شود. (۲)

۴. سن یائسگی

امامیه؛ سن یائسگی در زن‌های سید (قرشی) پایان از شصت سالگی و در زن‌های غیر سید پایان و پس از پنجاه سالگی است. حنبلیه؛ یائسگی در تمامی زنان پس از پنجاه سالگی است. حنفیه؛ یائسگی در تمامی زنان پس از سن پنجاه و پنج سالگی است.

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۵۲ و ۲۵۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۱۶ و ۳۱۵؛ توضیح المسائل، بحث حیض، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۲-۱۰۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۹۷ و ۹۶

ص: ۱۴۹

شافعیه؛ یائسگی در زنان وجود ندارد.

مالکیه؛ سن یائسگی برای تمامی زنان هفتاد سالگی است، ولی در فاصله زمانی بین پنجاه تا هفتاد سالگی در مورد خونی که می‌بیند به اهل خبره مراجعه می‌کند.

بعضی فقهای امامیه در مورد تفصیل بین زنان سید و غیر سید، تأمل و اشکال دارند. (۱)

۵. مدّت حیض

امامیه و حنفیه؛ مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نیست. سه روز اول باید خون قطع نشود و ادامه یابد، اگرچه در باطن فرج باشد.

حنبلیه و شافعیه؛ اقلّ حیض یک شبانه روز مستمرّ (۲۴ ساعت) و اکثر آن پانزده شبانه‌روز است. مالکیه؛ اقلّ حیض حدّی ندارد و ممکن است حیض یک لحظه باشد. البته از جهت عدّه اقلّ حیض یک روز یا کمتر از آن است و از نظر اکثر پانزده روز می‌باشد. (۲)

۶. اکثر طهر

مذاهب اسلامی؛ پاکی و طهر میان دو حیض، از جهت اکثریت و زیادی مدت، حدّی ندارد و ممکن است زنی ماه‌ها پاک باشد. (۳)

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۵۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۲۰ و ۳۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۴-۱۱۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۶۲ و ۶۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۹۷

۳- همان

ص: ۱۵۰

۷. اقل طهر

امامیه؛ حداقل طهر بین دو حیض، اکثر حیض؛ یعنی ده روز است.
 حنبلیه؛ حداقل طهر بین دو حیض سیزده روز است.
 حنفیه و مالکیه؛ حداقل طهر بین دو حیض پانزده روز است.
 شافعیه؛ حداقل طهر بین دو حیض پانزده روز است ولی برای طهر بین حیض و نفاس حداقل وجود ندارد. (۱)

۸. محرمات مورد اتفاق در زمان حیض

مذاهب اسلامی؛ محرمات در حال حیض عبارت‌اند از: ۱. نماز ۲. روزه ۳. مسّ مصحف ۴. طواف ۵. مکث در مساجد ۶. آمیزش جنسی (وطی) ۷. طلاق ۸. اعتکاف.
 همچنین به نظر مذاهب اسلامی و مذاهب اربعه اهل سنت، نمازهای ترک شده در حال حیض قضا ندارد ولی روزه‌ها باید قضا شود. (۲)

۹. محرمات مورد اختلاف در زمان حیض

امامیه؛ ۱. قرائت سور عزائم ۲. مسّ اسماء الله ۳. عبور از مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم ۴. مکث در مشاهد مشرفه.
 ۱. مذاهب چهارگانه؛ اموری را که برای جنب حرام دانسته‌اند؛ مانند قرائت قرآن، سجده تلاوت و سجده شکر و نماز میت و ورود به مطلق مساجد، در اینجا هم برای حائض حرام شمرده‌اند ۲. مذاهب اهل سنت به جز حنبلیه، استمتاع از ناف تا زانوی زوجه را حرام

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۶۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۴۲-۳۲۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۱۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۶۴ و ۶۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۹۹ و ۹۸

ص: ۱۵۱

شمرده‌اند. اما حنبلیه؛ مانند امامیه، تنها وطی را حرام می‌شمرند ۳. پس از انقطاع دم حیض و پیش از غسل، به فتوای مذاهب سنی به جز حنفیه وطی حرام است ولی به فتوای حنفیه اگر انقطاع دم در اکثر حیض (ده روز) بود وطی قبل از غسل حلال است، به فتوای امامیه هم مطلقاً پس از غسل، وطی جایز است. اگرچه کراهت دارد. (۱) یادآوری:

۱. از میان علمای امامیه، سید مرتضی قائل به حرمت استمتاع بین سرّه و رکبه در حال حیض است؛ (۲) ۲. صدوق از فقهای امامیه نیز وطی قبل از غسل را جایز نمی‌داند. (۳)

۱۰. استماع آیه سجده در حال جنابت و حیض

امامیه؛ اگر جنب و حائض، آیه سجده را شنیدند باید سجده کنند.

مذاهب چهارگانه؛ سجده تلاوت، مانند نماز است و مشروط به طهارت از حدث اکبر و اصغر می‌باشد، و بر حائض و جنب، سجده تلاوت واجب نیست.

یادآوری:

از فقهای امامیه شیخ طوسی رحمه الله نیز فتوای اهل سنت را در مورد سجده تلاوت مطرح کرده است. (۴)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۶۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۴۵-۳۳۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۱۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۹۹ و ۹۸

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۶۵ و ۲۶۴

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۶۶ و ۲۶۵

۴- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۳۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۹۶ و ۳۹۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۷۳-۲۷۱

ص: ۱۵۲

۱۱. کیفیت غسل حیض

مذاهب اسلامی؛ غسل حیض از جهت کیفیت و احکام، تفاوتی با غسل جنابت ندارد به جز در نیت. به نظر مذاهب اربعه اهل سنت، پس از انقطاع دم حیض، حائض باید برای انجام عبادات واجب با آب مطلق طاهر غسل کند و آب را به تمام بدن برساند، طبق مذهب امامیه در غسل ترتیبی، اول سر و گردن، سپس طرف راست و سپس طرف چپ شسته می‌شود. (۱)

احکام استحاضه

۱. تعریف استحاضه

مذاهب اسلامی؛ در اصطلاح شرعی، خون استحاضه، خونی است که از رحم زن، در غیر وقت حیض و نفاس خارج می‌شود. بنابراین، خونی که بعد از حداکثر زمان حیض یا پیش از حداقل زمان حیض یا در دوران یائسگی و یا قبل از سن بلوغ خارج می‌گردد و خون قروح و جروح و نفاس نباشد، استحاضه خواهد بود. (۲)

۲. اقسام استحاضه

امامیه؛ خون استحاضه، بر اساس کمی و زیادی آن، سه نوع است: ۱. استحاضه قلیله: و آن، زمانی است که خون یک طرف پنبه را آلوده کند و در طرف دیگر آن ظاهر نشود و زن باید برای نماز، ضمن تطهیر بدن وضو بگیرد؛ ۲. استحاضه متوسطه: وقتی است که خون در پنبه نفوذ و از طرف دیگر آن ظاهر شود ولی پارچه روی پنبه را آلوده نکند و زن علاوه

۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۷۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۰۰ و ۹۹

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۵۷؛ توضیح المسائل، بحث مستحاضه، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۱۵ و ۲۱۴؛ فقه السنه، ج

۱، صص ۶۶-۶۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۰۲ و ۱۰۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۲۴-۲۷۹

ص: ۱۵۳

بر وظایف قلیله، باید هر روز یک غسل قبل از نماز صبح انجام دهد؛ ۳. استحاضه کثیره:

زمانی است که خون، علاوه بر آلوده کردن پنبه و ظاهر شدن از طرف دیگر، پارچه یا لباس روی پنبه را نیز فرا گیرد و زن علاوه بر وظایف قلیله و متوسطه باید یک غسل برای نماز ظهر و عصر یک غسل هم برای نماز مغرب و عشا انجام دهد. به شرط آن که میان نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا فاصله نیندازد. این تقسیم از احکام اختصاصی امامیه است و هیچ‌یک از مذاهب چهارگانه اهل سنت آن را مطرح نکرده‌اند. (۱)

۳. غسل استحاضه

طبق آنچه در مسأله پیش گذشت، غسل استحاضه متوسطه و کثیره، از غسل‌های واجب نزد امامیه است، ولی فقهای اهل سنت چنین غسلی را واجب نشمرده‌اند. (۲)

۴. حکم استحاضه

مذاهب اسلامی؛ مستحاضه باید برای نماز، ضمن تطهیر بدن، وضو هم بگیرد و استحاضه احکام حیض و نفاس را ندارد. در نتیجه به نظر مذاهب اسلامی، نماز، روزه، قرائت قرآن، مکث در مسجد، اعتکاف، آمیزش جنسی، طلاق و غیره برای مستحاضه، صحیح و جایز است، با این تفاوت که طبق مذهب امامیه، بسیاری از این امور در صورتی جایز و مشروط است که مستحاضه به وظیفه خود بر اساس اقسامی که دارد عمل کرده باشد.

یادآوری:

به نظر فقهای اهل سنت، مستحاضه مانند مسلوس و مبطون از ذوی الأغدار محسوب

۱- همان

۲- همان

ص: ۱۵۴

می‌شود و حکم آن‌ها را دارد. (۱)

احکام نفاس

۱. تعریف نفاس

امامیه و مالکیه؛ خونی که هنگام ولادت یا بعد از آن بر اثر ولادت فرزند از زن خارج می‌شود، نفاس است ولی خون قبل از ولادت نفاس نیست.

حنبلیه؛ خونی که تا دو-سه روز پیش از زایمان، با وجود نشانه، مانند درد زایمان، مشاهده می‌شود و همچنین خونی که هنگام ولادت فرزند و پس از آن خارج می‌گردد، خون نفاس است.

حنفیه؛ خونی که پس از تولد کامل یا بیشتر فرزند خارج می‌شود نفاس است ولی خونی که پیش از تولد یا کمتر فرزند خارج می‌شود نفاس نیست.

شافعیه؛ خون پس از تولد کامل فرزند نفاس است ولی خون قبل از تولد کامل او، ولو بیشتر کودک هم متولد شده باشد نفاس نیست. (۲)

۲. اقل نفاس

مذاهب اسلامی؛ برای اقل نفاس و کمترین مدت آن، حدی وجود ندارد و ممکن است نفاس تنها یک لحظه باشد. بنابراین، پس از تولد نوزاد، اگر زن یک لحظه خونی ببیند و سپس آن خون قطع شود، نفاس محقق گشته و تمام شده است. (۳)

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۳۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۶ و ۱۱۵؛ فقه السنه، ج

۱، ص ۶۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱، صص ۱۰۳ و ۱۰۲

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۶۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۱۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص

۶۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۶۲ و ۶۱

ص: ۱۵۵

۳. اکثر نفاس

امامیه؛ اکثر نفاس مانند اکثر حیض ده روز است و بیش از آن استحاضه است.
حنبلیه و حنفیه؛ اکثر نفاس چهل روز می‌باشد.
شافعیه و مالکیه؛ اکثر نفاس شصت روز است. (۱)

۴. حکم نفاس و غسل آن

مذاهب اسلامی؛ حکم نفاس، حکم حیض است و تمامی محرمات و مکروهات در حال حیض، در حال نفاس هم مترتب است. همچنین به نظر مذاهب اسلامی، یکی از غسل‌های واجب، غسل نفاس است و از جهت احکام و خصوصیات، بجزئیت، با غسل حیض و جنابت تفاوت ندارد. (۲)
درسنامه در آمدی بر فقه مقارن؛؛ ص ۱۵۵

سایر اغسال واجب و مستحب

۱. غسل مسّ میت

امامیه؛ میتی که سرد شده و هنوز غسلش نداده‌اند، مسّ آن موجب غسل است.
مذاهب چهارگانه؛ مسّ میت موجب غسل نمی‌گردد و حدث محسوب نمی‌شود، اگرچه بر کسی که میت را غسل داده مستحب است غسل کند. ولی به فتوای امامیه، غسل مسّ میت شرط صحت صلاه است. اگرچه بدون غسل مسّ میت، توقف در مساجد و آمیزش جنسی و قرائت سوره‌های عزائم مانعی ندارد. غسل مسّ میت جزئیت، در سایر امور مانند

- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۳۷-۲۳۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۶۱ و ۳۶۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۷ و ۱۱۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۳
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۳۴-۳۳۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۶۵ و ۳۶۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۱۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۶۴ و ۶۳

ص: ۱۵۶

غسل جنابت است.

به فتوای امامیه، مسّ بدن شهید غسل ندارد ولی مسّ جنین چهار ماهه سقط شده و مسّ اجزای جدا شده از انسان، اگر با استخوان همراه باشد موجب غسل است. (۱)

۲. مسلمان شدن کافر

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه)؛ کافر وقتی اسلام آورد، غسل بر او واجب نیست مگر این که جنب باشد و اسلام آورد. حنبلیه؛ کافر اگر مسلمان شود، باید غسل کند. (۲)

۳. از دنیا رفتن

چنانکه در بحث اموات و در گذشتگان خواهد آمد، وقتی مسلمانی از دنیا برود؛ یکی از کارهایی که به اتفاق مذاهب اسلامی واجب می شود غسل میّت است. به فتوای همه مذاهب، میّت را باید سه بار غسل دهند. ولی در چگونگی انجام این غسل با هم اختلاف دارند. (۳)

۴. جمع بندی غسل های واجب

- الف) غسل های مورد اتفاق: ۱) غسل جنابت ۲) غسل حیض ۳) غسل نفاس ۴) غسل میّت.
 ب) غسل های اختصاصی امامیه: ۱) غسل استحاضه ۲) غسل مسّ میّت.
 ج) غسل اختصاصی حنبلیه: غسل اسلام.

۱- الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة، ج ۱، ص ۱۱۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۷۰-۳۶۵؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱، صص ۱۰۶ و ۱۰۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۹۹-۹۵ و ۱۰۷-۱۰۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۱۹ و ج ۲، صص ۱۳۶-۱۳۱

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۴۸ و ۲۴۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۹۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۹

۳- تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۲۳۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۹۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۹

ص: ۱۵۷

۵. غسل‌های مستحب

مذاهب اسلامی؛ غسل‌های سنت یا مستحب فراوانی در اسلام وجود دارد. که مهمترین آن‌ها، از نظر همه مذاهب عبارت‌اند از: (۱) غسل جمعه (۲) غسل عید فطر و عید قربان (۳) غسل احرام (۴) غسل برای وقوف در عرفه. (۱) یادآوری:

۱. غسل جمعه را برخی از فقهای امامیه؛ مانند صدوق واجب شمرده‌اند.

۲. برخی از اهل سنت؛ مانند مالکیه، میان غسل‌های مسنون و غسل‌های مندوب تفاوت قائل‌اند. (۲) یادآوری:

فقهای امامیه غسل‌های مستحب فراوانی را ذکر کرده‌اند و طبق یک تقسیم‌بندی، آن‌ها را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: (۱) غسل‌های زمانی: مانند غسل جمعه، غسل شب‌های ماه رمضان، غسل عید فطر و قربان، غسل هشتم و نهم ذی‌الحجه، غسل اول، وسط و آخر ماه رجب، غسل عید غدیر، غسل عید مبعث، غسل نیمه شعبان و غسل عید میلاد پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ... (۲) غسل‌های مکانی: مانند غسل ورود به حرم و مکه، غسل ورود به مسجدالحرام و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم و ... (۳) غسل‌های فعلی: غسل‌های فعلی دو گونه است:

الف) کارهایی که می‌خواهد انجام دهد: مانند غسل احرام، طواف، زیارت، غسل وقوف به عرفات، نماز استسقا. ب) غسل برای کاری که انجام داده است: مانند کشتن قورباغه، دیدن کسی که به دار آویخته شده، مسّ میّت پس از غسل دادن و (۳)

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۴۸-۱۳۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۰۷-۱۰۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳-۵۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۵۵
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۳۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۶۷-۴۵۵؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۹۷-۹۴
 - ۳- همان

ص: ۱۶۱

۷. احکام تیمم

تیمم

مسوغات تیمم

۱. نداشتن آب

مذاهب اسلامی؛ به اجماع فقها و به تصریح آیه قرآن کریم «فَأَنْ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا» (مائده: ۶) کسی که آب برای وضو و غسل در اختیار ندارد وظیفه او برای عبادت مشروط به طهارت، تیمم است. یادآوری:

تیمم در لغت به معنای قصد و در اصطلاح شرعی به معنای مسح صورت و دست است؛ به شکل و کیفیت مخصوص. (۱)

۲. طلب و جستجوی آب

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ کسی که آب ندارد ولی احتمال و امکان وجود آب در اطراف خویش را می‌دهد، باید پیش از تیمم، به جستجوی آب پردازد و در صورت نیافتن، تیمم کند. ولی حنفیه معتقدند فاقدالماء، اگر در شهر به سر می‌برد و مسافر نیست، تفحص از آب برای او واجب نیست و وظیفه‌اش نماز با تیمم در داخل نمی‌باشد. ولی اگر مسافر است

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۴۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۸، صص ۱۳۴ و ۱۳۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۸-۵۶

ص: ۱۶۲

و گمان می‌کند در فاصله یک میلی و کمتر از آن آب وجود دارد، باید به دنبال آب برود و در غیر این صورت تفحص لازم نیست. (۱) یادآوری:

امامیه مقدار طلب را محدود به غلوه (اندازه پرتاب یک تیر در زمین ناهموار و دو تیر در زمین هموار) کرده‌اند، مالکيه هم مقدار آن را محدود به دو میل و شافعيه مقدار آن را محدود به نصف فرسخ (۶ هزار گام) دانسته‌اند ولی حنبلی‌ها ملاک آن را نزدیکی و دوری دانسته‌اند که عرف آن را تعیین کند.

۳. ترس و تعذر از استعمال آب

مذاهب اسلامی؛ در صورت وجود آب و ترس از به دست آوردن آن؛ مانند ترس از حیوان درنده یا دزد یا ترس از هتک ناموس و یا ترس از عطش و سرما و بیماری، در حکم فقدان آب است و تیمم در این حالت جایز و صحیح می‌باشد. (۲)

۴. داشتن آب غیر کافی

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه و شافعیه)؛ اگر مقدار آب موجود، کافی برای وضو یا غسل نیست، وظیفه او تیمم است. حنبلیه و شافعیه؛ اگر مقدار آب موجود، کافی برای وضو یا غسل نیست، باید به مقدار موجود از آن، برای وضو استفاده کند و برای بقیه تیمم کند. (۳)

- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۵۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۸، صص ۱۳۶-۱۳۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۸ و ۵۷؛ المختصر فقه حنفی، الکافی فی فقه المدینه فقه مالکی؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی؛ المصادر الفقهیه، ج ۱، صص ۷، ۶ و ۳۸۱ و ج ۲، ص ۹۶۳
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۶۷-۱۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۸، صص ۱۳۵ و ۱۳۴؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۸
- ۳- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۶۹-۱۶۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۳۴ و ۱۳۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۲۶

ص: ۱۶۳

۵. تیمم در تنگی وقت نماز

امامیه؛ در تنگی وقت نماز، اگر آب هم داشته باشد، باید تیمم کند و نباید وضو بگیرد یا غسل کند. حنبلیه؛ غیر مسافر در تنگی وقت نباید تیمم کند، ولی مسافری که می‌داند وقت نماز می‌گذرد، با تیمم نماز می‌خواند. حنفیه؛ در نمازهایی که بدل دارند؛ مانند نماز جمعه و نمازهای یومیه، نباید تیمم کند، بلکه باید طهارت کسب کند و نماز را خارج از وقت بخواند.

شافعیه؛ در صورت خوف از خروج وقت، نمی‌تواند تیمم کند و باید با طهارت مائیه نماز را خارج وقت بخواند. مالکیه؛ در صورت تنگی وقت، باید تیمم کند و نمازهای یومیه را با تیمم بخواند.

یادآوری:

حنفیه گفته‌اند در تنگی وقت برای نماز میت و نماز عید، تیمم کند و نماز بخواند، همچنین است در مورد نوافل موقت، چون این نمازها بدل ندارند. (۱)

۶. چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

امامیه؛ بر هر آنچه که اسم زمین بر آن اطلاق می‌شود؛ اعم از خاک، سنگ و ریگ، می‌توان بر آنها تیمم کرد. حنبلیه؛ تیمم تنها بر خاک غیر پخته‌ای که دارای غبار است، جایز است. بنابراین، تیمم بر سفال و سنگ و خاکی که غبار ندارد، جایز نیست.

حنفیه؛ هر آنچه از جنس زمین باشد؛ مانند خاک، رمل، ریگ، سنگ و تیمم جایز است.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۳۷ و ۱۳۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۹؛ الهدایه فقه حنفی، المقنع فقه حنبلی، المصاادر الفقهیه، ج ۱، ص ۲۴۸ و ج ۲، ص ۸۸۸

ص: ۱۶۴

شافعیه؛ تیمم بر خاک دارای غبار و رمل دارای غبار جایز است و تیمم بر خاک پخته هم جایز است.
مالکیه؛ تیمم بر خاک افضل است ولی تیمم بر رمل و سنگ و یخ نیز جایز است و همچنین تیمم بر گل رقیق جایز می‌باشد. (۱)

۷. نیت در تیمم

مذاهب اسلامی؛ نیت از واجبات یا شروط تیمم محسوب می‌شود، اگرچه در چگونگی نیت و نیت رفع حدث یا جواز بجا آوردن نماز یا انجام دادن کارهایی که مشروط به طهارت است، میان مذاهب، تفاوت رأی مشاهده می‌شود. (۲)

۸. مسح صورت

امامیه؛ پس از زدن کف دو دست بر زمین، مسح پیشانی تا بالای بینی کافی است و مسح تمامی صورت لازم نیست ولی مسح باید با دو دست باشد.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ باید تمام صورت، حتی ریش، پس از زدن دست‌ها بر زمین مسح شود ولو با یک دست یا یک انگشت باشد. اما در فتوای حنفی‌ها، مسح اکثر وجه هم کافی است.

یادآوری:

از فقهای امامیه مرحوم صدوق نیز مسح تمامی صورت را واجب دانسته است. (۳)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۷۷-۱۷۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۳۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۲۹ و ۱۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۹

۲- همان

۳- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۹۱ و ۱۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۴۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۳۰ و ۱۲۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۹

۹. مسح دست‌ها

امامیه؛ مسح پشت دست‌ها، از مچ تا سر انگشتان واجب است.

حنبلیه؛ مسح دست‌ها تا کوعین واجب و تا مرفق سنت است.

حنفیه و شافعیه؛ مسح دست‌ها تا آرنج باید انجام گیرد؛ مانند وضو.

مالکیه؛ مانند حنبلیه، مسح دست‌ها تا کوع را واجب و تا مرفق سنت می‌دانند. (۱) یادآوری:

۱. طرف و انتهای زند (مچ) را کوع و آرنج را مرفق گویند. ۲. مستند امامیه، ظاهر آیه تیمم است که در «فَامَسَّحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ» باء مفید تبعیض است و «أیدی» ظهور در کف دارد.

۱۰. ترتیب

امامیه؛ رعایت ترتیب این موارد واجب است: ۱. مسح صورت ۲. مسح روی دست راست ۳. مسح روی دست چپ. همچنین مسح از بالا به پایین انجام می‌شود.

حنبلیه؛ رعایت ترتیب بین صورت و دست‌ها لازم است.

حنفیه؛ رعایت ترتیب، سنت است نه فرض.

شافعیه؛ رعایت ترتیب بین صورت و دست‌ها لازم است.

مالکیه؛ رعایت ترتیب سنت است و واجب نیست. (۲)

۱۱. موالات

امامیه؛ رعایت موالات در اجزای تیمم لازم است.

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۹۷ و ۱۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۴۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۳۱

ص: ۱۶۶

حنبلیه؛ در تیمم از حدث اصغر، باید موالات رعایت شود، ولی در تیمم از حدث اکبر موالات شرط نیست. حنفیه و شافعیه؛ رعایت موالات سنت است. مالکیه؛ رعایت موالات لازم است و از فروض تیمم به شمار می‌آید. (۱)

۱۲. تسمیه

امامیه؛ هنگام تیمم گفتن بسم‌الله شرط یا واجب نیست. حنبلیه؛ تسمیه واجب است و با ترک عمدی آن، تیمم باطل می‌شود. حنفیه؛ تسمیه سنت است خواه قصد ذکر کند یا قصد تلاوت. شافعیه؛ تسمیه سنت است ولی جنب هنگام گفتن «بسم‌الله» نمی‌تواند قصد تلاوت کند. مالکیه؛ تسمیه مندوب و مستحب است نه سنت. (۲)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۹۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۴۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۳۱؛ برای آگاهی بیشتر از فتاوی اهل سنت در بحث تیمم، می‌توانید رجوع کنید به: بدائع الصنائع فقه حنفی؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی؛ الأم فقه شافعی؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی؛ المصاדר الفقهیه، ج ۱، صص ۱۴۶-۱۱۴ و ۳۸۶-۳۷۹ و ج ۲، صص ۶۲۴-۶۱۳ و ۹۶۸-۹۵۹

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۴۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۹

ص: ۱۶۹

۸. احکام درگذشتگان

احتضار و غسل میت

احکام محتضر

۱. برگرداندن محتضر به سوی قبله

امامیه؛ محتضر را به سمت قبله کردن، به نظر مشهور امامیه واجب یا احتیاط واجب است؛ به گونه‌ای که او را به پشت می‌خوابانند تا کف پاهایش به طرف قبله باشد.

مذاهب چهارگانه؛ توجیه محتضر به سمت قبله سنت است؛ به این صورت که او را به پهلوئی راست می‌خوابانند و در صورت مشقت، به پشت خوابانده و پاهایش را به سمت قبله می‌کنند ولی مالکیه این وضع را مندوب می‌دانند. (۱) یادآوری:

۱. خواندن سوره یس، خواندن دعا، دور کردن جنب و حائض از بالین محتضر، بستن چشم‌های او و اعلام به مردم و غیره از اموری است که در مذاهب چهارگانه، از مندوبات یا سنن شمرده شده است.

۲. در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه و تذکره الفقهاء، نظر شافعیه در کیفیت توجیه

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۲۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۷۴ و ۳۷۳

ص: ۱۷۰

محتضر به سمت قبله؛ مانند نظر امامیه دانسته شده است. (۱)

۲. تلقین

امامیه؛ تلقین شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقّ مستحب است و نیز خواندن برخی دعاهاى مأثور بر محتضر، به گونه‌ای که بفهمد استحباب دارد. همچنین است خواندن تلقین هنگام دفن کردن. حنبلیه؛ تلقین شهادت هنگام احتضار و پس از دفن و تسویه تراب مستحب است. حنفیه؛ تلقین محتضر مستحب است ولی تلقین پس از دفن، نه «مأمور به» است و نه «منهی عنه». شافعیه؛ تلقین محتضر و تلقین پس از دفن مستحب است. مالکیه؛ تلقین محتضر مندوب ولی تلقین پس از دفن و حال دفن مکروه است. (۲)

غسل میت

۱. غسل میت

مذاهب اسلامی؛ غسل دادن میت از فروض کفایى است و آنگاه که عده‌ای اقدام به آن کردند، از دیگران ساقط می‌شود. (۳)

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۲۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۷۰-۳۶۷؛ العروة الوثقى، ج ۱، صص ۳۷۴ و ۳۷۳

۲- الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۰۶؛ تذکره الفقها، ج ۱، صص ۳۳۸ و ۳۳۷

۳- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۵؛ العروة الوثقى، ج ۱، ص ۳۸۱؛ تذکره الفقها، ج ۱، صص ۳۳۸ و ۳۳۹

۲. شرایط مورد اتفاق در وجوب غسل میت

۱. مسلمان بودن؛ از شرایط مورد اتفاق وجوب غسل میت است، به غیر از شافعیه، سایر مذاهب غسل میت کافر را حرام می‌دانند ولی شافعیه آن را مجاز می‌شمارند.
۲. شهید نبودن؛ میت غیر شهید باید غسل داده شود و شهید در معرکه غسل ندارد، به نظر همه مذاهب اسلامی. (۱) یادآوری: به فتوای امامیه کسی که به وسیله رجم و قصاص واجب القتل است، حاکم اسلامی به او دستور می‌دهد که پیش از قتل، خودش غسل میت را با آب سدر و کافور و ... انجام دهد.

۳. غسل جنین سقط شده

- امامیه؛ جنین سقط شده را، اگر چهار ماهه یا بیشتر است، باید غسل دهند و گرنه او را در پارچه‌ای می‌پیچند و بدون غسل دفن می‌کنند.
- حنبلیه؛ جنین اگر چهار ماه کامل باشد و سقط شود، غسل واجب است.
- حنفیه؛ جنین اگر زنده سقط شود، غسلش واجب است و اگر مرده بیاید، اگر تمام باشد غسلش واجب است و در غیر این صورت روی آن آب ریخته می‌شود.
- شافعیه؛ حمل اگر بعد از تمام (شش ماه و دو لحظه) سقط شود غسلش واجب است ولو میت باشد و اما قبل از آن اگر حیات داشت غسلش واجب است و اگر علم به حیات او نبود، اگر خلقش ظاهر بود، غسل واجب است و الّا نه.
- مالکیه؛ اگر حیات حمل بعد از سقط محقق بود، غسلش واجب است، در غیر این

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۶؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۸۷ و ۳۸۶، ۳۸۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۳۴۵

ص: ۱۷۲

صورت کراهت دارد. (۱)

۴. غسل مقداری از جسم

امامیه؛ قطعه جدا شده از میت اگر همراه استخوان نیست غسل ندارد و اگر همراه با استخوان و غیر سینه است غسل داده، در پارچه‌ای پیچیده و دفن می‌گردد ولی اگر سینه داشت، علاوه بر غسل، کفن کرده و نماز بر او می‌خوانند. حنبلیه و شافعیه؛ هر مقدار از جسد میت پیدا شد باید غسل داده شود. حنفیه و مالکیه؛ اگر اکثر جسد یافت شود، یا نصف جسد همراه سر پیدا شود غسل لازم است. (۲)

۵. تعداد غسل میت

امامیه؛ واجب است میت را سه غسل دهند: ۱. با آب مخلوط به سدر ۲. با آب مخلوط به کافور ۳. با آب خالص (قراح). مذاهب چهارگانه؛ برای میت یک غسل بیشتر فرض نیست، به گونه‌ای که تمام بدن او را شامل شود ولی علاوه بر غسل اول، دو غسل دیگر نیز مسنون و مندوب است تا این که بدن میت نظیف شود و چنانچه با کمتر از سه غسل هم تمیز شود، اکتفا به کمتر از سه غسل مکروه است ولی اگر با سه غسل نظیف نمی‌شود، مندوب است که بر تعداد غسل بیفزایند تا آنجا که نظیف شود ولی زیاده، با عدد فرد پایان یابد.

-
- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۰۸ و ۱۰۷
 - ۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۷۶ و ۳۷۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۹۱ و ۳۹۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۰۹ و ۱۰۸

ص: ۱۷۳

یادآوری:

علامه حلی رحمه الله در تذکره نقل کرده است که برخی از امامیه در تعداد غسل، همان نظر مذاهب اربعه را پذیرفته‌اند. (۱)

۶. کیفیت غسل میت

امامیه؛ در غسل میت، باید ترتیب سدر و کافور و آب خالص مراعات شود و به اندازه‌ای نباشد که آب را مضاف کند و در غسل، اول سر و گردن، سپس طرف راست و بعد طرف چپ غسل داده می‌شود و مُحرم میت را در غسل دوم او کافور نمی‌ریزند. مذاهب چهارگانه؛ در غسل اخیر مندوب است که آب با ماده خوشبو مخلوط شود ولی افضل کافور است و در غیر غسل آخر، مندوب است که آب با چیز تمیز کننده‌ای؛ مانند صابون مخلوط باشد و مخلوط کردن با ماده خوشبو در صورتی است که میت مُحرم نباشد و اگر مُحرم بود، به نظر حنبلیه و شافعیه باید آن را خوشبو نکنند. ولی حنفیه و مالکیه مُحرم را با سایرین متفاوت نمی‌دانند.

یادآوری:

به نظر مالکیه، باید غسل اول با آب قراح باشد، چون اگر آب با صابون مخلوط شود مطهر نخواهد بود. (۲)

- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۳۱ و ۴۳۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۷۸ و ۳۷۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۰۹ و ۱۰۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۵۵-۳۵۱
- ۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۳۱-۴۳۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۷۸-۳۷۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۱۲۶-۱۲۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۹۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۰۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۵۵-۳۵۱

ص: ۱۷۴

۷. حنوط

امامیه؛ بعد از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به مساجد سبعة او کافور بمالند ولی حنوط مُحرم جایز نیست و ادخال کافور در چشم و بینی و گوش میت کراهت دارد.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ تطیب سر و لویه میت، پس از غسل به خوشبو کننده‌ای غیر از زعفران مندوب است. همچنین طیب و خوشبو کننده را برای اعضای سجده قرار دادن و بر چشم‌ها و گوش‌ها و زیر بغل نهادن مندوب است و افضل آن است که کافور باشد، مشروط به این که میت مُحرم نباشد. (۱) یادآوری:

۱. برای فقه امامیه خوشبو کردن میت با مشک و عنبر و عود و عطرها دیگر مکروه است ولی مستحب است کافور را با مقداری از تربت قبر امام حسین علیه السلام مخلوط کنند.

۲. به جز مالکیه سایر مذاهب اربعه، بخور دادن نزد میت را مندوب می‌شمرند یعنی خوشبو کردن فضا با آتش زدن مواد معطر؛ مانند عود، ولی در مذهب اهل بیت علیهم السلام بخور ثابت نیست. (۲)

۸. همکن و همسان بودن غاسل

مذاهب اسلامی؛ همکن و مانند بودن غسل دهنده در جنسیت با میت شرط است. بر مردان غسل دادن میت زن و بر زنان غسل دادن میت مرد جایز نیست. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۳۱؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۸؛ عروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۷۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۱، صص ۶۵۱ و ۶۵۲

۲- تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۹۲-۳۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۵۱ و ۶۵۲

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۲۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۳۷۵-۳۶۰؛ العروه الوثقی، ج ۱، ص ۳۸۳

ص: ۱۷۵

۹. غسل دادن زن و شوهر به وسیله یکدیگر

امامیه؛ زن و شوهر می‌توانند یکدیگر را غسل دهند اگرچه زن مطلقه رجعیه و مرگ در عده باشد.
 حنبلیه؛ زن و شوهر می‌توانند همدیگر را غسل دهند و مطلقه رجعیه می‌تواند شوهر را غسل دهد ولی مطلقه بائنه نمی‌تواند.
 حنفیه؛ شوهر نمی‌تواند زن خود را غسل دهد چون زوجیت پایان یافته است اما اگر زوج فوت کند، زوجه می‌تواند او را غسل دهد؛
 چون در عده است اگرچه مطلقه رجعیه باشد، به خلاف بائن.
 شافعیه و مالکیه؛ زوجین می‌توانند یکدیگر را غسل دهند مگر زن مطلقه، ولو رجعیه، در این صورت هیچ یک نمی‌توانند دیگری را
 غسل دهند. (۱)

۱۰. فقدان همگن

امامیه؛ اگر مماثل ولو مخالف و کتابی یافت نشود، غسل ساقط است.
 حنبلیه؛ اگر زوج یا زوجه یا مماثل میت حضور ندارد، اجانب با حایل او را تیمم می‌دهند ولی اگر محرم دارد محرم بدون حایل او
 را تیمم می‌دهد.
 حنفیه؛ اگر زوج و زوجه و محرم هست، آنها با دست تا مرفق او را تیمم می‌دهند و در غیر این صورت، اجنبی با پوشاندن دستش
 به وسیله خرقة‌ای، او را تیمم می‌دهد.
 شافعیه؛ اگر زوج و زوجه حضور دارند، آنها میت را غسل دهند اگر محرم حضور دارد آنها غسل می‌دهند و در غیر این صورت
 اجنبی او را تا مرفق تیمم می‌دهد.
 مالکیه؛ اگر زوج و زوجه یا محرم وجود دارد، آنها غسل می‌دهند و الا اجانب، میت را

ص: ۱۷۶

تا مرفق تیمم می‌دهند. (۱)

کفن میت

۱. وجوب تکفین

مذاهب اسلامی؛ تکفین میت بر مسلمانان واجب کفایی است؛ یعنی با اقدام برخی، از دیگران ساقط می‌شود و هزینه تکفین میت از ترکه او، که متعلق حق دیگران نیست برداشته می‌شود، ولی کفن زوجه بر عهده زوج است به نظر جمهور. اگر میت ترکه‌ای نداشت کفن بر عهده واجب النفقه اوست و در غیر این صورت بر عهده بیت‌المال و یا بر عهده سایر مسلمانان است. (۲) یادآوری: امامیه بر این نظریه‌اند که اگر میت ترکه نداشت، کفن او به عهده واجب النفقه یا دیگر مسلمانان نیست و عاریاً و بدون کفن دفن می‌شود ولی علامه فرموده است: اگر بیت المال وجود دارد، از بیت‌المال داده می‌شود.

۲. حداقل مقدار لازم در کفن

امامیه؛ میت را باید با سه پارچه کفن کنند:

۱. لنگ: برای پوشاندن ناف تا زانو ۲. پیراهن: برای پوشاندن از سر شانه تا نصف ساق

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۲۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، ص ۳۶۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۳۸۶؛ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۸۱

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۳۸-۴۳۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۸۲-۳۷۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۰۹-۴۰۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۵-۱۳ و ۹-۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، صص ۶۵۹ و ۶۵۸ و منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۵۸

ص: ۱۷۷

پا ۳. ازار (سرتاسری): برای پوشاندن تمام بدن. مذاهب چهارگانه؛ حداقل مقدار لازم برای کفن، که موجب سقوط تکلیف می‌شود، یک کفن است؛ به گونه‌ای که تمامی بدن میت را بپوشاند. (۱)

۳. شرایط و ویژگی‌ها، و سنت‌ها و مستحبات کفن

امامیه؛ کفن کردن با پارچه نجس و حریر جایز نیست مگر در حال ناچاری. همچنین کفن باید از اجزای غیر مأکول اللحم و طلا باف نباشد و پوشاندن سر و صورت مُحرم اشکال ندارد.

حنبلیه؛ کفن دو گونه است: واجب و مسنون. واجب ثوبی است که تمام بدن میت را می‌پوشاند و در روزهای جمعه و اعیاد پوشیده می‌شود و اما مسنون: اگر مرد است در سه لفافه کفن می‌شود ولی عمامه برای او کراهت دارد. سه لفافه را پهن می‌کنند و بعد با عود بخور می‌دهند و میت را بر آن قرار می‌دهند و بین آن را حنوط می‌کنند. اما زن و خنثی در پنج لباس پنبه‌ای سفید تکفین می‌شوند: ازار، خمار، قمیص و لفافتان. خمار بر سر، ازار در وسط و قمیص را به او می‌پوشانند و تکفین با پوست و حریر و مذهب و مفضض حتی برای زن حرام است.

حنفیه؛ حبّ الاکفان، پارچه سفید است و هر چه در حال حیات مباح بوده، تکفین به آن جایز است و هر چه مباح نبوده تکفین به آن مکروه است؛ مانند حریر برای مردان، نه برای زنان. کفن سه نوع است: ۱. کفن کفایه: اکتفا به ازار یا لفافه یا با خمار و تکه‌ای برای سینه‌های زنان و ترک قمیص ۲. کفن مسنون: قمیص و ازار و لفافه. قمیص از گردن تا قدم و ازار و لفافه از سر تا قدم را می‌پوشاند و برای زن خمار برای پوشش صورت و خرقة‌ای برای پوشش سینه‌ها استفاده می‌شود ۳. کفن ضرورت: آنچه در حال ضرورت پیدا شود.

ص: ۱۷۸

شافعیه؛ میت باید با آنچه در حال حیات پوشیدن آن جایز بوده، کفن شود. لذا کفن مرد به حریر و مزعفر جایز نیست. کفن باید طاهر باشد. مغالاة در کفن مکروه است؛ همانطور که ذخیره کردن کفن در حال حیات کراهت دارد و کتابت قرآن بر کفن حرام است. کفن سه ثوب است برای مرد و زن که تمام بدن آن‌ها را می‌پوشاند مگر سر مُحرم و صورت مُحرمه. علاوه بر این سه، جایز است برای مردان یک قمیص و عمامه قرار داده شود ولی افضل اکتفا به همان سه است. اما زن، اکمل آن است که پنج چیز باشد: ازار، قمیص، خمار و لفافتان. مالکیه؛ زیاده کفن از یکی مندوب است، افضل برای مردان پنج چیز است؛ قمیص دارای آستین و ازار و عمامه و لفافتان و برای زنان هفت چیز است: ازار، قمیص، خمار و چهار لفافه. کفن مندوب است که سفید باشد. کفن حریر و خز و نجس مکروه است. واجب است کفن میت در لباس نماز جمعه‌اش باشد. تبخیر کفن و گذاشتن ماده خوشبو در داخل آن مندوب است و افضل از طیب، کافور است که در منافذش قرار می‌دهند.

یادآوری:

طلاباف نبودن یا غیر مأکول اللحم نبودن کفن در نظر برخی از فقهای امامیه مبنی بر احتیاط است. (۱)

نماز میت

۱. حکم نماز میت

مذاهب اسلامی؛ نماز گزاردن بر میت فرض کفایی بر مسلمانان است. پس اگر یک نفر آن را به جا آورد، از دیگران ساقط می‌شود.

(۲)

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۳۸ و ۴۳۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲ و صص ۲۳ و ۲۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۲۰ و ۴۱۹

ص: ۱۷۹

۲. شرایط کسانی که بر میت نماز می‌گذارند

امامیه؛ در نماز میت طهارت از حدث و خبث و ستر عورت و مباح بودن لباس شرط نیست، اگرچه رعایت احتیاط بهتر است. مذاهب چهارگانه؛ نماز بر میت با نمازهای دیگر تفاوتی ندارد و همان شرایطی که در سایر نمازها باید رعایت شود؛ مانند طهارت از حدث اکبر و اصغر، رو به قبله بودن، ستر عورت، و غیر آنها، در مورد نماز میت نیز رعایتش لازم است. (۱)

۳. شرایط مورد اتفاق در نماز میت

۱. مسلمان بودن میت ۲. اقامه نماز پس از غسل، از شرایط مورد اتفاق مذاهب اسلامی است. آیه شریفه «وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا» اشاره به حرمت نماز بر کافر دارد. (۲)

۴. شرایط مورد اختلاف: حاضر بودن میت

امامیه، حنفیه و مالکیه؛ حاضر بودن میت شرط است. حنبلیه؛ نماز بر غایب اگر کمتر از یک ماه از مرگش سپری شده باشد جایز است و حاضر بودن شرط نیست. شافعیه؛ نماز بر غایب از شهر، صحیح است و کراهت ندارد و حاضر بودن شرط نیست.

-
- ۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۸۳ و ۳۸۲، العروة الوثقی، همان؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۶۰
- ۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸۷؛ العروة الوثقی، همان؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، صص ۶۷۱ و ۶۷۰

ص: ۱۸۰

یادآوری:

مذاهبی که نماز بر میت را مشروط به حضور میت می‌دانند، نماز پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر نجاشی را ناشی از خصوصیت مورد می‌شمارند و و آن را به سایر موارد سرایت نمی‌دهند. (۱)

۵. قرار دادن جنازه در برابر نمازگزار

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ میت را باید در برابر نمازگزاران قرار دهند. قرار دادن میت در برابر نمازگزار به گونه‌ای که در وسط میت مرد و در برابر منکب میت زن قرار گیرد لازم نیست ولی مندوب است. (۲)

۶. قرار دادن میت بر زمین

امامیه و حنبلیه و حنفیه؛ میت باید بر زمین قرار گیرد و هنگام نماز بر دوش یا دست مردم یا روی حیوان نباشد. شافعیه و مالکیه؛ نماز بر میت را در حالی که میت بر حیوان قرار دارد یا بر دست‌ها یا دوش مردم است، جایز می‌شمرند. (۳) یادآوری:

به فتوای امامیه، نباید بین جنازه و نمازگزار حایل وجود داشته باشد و فاصله مُفرط نیز نباشد. همچنین هیچ کدام از نمازگزار و میت بالاتر از دیگری نباشند.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۹۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۲۸ و ۲۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۲۸

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۲۹ و ۴۲۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۶۷۱ و ۶۷۰

۳- همان

۷. واجبات و ارکان نیت در نماز میت

مذاهب اسلامی؛ نیت در نماز میت معتبر است. اگرچه امامیه، حنبلیه و حنفیه آن را شرط می‌دانند و مالکیه رکن می‌شمارند.

یادآوری:

امامیه نیت قربت را در نماز میت تصریح می‌کنند. (۱)

۸. نماز میت در حال ایستاده

مذاهب اسلامی؛ ایستاده خواندن نماز میت لازم است و کسی که بدون عذر، آن را نشسته به جا آورد، صحیح نیست. (۲)

۹. تعداد تکبیرهای نماز میت

امامیه؛ نماز میت پنج تکبیر دارد و باید با کیفیت مخصوص برگزار شود.

مذاهب چهارگانه؛ نماز میت دارای چهار تکبیر است و پس از تکبیر چهارم، با سلام پایان می‌یابد. (۳) یادآوری:

در برخی از منابع اهل سنت آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پنج تکبیر بر جنازه گفته‌اند ولی چون پنج تکبیر علم و نشانه برای شیعه شده، اهل سنت تکبیر پنجم را ترک کرده‌اند. سیوطی در تاریخ الخلفاء چهار تکبیر را از اولیات خلیفه دوم دانسته است.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۳۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۱

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۸۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۲۹

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۴۲-۴۳۸؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۸۶-۳۸۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۷۸-۶۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۲۷-۴۲۳

۱۰. چگونگی نماز میت و آداب آن

امامیه؛ بعد از تکبیر اول شهادتین، بعد از تکبیر دوم صلوات بر پیامبر و آل او، بعد از تکبیر سوم دعا برای مردان و زنان مؤمن، بعد از تکبیر چهارم دعا برای میت می‌گویند و پس از تکبیر پنجم نماز را پایان می‌دهند و کمتر از پنج تکبیر جایز نیست مگر در صورت تقیه. به جماعت خواندن نماز میت مستحب است، همچنین طهارت از حدث ولو با تیمم و کندن کفش، بلند کردن دست‌ها بعد از هر تکبیر، به ویژه تکبیر اول، از مستحبات و آداب نماز میت است.

حنبلیه؛ نماز گزار در کنار سینه میت مرد و در وسط میت زن می‌ایستد و پس از نیت، تکبیره الاحرام را همراه با بالا بردن دست‌ها می‌گوید و پس از استعاذه و بسم الله، فاتحه می‌خواند، سپس تکبیر دوم را با بالا بردن دست‌ها می‌گوید و صلوات بر پیامبر می‌فرستد؛ مانند تشهد آخر، سپس تکبیر سوم را با بالا بردن دست‌ها می‌گوید و برای میت دعا می‌کند و پس از آن تکبیر چهارم را با بالا بردن دست‌ها می‌گوید و آنگاه چیزی نمی‌گوید بلکه کمی مکث کرده، سلام می‌گوید.

حنفیه؛ نماز گزار در برابر سینه میت قرار می‌گیرد و نیت ادای فریضه نماز میت می‌کند و دست‌ها را برای تکبیره الاحرام بالا می‌برد و ثنا می‌خواند سپس تکبیر دوم را می‌گوید و صلوات بر پیامبر می‌فرستد، آنگاه تکبیر سوم را می‌گوید و برای میت و همه مسلمانان دعا می‌کند و سرانجام تکبیر چهارم را گفته و دو سلام به طرف راست و چپ می‌گوید. در ضمن برای گفتن تکبیرها، جز در تکبیر اول دست‌ها را بالا نمی‌برد.

شافعیه؛ اگر میت مرد است، امام یا منفرد، در برابر رأس او قرار می‌گیرد و اگر زن یا خنثی است، نزد عجز او. پس از نیت و تکبیره الاحرام استعاذه گفته و فاتحه می‌خواند، سپس تکبیر دوم را گفته، صلوات می‌فرستد، آنگاه تکبیر سوم را می‌گوید و برای میت دعا می‌خواند و بالأخره تکبیر چهارم را می‌گوید «اللهم لاتحرمنا أجره و لاتفتنا بعده» را

ص: ۱۸۳

می‌خواند و در آخر آیه ۷ سوره غافر را تلاوت می‌کند و دو سلام؛ یکی همراه با نگاه به سمت راست و یکی دیگر همراه با نگاه به سمت چپ می‌گوید و هنگام تکبیرها دست‌ها را بالا می‌آورد و بعد بر سینه می‌گذارد.

مالکیه؛ اگر میت مرد است، نماز گزار در وسط و اگر زن است کنار منكب او می‌ایستد و نیت می‌کند و تکبیر الاحرام را همراه با بالا بردن دست می‌گوید و دعا می‌کند، سپس تکبیر دوم را می‌گوید و باز هم دعا می‌کند، آنگاه تکبیر سوم را می‌گوید و دعا می‌کند. و بالأخره تکبیر چهارم را می‌گوید و دعا می‌کند و بعد یک سلام می‌دهد. گفتنی است هنگام تکبیرها دست‌ها را بالا نمی‌برد، جز در تکبیر اول و دعا را هم با حمد الهی و صلوات آغاز می‌کند.

یادآوری:

حنفیه قرائت فاتحه‌ الکتاب را به نیت تلاوت، مکروه تحریمی ولی به نیت دعا، جایز می‌شمرند. اما شافعیه و حنابله قرائت فاتحه را رکن می‌دانند. مالکیه هم قرائت فاتحه را مکروه تنزیهی می‌شمرند. همچنین به نظر حنفیه صلوات بعد از تکبیر دوم رکن نیست ولی سنت است اما مالکیه صلوات را بعد از هر تکبیری و پیش از دعا مندوب می‌شمرند. (۱)

۱۱. اقامه نماز میت در مسجد

امامیه؛ خواندن نماز میت در مساجد مکروه است ولی در مسجدالحرام مکروه نیست.

حنبلیه؛ جایز است اگر از تلویت مسجد ترسیده نشود و در صورت احتمال آلوده شدن، حرام است.

حنفیه؛ مکروه است، حتی اگر میت بیرون مسجد باشد. همچنین وارد کردن میت به

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، صص ۶۶۴ و ۶۶۳؛ السید شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، المورد ۲۷، موسوعه الامام شرف‌الدین، ج ۲، صص ۷۱۱ و ۷۱۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۸۵ و ۸۴

ص: ۱۸۴

مسجد، بدون نماز کراهت دارد.

شافعیه؛ مندوب است.

مالکیه؛ مکروه است، حتی اگر میت بیرون مسجد باشد. وارد کردن میت به درون مسجد، بدون نماز مکروه است. (۱)

۱۲. شهید

امامیه؛ شهیدی که در معرکه قتال جایز بوده و به خاطر اسلام به شهادت رسید و هنگامی که مسلمانان او را یافتند، رمقی نداشته، غسل و کفن از او ساقط است ولی نماز بر او گزارده و دفن می‌کنند. اما کسانی که بر اثر غرق یا انهدام دیوار و یا دفاع از مال و اهل و مانند آن کشته می‌شوند ولو به آن‌ها شهید گفته می‌شود و در اجر و پاداش مشابه شهیدند، اما از نظر حکم، حکم شهید را ندارند و باید غسل و کفن شوند.

حنبلیه؛ کسی که هنگام قتال با کفار کشته شود شهید است و غسل و نماز بر او حرام است و با لباسش دفن می‌شود، مگر این که قبل از قتل، غسل دیگری بر ذمه او باشد که در این صورت غسل، کفن و نماز بر او واجب است و همین حکم را دارد کسی که از روی ظلم کشته شود؛ مانند کسی که بر اثر دفاع از عرض یا مال کشته شده است چنین کسی شهید دنیا و آخرت است و اما کسی که این شرایط را ندارد و کشته شود؛ مانند مرگ بر اثر طاعون یا شکم درد یا غرق شدن یا سوختن یا در راه حج یا طلب علم، این‌ها شهید آخرت هستند.

حنفیه؛ شهید سه قسم است: ۱. شهید کامل: شهید دنیا و آخرت که با شش شرط محقق می‌شود؛ عقل، بلوغ، اسلام، طهارت از حدث اکبر و مرگ پس از اصابت، بدون انتقال و نگذشتن وقت نماز و این که قتل او موجب قصاص باشد، چنین شهیدی غسل ندارد و در

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۹۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۸۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۳۵

ص: ۱۸۵

لباس خودش کفن می‌شود و باید نماز بر او خوانده شود ۲. شهید آخرت: کسی است که یکی از شرایط بالا را نداشته باشد این گروه غسل و کفن و نماز دارند و مانند این گروه‌اند افراد غرق شده و کسانی که با داء الاستسقاء، اسهال، سل، موت فی اثنا طلب علم، موت شب جمعه از دنیا بروند ۳. شهید دنیا: منافقی است که در صف مسلمانان کشته شده است چنین کسی غسل و کفن ندارد و نماز بر او خوانده می‌شود.

شافعیه؛ شهید سه قسم است: ۱. شهید دنیا و آخرت: کسی که برای اعلای کلمه الله بدون ریا و غلول کشته شده است ۲. شهید دنیا: کسی که برای غنیمت یا ریا کشته شده است. تغسیل و نماز بر آنها حرام است ۳. شهید آخرت: کسی که از روی ظلم کشته شده است یا بر اثر غرق و هدم و مانند آن. این گروه شهید اخروی‌اند ولی مانند سایر اموات غسل و کفن و نماز دارند. اما دو گروه اول ولو حدث اصغر یا اکبر داشته باشند یا با سلاح مسلمین، به خطا کشته شده باشند یا پس از اصابت زنده باشند، مدتی تا قبل از پایان جنگ، حکم شهید را دارند.

مالکیه؛ شهید سه قسم است: ۱. شهید دنیا و آخرت ۲. شهید دنیا: کسانی که در معرکه کشته شده‌اند و تغسیل و نماز بر آنها حرام است ۳. شهید آخرت: مبطون، غریق، حریق و مقتول ظلماً. این افراد مانند سایر اموات تغسیل و نماز بر آنها واجب است. یادآوری:

غلول به سرقت از غنیمت قبل از تقسیم می‌گویند. (۱)

۱۳. اولیای میت

امامیه؛ جمع واجبات تجهیز میت؛ اعم از غسل، کفن، نماز و دفن، صحت آنها مشروط

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۹-۴۴۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۸۸ و ۳۷۷ و ۳۷۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۶۷۷

ص: ۱۸۶

به اذن ولی میت است و اگر بدون اذن ولی میت باشد باطل است و استیذان از ولی، شرط صحت است نه شرط وجوب، چنانچه ولی از مباشرت و اذن امتناع ورزید، حاکم شرع او را وادار به این دو می‌کند. زوج در ولایت بر زوجه، مقدم بر جمیع ارحام است و در مورد غیر زوج مراتب ولایت به ترتیب طبقات ارث است و در صورت فقدان، حاکم شرع و عدول مؤمنین. اولی به امامت بر میت عبارت‌اند از:

حنبلیه؛ ۱. وصی عدل ۲. سلطان ۳. نایب سلطان ۴. پدر میت و جد او ۵. ابن و ابن ابن ۶. الأقرب فالأقرب به ترتیب میراث.
حنفیه؛ ۱. سلطان ۲. نایب سلطان ۳. قاضی ۴. صاحب شرطه ۵. امام زنده میت در صورت افضل بودن بر ولی ۶. ولی میت به ترتیب عصبه نکاح: ابن و ابن ابن - اب و جد - برادر و به همین ترتیب الأقرب فالأقرب.
شافعیه؛ ۱. پدر و جد ۲. ابن و ابن ابن ۳. برادر ابوی ۴. برادر ابی و همچنین به ترتیب میراث.
مالکیه؛ ۱. وصی میت در صورتی که وصیت به امید برکت وی باشد ۲. خلیفه ۳. ابن و ابن ابن ۴. پدر ۵. برادر ۶. پسر برادر ۷. جد ۸. عمو و هکذا.

یادآوری:

۱. مذاهب چهارگانه اهل سنت، متعرض ولایت بر میت - سلباً و ایجاباً در بحث غسل و کفن - نشده‌اند ولی در بحث نماز میت از کسی که اولویت در نماز دارد سخن رانده‌اند.
۲. برخی از امامیه اعتبار اذن از ولی را مبنی بر احتیاط دانسته‌اند و ولایت حاکم شرع و عدول مؤمنین را نیز مبنی بر احتیاط شمرده‌اند.

۳. امامیه ولی را اولی از والی می‌دانند و جز شافعیه، سایر اهل سنت والی را بر ولی مقدم می‌شمرند. (۱)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۳۷۸-۳۷۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۲-۳۸؛ الفقه عند المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۴۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۱۷-۱۱۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۹۳

ص: ۱۸۷

۱۴. وقت اقامه نماز میت

امامیه؛ نماز میت را در هر وقت می‌توان اقامه کرد.

مذاهب چهارگانه (جز شافعیه)؛ هنگام طلوع خورشید، زوال خورشید و غروب آن نماز میت خوانده نمی‌شود ولی شافعیه نیز مانند امامیه می‌گویند: در هر وقت نماز میت را می‌توان اقامه کرد. (۱)

تشیع میت**۱. تشیع میت**

امامیه؛ حضور در تشیع مستحب است. سواره بودن در تشیع بدون عذر، کراهت دارد و مستحب است تشیع کننده پشت سر جنازه یا دو طرف آن باشد و جلوی جنازه حرکت کردن مکروه است.

حنبلیه؛ تشیع کردن جنازه سنت و پیاده بودن هنگام تشیع مندوب است و بدون عذر سواره حرکت کردن کراهت دارد. تشیع کننده پیاده جلو جنازه و سواره عقب جنازه حرکت می‌کند.

حنفیه؛ تشیع سنت است، سواره بودن مانعی ندارد اگرچه پیاده افضل است. کراهت دارد که سواره جلوی جنازه حرکت کند، چون غبار آن ضرری برای افراد پشت سر دارد و پیاده پشت سر افضل است، اگر زنان نباشند.

شافعیه؛ تشیع سنت است و سواره بودن بدون عذر کراهت دارد و از آنجا که مشیع شفیع است، سواره یا پیاده مندوب است جلوی جنازه حرکت کند.

۱- بدایه‌المجتهد، ج ۱، ص ۱۹۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۲۱

ص: ۱۸۸

مالکیه؛ تشییع مندوب است و سواره کراحت دارد و مندوب است مشیع پیاده از جلو حرکت کند و سواره از پشت سر.

یادآوری:

اهل سنت داشتن سرعت در تشییع میت به سمت قبرستان را، به گونه‌ای که اقل از هروله باشد، مندوب می‌شمرند ولی امامیه آن را مکروه می‌دانند. (۱)

۲. شرکت زنان در تشییع جنازه

امامیه؛ بهتر است زنان در تشییع جنازه، ولو میت زن باشد، شرکت نکنند.

حنبلیه و شافعیه؛ شرکت زنان در تشییع جنازه مکروه است و در صورت خوف فتنه حرام است.

حنفیه؛ شرکت زنان در تشییع جنازه مطلقاً کراحت تحریمی دارد.

مالکیه؛ برای زنان مسن مطلقاً شرکت جایز است و برای زنان جوان شرکت در تشییع عزیزانشان مانند پدر و مادر و زوج در صورت نبودن خوف فتنه جایز است و الا جایز نیست.

یادآوری:

برخی از فقهای امامیه شرکت زنان در تشییع جنازه را، به ویژه برای زنان جوان مکروه شمرده‌اند. (۲)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۱۹ و ۴۱۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۱، صص ۶۸۱ و ۶۸۰؛

الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۰

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۱۹؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۷۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص

ص: ۱۸۹

دفن میت

۱. دفن میت

مذاهب اسلامی؛ واجب کفایی است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او مردم را اذیت نکند و درندگان نتوانند جسدش را بیرون آورند. (۱)

۲. دفن میت به سمت قبله

امامیه؛ واجب است میت را در قبر به پهلوی راست، طوری بخوابانند که جلوی بدن او به قبله باشد
مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ واجب است میت به سمت قبله دفن شود ولی این که پهلوی راست به سمت قبله باشد سنت است نه واجب.
مالکیه؛ رو به قبله بودن میت در قبر واجب نیست، بلکه مندوب است. (۲)

۳. قرار دادن لحد برای قبر

مذاهب اسلامی؛ قرار دادن لحد برای قبر سنت یا مستحب است. لحد آن است که در زمین‌های سخت، در طرف قبله به قدر طول و عرض بدن میت و از جهت عمق به مقداری که میت بتواند بنشیند، حفره‌ای در دیوار قبر ایجاد کنند و در زمین‌های سست وسط قبر حفره‌ای شبیه نهر حفر کنند و دو طرف آن را با خشت بپوشانند.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۳۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۲؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۱۹۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۳۹-۴۳۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۹۰-۸۸

۴. مستحبات و مکروهات دفن

امامیه؛ ۱. بالا آوردن قبر به اندازه چهار انگشت و آن را به صورت مربع درآوردن مستحب است ۲. به صورت کوهان در آوردن قبر مکروه است. ۳. سفید کردن و گِل مالی قبر کراهت دارد.

مذاهب چهارگانه؛ ۱. به نظر حنبلیه، حنفیه و مالکیه، خاک قبر را به اندازه یک وجب بالا آورند و آن را همچون کوهان شتر قرار دهند. ولی به نظر شافعیه خاک قبر را مستوی و صاف قرار دهند بهتر است ۲. سفید کردن قبر مکروه است ولی گِل مالی کردن آن به نظر غیر مالکیه مکروه نیست و به نظر مالکیه مطلقاً طلا و مالیدن چیزی به قبر مکروه است ۳. گذاردن سنگ، چوب و مانند آن بر قبر مکروه است مگر این که برای شناسایی باشد ولی به قصد تفاخر و مباهات حرام است. البته شافعیه قرار دادن سنگ و مانند آن به طرف سر قبر را سنت می‌دانند. (۱)

احکام قبور

۱. نوشتن روی قبر

امامیه؛ نوشتن نام میت بر قبر یا سنگ و نصب آن بر قبر مستحب است.

حنبلیه؛ نوشتن بر قبور از هر کس و هر گونه که باشد مکروه است.

حنفیه؛ نوشتن چیزی بر قبر کراهت تحریمی دارد مگر این که خوف از نابودی اثر داشته باشند.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۴۷-۴۴۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۶۸۸-۶۸۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۰۷-۴۰۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۰۵، ۱۰۰، ۹۷؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۸۹-۸۸

ص: ۱۹۱

شافعیه؛ کتابت بر قبر؛ قرآن باشد یا غیر آن، مکروه است مگر این که قبر عالم یا صالح باشد که در این صورت نوشتن نام میت برای شناسایی مندوب است.

مالکیه؛ نوشتن چیزی بر قبر، اگر قرآن باشد حرام و اگر اسم و تاریخ مرگ باشد، مکروه است. (۱)

۲. بنای بر قبور

امامیه؛ بنا بر قبر و تجدید قبور کراهت دارد مگر در مورد قبور انبیا و اوصیا و صلحا و علما. مذاهب چهارگانه؛ بنا بر قبور؛ مانند خانه، قبه، مدرسه و مسجد کراهت دارد، در صورتی که برای زینت و تفاخر نبوده و زمین موقوفه یا مسبله نباشد و الا حرام است. (۲) یادآوری: مسبله زمینی است که متعارف شده مردگان را در آن دفن کنند و موقوفه زمینی است که مالک آن را وقف کرده است.

۳. نبش قبر

مذاهب اسلامی؛ نبش قبر مؤمن مادام که یقین به اندراس و خاک شدن میت نباشد، حرام است مگر در موارد استثنا؛ مانند دفن با کفن غصبی یا دفن در زمین غصبی. (۳)

- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۴۴۷-۴۴۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۴ و ۴۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۶۸۸-۶۸۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۰۷-۴۰۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۰۵ و ۱۰۰، ۹۷؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۸۸-۹۰
- ۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۶؛ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۹۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، ص ۶۸۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۱۰۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۴
- ۳- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۰۴-۱۰۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۵؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۹۲ و ۹۱

ص: ۱۹۲

یادآوری:

به فتوای امامیه نبش قبر شهدا، علما و صلحا و امامزاده‌ها، ولو بعد از اندراس و گذشت زمان طولانی، جایز نیست.

۴. تعزیت و تسلیت به مصیبت‌زدگان

مذاهب اسلامی؛ تعزیه و دل‌داری و تسلیت گفتن به مصیبت‌زدگان، تا سه روز مندوب است. حنبلیه و شافعیه نشستن اهل مصیبت برای قبول تسلیت مردم را مکروه شمرده‌اند ولی به نظر امامیه و مالکیه کراهت ندارد. در مذهب امامیه برای لیلۃ‌الدفن نمازهایی نقل شده ولی در منابع عامه چنین نمازی مطرح نیست.

در مذهب امامیه، تعزیه از مستحبات اکید شمرده شده است. (۱)

۵. گریستن بر میت

امامیه؛ گریه بر میت جایز است بلکه در صورت شدت حزن، مستحب است. ولی سیلی زدن و کندن مو و گریبان چاک زدن در غیر پدر و مادر حرام است و در مواردی موجب کفاره است.

مذاهب چهارگانه؛ آهسته گریستن بر میت، مباح است و گریبان چاک زدن وسیلی بر گونه‌ها زدن و ندبه کردن به وسیله ذکر محاسن میت جایز نیست. و اما در مورد گریه با صدای بلند و صیحه، بین مذاهب فرق است: حنبلیه و شافعیه؛ گریه با صدای بلند جایز است.

۱- تذکرۃ‌الفقهاء، ج ۲، صص ۱۲۵-۱۲۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۷ و ۴۵۶؛ فقه‌السنه، ج ۱، صص ۴۱۲؛
تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۹۴ و ۹۳؛ العروة‌الوثقی، ج ۱، ص ۴۴۵

ص: ۱۹۳

حنفیه و مالکیه؛ گریه با صدای بلند جایز نیست. (۱)

زیارت اهل قبور

۱. زیارت اهل قبور برای مردان

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه)؛ زیارت قبور برای مردان مندوب و مستحب است؛ به ویژه در جمعه و شب جمعه، در نظر اکثر مذاهب مورد تأکید است و در استحباب زیارت قبور فرقی میان نزدیک یا دور بودن نیست. حنبلیه؛ در صورت دور بودن، زیارت قبور را مباح می‌دانند نه مندوب. (۲)

۲. زیارت اهل قبور برای زنان

امامیه؛ زیارت قبور مطلقاً برای زنان و مردان مستحب است. حنبلیه و شافعیه؛ برای زنان مطلقاً خروج برای زیارت قبور مکروه است و در صورتی که خوف فتنه و وقوع در حرام باشد جایز نیست. حنفیه و مالکیه؛ برای زنان پیر زیارت قبور مندوب است ولی برای زنانی که بیم فتنه و فساد می‌رود جایز نیست. (۳) یادآوری: در مذهب اهل بیت، زیارت قبور امامان معصوم علیهم السلام تمام کردن وفا به عهد با آن

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۲۱-۱۱۸؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۹۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۲ و ۴۵۱
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۱۲۹ و ۱۲۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۸ و ۴۵۷؛ الفقه علی المذاهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۶۹۸-۶۹۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۴۱۶-۴۱۴
 - ۳- همان

ص: ۱۹۴

حضرات و اعظم قربات است و خواندن زیارات مأثوره از اهل بیت علیهم السلام از جمله زیارت امین الله که گنجینه‌ای نفیس از معارف بلند توحیدی و الهی است، مورد تأکید است.

۳. زیارت قبر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم

مذاهب اسلامی؛ زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از اعظم قربات است و آنچه برخی منحرفان گفته‌اند، برخلاف ضرورت مذاهب اسلامی است. (۱)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۸؛ عقائد الامامیه، ص ۱۳۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۸، صص ۶۹۸-۶۹۵

فصل چهارم: مباحث نماز از دیدگاه مذاهب اسلامی

۱. نمازهای واجب و نافله‌ی یومیه و اوقات آنها

نمازهای واجب یومیه

۱. اهمیت نماز

مذاهب اسلامی؛ نماز، از ارکان اسلام و از مهمترین آنهاست که در قرآن و روایات فریقین، بر اهمیت آن تأکید فراوان شده و با عنوان «عمود دین» از آن یاد می‌شود. (۱) یادآوری: صلاة در لغت به معنای دعاست و در اصطلاح، اقوال و افعال مخصوص شرعی است. اگر دارای رکوع و سجود بودن را جزو معنای شرعی نماز بدانیم، میان تعریف امامیه و اهل سنت از صلاة تفاوت خواهد بود و ثمره‌اش در نماز میت آشکار می‌شود. (۲)

۲. تعداد نمازهای واجب یومیه

مذاهب اسلامی؛ نمازهای پنج‌گانه روزانه (نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشا و صبح) به اجماع مسلمانان، از نمازهای واجب عینی و فریضه محسوب می‌شوند. حنفیه در شبانه روز علاوه بر نمازهای فوق، نماز دیگری را هم واجب می‌شمرند و آن نماز وتر است که در

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۲۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۵۴-۱۴۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۶۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۱۴ و ۵۱۳

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۲۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۵۵

ص: ۲۰۰

بحث نوافل به آن اشاره می‌شود. (۱)

اوقات نمازهای واجب یومیه

۱. وقت نماز ظهر

امامیه؛ نماز ظهر سه وقت دارد: ۱. وقت مختص؛ اول زوال شمس ۲. وقت فضیلت؛ از زوال شمس تا رسیدن سایه به اندازه خود ۳. وقت اجزاء؛ از زوال تا قبل از غروب؛ هنگامی که به اندازه نماز عصر وقت باقی است. حنبلیه، حنفیه و شافعیه؛ وقت نماز ظهر از زوال شمس است تا وقتی که سایه به اندازه خودش برسد. و پس از آن، وقت ظهر به اتمام می‌رسد.

مالکیه؛ نماز ظهر دو وقت دارد: ۱. وقت اختیاری که از زوال است تا رسیدن سایه به اندازه آن ۲. وقت ضروری که از وقت اختیاری عصر آغاز می‌شود و تا غروب ادامه می‌یابد.

یادآوری:

به اجماع مسلمانان آیه کریمه «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ» (اسراء: ۷۸) دلالت دارد بر این که آغاز وقت نماز ظهر از زوال خورشید است. (۲)

۲. وقت نماز عصر

امامیه؛ نماز عصر سه وقت دارد: ۱. مختص؛ چهار رکعت باقی مانده به غروب ۲. وقت

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۲۶۱ و ۲۶۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۵۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ بدایه المجتهد، ج ۱، صص ۷۷ و ۷۶

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۰۴ - ۳۰۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۳ و ۱۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۷۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۱۶؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۳۳ و ۱۳۲

ص: ۲۰۱

فضیلت؛ تا زمانی که سایه دو برابر شود ۳. وقت اجزاء؛ پس از وقت مختص ظهر تا غروب.
 حنبلیه؛ نماز عصر دو وقت دارد: ۱. اختیاری؛ از زیاد شدن سایه شیء از مقدار شیء شروع و تا دو برابر شدن آن ادامه دارد ۲. بعد از اختیاری تا غروب خورشید.
 حنفیه و شافعیه؛ وقت نماز عصر از زمان افزایش سایه از مقدار خودش شروع و تا غروب خورشید ادامه می‌یابد.
 مالکیه؛ نماز عصر دو وقت دارد:
 ۱. وقت اختیاری؛ از زیاد شدن سایه از مقدار شیء تا زرد شدن خورشید ۲. وقت ضروری؛ از زرد شدن خورشید در زمین و دیوارها، تا غروب خورشید.
 یادآوری:
 به نظر مالکیه وقت ضروری برای کسانی است که عذری مانند حیض، اغما جنون و غفلت داشته باشند. این افراد اگر نماز را در وقت ضروری بخوانند، گناهکار نیستند ولی دیگران گناهکارند. (۱)

۳. وقت نماز مغرب

امامیه؛ وقت نماز مغرب از ذهاب حمرة مشرقیه شروع می‌شود و ذهاب شفق پایان وقت فضیلت آن است ولی وقت اجزاء آن، تا قبل از نصف شب به اندازه چهار رکعت باقی مانده، ادامه دارد.
 حنبلیه، حنفیه و شافعیه؛ وقت نماز مغرب از غروب خورشید آغاز می‌شود و با از بین رفتن شفق و حمرة مغربیه پایان می‌یابد.
 مالکیه؛ مغرب دو وقت دارد: ۱. وقت اختیاری؛ از غروب خورشید است تا زمانی که

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۱۰-۳۰۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۳ و ۱۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۷۴ و ۷۳؛
 العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۲۲-۵۱۶

ص: ۲۰۲

در اوایل غروب بتوانند با تحصیل طهارت و گفتن اذان و اقامه نماز بخوانند ۲. وقت ضروری؛ پس از وقت اختیاری شروع می‌شود و تا طلوع فجر ادامه می‌یابد.

به نظر مالکیه مغرب وقت اختیاری موسّع ندارد. (۱)

۴. وقت نماز عشا

امامیه؛ وقت نماز عشا پس از فراغ از نماز مغرب آغاز می‌شود و وقت اجزاء آن تا نصف شب تداوم دارد و وقت فضیلت آن از ذهاب شفق تا ثلث شب است.

حنبلیه؛ عشا دو وقت دارد: ۱. وقت اختیاری؛ از غایب شدن شفق است تا گذشتن ثلث شب ۲. وقت ضرورت؛ از اول ثلث دوم شب است تا فجر صادق و کسی که بدون عذر در این زمان نماز را بخواند گناهکار است.

حنفیه و شافعیه؛ وقت نماز عشا از زوال شفق شروع می‌شود و تا طلوع فجر صادق ادامه می‌یابد.

مالکیه؛ مانند حنبلیه معتقدند عشا دو وقت دارد: ۱. اختیاری؛ از غایب شدن شفق است تا اتمام ثلث اول ۲. ضروری؛ پس از وقت اختیاری است تا طلوع فجر. (۲)

۵. وقت نماز صبح

امامیه؛ معتقدند وقت نماز صبح از طلوع فجر صادق شروع می‌شود و وقت اجزاء آن تا طلوع خورشید ادامه می‌یابد و وقت فضیلت آن تا اسفار صبح است.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه): وقت نماز صبح از طلوع فجر شروع می‌شود و تا طلوع

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۱۲-۳۱۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۶۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۱۹-۵۱۶

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۱۵-۳۱۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۴ و ۱۶۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۷۷-۷۵

ص: ۲۰۳

خورشید ادامه می‌یابد.

مالکیه؛ برای نماز دو وقت قائل‌اند: ۱. وقت اختیاری؛ از طلوع فجر است تا اسفار صبح ۲. وقت ضروری؛ از اسفار صبح است تا طلوع خورشید. (۱) یادآوری:

بنا بر مذهب مالکیه تمامی نمازهای یومیه وقت اختیاری و ضروری دارد و کسی که بدون عذر نماز را در وقت اختیاری آن به جا نیاورد، گناهکار است و در هر حال به نظر آن‌ها بهترین وقت برای نماز، اول وقت می‌باشد. (۲)

۶. اقامه نماز در برخی زمان‌ها دارای نهي است

مذاهب اسلامی؛ زمان‌هایی که اقامه نماز مورد نهي قرار گرفته است: ۱. هنگام طلوع خورشید ۲. هنگام غروب خورشید ۳. هنگام استوای خورشید تا زوال آن ۴. بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید ۵. بعد از عصر تا غروب خورشید. (۳)

۷. نماز متعلق نهي

امامیه؛ نوافل مبتدئه در اوقات مورد نهي کراهت دارد ولی فرایض و نوافلی که سبب خاصی دارند؛ مانند نماز زیارت، حاجت و نوافل، مرتبه کراهت ندارد.

حنبلیه؛ در اوقات مورد نهي، نافله و تطوع واقع نمی‌شود و حرام است ولی نماز قضا صحیح است، نماز طواف هم پس از نماز صبح و عصر جایز است.

حنفیه؛ در اوقات مورد نهي، انجام هر نمازی؛ اعم از فریضه قضا و نافله و سنت

۱- تذکره الفقها، ج ۲، ص ۳۱۶

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۶۴

۳- تذکره الفقها، ج ۲، صص ۳۴۸-۳۳۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۸۰-۷۸؛ بدایة المجتهد، ج ۱، صص ۸۸-۸۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۶-۱۶۴

ص: ۲۰۴

(واجب) جایز نیست مگر نماز میت و نماز عصر همان روز.

شافعیه؛ نماز فریضه و نافله‌ای که دارای سبب است در اوقات نهی کراهت ندارد و نافله بدون سبب کراهت دارد.

مالکیه؛ در اوقات نهی نمازهای فریضه و قضا جایز است ولی در وقت طلوع و غروب نوافل مطلقاً حرام است. (۱) یادآوری:

امامیه نوافل را تقسیم کرده‌اند به: ۱. نوافل مرتبه؛ همان نوافل روزانه است ۲. غیر مرتبه؛ که آن به دو دسته تقسیم می‌شود: الف) نوافل دارای سبب خاص؛ مانند نماز زیارت، استخاره و نمازهای مستحب در اوقات مخصوص ب) نوافل غیر دارای سبب خاص که به آن مبتدئه گویند. کراهت نماز در اوقات نهی در صورت ثبوت، اختصاص به نوافل مبتدئه دارد، اگرچه بسیاری از امامیه حتی در این قسم نیز در حکم به کراهت اشکال و تردید دارند. (۲) یادآوری:

در اوقات نهی، مباحث بسیاری مطرح است، هم در مورد ادله و مستندات آن و هم در مورد خود اوقات و هم در مورد نوع نمازهایی که مورد نهی قرار گرفته‌اند و از این رو، اقوال مختلف و متفاوتی مطرح شده است، حتی در مواردی به یک فقیه یا یک مذهب فتاوی متعارض نسبت داده شده است. در میان امامیه نیز عده‌ای روایات نهی را حمل بر تقیه کرده‌اند و حتی کسانی مانند صدوق کراهت را هم نپذیرفته‌اند. (۳)

۱- همان

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۳۰ و ۵۲۹

۳- جواهرالکلام، ج ۷، صص ۳۰۰-۲۸۲؛ جامع المقاصد، ج ۲، صص ۳۸-۳۴

۸. جمع بین نمازهای ظهر و عصر، مغرب و عشا

امامیه؛ در غیر از وقت مختص، جمع میان نماز ظهر و عصر و همچنین مغرب و عشا جایز است. مذاهب چهارگانه؛ نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا وقت مشترک ندارند و جمع میان آنها جایز نیست مگر در موارد خاص و استثنایی. (۱) یادآوری:

۱. مرحوم سید شرف‌الدین از منابع روایی عامه، به ویژه از صحیح بخاری و مسلم روایات زیادی بر جواز جمع بین نمازها نقل کرده است.
۲. در صحیح مسلم، از ابن عباس نقل است: جَمَعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ، بِالْمَدِينَةِ فِي غَيْرِ خَوْفٍ وَكَلَامٍ طَرَفٍ. قيل لابن عباس: ماذا أراد بذلك؟ قال: أراد ألا يخرج أُمَّتَهُ ۳. برخی از معاصرین امامیه فتوا به استحباب جمع نماز داده‌اند؛ چون جمع را از شعارهای شیعه دانسته‌اند.

۹. موارد جواز جمع میان دو نماز

امامیه؛ جمع نکردن و هر کدام از نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در زمان فضیلت خود به جا آوردن، افضل و مستحب است مگر این که عنوان راجحی مانند جماعت در میان باشد. حنبلیه؛ موارد جواز جمع عبارت‌اند از: ۱. نماز ظهر و عصر عرفه در عرفات، ۲. نماز مغرب و عشا در مزدلفه (این دو مورد سنت است) ۳. در سفری که نماز قصر است

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۷۴-۳۶۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۱۵-۴۱۰ و ۶۲۴-۶۲۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۲۰-۲۱۸؛ مسائل فقهیه، صص ۱۷-۷

ص: ۲۰۶

۴. بیماری که ترک جمع بر او دشوار است ۵. زن شیرده و مستحاضه ۶. مسلوس ۷. عاجز از طهارت ۸. عاجز از معرفت مانند افراد نابینا؛ ۹. کسی که بر جان و مال و ناموس خود بیم دارد ۱۰. کسی که می‌ترسد ضرری به زندگی‌اش برسد ۱۱. کارگرانی که ترک کار بر آنها محال است ۱۲. جمع میان مغرب و عشا در سرما و برف و باران و گِل و مانند آن.

حنفيه؛ نه در سفر و نه در حضر، در هیچ حال جمع میان نمازها جایز نیست مگر در دو مورد: ۱. نماز ظهر و عصر در عرفه برای مُحرم به حج، در صورتی که نماز را پشت سر امام المسلمین یا نایب او به جا آورد ۲. نماز مغرب و عشا در مزدلفه برای مُحرم به حج.

شافعية؛ جایز است جمع: ۱. برای مسافری که نمازش قصر است ۲. جمع تقدیم به سبب بارش باران و برف جایز است. برای حجاج مسافر نیز در عرفه جمع ظهر و در عصر و مزدلفه جمع بین مغرب و عشا سنت است.

مالکیه؛ اسباب جمع عبارت‌اند از: ۱. سفر مطلقاً ۲. مرض ۳. باران ۴. گِل با ظلمت آخر ماه ۵. حاجی در عرفه ۶. حاجی در مزدلفه. (۱)

تعداد و احکام نمازهای نافله

۱. نمودار نمازهای غیر واجب

امامیه؛ نمازهای غیر واجب را مندوب، مستحب یا نافله گویند. نمازهای نافله دو قسم است: ۱. نوافل راتبه ۲. نوافل غیر راتبه؛ مانند نوافل ماه رمضان و نافل راتبه دو قسم است:

۱. راتبه تابع فرائض ۲. راتبه غیر تابع فرائض مانند نماز شب. (۲)

۱- همان

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۳۵۹-۲۸۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۱۵ و ۵۱۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۸۳-۲۸۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۳۶-۱۳۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۵۹ و ۴۵۸

ص: ۲۰۷

مذاهب چهارگانه؛ نماز تطوع را به نمازهایی اطلاق می‌کنند که علاوه بر نمازهای مکتوبه، به صورت طلب غیر جازم، مطلوب است که مکلف انجام دهد. نمودارهای نمازهای تطوع به این شکل است:

۱. تابع نمازهای مکتوبه نیست؛ مانند نماز استسقا، کسوف، خسوف و تراویح.

صلاة تطوع

۲. تابع نمازهای مکتوبه؛ مانند نوافل قبله و بعدیه

یادآوری:

۱. نوافل غیر راتبه در فقه امامیه فراوان است: نماز لیلہ‌الدفن، نماز جعفر طیار و نمازهای حاجت که در کتب فقهی و دعا آمده است.

۲. در فقه امامیه نماز کسوف و خسوف واجب است نه مستحب، و نماز تراویح هم بدعت است.

۳. در فقه امامیه تفاوتی میان مسنون و مندوب نیست.

۴. رغیبه در فقه مالکیه مطرح است و به نمازی گفته می‌شود که از جهت تأکید، فوق مستحب و دون سنت است.

۲. تفصیل نمازهای نافله

امامیه؛ نوافل راتبه تابع فرایض عبارت‌اند از:

۱. هشت رکعت قبل از نماز ظهر ۲. هشت رکعت قبل از نماز عصر ۳. چهار رکعت بعد از مغرب ۴. دو رکعت بعد از نماز عشا به

صورت نشسته (وتیره) ۵. دو رکعت قبل از نماز صبح. مجموع آن‌ها ۲۳ رکعت است.

و صلاة اللیل (نماز شب) از نوافل غیر تابعه فرایض محسوب می‌شود و یازده رکعت است.

ص: ۲۰۸

نوافل ظهر، عصر و عشا در سفر ساقط می‌شود. در روز جمعه بر نوافل روزانه چهار رکعت اضافه می‌شود و به بیست رکعت می‌رسد. حنبلیه؛ نماز تطوع تابع نمازهای مکتوبه دو قسم است: راتبه و غیر راتبه؛ الف) راتبه ده رکعت است، دو رکعت قبل از ظهر و دو رکعت بعد از ظهر، دو رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت بعد از عشا و دو رکعت قبل از نماز صبح. این رواتب سنت مؤکد است و قضا دارد، مگر این که زیاد شود. ولی سنت فجر ولو زیاد شود، قضا دارد. ب) غیر رواتب بیست رکعت است؛ چهار رکعت قبل از نماز ظهر، چهار رکعت بعد از نماز مغرب، و چهار رکعت بعد از وتر به صورت نشسته بخواند و افضل خواندن رواتب و وتر در منزل است. نماز جمعه هم سنت راتبه بعد از نماز دارد. اقل آن دو رکعت و اکثر آن شش رکعت است. چهار رکعت هم سنت غیر راتبه قبل از نماز جمعه مسنون است.

حنفیه؛ نوافل تابع فرض، به «مسنونه» و «مندوبه» تقسیم می‌شود: ۱. مسنونه پنج نماز است: دو رکعت قبل از نماز صبح (اقوی السنن)، چهار رکعت قبل از نماز ظهر با یک سلام.

دو رکعت بعد از نماز ظهر در غیر جمعه و در جمعه چهار رکعت؛ دو رکعت بعد از نماز مغرب. دو رکعت بعد از نماز عشا ۲. مندوبه؛ چهار رکعت قبل از نماز عصر، شش رکعت بعد از نماز مغرب، چهار رکعت بعد از نماز عشا. سنت در این نوافل، در روز سلام دادن در چهار رکعت است و اما در مغرب می‌تواند همه را به یک سلام تمام کند و می‌تواند بر هر دو رکعت سلام دهد و اما نافله عشا، قبل و بعد از آن، چهار رکعت است؛ نماز گزار علاوه بر این مقدار، هر قدر خواست می‌تواند نافله بخواند.

شافعیه؛ نوافل تابع فرایض دو قسم است: مؤکد و غیر مؤکد. ۱. مؤکد؛ دو رکعت فجر قبل از نماز صبح، دو رکعت قبل از ظهر یا جمعه، دو رکعت بعد از ظهر یا جمعه، دو رکعت بعد از نماز مغرب و دو رکعت بعد از نماز عشا. این نمازها رواتباند؛ راتبه قبله یا بعدیه.

وتر هم مؤکد است و اقل آن یک رکعت و بالاتر سه رکعت و بالاتر یازده رکعت است و

ص: ۲۰۹

افضل سلام در هر دو رکعت است و وقت آن بعد از نماز عشا تا طلوع فجر است. ۲. غیر مؤکد؛ دوازده رکعت است، دو رکعت قبل از ظهر، دو رکعت بعد از ظهر و چهار رکعت قبل از عصر و دو رکعت قبل از مغرب و دو رکعت قبل از عشا. مالکیه؛ نوافل تابع فرائض دو قسم است: رواتب و غیر رواتب ۱. رواتب: نافله قبل از نماز ظهر و بعد از نماز ظهر و قبل از نماز عصر و بعد از نماز مغرب. این نوافل عدد معینی ندارد ولی افضل چهار رکعت قبل از نماز ظهر و چهار رکعت بعد از نماز ظهر و قبل از نماز عصر و شش رکعت بعد از نماز مغرب و اما عشا نص صریح در مورد نافله ندارد. ۲. غیر رواتب: دو رکعت فجر که رغیبه است و رغیبه در تأکید فوق مستحب و دون سنت است. شفع نیز از غیر رواتب است؛ اقل آن دو رکعت است و اکثر آن حد ندارد و بعد از نماز عشا و قبل از نماز وتر خوانده می‌شود. وتر نیز از غیر رواتب است و وقتش بعد از نماز عشا تا فجر است و سنت در نفل دو رکعت، دو رکعت است. برای نوافل روز جمعه تفصیل خاصی در کتب فقهی مطرح است.

یادآوری:

در فقه امامیه نافله عشا یک رکعت محسوب می‌شود، لذا مجموع نافله‌های تابعه و غیر تابعه، سی و چهار رکعت می‌شود که به اضافه هفده رکعت فرائض یومیه به پنجاه و یک رکعت می‌رسد. این پنجاه و یک رکعت از اختصاصات مذهب امامیه است که بر آنها تأکید فراوان شده و در صورت نخواندن، قضا آن خوانده می‌شود. طبق برخی روایات، زیارت اربعین، جهر به بسم الله، خاتم در دست راست کردن و سجده بر خاک از علامات ایمان شمرده شده است. خواندن نماز وتیره در سفر را برخی از فقهای امامیه رجاء می‌دانند. (۱)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۸۳-۲۸۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۴۲-۱۳۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۲۶۳-۲۶۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۲۴-۵۱۴

۳. نمازهای شب و وتر و حکم قنوت در آنها

امامیه؛ نماز شب یازده رکعت است؛ هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع، یک رکعت نماز وتر. بنابراین، نماز وتر یک رکعتی است وقت نماز شب بعد از نصف شب است و پیش از نصف شب انجام آن جایز نیست مگر برای مسافر یا جوان ولی قضای آن افضل است. در قنوت نماز وتر آداب فراوانی مطرح است؛ مانند هفتاد مرتبه استغفار و دعا برای چهل مؤمن و دعاهایی که وارد شده است. وقت نماز شب بعد از نصف شب است و هر چه به فجر نزدیکتر باشد افضل است.

حنبلیه؛ وتر سنت مؤکد است، اقلش یک رکعت و اکثرش یازده رکعت است و می‌تواند سه رکعت، پنج رکعت، هفت رکعت یا نه رکعت بخواند و در هر دو رکعت سلام دهد یا با دو تشهد و یک سلام و یا با یک تشهد و یک سلام تمام آن را انجام دهد. قنوت در رکعت آخر بعد از رکوع سنت است، قبل از رکوع هم می‌تواند قنوت بگیرد و قنوت در غیر وتر مکروه است مگر در نوازل بر مسلمانان که در این صورت سلطان و نایبش در جمیع نمازهای مکتوب قنوت می‌گیرند، هنگام قنوت بالا بردن دست‌ها تا برابر سینه مسنون است؛ به گونه‌ای که باطن دست به آسمان باشد و بعد از قنوت دست‌های خود را بر صورت بکشد.

وقت وتر بعد از عشا تا قبل از فجر ثانی است و در ماه رمضان انجامش به جماعت سنت است و در غیر رمضان مباح. حنفیه؛ وتر واجب است و آن سه رکعت است با یک سلام؛ در هر رکعت فاتحه و یک سوره یا مانند آن خوانده می‌شود. در رکعت سوم پس از قرائت، قنوت در آن واجب است و وقت آن بعد از نماز عشا تا فجر است و در غیر وتر قنوت نیست مگر در نوازل و شدائد دهر که در نماز صبح بعد از رکوع سنت خواهد بود؛ آن همه برای امام، نه منفرد. نماز وتر به جماعت مشروع نیست مگر در وتر رمضان.

شافعیه؛ از میان سنن مؤکد، وتر تأکید بیشتری دارد؛ اقلش یک رکعت و اکثرش یازده

ص: ۲۱۱

رکعت است و می‌توان دو رکعتی سلام داد یا متصل به جا آورد و وقتش بعد از عشا تا فجر صادق است. در ماه رمضان، به جماعت خواندن آن سنت است و قنوت در آخرین رکعت آن، در نیمه دوم رمضان سنت است همانطور که این قنوت بعد از رکوع رکعت دوم نماز صبح سنت است. چهار به قنوت برای امام سنت و برای منفرد، سرّ آن سنت است، همچنین قنوت در شدائد در جمیع اوقات نمازها سنت است.

مالکیه؛ بعد از دو رکعت طواف، مؤکدترین سنت نماز وتر است. وتر یک رکعت است و وصل آن به شفع مکروه است و وقت آن پس از نماز عشا تا طلوع فجر است. در وتر قنوت نیست ولی قنوت در نماز صبح قبل از رکوع مندوب است و اگر فراموش کرد بعد از رکوع مندوب است و تقدیم شفع بر وتر شرط کمال است. جماعت در شفع و وتر مندوب نیست مگر در رمضان. یادآوری:

از خصائص مذهب امامیه آن است که نوافل در دو رکعت سلام داده می‌شود، به جز نماز وتر که یک رکعتی است. برخلاف مذاهب عامه که دو رکعت را شرط نمی‌دانند. (۱)

۴. حکم قنوت در نمازها

امامیه؛ قنوت در رکعت دوم تمام نمازها، پیش از رکوع مستحب است مگر در نماز جمعه که دو قنوت مستحب است. حنبلیه؛ قنوت در غیر وتر مکروه است مگر در شدائد دهر و در این صورت در نمازهای مکتوب قنوت گرفته می‌شود.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۹۳-۲۹۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۴۸-۱۴۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۶۲-۶۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۷۱-۲۶۳؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۲۲۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۲؛ معجم فقه الجواهر، ج ۵، صص ۱۴۰ و ۱۳۹

ص: ۲۱۲

حنفیه؛ در غیر وتر قنوت نیست مگر در شدائد دهر که در نماز صبح در این صورت قنوت می گیرند.
شافعیه؛ قنوت در رکعت دوم نماز صبح سنت است.

مالکیه؛ قنوت در نماز صبح، مندوب است قبل از رکوع و در صورت فراموش شدن بعد از رکوع. (۱) یادآوری:

۱. برخی از امامیه؛ مانند صدوق قائل به وجوب قنوت بوده‌اند. ۲. قنوت در لغت به معنای طاعت، سکون، دعا، ایستادن در نماز، امساک از کلام، خشوع، عبادت، صلاة، طول قیام آمده است و در عرف شرع یا متشرعه به معنای ذکر در حال مخصوص است.

۱- همان

ص: ۲۱۳

۲. مقدمات نماز:

اشاره

قبله

لباس نماز گزار

مکان نماز گزار

احکام مساجد

اذان و اقامه

ص: ۲۱۵

قبله

۱. حکم قبله

مذاهب اسلامی؛ به اجماع مذاهب و به حکم ضرورت، رو به قبله بودن در حال نماز، از شرایط و مقدمات آن است و آیه شریفه «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ، فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» (بقره: ۱۴۴) و روایات زیادی، بر وجوب آن دلالت دارد. (۱) یادآوری:

۱. افزون بر نماز، قبله در امور دیگری مانند ذبح، دفن میت و کشیدن محتضر به سمت آن نیز شرط است. در مواردی مانند حال دعا و قرائت قرآن و سجده شکر، استقبال قبله مستحب و در حالاتی که منافات با تعظیم دارد؛ مثلاً حال جماع استقبال قبله مکروه و در حال تخلی حرام است. ۲. به فتوای امامیه، نمازهای نافله را می‌توان در حال راه رفتن و سواری انجام داد و در این صورت لازم نیست رو به قبله باشد، ولی اهل سنت در این حالت نیز در صورت قدرت قبله را شرط می‌دانند و حتی شافعیه می‌گویند اگر در حال حرکت

۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۴۸-۵۳۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۶۷-۶۵؛ جامع المقاصد، ج ۲، صص ۵۰-۴۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۸-۶

ص: ۲۱۶

نمی‌تواند رو به قبله شود، نافله را به کلی ترک کند. (۱)

درسنامه در آمدی بر فقه مقارن ؛ ؛ ص ۲۱۶

۲. تعریف قبله

امامیه؛ قبله همان عین کعبه است که صرف محاذات عرفی در آن کافی است و نماز گزار هر چه دورتر باشد، محاذات گسترش می‌یابد. لذا قبله برای افراد دور جهت و سمت کعبه است.

مذاهب چهارگانه؛ کسی که مقیم مکه یا نزدیک به آن است، در صورت امکان باید به سمت عین کعبه نماز بخواند و عین کعبه قبله اوست. اگرچه استقبال فضای محاذی عین کعبه از بالای کعبه برای کسی که در جای مرتفع است یا پایین کعبه برای کسی که زیرزمین نماز می‌خواند کافی است، ولی کسانی که دور از مکه می‌باشند، قبله آن‌ها جهت کعبه است. (۲)

۳. چهل به جهت قبله

امامیه؛ اگر با اجتهاد و از طرق مختلف؛ مانند بینه و خبر عادل و محراب مساجد و قبور مسلمانان نتوانست قبله را پیدا کند در وسعت وقت باید به چهار طرف نماز بخواند.

مذاهب چهارگانه؛ کسی که اجتهاد کرد و نتوانست هیچ طرفی را ترجیح دهد، به هر جهتی نماز بخواند کافی است و نیازی به خواندن به چهار طرف نیست اگرچه شافعیه می‌گویند: به این نماز اکتفا ننموده و بعداً آن را اعاده کند. (۳)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۴۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۰

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۴۸-۵۳۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۷۲ و ۱۷۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۶۷-۶۵؛ جامع المقاصد، ج ۲، ص ۵۰-۴۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۸-۶

۳- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۴۴-۵۴۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۷۶-۱۷۴

ص: ۲۱۷

۴. نماز در جوف و بام کعبه

امامیه؛ نماز در درون کعبه صحیح است. همچنین در بام کعبه صحیح است مشروط بر این که به مقداری که بتواند سجده کند در بام کعبه عقب‌تر بایستد.

حنبلیه؛ نماز فریضه در جوف و بام کعبه صحیح نیست مگر این که در منتهی الیه بایستد. و اما نماز نافله یا نذری در داخل و در بام کعبه صحیح است.

حنفیه؛ نماز در جوف و سطح کعبه صحیح است مطلقاً، اگرچه در بام کعبه کراهت دارد، چون ترک تعظیم است.

شافعیه؛ نماز در جوف کعبه مطلقاً صحیح است مگر این که مقابل در مفتوح کعبه باشد.

نماز بر بام کعبه نیز صحیح است در صورتی که شاخصی جلوی خود قرار دهد.

مالکیه؛ نماز فریضه در باطن و درون کعبه درست است، ولی مکروه شدید می‌باشد، ولی نماز فریضه در بام کعبه باطل است و نافله صحیح است.

یادآوری:

برخی از امامیه مانند شیخ، نماز فریضه در جوف کعبه را جایز نمی‌شمردند و در نماز در بام کعبه نیز می‌گویند: به پشت و به سمت بیت المعمور نماز بخواند. (۱)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۸-۱۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۹۲؛ الخلاف، ج ۱، صص ۱۶۰-۱۵۹؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۲۲۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۶۲؛ معجم فقه الجواهر، ج ۵، صص ۱۴۰ و ۱۳۹

ص: ۲۱۸

لباس نمازگزار

۱. حکم ستر عورت در نماز

مذاهب اسلامی؛ ستر عورت در نماز واجب و یکی از شروط صحت نماز است، بنابراین، نماز بدون ساتر باطل است مگر این که عاجز از ستر باشد. (۱)

۲. حدّ عورت و پوشش در نمازها

امامیه؛ عورتِ مرد، قُبُل و دُبُر است و عورت زن، جمیع بدن او است به جز صورت و کفّین، ولی پوشاندن قدم برای زن در نماز، اگر نامحرم حضور ندارد واجب نیست. حنبلیه؛ حد عورت برای مرد بین ناف و زانو است ولی خود ناف و زانو را شامل نمی‌شود و عورت زن تمامی بدن او به استثنای وجه می‌باشد.

حنفیه؛ حد عورت مرد برای نماز، از ناف تا زانو است و حدّ عورت زن تمام بدن او به استثنای باطن کفین و ظاهر قدمین است. شافعیه؛ حد عورت مرد از ناف و زانو است ولی خود زانو و ناف را شامل نمی‌شود و عورت زن تمام بدن او به استثنای وجه و کفین است.

مالکیه؛ عورت و حدّ پوشش برای نماز دو قسم است؛ مغلظه و مخفّفه. عورت مغلظه در مرد، تنها قُبُل و دُبُر است و مخفّفه از ناف و زانو است.

اما در زن، عورتِ مغلظه تمام بدن، به جز اطراف و سینه و محاذات سینه از پشت است و عورت مخفّفه سینه و محاذات آن است و ذراعین و گردن و رأس و زانو تا قدم است ولی وجه و کفین عورت محسوب نمی‌شود.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۶ و ۱۶۵؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۵۲-۵۵۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۹۴-۹۲

ص: ۲۱۹

یادآوری:

کسی که رعایت ستر عورت مغلظه را نکند؛ بدون عذر و با توجه، بنا بر نظر مالکیه نمازش باطل است، ولی عدم رعایت پوشش مخففه مبطل نماز نیست اگرچه کشف آن حرام و در نماز مکروه است. (۱)

۳. حکم پوشش در غیر نماز

مذاهب اسلامی؛ در غیر نماز و هنگام غیر خلوت، واجب است پوشش در برابر نگاه کسی که نگاهش به عورت انسان حلال نیست رعایت شود مگر این که ضرورتی مانند معالجه و مانند آن، موجب کشف عورت باشد. (۲)

۴. حد پوشش مردان در غیر نماز

امامیه؛ مردان در برابر نگاه ناظر محترم، تنها باید عورتین خود را بپوشانند و پوشاندن بقیه بدن در برابر دیگران مطلقاً واجب نیست. حنبلیه؛ مردان در برابر دیگران باید بین زانو و ناف را بپوشانند و پوشاندن بقیه بدن واجب نیست. حنفیه؛ مانند حنبلیه، پوشاندن بین زانو و ناف از نگاه دیگران را کافی می‌دانند. شافعیه؛ در برابر مردان دیگر و زنان مُحرم باید بین زانو و ناف پوشانده شود ولی در برابر زنان نامحرم باید تمام بدن را پوشانید. مالکیه؛ در برابر مردان و زنانِ محرم، باید بین زانو و ناف پوشانده شود و در برابر زنان

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۴۸-۴۴۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۶۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۵۲-۵۵۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۹۴-۹۲

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۴۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۶۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۵۰-۵۴۵

ص: ۲۲۰

نامحرم به جز صورت و اطراف (سر و دست‌ها و پاها) باید بقیه را پوشانید. (۱) یادآوری:

۱. به نظر مشهور فقهای امامیه، زن در نماز، اگر خلوت باشد پاهایش را نمی‌پوشاند ولی در برابر نامحرم باید آن‌ها را بپوشاند. ۲. برخی از امامیه؛ مانند ابن براج، ابن حمزه و ابی الصلاح حلبی عورت مرد را مانند اهل سنت، مابین ناف و زانو دانسته‌اند.

۵. حد پوشش زنان در غیر نماز

امامیه؛ زنان در برابر نامحرم، به استثنای صورت و کفین، باید بقیه بدن را بپوشانند ولی در برابر محارم و زنان مسلمان یا کافر، پوشاندن قُبُل و دُبُر کافی است.

حنبلیه؛ زنان در برابر نامحرم باید تمام بدن، به استثنای وجه و کفین را بپوشانند و در برابر زنان مسلمان و کافر، باید مابین ناف و زانو را بپوشانند ولی در برابر محارم، غیر از صورت و گردن و سر و دست و قدم و ساق باید بقیه پوشانده شود. حنفیه؛ زنان باید در برابر نامحرم و زنان غیر مسلمان، به جز وجه و کفین، بقیه بدن را بپوشانند و اما در برابر محارم و زنان مسلمان، باید بین ناف و زانو را پوشانده شود.

شافعیه؛ زنان در برابر نامحرم باید تمام بدن، حتی صورت و کفین را بپوشانند ولی در برابر زنان کافر و زنان دارای فساد اخلاقی، به جز وجه و کفین، بقیه بدن باید پوشانده شود ولی در برابر مردان محرم و زنان مسلمان باید بین زانو و ناف را پوشانند. مالکیه؛ زن باید در برابر نامحرم و زنان کافر، به جز وجه و کفین را بپوشانند و در برابر زنان مسلمان، بین ناف و زانویش باید پوشانده شود و در برابر مردان محرم باید غیر از صورت و اطراف؛ یعنی سر و گردن و دست‌ها و پاها، بقیه را پوشانید.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۴۶ و ۴۴۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۷۰؛ العروة الوثقی، همان

ص: ۲۲۱

یادآوری:

به نظر حنبلیه و حنفیه آدمی باید عورت خود را از خودش نیز بپوشاند مگر در موارد ضرورت، ولی مالکیه کشف عورت را در خلوت بدون نیاز مکروه شمرده‌اند. شافعیه نیز نگاه به عورت خویش را بدون نیاز مکروه می‌دانند. ولی این فتاوا در مذاهب امامیه مطرح نیست. (۱)

۶. نگاه مرد به زن نامحرم

مذاهب اسلامی؛ نگاه مردان به قسمت‌هایی از بدن زنان، که باید پوشانده شود، جایز نیست و نگاه مردان به صورت و کفین زنان با امن از فتنه اشکال ندارد. (۲)

۷. نگاه زن به مرد نامحرم

امامیه؛ نگاه زن به بدن مرد نامحرم، جز قسمت‌هایی که معمولاً پوشانده نمی‌شود؛ مانند سر و گردن، جایز نیست ولی نگاه زن به بدن محارم و نگاه مردان به بدن مردان دیگر، بدون فتنه (به جز عورتین) جایز است. حنبلیه؛ زن نامحرم می‌تواند به بدن مرد نامحرم به استثنای مابین ناف تا زانو نگاه کند مگر این که خوف فتنه در میان باشد. شافعیه؛ زن نامحرم نمی‌تواند به بدن مرد نامحرم نگاه کند ولی زنان محرم می‌توانند نگاه کنند همچنین مردان به غیر از ناف تا زانوی مردان دیگر را نگاه کنند، مگر در صورت فتنه.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۴۸-۴۴۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۷۰ و ۱۶۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۲۹۱-۲۸۹

۲- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۴۸-۴۴۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۷۰ و ۱۶۹؛ تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۳۴-

ص: ۲۲۲

مالکیه؛ زنان نامحرم نمی‌توانند جز به صورت، سر، دست‌ها و پاها، به بقیه بدن مرد نامحرم نگاه کنند ولی زنان محرم و مردان دیگر به جز ناف تا زانو می‌توانند به بقیه بدن او نگاه کنند، مگر در صورت فتنه. (۱)

۸. حکم لمس و صدا

مذاهب اسلامی؛ هر جا که نگاه حرام است، لمس بدون حایل نیز حرام است. همچنین به نظر همه مذاهب، صدای زن نامحرم، عورت محسوب نمی‌شود و شنیدن آن اشکال ندارد. (۲)

۹. شرایط لباس نمازگزار

مذاهب اسلامی؛ شرایط لباس نمازگزار عبارت‌اند از: ۱. پاک بودن ۲. نازک نبودن ۳. غصبی نبودن ۴. حریر خالص نبودن (برای مردان).

از متفرقات و ویژگی‌های مذهب امامیه در بحث لباس نمازگزار، بطلان نماز است در هر جا که لباس از حیوان غیر مأکول اللحم باشد. (۳) یادآوری:

در صورت رعایت نشدن شرایط مذکور، در مورد لزوم اعاده نماز و بطلان آن یا حکم به صحت نماز و انجام حرمت تکلیفی، بین مذاهب اختلاف نظر وجود دارد.

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۱۷۰؛ تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۳۳-۲۳۱

۳- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۵۱۰-۴۵۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۶۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۶۵-

۵۵۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۸۸

۱۰. شرایط مکان نمازگزار

امامیه؛ ۱. غصبی نبودن مکان ۲. پاک بودن محل سجده از مطلق نجاست و پاک بودن محل سایر اعضا از نجاست متعددی ۳. بی حرکت بودن مکان، از شرایط اصلی مکان نمازگزار است.

مذاهب چهارگانه؛ ۱. به نظر مذاهب اربعه اهل سنت، پاک بودن مکان از نجاست متعددی (رطب) و غیر متعددی (یابس) شرط است، اگرچه حنفیه به طهارت محل جبهه و قدمین اکتفا کرده‌اند. ۲. به نظر اهل سنت، نماز در مکان غصبی، باطل نیست، اگرچه گناه است. ۳. به نظر حنبلیه و شافعیه و مالکیه، نماز بر روی چهار پایان در حال غیر ضرورت نیز جایز است، اگر تمامی شرایط را به جا آورد ولی حنفیه مانند امامیه معتقدند محل نمازگزار باید بی حرکت و آرام باشد. (۱) یادآوری:

منظور از بی حرکت بودن مکان نماز، استقرار و آرامش است، بنابراین، اگر در هواپیما یا کشتی، مسافر آرامش و استقرار داشته باشد با مراعات بقیه شرایط، نمازش از نظر امامیه بی اشکال است.

۱۱. نماز زن و مرد در کنار یکدیگر

امامیه؛ نمازگزاران مرد و زن در کنار یکدیگر یا مقدم بودن زن، مبطل نماز نیست، کراهت دارد.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه): نیز مانند امامیه، نماز در جنب یا خلف زن نمازگزار را

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۰۳-۳۹۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۸۸-۵۷۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸۱ و ۱۸۰؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۴۵-۱۴۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۶۵-۱۶۳

ص: ۲۲۴

مبطل نمی‌دانند. ولی حنفیه می‌گویند: اگر اشتراک در امامت ندارند، نماز هر دو صحیح است ولی در صورت اشتراک و مقدم یا محاذات بودن، نماز زن باطل است، مشروط به این که زن صغیره نباشد و محاذات در برابر ساق و کعب باشد. (۱) یادآوری: ۱. برخی از قدمای امامیه؛ مانند شیخ مفید و شیخ طوسی، نماز در جنب یا خلف زن نماز گزار را مبطل دانسته‌اند. ۲. حنفیه برای بطلان، ۹ شرط آورده‌اند.

۱۲. مکان‌هایی که نماز در آن‌ها مکروه است

مذاهب اسلامی؛ نماز گزاردن در مکان‌های زیر کراهت دارد: ۱. نماز مقابل آتش ۲. نماز در مکانی که عکس باشد ۳. نماز در حمام، جاده و خیابان، مزبله، خوابگاه شتران، کشتارگاه ۴. نماز در مقبره‌ها. (۲)

۱۳. نماز در مقبره

امامیه؛ نماز در قبرستان و مقابل قبر و روی قبر و میان دو قبر کراهت دارد ولی نماز پشت قبر ائمه علیهم السلام و راست و چپ آن اشکال ندارد.

حنبلیه؛ نماز در قبرستان اگر بیش از سه قبر داشته باشد باطل است، کمتر از سه قبر داشته باشد باطل نیست، نماز مقابل قبر مکروه است.

حنبلیه؛ نماز در قبرستان، در مقابل قبور، کراهت دارد و غیر آن کراهت ندارد، همچنین

۱- تذکره الفقهاء، ج ۲، صص ۴۱۸ و ۴۱۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۵۴-۲۵۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۷۲ و ۷۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۶۶ و ۱۶۵

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۵۹۵-۵۹۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۴۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۷۲

ص: ۲۲۵

اگر قبور انبیا باشد مطلقاً کراهت ندارد.

شافعیه؛ نماز در مقبره، در هر حال مکروه است، جز در مقبره انبیا و شهدا، که اگر به قصد تعظیم آن‌ها نباشد کراهت ندارد.

مالکیه؛ نماز در مقبره جایز است، کراهت هم ندارد. (۱)

۱۴. قرار دادن ستره

مذاهب اسلامی؛ اگر در مقابل نماز گزار دیوار یا صف دیگری نیست، مستحب است چیزی ولو ریسمان یا چوب و عصا در مقابل خود قرار دهد تا میان او و عبور کننده حایل و مانع شود؛ به چنین چیزی در روایات و کتب فقهی «ستره» می‌گویند و قرار دادن آن نوعی احترام و تعظیم نماز و توجه به خالق و انقطاع از مخلوق است. (۲)

۱۵. عبور از مقابل نماز گزار

امامیه؛ عبور از مقابل نماز گزار، نه حرمت دارد و نه کراهت، همچنین اشکال ندارد نماز گزار در جایی نماز بخواند که مردم از برابرش عبور می‌کنند.

حنبلیه؛ اگر شخصی مندوحه دارد و می‌تواند از راه دیگر برود ولی از برابر نماز گزار عبور کند گناهکار است و اگر نماز گزار در جایی بایستد که مردم نیازمند عبورند، کراهت دارد.

حنفیه و مالکیه؛ عبور کردن از مقابل نماز گزار حرام است، همچنین نماز گزاردن بدون ستره، در جایی که مردم عبور می‌کنند حرام است.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۴۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۹۱ و ۱۹۰

۲- جواهر الکلام، ج ۸، ص ۴۰۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۳۲ و ۲۳۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۹۳ و ۱۹۲

ص: ۲۲۶

شافعیه؛ عبور از مقابل نمازگزار حرام نیست مگر این که ستره گزارده باشد و مکروه است نمازگزار در جایی بایستد که معرض عبور دیگران است. (۱) یادآوری:

(۱) به فتوای امامیه، جایی که نماز خواندن سدّ معبر و مزاحمت برای مردم باشد، حرام است.

(۲) برخی از فقهای امامیه قائل به کراهت عبور از برابر نمازگزار شده‌اند.

۱۶. جلوگیری نمازگزار از عبور دیگران

امامیه؛ بعضی از فقهای امامیه؛ مانند شهید اول در کتاب «الذکری»، جلوگیری از عبور دیگران را مستحب شمرده‌اند. حنبلیه؛ سنت است که نمازگزار با اشاره چشم یا سر و یا دست، از عبور دیگران جلوگیری کند و در صورت عدم تأثیر، هرگونه که می‌تواند و نماز را باطل نمی‌کند، جلوی او را بگیرد.

حنفیه؛ جلوگیری با اشاره چشم و سر یا تسبیح جایز است نه سنت و بیش از این مقدار نمی‌تواند جلوگیری کند.

شافعیه؛ نظر شافعیه مانند حنبلیه است.

مالکیه؛ جلوگیری از عبور دیگران مندوب است.

یادآوری:

برخی از روایات عامه، عبور از مقابل نمازگزار را از گناهان کبیره شمرده‌اند. (۲)

۱- جواهرالکلام، ج ۸، صص ۴۰۶-۴۰۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۳۵-۲۳۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۹۴ و ۱۹۳

۲- همان

ص: ۲۲۷

احکام مساجد

۱. نماز گزاردن در مسجد

امامیه؛ اقامه نماز در مسجد مستحب است. افضل مساجد، مسجدالحرام است و سپس به ترتیب مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد کوفه، مسجد الاقصی، مسجد جامع، مسجد قبیله و بعد مسجد بازار. افضل و برترین مساجد نزد مذاهب چهارگانه، به ترتیب عبارتند از: حنبلیه؛ مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد الاقصی و دیگر مساجد یکسانند. حنفیه؛ مسجدالحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد الاقصی، مسجد قبا، مسجد قدیمی تر، مسجد بزرگتر، مسجد نزدیکتر. شافعیه؛ مسجدالحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد الاقصی، مسجدی که جمعیت بیشتری دارد. مالکیه؛ مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد الحرام، مسجد الاقصی، دیگر مساجد یکسانند ولی نماز در مسجد قریب و نزدیک، به خاطر حق همسایگی افضل و برتر است. (۱)

۲. آداب مسجد

مذاهب اسلامی؛ مذاهب اسلامی برای مساجد آدابی شمرده‌اند که در بسیاری از موارد، اشتراک نظریه دارند؛ مانند: ۱. صدا بلند کردن ۲. خرید و فروش ۳. زینت کردن مسجد به غیر ذی روح و آلت زینت کردن به طلا و موجودات ذی روح به نظر برخی از فقها حرام است ۴. وارد کردن کودکان و دیوانگان به داخل آن ۵. آب دهان و بینی انداختن ۶. طلب کردن گمشده ۷. خواندن شعری که حکمت و موعظه و مدح پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نباشد و

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۵۰

ص: ۲۲۸

بسیاری دیگر از امور که انجامش مستحسن و یا ترک آن مستحب است.

۳. محل عبور قرار دادن مسجد

امامیه؛ عبور از مساجد مکروه است مگر این که در آن دو رکعت نماز بخواند.

حنبلیه؛ مسجد را به عنوان راه قرار دادن برای طاهر و جنب و حائض و نفساء مکروه است مگر این که نیاز داشته باشد.

حنفیه؛ مسجد را به عنوان راه و محل عبور قرار دادن کراهت تحریمی دارد؛ اگر بدون عذر باشد و کافی است برای هر روز یک بار نماز تحیت بخواند.

شافعیه؛ عبور طاهر و جنب از مسجد جایز است حائض ولو به جهت احتیاج، کراهت دارد.

مالکیه؛ عبور از مسجد، اگر کم باشد جایز است و اگر مسجد پیش از بنا راه بوده، کراهت دارد. (۱)

۴. خوابیدن در مسجد

امامیه؛ خوابیدن در مسجد کراهت دارد مگر در صورت ضرورت.

حنبلیه؛ خوابیدن در مسجد چه در حال ضرورت و چه در غیر ضرورت مباح است.

حنفیه؛ خوابیدن در مسجد برای غیر غریب و غیر معتکف مکروه است.

شافعیه؛ خواب در مسجد مکروه نیست مگر این که آمیخته با تهویش باشد مانند ایجاد صدا توسط شخص به خواب رفته.

مالکیه؛ خواب در مسجد مطلقاً وقت قیلولة جایز است و خواب در شب در مسجد بادیه جایز است. (۲)

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۴۵ و ۲۴۴

۲- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۵۹۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۴۹-۲۴۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۸۴

ص: ۲۲۹

۵. وارد کردن نجس و متنجس در مسجد

امامیه؛ تنجیس مسجد حرام است و تطهیر آن واجب فوری است ولی وارد کردن نجس یا متنجس که موجب تنجیس مسجد نشود اشکال ندارد مگر در صورت هتک مسجد.

حنبلیه؛ اگر چیزی از نجس یا متنجس در مسجد می‌افتد، بردن آن به درون مسجد جایز نیست و الا اشکال ندارد ولی بول کردن در آن حرام است ولو در ظرف باشد.

حنفیه؛ وارد کردن نجس یا متنجس در مسجد و ادرار کردن در آن کراهت تحریمی دارد.

به نظر شافعیه و مالکیه وارد کردن نجس و متنجس در مسجد، اگرچه خشک باشد جایز نیست. همچنین ادرار در مسجد ولو در ظرف، جایز نیست مگر هنگام ضرورت. (۱)

اذان و اقامه**۱. مشروعیت اذان**

مذاهب اسلامی؛ اذان از سنت‌های نماز و مقدمات خارج از آن است. معنای لغوی اذان «اعلام» است و در شرع به معنای اعلام رسیدن وقت نماز با ذکر خاص می‌باشد. اذان در سال اول هجرت تشریع شد و از ضروریات دین و منکر مشروعیت آن کافر است. (۲)

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۶۹-۲۶۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۸۲ و ۸۱؛ تذکره الفقها ج ۳، صص ۶۳-۳۷؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۱۴۸ و ۱۴۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۰۳-۶۰۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، صص ۴۴۶-۴۳۶

ص: ۲۳۰

۲. جایگاه اذان

۱. در روایات اهل سنت آمده است که در برابر ناقوس مسیحیان، بوق یهود، دف رومیان و آتش مجوس، اذان و اقامه در اسلام تشریع گردید. ۲. آیه شریفه ۵۸ از سوره مائده «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَلَعِبًا» و آیه شریفه ۹ از سوره جمعه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ» با لفظ ندا، اشاره به اذان شده است.

۳. الفاظ مورد اتفاق در اذان

مذاهب اسلامی؛ فصول مورد اتفاق همه مذاهب در الفاظ اذان عبارت‌اند از: ۱. الله اکبر: چهار بار، به جز مالکیه که آن را دو بار می‌دانند. ۲. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: دو بار. ۳. أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: دو بار. ۴. حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: دو بار. ۵. حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ: دو بار. ۶. الله اکبر: دو بار. ۷. لا اله الا الله: در مذاهب چهار گانه یک بار. (۱)

۴. الفاظ مورد اختلاف در اذان

امامیه؛ ۱. حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: دو بار بعد از حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ جزو اذان است. ۲. لا اله الا الله در پایان اذان دو بار. مذاهب چهار گانه؛ در اذان صبح بعد از حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، دو بار «الصَّلَاةُ خَيْرٌ مِنَ النَّوْمِ» مندوب و ترک آن به اتفاق مذاهب عامه مکروه است؛ به این جمله «تثویب» می‌گویند. یادآوری: شهادت ثالثه در شیعه جزو اذان نیست ولی گفتن آن مستحب است. (۲)

۱- همان

۲- همان

ص: ۲۳۱

۵. حکم اذان

امامیه؛ اذان برای نمازهای یومیه؛ چه ادا و چه قضا، در حضر یا سفر، برای مردان و زنان مستحب مؤکد است، اما در نمازهای واجب دیگر، اذان نیست و به جای آن سه مرتبه الصَّلاة گفته می‌شود.

حنبلیه؛ اذان فرض کفایی در شهرها و روستاهاست، برای مردان حرّ و حاضر، برای نمازهای پنج‌گانه ولی برای نماز میت، عید، نافله و برای مسافر اذان ثابت نیست.

حنفیه؛ اذان سنت مؤکد کفایی برای اهل یک منطقه است و در نمازهای پنج‌گانه در سفر و حضر، فرادا و جماعت، ادا و قضا سنت است و برای نماز میت، عیدین، کسوف، استسقا، تراویح و سنن رواتب ثابت نیست.

شافعیه؛ اذان سنت کفایی برای جماعت و سنت عینی برای فرادا است و برای نمازهای پنج‌گانه در سفر و حضر سنت است ولو فائده باشد ولی برای نماز میت و نماز منذور و نوافل اذان نیست.

مالکیه؛ اذان سنت کفایی است بر جماعت منتظر نماز برای هر نماز و هر مسجد و برای فریضه عینی در وقت اختیار گفته می‌شود نه برای نوافل و نه برای فائده و نه برای فرض کفایی مگر جنازه و نه در وقت ضروری. اذان در هر شهر که نماز جمعه اقامه می‌شود واجب کفایی است و اگر مردم شهری آن را ترک کنند با آن‌ها قتال می‌شود.

برخی از علمای امامیه قائل به وجوب عینی اذان شده‌اند. (۱)

۶. حکم اقامه

مذاهب اسلامی (جز مالکیه): حکم اقامه، همان حکم اذان است.

مالکیه؛ اقامه، سنت عینی برای مرد بالغ و سنت کفایی برای مردان بالغ است و برای

ص: ۲۳۲

صبی و زن مندوب عینی است؛ اگر مستقل باشند و با مرد بالغ نباشند. (۱)

۷. فاصله بین اذان و اقامه

امامیه؛ مستحب است میان اذان و اقامه یک گام بردارد یا قدری بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا دعا بخواند یا قدری ساکت باشد.

شافعیه و حنفیه؛ نشستن مؤذن میان اذان و اقامه به اندازه‌ای که ملازمان صلاۀ در مسجد حاضر شوند با مراعات وقت فضیلت سنت است مگر در صلاۀ مغرب که تأخیر نمی‌افتد.

حنبلیه؛ نشستن مؤذن میان اذان و اقامه به قدری باشد که وضو گیرنده از وضو فارغ شود، و یا دو رکعت نماز اقامه شود. ولی در نماز مغرب فاصله به اندازه نشستن کوتاه باشد.

مالکیه؛ اگر جماعت منتظر کسی نیست، افضل تقدیم نماز در اول وقت، پس از وقت نماز نافله قبله است. اگر نوافل قبله داشته باشند و اگر منتظر دیگران می‌باشند نماز اول وقت را پس از نماز نوافل قبله انجام دهند مگر در ظهر که تأخیر نماز تا ربع قامت افضل است و در گرمای شدید تا وسط وقت تأخیر مندوب است. اما در مورد فاصله میان اقامه و نماز، تأخیری نیست و بلافاصله نماز اقامه می‌شود. (۲) مذاهب چهارگانه؛ در اذان صبح بعد از حَيَّ عَلَى الْفَلَاح، دو بار «الصلاة خیر مِنَ النَّوْم» مندوب و ترک آن به اتفاق مذاهب عامه مکروه است؛ به این جمله «تثویب» می‌گویند.

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۷۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۹۰-۸۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۰۹-۶۰۱؛

تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۷۵-۴۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۷۶-۷۴؛ جواهر الکلام، ج ۹، صص ۸۹-۱؛ رساله توضیح المسائل

۲- همان

ص: ۲۳۳

۸. الفاظ اقامه

امامیه؛ الله اکبر: دو بار
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: دو بار
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: دو بار
 حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: دو بار
 حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ: دو بار
 حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: دو بار
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ: دو بار
 الله اکبر: دو بار
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یک بار
 حنبلیه؛ الله اکبر: دو بار
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یک بار
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: یک بار
 حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ: یک بار
 حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ: یک بار
 حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: یک بار
 قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ: دو بار
 الله اکبر: دو بار
 لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: دو بار
 حنفیه؛ الله اکبر: دو بار
 أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: دو بار
 أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: دو بار

ص: ۲۳۴

حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ: دو بار

حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ: دو بار

حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: دو بار

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ: دو بار

اللَّهُ اكْبَر: دو بار

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یک بار

شافعیه؛ مانند حنبلیه است.

مالکیه؛ اللَّهُ اكْبَر: دو بار

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یک بار

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ: یک بار

حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ: یک بار

حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ: یک بار

حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ: یک بار

قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ: دو بار

اللَّهُ اكْبَر: دو بار

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: یک بار (۱)

۹. اذان و اقامه برای زنان

امامیه؛ در مستحب مؤکد بودن اذان و اقامه فرقی میان زن و مرد نیست.

- ۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۸۰-۲۷۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۹۰-۸۳؛ العروة الوثقى، ج ۱، صص ۶۰۹-۶۰۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۷۵-۴۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۷۶-۷۴؛ جواهر الکلام، ج ۹، صص ۸۹-۱

ص: ۲۳۵

مذاهب چهارگانه (جز حنبلیه): اقامه برای زنان و مردان و اذان فقط برای مردان مطلوب است. [\(۱\)](#) حنبلیه؛ اذان و اقامه برای زنان مطلوب نیست و کراهت دارد.

۱۰. اذان برای اموری خاص

به فتوای مذاهب اسلامی؛ گفتن اذان در گوش راست نوزاد و اقامه در گوش چپ او مندوب است. همچنین به فتوای مذاهب اهل سنت اذان هنگام آتش سوزی، جنگ، پشت سر مسافر و در گوش مهموم و مصروع مندوب است. به فتوای امامیه، اذان در بیابان هنگام وحشت از سحر جنیان و اذان در گوش راست کسی که سوء خلق دارد و کسی که چهل روز گوشت نخورده، مستحب است.

[\(۲\)](#)

۱- همان

۲- همان

ص: ۲۳۷

۳. ارکان و واجبات نماز

اشاره

نیت و تکبیرۃ الاحرام

قیام

قرائت

رکوع

سجود

تشهد

سلام

ص: ۲۳۹

واجبات نماز

۱. ارکان و واجبات نماز

امامیه؛ واجبات نماز یازده چیز است:

۱. نیت

۲. قیام

۳. تکبیره الاحرام

۴. رکوع

۵. سجود

۶. قرائت

۷. ذکر

۸. تشهد

۹. سلام

۱۰. ترتیب

۱۱. موالات

از این یازده مورد، پنج مورد اول رکن است.

رکن، آن واجبی است که زیاده و نقیصه عمدی و سهوی آن، موجب بطلان نماز است ولی واجب غیر رکنی، تنها زیاده و نقیصه عمدی آن موجب بطلان است.

ص: ۲۴۰

حنبلیه؛ فرایض نماز چهارده چیز است:

۱. قیام (در نماز فریضه)

۲. تکبیرۃ الاحرام

۳. قرائت فاتحه

۴ و ۵. رکوع و بلند شدن از آن

۶. اعتدال

۷ و ۸. سجده و سر بلند کردن از آن

۹. نشستن بین دو سجده

۱۰. تشهد آخر

۱۱. نشستن برای تشهد و سلام

۱۲. طمأنینه

۱۳. ترتیب فرایض

۱۴. دو سلام

حنفیه؛ رکن دو گونه است: اصلی و زاید. رکن اصلی آن است که هنگام عجز ساقط می‌شود و رکن زاید آن است که در بعضی از حالات ساقط می‌شود؛ مانند قرائت که از مأموم ساقط است.

نماز چهار رکن دارد: قیام، رکوع، سجده و قرائت که قرائت فقط رکن زائد است. کسی که این چهار رکن را ترک کند به او نماز گزار نمی‌گویند.

به علاوه، صحت نماز مشروط به اموری خارج از حقیقت نماز است و آن‌ها دو قسم است:

۱. اموری که خارج از ماهیت نماز است: طهارت از حدث و خبث، ستر عورت، قبله، دخول وقت، نیت و تحریمه.

ص: ۲۴۱

۲. اموری که داخل نماز است: ایقاع قرائت در قیام، رکوع بعد از قیام، سجود بعد از رکوع؛ این‌ها شرایط نماز است که از آن به «فرائض» هم تعبیر می‌کنند.

و اما نشستن آخر، به اندازه تشهد را فرض می‌دانند و برخی آن را رکن می‌شمرند و اما خروج از نماز با سلام و مانند آن، فرض نیست بلکه واجب است.

شافعیه؛ فرائض نماز سیزده چیز است: پنج فریضه قولی و هشت فریضه فعلی:

۱. تکبیره الاحرام

۲. قرائت فاتحه

۳. تشهد آخر

۴. صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

۵. سلام اول

۶. نیت

۷. قیام

۸. رکوع

۹. اعتدال از رکوع

۱۰. سجده اول و دوم

۱۱. نشستن میان دو سجده

۱۲. نشستن آخر

۱۳. ترتیب

اما طمأنینه شرط محقق رکوع و اعتدال و سجده و جلوس است.

مالکیه؛ فرائض نماز پانزده تا است:

۱. نیت

۲. تکبیره الاحرام

ص: ۲۴۲

۳. قیام برای تکبیر الاحرام

۴. قرائت فاتحه

۵. قیام برای قرائت

۶ و ۷. رکوع و بلند شدن از آن

۸ و ۹. سجده و سر بلند کردن از آن

۱۰. سلام

۱۱. جلوس به اندازه سلام

۱۲. طمأنینه

۱۳. اعتدال در رکوع و سجده و سر برداشتن از آنها

۱۴. ترتیب ادا

۱۵. نیت اقتدای مأوموم

یادآوری:

به نظر عامه، فرض و رکن، یک معنی دارد و منظور از آن، اجزایی است که عبادت بدون آنها محقق نمی‌شود. به نظر مذهب اهل بیت علیهم السلام فرض و واجب مترادف است ولی واجب و رکن عام و خاص مطلق می‌باشند. (۱)

واجب اول: نیت

۱. معنا و حکم نیت

مذاهب اسلامی؛ نیت از واجبات نماز است.

نیت، عزم قلبی بر انجام عبادت قربۀ الی الله است و اما حضور قلب و عدم اشتغال به امور دنیوی در حال نماز، شرط نماز نیست. به نظر مذاهب اربعه اهل سنت، نماز بدون نیت

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۱۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸۳-۱۸۱

ص: ۲۴۳

صحیح نیست اگرچه امامیه، مالکیه و شافعیه، نیت را رکن می‌دانند که بدون آن نماز خوانده نشده است و حنبلیه نیت را شرطی می‌دانند که بدون آن نماز باطل است اگرچه تحقق یافته است. (۱) یادآوری: در بحث نیت، مباحث مفصلی در مورد قصد وجه، قصد تمیز، استحضار صلاه منویّه، شرایط نیت و وقت نیت در میان فقها مطرح شده که به کتب مفصل می‌توان مراجعه کرد.

۲. تلفظ به نیت

امامیه؛ استحباب تلفظ به نیت ثابت نیست و بهتر است که ترک شود. حنبلیه؛ تلفظ به نیت مسنون است اگرچه ملاک نیت قلبی است. حنفیه؛ تلفظ به نیت مشروع نیست مگر این که نماز گزار وسواسی باشد. شافعیه؛ تلفظ به نیت مسنون است اگرچه ملاک نیت قلبی است. مالکیه؛ تلفظ به نیت خلاف اولی است برای غیروسواس و برای وسواس مندوب است. یادآوری:

برخی از امامیه قائل به کراهت به لفظ آوردن نیت شده‌اند و حتی برخی آن را از مصادیق تشریع و حرام شمرده‌اند. (۲)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۸۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۹۸ و ۹۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۷۹ و ۷۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۱۹-۶۱۴؛ جواهر الکلام، ج ۹، صص ۱۷۴-۱۴۹

۲- همان

واجب دوم: تکبیره الاحرام

۱. معنای تکبیره الاحرام و حکم آن

مذاهب اسلامی؛ به نظر تمام مسلمانان، تکبیره الاحرام دخول در محرمات نماز است؛ به گونه‌ای که پس از آن، انجام اعمال منافی نماز حرام خواهد بود. فقهای اسلامی - جز حنفیه - تکبیره الاحرام را فرض نماز می‌شمرند ولی حنفیه آن را شرط می‌دانند و لذا حنفیه بر این نظریه‌اند که هنگام گفتن تکبیره الاحرام، اموری؛ مانند طهارت و ستر عورت - که از شرایط نماز است - در تکبیره الاحرام شرط نیست. (۱) یادآوری:

علاوه بر اجماع، روایات صحیحی از اهل سنت؛ مانند «مفتاح الصلاة الطهور، و تحریمها التکبیر و تحلیلها التسلیم» دلالت بر لزوم تکبیره الاحرام دارد. آیه «وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ» (مدثر: ۳) نیز دلیل لزوم آن شمرده شده است.

۲. لفظ تکبیره الاحرام

مذاهب فقهی - جز حنفیه - تکبیره الاحرام را مرکب از دو لفظ می‌دانند: ۱. لفظ جلاله ۲. اکبر و افتتاح نماز بدون این دو لفظ را نادرست می‌شمارند ولی حنفیه افتتاح با تکبیر را واجب می‌دانند نه فرض و ترک آن را موجب حرمان از شفاعت دانسته‌اند ولی مبطل نماز نمی‌شمرند. به نظر آن‌ها افتتاح صلاة باید با صیغه‌ای باشد که نشان از تعظیم الله است؛ مانند «سبحان الله»، «الحمد لله»، «لا اله الا الله»، «الله رحیم»، «الله کریم» ولی با استغفار یا استعاذه یا حوقله جایز نیست؛ چون تعظیم در آن نیست. در مذهب امامیه علاوه بر تکبیره الاحرام، شش تکبیر دیگر نیز در ابتدا مستحب است و دعاهایی میان آن‌ها مأثور می‌باشد که مناسب

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۹۹-۱۹۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۹۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۷۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۳۰-۶۲۶

ص: ۲۴۵

است خوانده شود. (۱) یادآوری:

در مذاهب فقهی، شرایط مفصلی در مورد تکبیره الاحرام و چگونه گفتن و عربی بودن آن و گفتن در حال قیام در نمازهای مشروط به قیام و دخول وقت نماز و غیره، مطرح شده است.

واجب سوم: قیام

۱. حکم قیام در نمازهای فریضه و نافله

مذاهب اسلامی؛ قیام در رکعات نمازهای فریضه، در صورتی که توانایی داشته باشد فرض است ولی اگر ناتوان از قیام بود، این حکم از او ساقط است اما در نمازهای مسنون و مندوب قیام فرض نیست ولو قدرت بر قیام داشته باشد، البته حنفیه در نماز وتر و منذور و دو رکعت فجر قیام را لازم شمرده‌اند. (۲)

۲. مقدار لازم در قیام

امامیه؛ قیام هنگام تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع رکن است و ترک عمدی یا سهوی آن موجب بطلان نماز می‌شود و قیام در حال قرائت و پس از رکوع واجب است. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه): قیام تا آنگاه که مصلی برای قرائت مفروض یا مسنون یا مندوب ایستاده، فرض است و باید قرائت در حال قیام باشد ولی به عقیده حنفیه مقدار مفروض در قیام به اندازه قرائت مفروضه؛ یعنی یک آیه طولانی یا سه آیه کوتاه است و بیش از این مقدار اگر قرائت واجب است؛ مانند فاتحه الكتاب، قیام هم واجب است و اگر

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۱۹۹-۱۹۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۹۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۸۱-۸۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۳۳ و ۶۳۲

ص: ۲۴۶

ندب است قیام هم مندوب است.

مالکیه؛ قیام هنگام تکبیر الا-حرام و قرائت فاتحه و هُوَیَّ اَلِی الرُّکُوع فرض است ولی در حال سوره سنت می‌باشد، لذا در حال قرائت سوره استناد به چیزی مبطل نیست ولی نباید بنشیند. (۱)

واجب چهارم و هفتم: قرائت و ذکر

۱. حکم فاتحه‌الکتاب و ذکر

امامیه؛ در دو رکعت اول نمازهای فریضه و در نمازهای نافله، قرائت حمد واجب است ولی رکن نیست. در رکعت سوم و چهارم، نمازگزار بین قرائت حمد یا تسبیحات اربعه مخیر است.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ در تمامی رکعات نمازهای مفروض و غیر مفروض، قرائت فاتحه‌الکتاب را فرض می‌دانند و ترک عمدی آن را موجب بطلان نماز شمرده و ترک سهوی آن را موجب اعاده رکعت و سجده سهو می‌دانند. اما حنفیه فاتحه‌الکتاب را در دو رکعت اول نماز فریضه، واجب می‌دانند (نه فرض) و اگر در دو رکعت اول نماز چهار رکعتی ترک کرد، در دو رکعت سوم و چهارم می‌خواند. اما در بقیه رکعات مفروضه، خواندن فاتحه سنت است. در نمازهای نافله هم قرائت فاتحه واجب است و حد قرائت مفروضه سه آیه کوتاه یا یک آیه طولانی معادل آن است. (۲)

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۱-۱۹۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۹۹؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۸۲ و ۸۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۴۳؛ منهاج الصالحین، ج ۱، ص ۲۲۵

ص: ۲۴۷

۲. حکم قرائت مأموم

امامیه؛ در نمازهای جهریه، در دو رکعت اول، اگر صدای امام را می‌شنود باید حمد و سوره نخواند و اگر صدای امام را نمی‌شنود، مستحب است حمد و سوره را آهسته بخواند و در نمازهای اخفاتیه باید حمد و سوره نخواند و مستحب است ذکر بگوید. حنبلیه؛ قرائت خلف امام در نمازهای سرّیه و در سکتات امام در نمازهای جهریه مستحب است ولی در نمازهای جهریه در حال قرائت امام مکروه است.

حنفیه؛ قرائت مأموم پشت سر امام در نمازهای سرّیه و جهریه مکروه تحریمی است. شافعیه؛ بر مأموم فرض است که فاتحه را پشت امام بخواند مگر این که مسبوق به آن باشد که در این صورت امام از طرف او تحمل می‌کند.

مالکیه؛ در نمازهای سرّیه، قرائت خلف امام، مندوب و در جهریه مکروه است مگر این که کسی بخواهد مراعات خلاف کند که در این صورت مندوب می‌باشد. (۱)

۳. تکفیر یا تکتّف (دست بسته نماز خواندن)

امامیه؛ جایز نیست و مبطل نماز است. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه): قرار دادن دست راست بر چپ، بالا یا پایین ناف، سنت است. مذاهب یاد شده در چگونگی تکفیر باهم اختلافاتی دارند.

مالکیه؛ قرار دادن دست راست بر چپ، بالای ناف یا زیر آن، مندوب است نه سنت، به شرط آن که قصد، تسنن به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد و گرنه مکروه است. (۲)

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۱۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۷ و ۱۰۶؛ جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۱۵؛ وسائل الشیعه، ج ۴، ابواب قواطع الصلاة، باب ۱۵، ص ۲۶۴؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۰۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۹۷-۲۹۵

ص: ۲۴۸

یادآوری:

۱. در برخی روایات اهل بیت علیهم السلام تکفیر، فعل مجوس شمرده شده است ۲. اسکافی، از فقهای امامیه ترک تکفیر را مستحب شمرده‌اند و ابی الصلاح حلبی انجام آن را مکروه می‌داند ۳. برخی از فقهای امامیه هم، حکم بطلان را احتیاطی می‌دانند.

۴. حکم بسمله

امامیه؛ بسمله جزئی هر سوره‌ای است و ترک عمدی آن در نافله یا فریضه موجب بطلان نماز می‌شود و در نماز جهریه باید جهراً و در اخفاتیه مستحب است جهراً بخوانند.

حنبلیه؛ تسمیه سنت است و در هر رکعتی آن را سرّی می‌خوانند ولی آیه‌ای از فاتحه نیست و اگر تسمیه را ترک و شروع به فاتحه کرد ساقط می‌شود.

حنفیه؛ بسمله (تسمیه) از فاتحه یا هر سوره‌ای نیست اگرچه از قرآن است و برای امام و منفرد به صورت سرّی سنت است و اما بین فاتحه و سوره مکروه نیست هر چند اولی ترک آن است.

شافعیه؛ بسمله آیه‌ای از فاتحه است و خواندن آن فرض است نه سنت و در نماز جهریه باید جهراً خوانده شود و نخواندن آن موجب بطلان نماز می‌شود.

مالکیه؛ تسمیه در صلاة مفروضه مکروه است مگر این که مصلی نیت خروج از خلاف داشته باشد که در این صورت به شکل سرّی مندوب است ولی در نماز نافله خواندن بسمله هنگام فاتحه جایز است. (۱) یادآوری:

سه نظریه در مورد بسمله وجود دارد: ۱. آیه‌ای از فاتحه و از هر سوره‌ای است و حکم

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۲ و ۲۲۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۰ و ۹۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذاهب

اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۶۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۱۳۵-۱۳۲

ص: ۲۴۹

فاتحه را در جهر و سرّ دارد ۲. آیه‌ای مستقل است که برای تیمن و فصل بین سور نازل شده است و قرائتش سرّاً جایز بلکه مستحب است ۳. آیه‌ای از فاتحه یا غیر آن نیست و قرائت آن در نماز فریضه مکروه است.

۵. استعاذه

امامیه؛ قبل از قرائت در رکعت اول، گفتن «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» مستحب است. حنبلیه؛ تعوذ در رکعت اول سنت است و عبارت است از: «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ». حنفیه؛ تعوذ در رکعت اول بعد از تکبیره الاحرام برای امام و منفرد و مأموم غیر مسبوق سنت است و صیغه‌اش «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» است.

شافعیه؛ تعوذ در تمامی رکعات سنت است و صیغه‌اش: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» می‌باشد. مالکیه؛ تعوذ در نماز فریضه سرّاً یا جهرّاً مکروه است ولی در نماز نافله به طور سرّی جایز است. (۱)

۶. دعای افتتاح

امامیه؛ مستحب است شش تکبیر بر تکبیره الاحرام افزوده شود و افضل است بعد از سه تکبیر یک دعا بخواند و سپس دو تکبیر بگوید و یک دعا بخواند و تکبیر ششم را بگوید و بعد از تکبیره الاحرام که هفتمین تکبیر است نیز یک دعا وارد است. حنبلیه و حنفیه؛ دعای افتتاح (ثناء) پس از تکبیره الاحرام و قبل از تعوذ سنت است برای امام و مأموم و منفرد و صیغه‌اش عبارت است از: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ وَ

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۲۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۰۹؛ العروة الوثقى، ج ۱، ص ۶۶۱

ص: ۲۵۰

تبارک اسمک و تعالی جدک». حنبلیه صیغه نزد شافعیه را نیز جایز می‌دانند.

شافعیه؛ دعای افتتاح سنت است بعد از تکبیره الاحرام و صیغه‌اش این است: «وَجْهت وجهی للذی فطر السماوات و الأرض إلی قوله: و أنا أول المسلمین».

مالکیه؛ خواندن دعای افتتاح مکروه است.

یادآوری:

حنفیه معتقدند صیغه‌ای که شافعیه برای دعای افتتاح نقل کرده‌اند، قبل از نیت نماز فرض گفته می‌شود. (۱)

۷. تأمین (آمین گفتن پس از حمد)

امامیه؛ جایز نیست و مبطل نماز است.

حنبلیه؛ بعد از قرائت فاتحه، گفتن آمین برای امام و مأموم و منفرد سنت است و در نماز جهریه جهراً و در نماز سرّیه، سرّاً گفته می‌شود.

حنفیه؛ گفتن آمین پس از قرائت، سنت است و به صورت سرّی گفته می‌شود در جهریه و سرّیه.

شافعیه؛ مانند حنبلیه نظر داده‌اند.

مالکیه؛ تأمین برای منفرد و امام مطلقاً مندوب است.

یادآوری:

۱. آمین دعا است و معنایش: «اللّهُمَّ اسْتَجِبْ» می‌باشد و جزو فاتحه نیست.

۲. ترک تأمین از دین امامیه شمرده می‌شود. (۲)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۱ و ۲۲۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۹-۱۰۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۳۲ و ۶۳۱

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۱۷ و ۲۱۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۱۰ و ۱۰۹؛ جواهر الکلام، ج ۱، ص ۲؛

العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۲۰

۸. قرائت سوره، بعد از فاتحه

امامیه؛ قرائت سوره کامل، پس از حمد، در دو رکعت اول نمازهای فریضه واجب است، جز در موارد ضرورت؛ مانند تنگی وقت. مذاهب چهارگانه؛ قرائت مقداری از قرآن، پس از فاتحه الكتاب، در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی و مغرب و نماز صبح و نماز جمعه سنت است و حنفیه از آن تعبیر به واجب می‌کنند.

یادآوری:

۱. برخی از امامیه وجوب قرائت سوره، بعد از حمد را بنا بر احتیاط دانسته‌اند.
۲. خواندن سوره‌ای که آیه سجده‌دار دارد در فرایض، به فتوای امامیه جایز نیست. (۱)

۹. مقدار لازم از سوره در قرائت

امامیه؛ بعد از حمد باید یک سوره کامل خوانده شود و سوره‌های فیل، قریش، ضحی و انشراح در حکم یک سوره است. حنبلیه؛ باید یک آیه‌ای که معنای مستقل دارد و مرتبط به قبل و بعد نیست خوانده شود و مانند «مُدَّهَا مَّتَّانٍ» کافی نیست. حنفیه؛ باید سوره‌ای کوتاه یا آیه‌ای طولانی یا حداقل سه آیه کوتاه خوانده شود. شافعیه و مالکیه؛ اکتفا به قرائت مقداری از قرآن؛ مانند سوره‌ای کوتاه یا یک آیه یا مقداری از یک آیه، بعد از فاتحه، مانعی ندارد و اصل سنت با آن حاصل می‌شود. (۲)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۰ و ۲۱۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۲۷-۱۱۱؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۴۳؛
تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۶۱-۱۵۷

۲- همان

ص: ۲۵۲

۱۰. حکم قرائت سوره برای امام و مأموم و منفرد

امامیه؛ قرائت یک سوره کامل برای امام و منفرد واجب است و با خواندن امام از مأموم ساقط می‌شود ولی در نوافل، سوره واجب نیست.

حنبلیه؛ قرائت سوره بعد از فاتحه در نمازهای فریضه برای امام و منفرد و مأموم، وقتی صدای امام را نمی‌شنود سنت است و همچنین در نمازهای نافله در جمیع رکعات سنت است.

حنفیه؛ قرائت سوره برای امام و منفرد است و برای مأموم قرائت مطلقاً در نماز فریضه جایز نیست و اما در نمازهای نافله قرائت واجب است.

شافعیه؛ در نمازهای فریضه مانند حنبلیه نظر داده‌اند و در نمازهای نافله معتقدند اگر بیش از دو رکعت خوانده شد، فقط در دو رکعت اول سنت است.

مالکیه؛ قرائت سوره توسط مأموم در نماز جهریه مکروه است، اگرچه امام ساکت باشد یا صدای او را نمی‌شنود و در نمازهای نافله قرائت سوره مندوب است نه سنت. (۱)

۱۱. تکبیرهای انتقال

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه): علاوه بر تکبیره الاحرام، تکبیر برای رفتن به رکوع و سجود، بلند شدن از سجده و ایستادن مستحب و سنت است ولی به نظر حنبلیه، این تکبیرها واجب است، جز تکبیر رکوع برای کسی که امام را در حال رکوع درک کرده است. (۲) یادآوری:

به نظر امامیه، علاوه بر تکبیره الاحرام شش تکبیر مستحب است؛ همچنین قبل از قنوت تکبیر مستحب است. پس از سلام نیز سه تکبیر به عنوان تعقیب مستحب است.

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۱۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۱۷؛ شرائع الاسلام، ج ۲، صص ۹۰ و ۸۹؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۱۷

۱۲. بالا بردن دست‌ها هنگام تکبیرها

امامیه؛ هنگام تکبیرهای واجب یا مستحب، بالا بردن دست‌ها تا محاذی گوش مستحب است. حنبلیه؛ هنگام تکبیره الاحرام و رفتن به رکوع و بلند شدن از رکوع بالا بردن دست‌ها تا مقابل منکبین برای زن و مرد سنت است. حنفیه؛ بالا بردن دست‌ها برای تکبیره الاحرام و تکبیرهای عیدین و قنوت، سنت است. شافعیه؛ بالا بردن دست‌ها هنگام تکبیره الاحرام و رکوع و بلند شدن از رکوع و هنگام ایستادن از تشهد اول، برای زن و مرد سنت است.

مالکیه؛ بالا بردن دست‌ها تا مقابل منکب هنگام تکبیره الاحرام مندوب و در غیر آن مکروه است. (۱)

۱۳. باز کردن بین دو پا

امامیه؛ در حال قیام، باز کردن بین دو پا به اندازه سه انگشت باز تا یک وجب مستحب است. حنبلیه؛ تفریح قدمین سنت است و حد آن، حالت متوسطی است که نه قدم‌ها را به هم بچسباند و نه عرفاً فاصله فاحش پیدا کند. حنفیه؛ فاصله میان دو قدم در حال قیام به قدر چهار انگشت باشد و بیشتر یا کمتر بودن آن کراهت دارد. شافعیه؛ فاصله به اندازه یک وجب باشد و بیش از این اندازه مکروه است. مالکیه؛ تفریح قدمین مندوب است و حد آن حالت متوسط است به گونه‌ای که به هم

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۱۶-۲۱۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۳۵۸

ص: ۲۵۴

نچسباند و فاصله فاحش عرفی نیز پیدا نکند. (۱)

واجب پنجم

۱. حکم رکوع

مذاهب اسلامی؛ خم شدن و انحنا برای کسی که توانایی دارد، از فرض‌ها و واجبات قطعی نماز شمرده می‌شود. در رکوع انحنا به اندازه‌ای که دست‌ها به زانو برسد شرط است ولی تسویه پشت و گردن و در یک امتداد قرار گرفتن آن‌ها از سنن است. همچنین گذاردن دست‌ها بر زانو و باز کردن انگشتان دست و دور کردن دست‌ها از پهلوها برای مردان، از سنن آن شمرده شده است. یادآوری:

رکوع طبق نظر امامیه از ارکان نماز محسوب می‌شود. (۲)

۲. ذکر رکوع

امامیه؛ ذکر در رکوع واجب است و می‌توان سه بار سبحان الله یا یک بار سبحان ربی العظیم و بحمدہ گفت. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه): سنت است که در رکوع سبحان ربی العظیم گفته شود ولی ذکر خاصی در آن واجب نیست. مالکیه؛ تسبیح در رکوع مندوب است و لفظ معینی ندارد و افضل آن است که سبحان ربی العظیم گفته شود.

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۴۲

۲- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۰۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۱۸ و ۱۰۱ و ۱۰۰؛ الروضة البهية فی شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، صص ۲۱۶-۲۱۴

ص: ۲۵۵

یادآوری:

لفظ «سبحان ربّی العظیم و بحمده» در منابع روایی اهل سنت از طرق متعدد نقل شده و شوکانی آن‌ها را متعارضه شمرده است. (۱)

۳. ذکر برخاستن از رکوع

امامیه؛ برای مطلق مصلی مستحب است پس از سر برداشتن از رکوع بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمَدَهُ» و بعد بگوید: «الحمد لله رب العالمین».

حنبلیه؛ بر امام و منفرد سنت است که جمع بین تسمیع و تحمید کنند ولی مأوم بگوید: «ربنا و لك الحمد» و سنت است بعد از تحمید بگوید: «ملء السموات و ملء الأرض و ملء ما شئت من شیء بعد». حنفیه؛ سنت است امام تسمیع بگوید و چیزی بر آن نیفزاید و مأوم تحمید بگوید و منفرد جمع میان دو صیغه کند. شافعیه؛ سنت آن است که امام و مأوم و منفرد جمع میان تسمیع و تحمید کنند ولی امام تسمیع را بلند بگوید. مالکیه؛ تسمیع برای امام و مأوم و منفرد سنت است و تحمید در حق منفرد و مأوم مندوب است. یادآوری:

۱. منظور از تسمیع؛ «سمع الله لمن حمده» و منظور از تحمید: «ربنا و لك الحمد» است.

۲. به نظر امامیه، در ادامه اذکار پس از برخاستن مستحب است بگوید: «أهل الجبروت

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۲۴؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۶۶۹؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۲۱۵

ص: ۲۵۶

و الکبرياء و العظمه و الحمد لله رب العالمين». (۱)

واجب ششم: سجده**۱. چگونگی رفتن به سجده و برخاستن از آن**

امامیه؛ برای مردان مستحب است اول دست‌ها را بر زمین گذارند و برای زنان مستحب است اول زانوان را بر زمین گذارند و سپس دست‌ها را.

حنبلیه و حنفیه؛ سنت است نماز گزار با زانوان به طرف سجده برود، سپس دست‌ها را بر زمین بگذارد و پس از آن صورت را و هنگام برخاستن از سجده، به عکس عمل می‌کند؛ اول صورت، بعد دست‌ها و بعد زانوان.

شافعیه؛ در حال برخاستن از سجده، رفع زانو قبل از دست‌ها و تکیه بر دست‌ها سنت است، اگرچه مصلی قوی یا زن باشد. مالکیه؛ تقدیم دست‌ها بر زانوان هنگام رفتن به سجده مندوب است و تأخیر دست‌ها از زانوان هنگام برخاستن برای رکعت بعد مندوب می‌باشد. (۲)

۲. حکم سجده

مذاهب اسلامی؛ بر هر نماز گزار فرض است که در هر رکعت دو سجده به جا آورد. (۳)

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۱۸ و ۲۱۷؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۱۱۹؛ الروضة البهیه، ج ۱، ص ۲۱۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۲

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۲۵؛ الفقه السنه، ج ۱، صص ۱۲۱ و ۱۲۰؛ الروضة البهیه، ج ۱، صص ۲۱۹ و ۲۱۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۸۲

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۴-۲۰۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۲ و ۱۰۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۱۸۵ و ۱۸۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۱، صص ۳۲۸-۳۳۷؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، صص ۲۱۹-۲۱۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۷۳ و ۶۷۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۱۴۳ و وسائل الشیعه، ج ۳، ابواب مایسجد علیه، باب ۱۶، ج ۱

ص: ۲۵۷

یادآوری:

به فتوای امامیه، در هر رکعت، دو سجده رکن محسوب می‌شود و اخلال یا زیادی عمدی یا سهو مبطل نماز است ولی یک سجده فرض غیر رکنی است.

۳. اعضای سجود

امامیه؛ در هر سجده باید اعضای هفتگانه بر زمین قرار گیرد و آن عبارت است از: پیشانی، دو کف دست، دو زانو و دو شصت پا. ولی تحقق عنوان سجده به نهادن پیشانی است. حنبلیه؛ نهادن بعضی از هر عضو از اعضای هفتگانه فرض است، به علاوه جزئی از بینی هم باید بر زمین نهاده شود. حنفیه؛ باید مقداری ولو اندک از پیشانی را بر ما یصح السجود علیه قرار دهد و باید یکی از دست‌ها و یکی از زانوان و مقداری از انگشتان یکی از قدم‌ها را بر ما یصح السجود علیه قرار دهد اما قرار دادن اکثر جبهه واجب است و تحقق سجده کامل به نهادن همه دست‌ها و زانوان و اطراف قدمین و پیشانی و بینی است. شافعیه؛ نهادن بعضی از هر عضو از اعضای هفتگانه فرض است و باید سجده بر باطن کفین و باطن انگشتان پا باشد. مالکیه؛ سجده بر کمترین مقدار از پیشانی فرض است و سجده بر بینی مندوب است ولی سجده بر دو دست و بر زانوان و اطراف در قدم سنت است و چسباندن تمام پیشانی به زمین مندوب است. (۱)

۴. ما یصح السجود علیه

امامیه؛ سجده بر زمین و آنچه از زمین می‌روید و مأکول و ملبوس نیست، صحیح است

ص: ۲۵۸

و سجده بر ذهب و فضه و معدن و حنطه و شعر و شیشه و قیر و ذغال و مواد شیمیایی صحیح نیست. مذاهب چهارگانه؛ در صحت سجود شرط است چیزی که پیشانی بر آن استقرار می‌یابد، خشک باشد و اگر پیشانی را بر کف خود بگذارد، باطل است. و تنها حنفیه آن را مکروه می‌شمارند. همچنین سجده بر چیزی که پوشیده یا با خود، شیء حمل می‌کند، به نظر شافعیه باطل است و به نظر بقیه مکروه. سجده بر کور عمامه که بخشی از پیشانی را پوشانیده صحیح است، جز نزد شافعیه که می‌گویند باید پیشانی مکشوف باشد.

یادآوری:

به فتوای امامیه و طبق روایات اهل بیت علیهم السلام سجده بر تربت امام حسین علیه السلام افضل است. مرحوم صدوق از امام صادق علیه السلام روایت کرده: «السُّجُود عَلَى طِينِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْوِّرُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّبْعَةَ» (۱).

۵. بالا بودن موضع سجده

امامیه؛ جای پیشانی باید از محل زانو پایین‌تر یا بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. حنبلیه؛ بلند بودن مبطل است که نمازگزار را از هیئت مصلی بیرون می‌برد. حنفیه؛ اگر موضع جبهه بیش از نصف ذراع بالا- باشد مضر است مگر در صورت ضرورت و در ازدحام جمعیت که نمازگزار می‌تواند بر پشت نمازگزار مقابلش سجده کند، به شرط این که جای خالی برای سجده نیابد و در یک نماز باشد و زانوان بر زمین باشد.

شافعیه؛ جای جبهه اگر از جای زانو بالاتر باشد مبطل است مگر این که بدن تنکیس (واژگون و سرازیر) باشد یعنی جزو اسفل بدن بالاتر از جزو اعلی باشد.

مالکیه؛ اگر ارتفاع کثیر به زمین متصل باشد، سجده صحیح نیست ولی اگر اندک باشد

ص: ۲۵۹

مانند کلید، سجده صحیح است اگرچه خلاف اولی است. (۱)

۶. ذکر سجده و مقدار آن

امامیه؛ ذکر در سجده واجب است و باید به اندازه «سبحان رَبِّيَ الأعلى و بحمده» یا سه بار «سبحان الله» باشد. حنبلیه؛ گفتن «سبحان رَبِّيَ الأعلى» یک بار واجب و بیش از آن سنت است. حنفیه؛ سنت با کمتر از سه بار گفتن «سبحان رَبِّيَ الأعلى» محقق نمی‌شود. شافعیه؛ سنت با هر صیغه‌ای از صیغ تسبیح محقق می‌شود ولی افضل گفتن «سبحان رَبِّيَ الأعلى»، و تا گفتن یازده بار اکمل است. مالکیه؛ سنت گفتن «سبحان رَبِّيَ الأعلى» است و در مقدار آن عدد معین مطرح نیست چنانکه لفظ معینی شرط نیست. یادآوری:

درسنامه درآمدی بر فقه مقارن ؛ ؛ ص ۲۵۹

تحب است تکرار تسبیح در سجده؛ به طوری که به عدد فرد ختم شود. (۲)

۷. چگونگی قرار دادن اعضای سجده بر زمین

امامیه؛ تجافی از زمین در حال سجده و جناح قرار دادن برای مردان مستحب است ولی برای زنان چسباندن اعضا بر زمین و به یکدیگر استحباب دارد.

حنبلیه و شافعیه؛ نمازگزار باید دست‌ها را در برابر منکب قرار دهد و انگشتان را به هم چسبانده، سوی قبله قرار دهد و مرد شکم را از ران و آرنج را از پهلوی و بازو را از زمین دور نگه دارد، مگر این که موجب زحمت و اذیت باشد ولی زن شکم را به ران بچسباند.

۱- همان

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۱۲ و ۲۲۷-۲۲۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۲۵-۱۲۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۰۱-۱۸۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۸۴-۶۷۳

ص: ۲۶۰

حنفیه؛ صورت را بین دو کف قرار دهد، گرچه در برابر منکب قرار دهد هم سنت حاصل می‌شود، همچنین دور نگه داشتن شکم از ران سنت است برای مردان، به خلاف زنان.

مالکیه؛ دست‌ها را در برابر گوش قرار دادن و انگشتان را به هم چسبانده، به سمت قبله گذاشتن مندوب است. همچنین دور نگه داشتن شکم از ران و آرنج از زانو مندوب است برای مردان.

یادآوری:

به فتوای امامیه مستحب است نماز گزار در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد، به گونه‌ای که سر آن‌ها رو به قبله باشد. (۱)

۸. چگونگی نشستن پس از سجده

امامیه؛ در نشستن، تورک و قرار دادن دست‌ها بر ران مستحب است و برای زنان چسباندن ران‌ها به هم و بالا آوردن زانو از زمین استحباب دارد.

حنبلیه؛ در تشهد اول و بین دو سجده، افتراش مسنون است و در تشهد آخر تورک همچنین گذاشتن دست‌ها بدون انگشتان بر ران سنت است.

حنفیه؛ گذاشتن دست‌ها تا سر انگشتان بر ران سنت است و برای مردان افتراش و برای زنان تورک سنت است.

شافعیه؛ گذاشتن دست‌ها تا سر انگشتان بر ران، همچنین افتراش در تمام نشستن‌های نماز سنت است ولی در نشستن آخر تورک سنت می‌باشد.

مالکیه؛ گذاشتن دست بر ران، مندوب است نه سنت و افضا برای زن و مرد مندوب

ص: ۲۶۱

است. (۱) یادآوری:

افتراش: نشستن بر باطن پای چپ و بالا آوردن پای راست است.

تورک: چسباندن بالای ران چپ بر زمین و نصب پای راست است.

افضا: پای چپ را با الیه چپ بر زمین نهادن و قرار دادن پای چپ در جهت پای راست و نصب پای راست بر روی آن است.

۹. جلسه استراحت

امامیه؛ نشستن بعد از سجده دوم در رکعت اول و سوم که تشهد ندارد، مستحب است بلکه احتیاط واجب عدم ترک آن است. مذاهب چهارگانه (جز شافعیه): جلسه استراحت را سنت ندانسته‌اند ولی شافعیه آن را از سنن شمرده‌اند. (۲)

۱۰. نشستن بین دو سجده

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ پس از سر برداشتن از سجده اول، نشستن از واجبات و فرایض نماز است و به فتوای حنبلیه، شافعیه و مالکیه، ترک آن مبطل نماز است ولی حنفیه جلوس بین دو سجده را سنت می دانند نه فرض. اگرچه در مورد سنت مؤکد یا غیر مؤکد بودن آن اختلاف نظر دارند. (۳) یادآوری:

به نظر امامیه سه سجده واجب است: ۱. سجده نماز ۲. سجده سهو ۳. سجده تلاوت.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۷-۲۲۴ و ۴۱۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۲۵-۱۲۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۱، صص ۲۰۱-۱۸۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۸۴-۶۷۳

۲- همان

۳- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۷۳

ص: ۲۶۲

ولی به نظر اکثر اهل سنت دو سجده واجب است: سجده نماز و سجده سهو.

۱۱. سجده تلاوت

امامیه؛ سجده تلاوت واجب است و هر گاه انسان آیه سجده را بخواند یا به آن گوش دهد، باید بی‌درنگ سجده کند. مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ سجده تلاوت برای قاری و مستمع سنت و مستحب است. به نظر حنفیه اگر آیه سجده را در نماز بشنود، انجام سجده واجب فوری است ولی اگر در خارج از نماز بشنود، واجب موسع است و می‌تواند آن را تا آخر عمر به تأخیر اندازد. (۱) یادآوری:

۱. به اتفاق مذاهب اسلامی، سجده تلاوت تشهد و سلام ندارد ولی عامه می‌گویند: برای انجام آن و پس از آن تکبیر گفته می‌شود و امامیه تکبیر را ردّ می‌کنند.
۲. به فتوای امامیه خواندن آیه سجده در نماز جایز نیست ولی به نظر عامه جایز است.

۱۲. مواضع سجده تلاوت

امامیه؛ چهار سوره قرآن، سجده واجب دارد و در یازده مورد دیگر سجده مستحب است نه واجب. مذاهب چهارگانه؛ به نظر اکثر اهل سنت آیه سجده در چهارده یا پانزده آیه آمده است. چهار موردی را که امامیه معتقد به وجوب سجده هستند، عامه نیز مستحب بودن آن را پذیرفته‌اند. مگر در مورد آیه‌ای از سوره نجم و آیه‌ای از سوره علق که مالکیه حتّی مطلوب

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۳-۴۰۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۶۵ و ۱۶۴؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۷؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۸۸-۶۸۴ و ۶۴۴

ص: ۲۶۳

بودن سجده را در این دو موضع منکر هستند. (۱)

۱۳. دعای هنگام سجده تلاوت

امامیه؛ مستحب است در سجده تلاوت بگویند:

«سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعْبُدًا وَرِقًّا. لَا مُسْتَكْبِرًا عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا مُسْتَكْفَأً بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ».

مذاهب چهارگانه؛ دعای خاصی را برای سجده تلاوت نقل نکرده‌اند.

یادآوری:

مانند این دعا، دعا‌های دیگری نیز در منابع فقهی و روایی امامیه آمده است. (۲)

۱۴. سجده شکر

مذاهب اسلامی (جز مالکیه و حنفیه)؛ هنگام تجدید نعمت یا دفع نعمت، انجام سجده شکر مستحب است ولی مالکیه آن را مکروه

می‌شمرند. حنفیه هم انجام آن را پس از نماز مکروه می‌دانند تا مردم توهم نکنند که مستحب یا واجب است.

یادآوری:

در فقه امامیه مباحث مفصلی درباره سجده شکر آمده است. (۳)

۱- همان

۲- همان

۳- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۰۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۶۸ و ۱۶۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۸؛ العروة الوثقى، ج ۱،

صص ۶۸۸-۶۸۶

ص: ۲۶۴

واجب هشتم: تشهد**۱۵. تشهد اول**

امامیه؛ در رکعت دوم نماز مغرب و نمازهای چهار رکعتی، تشهد واجب است. حنبلیه؛ تشهد اول واجب است. مذاهب چهارگانه (جز حنبلیه): تشهد اول از مستحبات و سنن نماز است. یادآوری: در روایت دیگر از احمد بن حنبل، تشهد اول سنت شمرده شده است. (۱)

۱۶. تشهد آخر

امامیه؛ در رکعت دوم نماز صبح و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا واجب است. حنبلیه؛ تشهد آخر واجب است. حنفیه؛ سنت مؤکد است. شافعیه؛ واجب است. مالکیه؛ سنت است. (۲)

۱۷. ذکر تشهد

امامیه؛ اشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۳، ص ۲۲۷؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۸۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۲۶؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهيہ، ج ۶، صص ۹۵ و ۱۸
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۲۸ و ۲۲۷؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۸۷؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۸؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۱۰۲؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۰۵؛ الکافی لابن قدامه، همان، صص ۹۵ و ۱۸

ص: ۲۶۵

حنبلیه؛ التحیات لله والصلوات والطیبات السّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلامُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصّٰلِحِیْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ.

حنفیه؛ التحیات لله والصلوات والطیبات، السّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلامُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصّٰلِحِیْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ.

شافعیه؛ التحیات المبارکات الصلوات الطیبات لله، السّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلامُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصّٰلِحِیْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ سَیِّدَنَا مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللهِ.

مالکیه؛ التحیات لله، الزاکیات لله الطیبات الصلوات لله السّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ، السّلامُ عَلَینَا وَ عَلَی عِبَادِ اللهِ الصّٰلِحِیْنَ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ.

۱۸. استجاب اشاره با انگشت سبابه

امامیه؛ مستحب است نمازگزار در حال تشهد دست‌های خود را بر ران گذاشته، انگشتانش را به یکدیگر بچسباند ولی اشاره با انگشت سبابه استجاب ندارد.

حنبلیه؛ انگشت خَنْصَر و بِنْصَر را گره می‌زند و انگشت وسط و ابهام را حلق می‌کند و با انگشت سبابه هنگام گفتن لفظ جلاله اشاره می‌کند بدون حرکت.

حنفیه؛ با انگشت سبابه دست راست اشاره می‌کند به گونه‌ای که هنگام نفی الوهیه، سبابه را بالا می‌برد و هنگام اثبات الوهیه پایین می‌آورد. رفع، نفی است و وضع، اثبات.

شافعیه؛ به جز سبابه، سایر انگشتان دست راست را قبض می‌کند و هنگام گفتن اَلَا اللهُ با آن اشاره می‌کند و رفع آن را تا هنگام برخاستن یا سلام بدون تحریک ادامه می‌دهد.

مالکیه؛ به جز سبابه سایر انگشتان را زیر انگشتان شصت قرار می‌دهد و سبابه و ابهام را می‌کشد و سبابه را به چپ و راست حرکت می‌دهد.

ص: ۲۶۶

یادآوری:

خِئَصْر: انگشت کوچک را گویند.

بِئَصْر: دومین انگشت که میان انگشت کوچک و میانه است.

۱۹. صلوات در تشهد اول

امامیه؛ در تشهد اول صلوات بر محمد و آل محمد واجب است.

مذاهب چهارگانه؛ در تشهد اول صلوات شرط نیست، اگرچه ظاهراً آن را مشروع می‌شمرند. (۱)

۲۰. صلوات در تشهد آخر

امامیه؛ در تشهد دوم صلوات بر محمد و آل محمد مانند تشهد اول واجب است.

حنبلیه؛ صلوات در تشهد دوم فرض است و افضل آن است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

حنفیه؛ صلوات در تشهد آخر سنت است و افضل این است که بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

شافعیه؛ صلوات در تشهد آخر فرض است و صیغه افضل آن مانند حنبلیه است اگر چه برخی از شافعیه کلمه «سیدنا محمد» و «سیدنا ابراهیم» را افزوده‌اند.

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۶ و ۲۰۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۳ و ۱۰۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۳۲-۲۳۰؛

الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۸۹-۱۸۷

ص: ۲۶۷

مالکیه؛ صلوات در تشهد آخر سنت است و لفظش مانند حنفیه است. (۱)

۲۱. دعا در تشهد آخر

امامیه؛ دعا در تشهد و در همه حالات نماز؛ مانند رکوع، سجده، قنوت و قبل و بعد از قرائت جایز است؛ دنیوی باشد یا اخروی. حنبلیه؛ سنت است بعد از صلوات در تشهد آخر بگوید: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ عَذَابِ جَهَنَّمَ وَمِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ وَمِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ و دعا برای شخص معین بدون کاف خطاب جایز است ولی خواسته‌های دنیوی جایز نیست. حنفیه؛ سنت است دعا کردن با الفاظ قرآن؛ مانند: «رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا» یا شبیه الفاظ سنت ولی دعا شبیه الفاظ انسان جایز نیست. شافعیه؛ بعد از صلوات، دعا و طلب خیر دنیا و آخرت مسنون است ولی دعای حرام یا مستحیل مبطل نماز است و افضل این است که چنین بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدَّمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ. مالکیه؛ دعا پس از صلوات مندوب است؛ هر دعایی که مشتمل بر خیر دنیا و آخرت باشد و بهتر است بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا وَلِإِئِمَّتِنَا وَلِمَنْ سَبَقَنَا بِالْإِيمَانِ مَغْفِرَةً عَزَمًا (۲)

- ۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۸ و ۲۲۷؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۲۶ و ۱۲۵؛ العروة الوثقى، ج ۱، ص ۶۹۱
- ۲- تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۳۳ و ۲۳۲؛ الکافی لابن قدامه المصاדר الفقهیه، ج ۶، صص ۹۶ و ۱۸

ص: ۲۶۸

واجب نهم: سلام

۲۲. سلام

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ سلام از فرایض نماز است و خروج از نماز با لفظ سلام باید انجام شود و الا نماز باطل است ولی حنفیه معتقدند: با هر عمل منافی ولو با نقض وضو می توان از نماز خارج شد و لفظ سلام واجب است نه فرض. (۱)

۲۳. صیغه سلام

امامیه؛ سلام دو صیغه دارد که به هر کدام اکتفا شود کافی است؛ ۱. السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ ۲. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

حنبلیه؛ فرض است دو بار بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ.

حنفیه؛ لفظ خاصی شرط نیست و لفظ سلام به تنهایی نیز کافی است.

شافعیه؛ در الفاظ سلام، ترتیب شرط نیست و اگر بگوید: عَلَيْكُمْ السَّلَام صحیح است ولی کراهت دارد.

مالکیه؛ باید برای خروج از نماز یک بار بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.

یادآوری:

۱. اهل سنت با سند صحیح صیغه: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ را برای سلام نقل کرده‌اند.

۲. به نظر امامیه: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ مستحب است. (۲)

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۲۹ و ۲۲۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۹۶ و ۶۹۵؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۴۸ و ۲۴۷

۲- همان

ص: ۲۶۹

۲۴. توجه و اشاره به چپ و راست هنگام سلام

امامیه؛ مستحب است منفرد و امام در سلام آخر، با گوشه چشم یا بینی و مانند آن اشاره کنند به سمت راست؛ به گونه‌ای که منافات با استقبال قبله نداشته باشد و اما اگر در سمت چپ مأموم کسی هست، سلام دیگری با اشاره به سمت چپ بگوید. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه): در سلام اول اشاره و توجه به راست، به گونه‌ای که گونه راست را ببیند و توجه به چپ در سلام دوم، به گونه‌ای که گونه چپ خود را ببیند سنت است. مالکیه؛ برای مأموم تیامن در سلام مندوب است و سلام مأموم بر امام سنت است؛ همانطور که تسلیم بر کسانی که در چپ او واقع شده‌اند سنت است. ولی امام و منفرد یک سلام می‌کنند. یادآوری:

به نظر برخی فقهای امامیه؛ مانند امام خمینی رحمه الله این اشاره رجاء انجام می‌شود. (۱)

۲۵. نیت در سلام

امامیه؛ در سلام، قصد تحیت و سلام حقیقی نمی‌شود ولی نماز گزار می‌تواند به قلب خود خطور دهد: هنگام سلام اول: انبیا، ائمه و فرشتگان حفظه را و هنگام سلام دوم: ملکین کاتبین و امام یا مأومین را. حنبلیه؛ با سلام، نیت خروج از نماز کردن سنت است و نیت سلام بر فرشتگان یا نماز گزاران سنت نیست ولی اگر نیت کرد اشکال ندارد. حنفیه؛ امام نیت می‌کند نماز گزاران از انس و جن و ملائکه را. مقتدی نیت می‌کند امام و نماز گزاران را و منفرد نیت می‌کند فرشتگان حفظه را.

۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۷ و ۲۰۶

ص: ۲۷۰

شافعیه؛ نیت می‌کند سلام بر فرشتگان و مؤمنان انس و جن را که به او سلام نکرده‌اند و نیت ردّ سلام می‌کند به کسانی که به او سلام کرده‌اند؛ از امام و مأموم.

مالکیه؛ مندوب است با سلام اول نیت خروج از نماز و سلام بر ملائکه کند؛ اگر غیر امام است و اگر امام است قصد و خروج از نماز و سلام بر ملائکه و اقتدا کنندگان می‌کند. (۱)

واجب دهم: ترتیب

۱. ترتیب

امامیه؛ اگر نماز گزار عمداً ترتیب نماز را به هم بزند نمازش باطل است ولی اگر به طور سهو رکنی را فراموش کرد و وارد رکن بعد نشده، باید جبران کند و اگر سهواً واجبی را فراموش کرد و وارد رکن بعد شد نمازش صحیح است.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ رعایت ترتیب میان ارکان لازم است و اگر مصلی رکوع را قبل از قیام یا سجده را قبل از قیام به جا آورد، نمازش باطل است، ولی حنفیه رعایت ترتیب را شرط می‌دانند نه فرض. پس اگر مصلی قبل از قیام رکوع، سجده کرد و ایستاد، در صورتی که پس از قرائت، رکوع و سجده کند نمازش صحیح است. (۲)

- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۹۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۱۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۰۴
- ۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۰۷ و ۲۰۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۰۴ و ۱۰۳؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۲۲۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۶۹۵-۶۹۳؛ الکافی لابن قدامه، المصادر الفقهیة، ج ۶، ص ۱۸۹۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۴۶-۲۴۴؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۸۹

ص: ۲۷۱

واجب یازدهم: موالات**۱. موالات**

امامیه؛ باید کارهای نماز را با موالات؛ یعنی پشت سر هم انجام داد و اگر میان آن‌ها فاصله زیاد بیفتد باطل است. مذاهب چهارگانه؛ در بیشتر منابع فقهی مذاهب اربعه اهل سنت، از موالات به عنوان یکی از واجبات و فرایض نامبرده نشد، اگرچه در بعضی از منابع آن‌ها نقل گردیده است. اکثر عامه از اعتدال و طمأنینه به عنوان دو فرض از فرایض نماز یاد کرده‌اند و در مذهب امامیه هم اعتدال؛ یعنی ایستادن کامل پس از رکوع و آرامش در قیام و رکوع و سجود واجب است، اگرچه مستقلاً از واجبات شمرده نشده است. [\(۱\)](#)

ص: ۲۷۵

۴. مبطلات و مکروهات نماز و احکام سهو و شک

مبطلات نماز

۱. مهمترین مبطلات نماز

امامیه؛ دوازده چیز نماز را باطل می‌کند:

۱. نبود برخی از شرایط؛ مانند ستر ۲. حدث اکبر یا حدث اصغر ۳. تکفیر و تکتف یا دست‌ها را روی هم و بر سینه گذاشتن ۴. از قبله رو برگرداندن ۵. کلام عمدی ۶. قهقهه و خنده با صدا ۷. گریستن با صدای بلند برای امور دنیا ۸. کاری که صورت نماز را به هم می‌زند ۹. خوردن و آشامیدن ۱۰. گفتن آمین ۱۱. شک در نماز دو رکعتی و سه رکعتی یا دو رکعت نماز چهار رکعتی ۱۲. کم و زیاد کردن عمدی یا سهوی رکن و کم یا زیاد کردن عمدی واجب غیر رکن.
- حنبلیه؛ ۱. عمل کثیر ۲. عارض شدن نجاست ۳. پشت به قبله بودن ۴. عارض شدن ناقض وضو ۵. تعمد کشف عورت ۶. تکیه کردن به چیزی ۷. زیاد کردن رکن با عمد ۸. رعایت نکردن ترتیب ۹. سلام قبل از تمام شدن نماز ۱۰. لحن در قرائت ۱۱. نیت قطع نماز ۱۲. شک در تکبیر الاحرام ۱۳. دعا برای دنیا ۱۴. قهقهه ۱۵. حرف زدن ۱۶. تقدم مأموم بر امام ۱۷. بطلان نماز امام ۱۸. سلام مأموم قبل از امام ۱۹. خوردن و آشامیدن ۲۰. برای غیر خوف خدا گریستن و
- حنفیه؛ ۱. حرف زدن ۲. دعا شبیه کلام آدمی ۳. سلام یا ردّ سلام ۴. عمل کثیر ۵. سینه از قبله برگرداندن ۶. خوردن و آشامیدن ۷. تنحنح ۸. آه کشیدن ۹. گریستن ۱۰. تسمیت

ص: ۲۷۶

عاطس ۱۱. ذکر یا قرآنی که در پاسخ موضوعی باشد ۱۲. حدث عمدی، ولی سبق حدث با شرایطی مبطل نیست ۱۳. سبق مأموم از امام در رکن ۱۴. سلام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی ۱۵. مقدم شدن مأموم بر امام به یک قدم ۱۶. اعاده نکردن رکنی که در حال خواب انجام شده است ۱۷. اغما و بی‌هوشی ۱۸. جنون ۱۹. جنابت با نگاه یا احتلام خواب عمیق و شافعیه؛ ۱. حدود موجب وضو یا غسل ۲. گریه و ناله ۳. فعل کثیر ۴. شک در نیت یا یکی از شروط نماز، اگر طولانی شود ۵. نیت خروج از نماز ۶. ارتداد و جنون ۷. کشف عورت ۸. اتصال نجاست غیر معفو به بدن و لباس ۹. تطویل رفع از رکوع و جلوس بین دو سجده ۱۰. سبق مأموم از امام در دو رکن ۱۱. سلام عمدی قبل از محل ۱۲. تکبیره الاحرام ۱۳. ترک عمدی رکن ۱۴. اقتدا به غیر واجد شرایط ۱۵. با سینه از قبله رو برگرداندن ۱۶. وصول مفطر به جوف مصلی ولو غیر مأکول و مالکیه؛ ۱. ترک عمدی رکن ۲. ترک رکن سهواً و متذکر نشدن تا سلام ۳. رفض و الغای نیت ۴. زیاد کردن رکن فعلی مانند رکوع عمداً ۵. تشهد اضافی در رکعت اول و سوم ۶. قهقهه عمدی یا سهوی ۷. خوردن و آشامیدن با عمد ۸. کلام عمدی برای غیر اصلاح نماز ۹. تصویت عمدی ۱۰. فوت کردن عمدی ۱۱. استفراغ عمدی ۱۲. عارض شدن ناقض وضو ۱۳. کشف عورت مغلظه ۱۴. سقوط نجاست بر مصلی ۱۵. فعل کثیر ۱۶. بیش از یک رکعت انجام دادن ۱۷. ترک سه سنت سهواً بدون سجده سهو. یادآوری:

۱. طبق آنچه گذشت، مذاهب اسلامی در بسیاری از مبطلات نماز متفق القولند.
۲. تکفیر (تکثف) و آمین گفتن تنها نزد امامیه از مبطلات نماز است ولی کلام آدمی (حرف زدن) را همه مذاهب مبطل می‌شمرند.
۳. مباحث متنوعی در بحث مبطلات نماز در بین مذاهب اسلامی مطرح است که در

ص: ۲۷۷

کتاب مفصل فقهی مطرح گردیده است. (۱)

احکام شک و سهو در نماز**۱. مکروهات نماز**

مذاهب اسلامی؛ مذاهب اسلامی در بسیاری از مکروهات نماز رأی و نظریه مشترک دارند؛ مانند: ۱. با ریش، دست و لباس خود بازی کردن ۲. انگشتان را داخل هم کردن ۳. به راست و چپ نگرستن ۴. قرار دادن دست بر خصره ۵. فرو بستن چشمان ۶. شکستن انگشتان ۷. نگه داشتن ادرار و مدفوع. (۲)

۲. شک در عدد رکعات

امامیه؛ شک در شماره رکعات نماز واجب دو و سه رکعتی و نیز رکعت اول و دوم نماز چهار رکعتی، مبطل نماز است، اما هنگام شک در رکعت‌های سوم و چهارم نماز چهار رکعتی بنا را بر اکثر گذاشته، پس از سلام، نماز احتیاط می‌خوانند. حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ اگر شک در عدد رکعات بود، بنابر مقدار متیقن و اقل می‌گذارد و نماز را ادامه می‌دهد. حنفیه؛ اگر اولین بار است که شک کرده، نماز را اعاده می‌کند و اگر اولین بار نیست تأمل کرده و طبق ظن خود عمل می‌کند و اگر در شک خود باقی بود بنابر اقل می‌گذارد.

-
- ۱- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷۲۱-۷۰۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۵۱؛ فقه‌السنه، ج ۱، صص ۲۰۶-۲۰۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۹۷-۲۷۱
 - ۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷۲۳ و ۷۲۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۳۹-۲۳۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۲۹۹-۲۷۱؛ فقه‌السنه، ج ۱، صص ۲۰۳-۲۰۱

ص: ۲۷۸

یادآوری:

۱. در فقه عامه، مطلبی به عنوان «نماز احتیاط» وجود ندارد. این موضوع تنها در فقه امامیه مطرح است ۲. مرحوم صدوق در باب «شک در رکعات» فتوایی؛ مانند فتوای عامه دارد. (۱)

۳. اسباب سجده سهو

امامیه؛ اسباب سجده سهو عبارت‌اند از:

۱. کلام بیجا ۲. یک سجده فراموش شده ۳. شک میان رکعات چهار و پنج، بعد از سجده دوم ۴. سلام بیجا ۵. فراموشی تشهد. برخی از امامیه، سجده سهو در پاره‌ای از موارد بالا را مبنی بر احتیاط می‌دانند. حنبلیه؛ اسباب سهو سه چیز است:

۱. افزودن غیر عمدی در افعال مانند قیام و قعود ۲. نقص؛ مانند ترک رکوع، و سجده و فاتحه به طور سهو ۳. شک در ترک رکنی از ارکان یا شک در عدد رکعات.

کسی هم که غلط بخواند، به گونه‌ای که معنا تغییر کند، باید سجده سهو به جا آورد و اگر ترک سنت نماز کند، سجده سهو مجاز است.

حنفیه؛ اسباب سجده سهو:

۱. کم یا زیاد کردن یک رکعت یا بیشتر ۲. پس از سجده رکعت آخر به طور سهو ننشیند و بلند شود ۳. فراموش کردن جلوس برای تشهد اول ۴. مقدم کردن رکنی بر رکن یا واجب دیگر ۵. ترک برخی از واجبات؛ مانند قرائت فاتحه، سوره یا سه آیه، قرائت در دو

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۳۲-۱۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۹۵ و ۱۹۴؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۳۱۶-۳۱۴؛ الکافی لابن قدامه، المصادر الفقهیه، ج ۶، ص ۱۹۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۸۶

ص: ۲۷۹

رکعت اول، رعایت ترتیب، تشهد، قنوت وتر، تکبیر قنوت، جهر و اسرار امام.

شافعیه؛ اسباب سجده سهو:

۱. ترک سنت مؤکد ۲. شک در زیادی ۳. انجام سهوی کاری که عمدش مبطل است؛ مانند طولانی کردن جلوس میان دو سجده
۴. گفتن رکن قولی غیر مبطل در غیر محل خود؛ مانند فاتحه در جلوس ۵. شک در ترک بعضی از نماز؛ مانند این که شک کند صلوات در قنوت گفته یا نه ۶. اقتدا به کسی که در نمازش خلل است.

مالکیه؛ اسباب سجده سهو:

۱. نقص سنتی از نماز
۲. زیادی: افزودن فعلی که از افعال نماز نیست؛ مانند ادای کلام و خوردن خفیف یا زیاد کردن رکن
۳. نقص و زیادی با هم؛ مانند ترک جهر به سوره و زیاد کردن یک رکعت سهواً، در این صورت پیش از سلام سجده می‌کند برای ترجیح جانب نقصیه بر زیاده. (۱)

۴. حکم سجده سهو

امامیه؛ سجده سهو در موارد گذشته واجب است ولی واجب مستقل، که با ترک آن، نماز باطل نمی‌شود و با تکرار موجب آن تکرارش واجب فوری است و امام و مأموم در سهو مستقل‌اند و اگر امام سجده سهو انجام می‌دهد بر مأموم متابعت لازم نیست. حنبلیه؛ سجده سهو واجب یا مستحب و یا مباح است. بر مأموم واجب است در سجده سهو امام را متابعت کند. سجده سهو برای ترک واجب، بهتر است قبل از سلام باشد و آنجا که سجده سهو بهتر است بعد از نماز باشد؛ مانند سلام بیجا، ترک عمدی آن گناه دارد ولی

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۴۷-۴۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۹۲-۳۸۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۱۹۴-۱۹۱

ص: ۲۸۰

مبطل نیست.

حنفیه؛ سجده سهو واجب است اگرچه ترک آن مبطل نیست و سجده سهو بر امام و منفرد است، اما اگر موجب سهوی از مأوم سر زد، چیزی بر او نیست و اگر سهو از امام سر زد متابعت واجب است. در نماز جمعه و عیدین (فطر و قربان) نیز وقتی جمع کثیری شرکت کرده‌اند، بهتر است سجده سهو ترک شود تا امر بر مردم مشتبّه نگردد.

شافعیه؛ سجده سهو گاهی واجب و گاهی سنت است؛ وقتی واجب است که امام سجده سهو انجام می‌دهد و اما در حق منفرد و امام سنت است و در جایی که خود مأوم سهو کند سجده سهو بر او نیست.

مالکیه؛ سجده سهو برای امام و منفرد سنت است ولی سجده سهو برای مأوم نیست. و اگر امام سجده سهو کند، باید مأوم متابعت کند و الا نمازش باطل است. (۱) یادآوری:

۱. عامه اجماع دارند که مأوم باید در سجده سهو از امام تبعیت کند، اگرچه خودش سهو نکرده است؛ در حالی که نظر امامیه مخالف آن است.

۲. شافعیه و مالکیه سجده سهو را جز در مورد متابعت از امام، واجب نمی‌دانند. در نظر حنفیه سجده سهو سنت مؤکد است نه فرض. بنابراین، مشهور میان عامّه، عدم وجوب سجده سهو است.

۵. چگونگی سجده سهو

امامیه؛ نماز گزار بعد از سلام بی‌درنگ نیت سجده سهو می‌کند و به سجده می‌رود و می‌گوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ»، یا «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۴۸ و ۴۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۹۴ و ۳۹۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۳، صص ۳۲۵ و ۳۲۴

ص: ۲۸۱

و آلِ مُحَمَّدٍ و بهتر است بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ»، بعد باید بنشیند و بار دیگر، به همین شیوه سجده دوم را انجام دهد و تشهد بخواند و سلام دهد.

حنبلیه؛ تکبیر می گوید و دو سجده می گزارد، قبل از سلام یا بعد از سلام. اگر سجده بعد از سلام باشد، قبل از سلام تشهد هم می گوید و اگر قبل از سلام باشد، تشهد نمی خواند.

حنفیه؛ بعد از سلام دو سجده گزارده، بعد تشهد و سلام می خواند و احتیاطاً دعا و صلوات هم می خواند.

شافعیه؛ قبل از سلام دو سجده گزارده، بعد تشهد و صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او با نیت قلبی می خواند. اگر سبب آن سهو باشد خوب است در سجده بگوید: «سُبْحَانَ الَّذِي لَا يَنَامُ وَ لَا يَسْهُو» و اگر سبب آن عمد باشد، بهتر است بگوید: استغفرالله؛ چون گاهی سبب سجده سهو، ترک عمدی جزو نماز است.

مالکیه؛ سجده سهو، دو سجده و بعد تشهد بدون دعا و صلوات است، محلش هم متفاوت می باشد اگر برای نقص است یا برای زیادی و نقص، قبل از سلام انجام می دهد و اگر برای زیادی تنها باشد، بعد از سلام به جا می آورد. (۱) یادآوری:

۱. به نظر امامیه، در سجده سهو، نهادن پیشانی بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، لازم می باشد ولی طهارت از حدث و خبث و ستر و استقبال لازم نیست، اگرچه بهتر است.

همچنین تکبیر نیز لازم نیست.

۲. مباحث مفصلی که امامیه در اقسام شک دارند؛ مانند شک های باطل و شک هایی که اعتنا نمی شود و شک های صحیح در فقه عامه به چشم نمی خورد.

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۵۰-۴۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۸۶-۳۸۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۶۹ و ۱۶۸

ص: ۲۸۵

۵. نماز مسافر و نماز جماعت

نماز مسافر

۱. قصر نماز در سفر

امامیه و حنفیه؛ واجب است.

حنبلیه و شافعیه؛ جایز است.

مالکیه؛ سنت مؤکد است و تأکید آن از نماز جماعت بیشتر است.

یادآوری:

به اتفاق مذاهب اسلامی، قصر نماز فقط در مورد نماز چهار رکعتی است که به دو رکعت تبدیل می‌شود. (۱)

شرایط قصر خواندن نماز

۱. مسافت شرعی

امامیه؛ هشت فرسخ (رفت و برگشت) برابر با ۴۰ کیلومتر و ۴۰ متر.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ مسافتی که موجب قصر می‌شود ۱۶ فرسخ رفت است.

این مقدار مسافت ۵/۸۰ کیلومتر و ۱۴۰ متر می‌باشد. ولی به نظر حنفیه مقدار مسافت، در

۱- العروۃ الوثقی، ج ۲؛ صص ۱۱۹-۱۱۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۰۲-۴۰۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۲۶-۲۲۳

ص: ۲۸۶

محاسبه با زمان ساعت، سه روز حرکت از کوتاه‌ترین روزهای سال (به اندازه مسیر متوسط از صبح تا ظهر) است. بعضی از حنفی‌ها آن را ۲۴ فرسخ دانسته‌اند.

یادآوری:

هر فرسخ، مساوی ۵ کیلومتر و ۴۰ متر است. (۱)

۲. قصد سفر از زمان خروج

مذاهب اسلامی؛ از اول اگر نیت سفر داشته باشد، نماز قصر است. (۲)

۳. مباح بودن سفر

امامیه، حنبلیه و شافعیه؛ اگر سفر معصیت باشد نماز تمام است، ولی به نظر حنفیه و مالکیه در سفر معصیت نیز نماز قصر است. (۳)

۴. سفر شغلی

امامیه و حنبلیه؛ اگر سفر شغلی باشد نماز قصر نمی‌شود.

مذاهب چهارگانه (جز حنبلیه)؛ سفر شغلی بودن ملاک نیست و سفر شغلی و غیر شغلی تفاوت ندارد. البته شافعیه می‌گویند: در حق امثال ملاحین، اتمام افضل است. (۴)

۵. گذشتن از حد ترخص

امامیه؛ ملاک حد ترخص در سفر دیده نشدن دیوار خانه‌های شهر یا شنیده نشدن صدای اذان شهر است.

۱- همان

۲- همان

۳- العروة الوثقی، ج ۲؛ صص ۱۲۳ و ۱۲۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۰۴

۴- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۱۳۱ و ۱۳۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۰۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۲۲۰

ص: ۲۸۷

مذاهب چهارگانه؛ حدّ ترخص شکسته شدن نماز، فاصله گرفتن از خانه‌های شهر است. (۱)

۶. اقتدای مسافر به حاضر

امامیه؛ تمام بودن نماز امام جماعت تأثیری در وظیفه مسافر ندارد و مسافر باید نمازش را قصر بخواند ولو امام نمازش تمام است و بالعکس.

مذاهب چهارگانه؛ اگر مسافر به امامی اقتدا کند که نمازش تمام است، نماز او نیز تمام است. بلکه به نظر شافعی و حنبلیه، مسافر حتّی اگر در تشهد آخر هم امام را درک کرد، باید نمازش را تمام بخواند. به نظر حنفیه مسافر تنها در داخل وقت می‌تواند به مقیم اقتدا کند.

۷. نیت اقامت

(۲) امامیه؛ اگر نمازگزار قصد اقامت ده روز در یک مکان را داشته باشد نمازش تمام است.

حنبلیه؛ اگر قصد اقامت مطلقه در جایی دارد یا مدّتی می‌ماند که باید بیش از ده نماز واجب بخواند باید نماز را تمام بخواند.

حنفیه؛ اگر قصد دارد پانزده روز کامل و متوالی بماند، نمازش تمام است.

شافعی و مالکیه؛ غیر از روز ورود و خروج اگر ۴ روز یا بیشتر بماند، نمازش تمام است. (۳) یادآوری:

۱. در مذاهب اسلامی، در مورد نماز مسافر، احکام ترخص، وطن اصل و وطن اتخاذه

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۱۳۵ و ۱۳۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۰۶-۴۰۴؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۲۲۸

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۱۶۵-۱۴۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۰۸ و ۴۰۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۲۲۹

۳- العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۵۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۰۶-۴۰۴

ص: ۲۸۸

مباحث گسترده و مفصلی مطرح است.

۲. طبق نظر مشهور امامیه، مسافر در چهار مکان مخیر است بین مقصر و اتمام:

مسجد الاحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد کوفه و حائر حسینی علیه السلام.

۳. همچنین طبق نظر امامیه، نوافل نمازهای ظهر و عصر در سفر ساقط است.

۴. طبق نظر امامیه هر جا نماز قصر است، روزه گرفتن هم صحیح نیست ولی اهل سنت شرایط دیگری دارند که در باب روزه مطرح می‌شود.

۵. به فتوای امامیه، در نمازهای قصر مستحب است نماز گزار در پی هر نماز، سی بار تسبیحات اربعه را تکرار کند.

نماز جماعت

احکام نماز جماعت

۱. حکم جماعت در نمازهای روزانه

مذاهب اسلامی (جز حنبلیه)؛ اقامه نمازهای روزانه به جماعت، مستحب مؤکد است.

حنبلیه؛ نماز جماعت واجب عینی است و در صورت اقامه فرادا، نماز گزار گناهکار است ولی نمازش صحیح است. (۱) یادآوری:

۱. به فتوای برخی از علمای امامیه، شرکت نکردن در نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست.

۲. به جماعت خواندن نمازهای صبح، مغرب و عشا مورد تأکید بیشتر است.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۵۰-۳۴۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۳ و ۷۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۸، ابواب صلاة الجمعة،

باب ۲، نگارنده، فقه سیاسی نماز جمعه، ص ۹۹-۸۴

ص: ۲۸۹

۳. طبق مذهب حنفیه - که سنت مؤکد را معادل واجب می‌دانند - نماز را به جماعت خواندن واجب است.

۴. مالکیه معتقدند: در شهر گزاردن نماز به جماعت واجب کفایی است و اگر مردم شهر آن را ترک کنند، با آن‌ها قتال و جنگ می‌شود.

۲. اهمیت نماز جماعت /

در متون فقهی و جوامع روایی فریقین، در اهمیت نماز جماعت، مباحث مهم و روایات فراوانی وارد است که نشان دهنده اهمیت این عبادت از ابعاد مختلف معنوی، عبادی، اجتماعی و سیاسی است. در جوامع روایی عامه نقل است از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود:

«والذی نفسی بیده لقد هممت أن أمر بحطب فیحطب ثم أمر بالصلاة فیؤذن لها ثم أمر رجلاً فیؤم الناس ثم أخالف إلى رجال فاحرق علیهم بیوتهم».

در روایات خاصه نیز از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «بلغه أن قوماً لا یحضرون الصلاة فی المسجد فخطب فقال: انّ قوماً لا یحضرون الصلاة منّا فی مساجدنا، فلا یؤاکلون و لا یشاربون و لا یشاورون و لا یناکحون أو یحضرنا معنا صلاتنا جماعه و انی لأوشک بنار تشعل فی دورهم فاحرقها علیهم أو ینتهون».

حنبلیه به این روایات تمسک کرده و نماز جماعت را واجب عینی شمرده‌اند ولی مذاهب دیگر محمل‌هایی را برای این روایات ذکر کرده‌اند. در هر صورت این روایات ابعاد سیاسی - اجتماعی این عبادت را به خوبی آشکار می‌کنند. (۱)

۳. به جماعت خواندن نمازهای غیر روزانه

امامیه؛ جماعت، شرط صحت نماز جمعه و نماز عیدین است، البته اگر نماز عیدین واجب باشد. جماعت در نافله مشروع نیست مگر در نماز استسقا.

ص: ۲۹۰

حنبلیه؛ جماعت شرط صحت نماز جمعه است و برای نماز میت مستحب است و در نوافل مانند استسقا، تراویح و عیدین سنت است و در نماز تهجد و رواتب مباح است.

حنفیه؛ جماعت، شرط صحت جمعه و عیدین است. در نماز تراویح و میت سنت کفایی است و در نوافل مکروه می‌باشد. شافعیه؛ در رکعت اول نماز جمعه، جماعت واجب عینی است و در رکعت دوم سنت است. جماعت در عیدین و استسقا و کسوف و تراویح و وتر رمضان مندوب است.

مالکیه؛ جماعت، شرط صحت جمعه و شرط تحقق سنت بودن نماز کسوف و استسقا و عیدین است و در تراویح مستحب است و در سایر نوافل مکروه یا جایز.

یادآوری:

به نظر امامیه، مشروعیت جماعت در نماز طواف و نماز احتیاط محل اشکال است و در نماز میت و نماز آیات هم مستحب می‌باشد.

(۱)

۴. شرایط امام جماعت؛ موارد اتفاقی

مذاهب اسلامی؛ امام جماعت باید دارای شرایط زیر باشد:

۱. اسلام ۲. عقل ۳. ذکورت برای امامت مردان ۴. نداشتن عذر ۵. صحت قرائت.

یادآوری:

مالکیه ذکوریت را به طور مطلق شرط امامت می‌دانند ولی به نظر مذاهب دیگر، امامت زن برای زنان اشکال ندارد. (۲)

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۵۰؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۶۶-۷۶۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۵۱

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۵۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷۹۸ و ۷۹۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۵۲؛

جواهرالکلام، ج ۱۳، صص ۳۷۳-۲۴۲؛ فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۱۶۲-۱۶۰

۵. شرایط امام جماعت؛ موارد اختلافی

امامیه؛ ۱. ایمان (شیعه اثنی عشری بودن) ۲. عدالت ۳. طهارت مولد (ولدالزنا نبودن) ۴. بلوغ. این موارد از شرایط دیگر نزد امامیه است.

مذاهب چهارگانه؛ از میان شرایط چهارگانه‌ای که امامیه برای امام جماعت مطرح کرده‌اند: ۱. اهل سنت به جای «ایمان»، اسلام را شرط دانسته‌اند ۲. «طهارت مولد» را هیچ یک از مذاهب اهل سنت شرط نمی‌دانند ۳. در مورد «عدالت»، حنفیه و شافعیه معتقدند امامت «فاسق» برای عادل صحیح است ولی مکروه می‌باشد و برای فاسق دیگر جایز است. و مالکیه مطلقاً امامت فاسق را مکروه شمرده‌اند و اما حنبلیه امامت فاسق را نادرست می‌دانند ولی امامت فاسق در نماز جمعه و عید را مجاز می‌شمرند. ۴. «بلوغ» را به جز شافعیه سایر مذاهب شرط می‌دانند ولی شافعیه اقتدای بالغ به صبی را در غیر نماز جمعه صحیح شمرده‌اند. (۱) یادآوری: به نظر می‌رسد حنبلیه که عدالت را در نماز جماعت شرط می‌دانند و در جمعه شرط نشمرده‌اند، بر اساس محیط اجتماعی و واقعیت‌های عینی بوده است؛ زیرا بسیاری از امامان جمعه، از والیان و حاکمان فاسق بوده‌اند.

۶. اقتدا به مخالف در مذهب یا اجتهاد

امامیه، حنفیه و شافعیه؛ اقتدا در صورتی صحیح است که مأوم نماز امام را صحیح بدانند. پس اگر مأوم نماز امام را باطل بداند، اقتدا باطل است.

حنبلیه و مالکیه؛ مسأله دو صورت دارد: ۱. اگر شرط صحت، خود نماز است؛ همین

۱- تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۵۸؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۹۸ و ۷۹۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۵۲؛ جواهرالکلام، ج ۱۳، صص ۳۴۲-۲۷۳؛ فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۱۶۲-۱۶۰

ص: ۲۹۲

که نماز امام صحیح است کافی است و مذهب مأوم ملاک نیست ۲. اگر شرطِ صحت، اقتدا است، ملاک مذهب مأوم می‌باشد. یادآوری:

به نظر امامیه، اقتدا به مخالف در مذهب، در صورت تقیّه اشکال ندارد. (۱)

۷. اتحاد مکان و نبودن حایل

امامیه؛ باید صف‌های نماز متصل باشند و فاصله و دوری مأوم از امام، اگر بدون اتصال صفوف بوده و فاصله غیر عرفی باشد جایز نیست و نیز باید حایلی مانع دیدن امام و مأومین نباشد، جز در مورد اقتدای زنان. حنبلیه؛ اگر امام و مأوم در مسجدند اگرچه حایل میان آنها باشد اقتدا صحیح است، البته اگر تکبیره الاحرام را می‌شنود. و اگر امام و مأوم یا مأوم به تنهایی خارج از مسجد بود، اقتدا صحیح است به شرط این که مأوم امام را یا مأومی را که امام را می‌بیند، ببیند ولو در بعضی از نماز یا از طریق پنجره باشد یا فاصله بیش از سیصد ذراع باشد. حنفیه؛ اگر انسان در خانه‌اش به امام در مسجد اقتدا کند، چنانچه مأوم از حال امام آگاه است و فاصله میان خانه و مسجد دیوار باشد، نماز صحیح است ولی اگر خانه با چیزی مانند طریق یا نهر از مسجد جدا شود، نماز صحیح نیست. شافعیه؛ اگر حایلی در میان نباشد، وجود فاصله به اندازه سیصد ذراع بین امام و مأوم اشکال ندارد. مالکیه؛ اختلاف مکان مانع از صحت اقتدا نیست و حایل بودن راه، نهر و دیوار، در صورتی که مأوم از حال امام مطلع باشد اشکال ندارد. (۲)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۵۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۲۱۹

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۵۳؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۷۷۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۶

ص: ۲۹۳

۸. نماز پیرامون کعبه

امامیه؛ تقدم مأموم بر امام ولو در کعبه باشد جایز نیست و اما نماز به نحو استاده‌ای، به نظر مشهور امامیه، در صورتی که به حسب دایره، مأموم بر امام مقدم نباشد اشکال ندارد.

مذاهب چهارگانه؛ نماز پیرامون کعبه، ولو مأموم بر امام مقدم شود، اشکال ندارد.

یادآوری:

برخی از امامیه نماز استاده‌ای را جایز نمی‌دانند یا آن را مشکل می‌دانند. (۱)

۹. حکم مسبوق

اگر مأموم زمانی رسید که امام در نماز بود، به نظر جمیع مذاهب اسلامی و مذاهب اربعه اهل سنت اقتدا جایز است، ولی به نظر حنفیه، مالکیه و حنبلیه، رکعتی را که در رک کرده، رکعت اخیر مأموم محسوب می‌شود و لذا اگر رکعت سوم مغرب را در رک کرد دو رکعت دیگر را مانند دو رکعت اول می‌خواند، ولی به نظر امامیه و شافعیه، رکعتی را که در رک کرده، رکعت اول به حساب می‌آورد و دو رکعت دوم و سوم را می‌خواند. (۲) یادآوری:

۱. تجافی در تشهد اول و آخر، که در مذهب امامیه مطرح است، از متفردات این مذهب می‌باشد و اهل سنت مطرح نکرده‌اند.

۲. اهل سنت اقتدا در سجده را نیز جایز می‌دانند.

-
- ۱- مناسک حج، مسأله ۳۲۶، ص ۵۱۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۶
- ۲- تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۵۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۸۰-۳۷۵؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۳

ص: ۲۹۵

۶. نمازهای دیگر:

اشاره

نماز جمعه

نماز عیدین

نماز آیات

نماز استسقا

نماز تراویح

ص: ۲۹۷

نماز جمعه

۱. وجوب نماز جمعه

مذاهب اسلامی؛ طبق ادله معتبر از کتاب و سنت، یکی از فرایض یومیه در روز جمعه، اقامه نماز جمعه است و در صورت وجود شرایط، از واجبات عینی شمرده می‌شود و وقت آن ظهر روز جمعه می‌باشد. (۱)

شرایط وجوب اقامه نماز جمعه

۱. اذن حاکم

امامیه؛ شرط وجوب نماز جمعه، حاکم عادل یا منصوب از طرف اوست و امامت جمعه از مناصب حکومتی در اسلام است. حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ اقامه جمعه مشروط به اذن حاکم نیست و امامت جمعه مانند امامت جماعت منصب نیست. حنفیه؛ اقامه جمعه مشروط به اذن حاکم است و از امور حکومتی محسوب می‌شود. (۲)

-
- ۱- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۹۴ و ۹۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۲۳ و ۳۲۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۲۸
 - ۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۴؛ المصادر الفقهیه، الکافی فقه ابن حنبل، ج ۶، ص ۱۶۷۰ و المدونه فقه مالکی، همان، ج ۴، ص ۷۲۰ و الاّم فقه شافعی، همان، ج ۵، ص ۵۲ و بدائع الصنائع فقه حنفی، همان، ص ۳۷۸ و نگارنده منصب امامت جمعه در حکومت اسلامی، فصل ۲ و ۳، صص ۸۰-۲۵ و فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۱۷۹-۱۶۱

ص: ۲۹۸

یادآوری:

۱. امامیه در عصر حضور معصوم و بسط ید او، نماز جمعه را واجب عینی می‌دانند و در عصر غیبت، بیشتر علما آن را واجب تخییری می‌شمارند.
۲. حنفیه عدالت را شرط حاکم نمی‌دانند.

۲. جماعت

مذاهب اسلامی؛ اقامه نماز جمعه، بدون جماعت صحیح نیست، حتی امام جمعه نیز باید نیت جماعت داشته باشد، در حالی که طبق بعضی مذاهب اسلامی؛ مانند امامیه، در نماز جماعت، نیت جماعت برای امام لازم نیست. (۱)

۳. عدد شرکت‌کنندگان

امامیه؛ حداقل با امام، پنج نفر
 حنبلیه و حنفیه؛ حداقل با امام چهار نفر
 شافعیه؛ حداقل با امام چهار نفر
 مالکیه؛ حداقل با امام سیزده نفر
 یادآوری:

نظر دیگر در میان امامیه آن است که باید حداقل هفت نفر باشند. (۲)

۴. تعدد جمعه و رعایت فاصله

- ۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۲۳۳؛ جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۲۴۲
- ۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۳۴ و ۳۳۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۳۵ و ۳۶

ص: ۲۹۹

امامیه؛ میان دو نماز جمعه، فاصله معتبر است و مقدار آن دست کم یک فرسنگ است. حنبلیه؛ اگر با اقامه یک جمعه در شهر، نیاز تأمین می‌شود، تعدّد آن جایز نیست و الاّ به اندازه نیاز، اقامه جمعه متعدّد جایز است. حنفیه؛ می‌توان در مواضع گوناگون یک شهر، نمازهای متعدد اقامه کرد، ولی صحت نماز جمعه، اختصاص به نماز سابق و اولی دارد و اگر یقین دارد نماز جمعه دیگری جلوتر بوده، واجب است چهار رکعت نماز ظهر بخواند. شافعیه؛ اگر نیاز نیست باید یک نماز جمعه اقامه شود و در صورت تعدد بقیه باطل است، ولی اگر تعدّد نیاز است نماز جمعه همه صحیح ولی مندوب است که ظهر را بعد از جمعه بخوانند. مالکیه؛ نماز جمعه تنها در اولین مسجدی که از قدیم اقامه می‌شده صحیح است، مگر این که خوف فتنه و فساد باشد یا مکان قدیم ضیق باشد یا حاکم حکم به نماز در مسجد جدید کند. (۱)

۵. محل اقامه نماز جمعه

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ در محل برگزاری نماز جمعه، مسجد بودن شرط نیست و در فضای باز نیز جایز است نماز جمعه اقامه شود.

مالکیه؛ نماز جمعه در فضای باز و بیوت برگزار نمی‌شود و باید در جامع باشد. (۲)

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۳۲ و ۳۳۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۴، ص ۵۶

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، ج ۱، ص ۵۲۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۳۳ و

۳۳۲؛ مختلف الشیعه، ج ۲، ص ۲۴۷

ص: ۳۰۰

۶. ایراد دو خطبه

مذاهب اسلامی؛ در صحت نماز جمعه، شرط است که دو خطبه به وسیله امام جمعه ایراد شود، البته حنفیه خطبه دوم را سنت می‌دانند و تنها یک خطبه را شرط می‌شمرند. (۱)

۷. عدالت امام جمعه

امامیه؛ عدالت امام جمعه و جماعت از اجماعیات امامیه است. مذاهب چهارگانه (جز حنبلیه)؛ عدالت در امام جمعه شرط است و در امام جماعت شرط نیست. مستند این سخن روایتی است که می‌گوید: «صَلُّوا خَلْفَ كُلِّ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» اما به نظر حنبلی‌ها امامت فاسق ولو برای فاسق جایز نیست، جز در نماز جمعه که پشت سر فاسق اقامه نماز جمعه و عید اشکال ندارد. (۲)

۸. شرایط مکلفان به شرکت در نماز جمعه

مذاهب اسلامی؛ شرایط وجوب نماز جمعه عبارت‌اند از: ۱. مکلف بودن (عاقل بالغ) ۲. مرد بودن ۳. آزاد بودن (حریت) ۴. سالم بودن (مریض و کور نبودن) ۵. مسافر نبودن. بعلاوه در نظر امامیه و مالکیه و شافعیه، پیر نبودن نیز از شرایط وجوب نماز جمعه است. (۳)

۹. محتوای خطبه نماز جمعه

امامیه؛ واجبات خطبه عبارت‌اند از: ۱. حمد الهی در هر دو خطبه ۲. صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خطبه دوم و طبق مشهور در هر دو خطبه ۳. صلوات و دعا بر ائمه علیهم السلام به نظر برخی از فقها ۴. سفارش به تقوا طبق مشهور در هر دو خطبه یا فقط خطبه اول

۱- ذکر الشیعه، ج ۴، ص ۱۳۴؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۱۸؛ تذکره الفقها، ج ۴، صص ۶۳ و ۶۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۳۳۵

۲- جواهر الکلام، ج ۳، ص ۲۷۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی مصادر الفقهیه، ج ۴، صص ۱۶۲ و ۱۶۰ و ج ۵، ص ۱۵۷۲ و ج ۴، ص ۸۹۶

۳- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۳۰-۳۲۵

ص: ۳۰۱

۵. قرائت یک سوره کوتاه به نظر مشهور یا یک آیه کامل.

حنبلیه؛ ارکان دو خطبه عبارت‌اند از:

۱. حمد الهی ۲. صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳. قرائت یک آیه مستقل ۴. وصیت به تقوا.

حنفیه؛ نماز جمعه یک خطبه واجب دارد و رکن آن هم ذکر است؛ اعم از تحمید، تسبیح یا تهلیل.

شافعیه؛ ارکان خطبه پنج چیز است:

۱. حمد الهی ۲. در هر دو خطبه صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ۳. وصیت به تقوا در هر دو خطبه ۴. قرائت یک آیه در

یکی از دو خطبه ۵. دعا برای مردان و زنان مؤمن در خطبه دوم.

مالکیه؛ خطبه یک رکن دارد و آن عبارت است از اشمال بر تحذیر یا تبشیر. (۱) یادآوری:

۱. در مذهب امامیه، دعا و استغفار برای مردان و زنان مؤمن مستحب است و به نظر برخی واجب می‌باشد. همچنین در خطبه دوم،

مردم را در جریان امور سیاسی و اجتماعی قرار دادن مورد تأکید است.

۲. به نظر اهل سنت، دعا برای ائمه مسلمانان و والیان امور، از سنت‌های خطبه شمرده شده است.

۱۰. حرف زدن در حال خطبه

امامیه؛ حرف زدن کراهت دارد.

حنبلیه؛ حرف زدن بر کسانی که نزدیک خطیب هستند حرام است.

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۶۸-۶۳؛ جواهر الکلام، ج ۱۱، صص ۲۱۵-۲۱۰؛ تحریرالوسیله، ج ۱،

ص ۲۲۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۳۵؛ نگارنده، فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۲۹۱-۲۴۶

ص: ۳۰۲

حنفیه؛ بر مأموم حرف زدن کراهت تحریمی دارد.
 شافعیه؛ حرف زدن بر کسی که نزدیک خطیب است و خطیب در حال بیان ارکان خطبه می‌باشد، کراهت تنزیهی دارد.
 مالکیه؛ حرف زدن بر مأموم حرام است. (۱)

۱۱. شرط عربی بودن خطبه

امامیه؛ شرط نیست، ولی احتیاطاً حمد و صلوات را عربی بخواند.
 حنبلیه؛ در صورت توان باید عربی باشد.
 حنفیه؛ شرط نیست.
 شافعیه؛ اگر جمعیت عرب هستند به عربی باشد و اگر عجم هستند به زبان خودشان.
 مالکیه؛ ولو جمعیت عجم باشند، باید خطبه به زبان عربی باشد. (۲)

۱۲. چگونگی نماز جمعه

مذاهب اسلامی؛ نماز جمعه دو رکعت است، مانند نماز صبح و مستحب است به جهر و با صدای بلند خوانده شود. به نظر امامیه دو قنوت دارد؛ یکی قبل از رکوع در رکعت اول و دیگری بعد از رکوع در رکعت دوم. (۳) یادآوری:
 به فتوای امامیه و شافعیه، مستحب است در رکعت اول سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقون خوانده شود، ولی حنفیه تعیین سوره خاص را مکروه شمرده‌اند.

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۹۹؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۲۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۴۳-۳۴۱

۲- تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۲۲۲ و ۲۲۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۰۲ و ۲۰۱

۳- همان

ص: ۳۰۳

نماز عیدین

۱. حکم نماز عید

امامیه؛ در زمان حضور و بسط ید امام معصوم، نماز عیدین واجب و در زمان غیبت مستحب است؛ به جماعت یا فرادا. حنبلیه؛ نماز عیدین بر کسانی که نماز جمعه بر آن‌ها واجب است، واجب کفایی است و خطبه آن سنت است و بر کسی که با امام نخوانده، سنت است خودش بخواند. حنفیه؛ بر کسانی که نماز جمعه واجب است نماز عید واجب است نه فرض و جماعت اگرچه واجب است ولی شرط صحت آن نیست. شافعیه؛ نماز عید، سنت عینی مؤکد است بر هر کس که امر به نماز شده است. بر غیر حجاج، خواندن نماز عید قربان به جماعت سنت است و بر حجاج سنت فراداست. مالکیه؛ نماز عید، سنت مؤکد است بر هر کس نماز جمعه لازم شده است و برای حجاج نماز عید نیست چون وقوف در مشعرالحرام جای آن است. اهل مناهم مندوب است به صورت فرادا بخوانند. (۱) یادآوری: به اتفاق مذاهب اسلامی، نماز عید تکبیرهای اضافی دارد و فلسفه آن در روایات این گونه آمده است: *إِنَّمَا جُعِلَ التَّكْبِيرُ فِيهَا أَكْثَرُ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَوَاتِ؛ لِأَنَّ التَّكْبِيرَ إِنَّمَا هُوَ تَعْظِيمٌ لِلَّهِ وَ تَمْجِيدٌ عَلَى مَا هَدَى وَ عَافَى كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ*

۱- تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۱۲۹-۱۱۹ و ۱۳۷ و ۱۳۶؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۰۵-۲۹۶؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۲۲۸ و ۲۲۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۱۰، ص ۱۰۵؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۰۲-۱۰۰؛ فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۳۳۰-۳۰۵

ص: ۳۰۴

تَشْكُرُونَ».

۲. چگونگی نماز عید

امامیه؛ در رکعت اول پنج تکبیر و در رکعت دوم چهار تکبیر اضافی گفته می‌شود. پس از قرائت حمد و سوره و بین هر دو تکبیر، هر دعا یا ذکر را می‌توان خواند و خوب است دعای معروفی را که در کتب مربوط آمده است بخوانند. بین هر دو تکبیر، قنوت مستحب، بلکه احوط است.

حنبلیه؛ در رکعت اول شش تکبیر و در رکعت دوم پنج تکبیر، علاوه بر تکبیرهای معمول گفته می‌شود و این تکبیرها پیش از حمد و سوره است و بین هر دو تکبیر، هر ذکر را می‌توان گفت و در رکعت اول، سوره اعلی و در رکعت دوم سوره غاشیه خوانده می‌شود.

حنفیه؛ پیش از حمد و سوره، در رکعت اول سه تکبیر، غیر از تکبیره الا-حرام گفته می‌شود و بین هر دو تکبیر، تسبیحات اربعه و سپس حمد و سوره اعلی را می‌خوانند و اما در رکعت دوم، اول حمد و بعد سوره غاشیه را می‌خوانند و سپس سه تکبیر می‌گویند، غیر از تکبیر رکوع.

شافعیه؛ در رکعت اول هفت تکبیر اضافی و در رکعت دوم پنج تکبیر اضافی گفته می‌شود و این تکبیرها پیش از قرائت حمد و سوره است و بین تکبیرها، تسبیحات اربعه مستحب است در رکعت اول سوره‌های ق یا اعلی یا کافرون سنت است و در رکعت دوم، سوره‌های قمر یا غاشیه یا اخلاص.

مالکیه؛ در رکعت اول شش تکبیر و در رکعت دوم پنج تکبیر گفته می‌شود، این تکبیرها قبل از حمد و سوره است و بین تکبیرها باید سکوت کرد و در رکعت اول سوره اعلی و در رکعت دوم سوره شمس مندوب است.

یادآوری:

به اتفاق مذاهب اسلامی، در نماز عید اذان و اقامه نیست و به نظر امامیه مستحب است

ص: ۳۰۵

مؤذن بگوید: الصلاة، و به نظر اهل سنت بگوید: الصلاة جامعه. به نظر اهل سنت، نماز عید قنوت ندارد. (۱)

۳. آداب نماز عید

مذاهب اسلامی؛ برای آمادگی و شرکت در نماز عید، آدابی ذکر کرده‌اند که معمولاً مورد اتفاق است؛ مانند: احیای شب عید، انجام غسل، خوشبو کردن خود، پوشیدن لباس آراسته، افطار کردن با خرما در عید فطر. (۲)

۴. تکبیرهای ایام عید

از مستحبات و سنن مورد نظر همه مذاهب اسلامی، گفتن تکبیرهای خاص در تعقیب نمازهای روزانه است که حنفیه آن را واجب (نه فرض) می‌شمرند و اهل سنت به آن «تکبیر تشریق» می‌گویند. و نزد اکثر آن‌ها باید این گونه گفته شود: اللَّهُ اكْبَر، اللَّهُ اكْبَر، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ و اللَّهُ اكْبَر، اللَّهُ اكْبَر و لِلَّهِ الْحَمْد. امامیه نیز با اندک تفاوتی این الفاظ را نقل کرده‌اند. (۳)

نماز آیات

۱. حکم نماز کسوف و خسوف

امامیه؛ واجب عینی است.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۱۲۹-۱۱۹ و ۱۳۷ و ۱۳۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۰۵-۲۹۶؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۲۲۸ و ۲۲۷؛ وسائل الشیعه، ج ۵، باب ۱۰، ص ۱۰۵؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۰۲-۱۰۰؛ فقه سیاسی نماز جمعه، صص ۳۳۰-۳۰۵

۲- همان

۳- همان

ص: ۳۰۶

مذاهب چهارگانه؛ سنت مؤکد است ولی واجب نیست. (۱) یادآوری:

۱. به اتفاق مذاهب اسلامی، نماز کسوف و خسوف، اذان و اقامه ندارد.

۲. مذاهب اسلامی، جز حنفیه برای نماز کسوف خطبه نقل نکرده‌اند، ولی حنفیه مانند نماز عید برای نماز کسوف دو خطبه نقل کرده‌اند.

۳. در برخی کتب امامیه مانند شرایع، همچون اهل سنت، نماز آیات، نماز کسوف نامیده شده است.

۲. اقامه نماز کسوف و خسوف به جماعت

مذاهب اسلامی؛ جایز است.

۳. چگونگی انجام نماز کسوف و خسوف

امامیه؛ نماز آیات دو رکعت است؛ هر رکعت پنج رکوع دارد و قبل از هر رکوع حمد و سوره می‌خوانند. همچنین می‌توانند یک سوره را در هر رکعت پنج قسمت کنند و پیش از هر رکوع یک قسمت را بخوانند.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ نماز آیات دو رکعت است با دو رکوع و دو قیام. بعد از تکبیر الاحرام، قرائت می‌خواند و به رکوع می‌رود، سر از رکوع برمی‌دارد و بار دیگر قرائت می‌خواند و رکوع دوم را به جا می‌آورد و بعد به سجده می‌رود. رکعت دوم را هم به این شکل انجام می‌دهد. در قرائت، خواندن سوره‌های طولانی مانند بقره و آل عمران و نساء سنت است.

حنفیه؛ نماز آیات را دو رکعت با یک قیام و یک رکوع مانند نافله می‌دانند، ولی افضل

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۲؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۱۸۴-۱۸۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۱۵-

۳۱۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۰۷

ص: ۳۰۷

آن را چهار رکعت با یک سلام یا دو سلام دانسته‌اند. (۱)

۴. نماز زلزله

امامیه؛ نماز آیات؛ مانند کسوف و خسوف، هنگام زلزله هم واجب است. حنبلیه؛ مندوب است مانند نماز کسوف، هنگام زلزله نمازی خوانده شود. حنفیه؛ مندوب است هنگام زلزله دو رکعت نماز مانند نوافل خوانده شود، در منزل به صورت فرادا. شافعیه؛ نماز واجب یا مندوب برای زلزله ذکر نکرده‌اند. مالکیه؛ مانند حنفیه معتقدند دو رکعت نماز نافله هنگام زلزله مندوب است. (۲)

۵. سایر آیات

امامیه؛ در هر آیت مخوفی؛ مانند باد سیاه و سرخ و زرد و ظلمت شدید؛ از آسمان باشد یا زمین، نماز آیات واجب است. حنبلیه؛ در امور ترسناک نمازی که مستحب باشد یا واجب، ثابت نیست. حنفیه؛ در صاعقه، باد، وبا و امور ترسناک دیگر؛ مانند زلزله، دو رکعت نماز نافله در منزل، به صورت فرادا مندوب است. شافعیه؛ نمازی در امور ترسناک؛ مستحب یا واجب، ذکر نکرده‌اند. مالکیه؛ مانند حنفیه معتقدند در صاعقه، باد، وبا و امور ترسناک، دو رکعت نماز مانند نافله در منزل به صورت فرادا مندوب است. (۳)

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۸۴-۱۸۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۱۵-۳۱۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۰۷

۲- همان

۳- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۰۴-۱۰۲؛ تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۸۴-۱۸۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۱۵-۳۱۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۰۹-۲۰۷

ص: ۳۰۸

نماز استسقا

۶. حکم نماز استسقا

مذاهب اسلامی؛ استسقا در لغت به معنای درخواست آب از دیگری، هنگام حاجت است و در اصطلاح شرعی، طلب آب از خداوند هنگام نیاز است. و این نماز هنگام احتیاج، مانند دوران قحطی مستحب است؛ این نماز اگرچه در زمان قحطی است، ولی از نظر کیفیت، ابعاد سیاسی مهمی دارد و کاملاً شبیه نماز جمعه و عید است که از نمازهای عبادی-سیاسی شمرده می‌شوند. (۱)

۷. چگونگی انجام نماز استسقا

امامیه؛ نماز استسقا، مانند نماز عید است ولی در قنوت آن دعای خاصی وارد نیست. حنبلیه؛ مانند نماز عید است ولی هفت تکبیر در رکعت اول و پنج تکبیر در رکعت دوم بیشتر دارد، و بعد از نماز یک خطبه خوانده می‌شود. حنفیه؛ برخی از حنفیه استسقا را فقط دعا و استغفار بدون نماز دانسته‌اند ولی برخی، نماز آن را سنت شمرده و مانند نماز عید می‌دانند بدون تکبیر زاید و با دو خطبه. شافعیه؛ اقامه نماز باران مشروط به امامت امام المسلمین است و چگونگی آن، مانند نماز عید است و پس از نماز دو خطبه دارد. مالکیه؛ مانند نماز عید است ولی تکبیرهای زاید بر معمول ندارد و دارای دو خطبه است. (۲)

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۲۱۹-۲۰۴؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۳۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۱۱-۳۰۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۱۲-۲۱۰
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۴، صص ۲۱۹-۲۰۴؛ تحریرالوسیله، ج ۱، صص ۲۳۳-۲۳۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۱۱-۳۰۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۱۲-۲۱۰

۸. آداب نماز استسقا

مذاهب اسلامی؛ برای نماز باران آدابی ذکر کرده‌اند؛ مانند: ۱. گرفتن سه روز روزه ۲. پیرمرد نبودن و بردن کودکان و ناتوانان و چهارپایان به مصلی ۳. با خضوع و لذت و خشوع رفتن ۴. هنگام نماز، لباس را متحول کردن و قسمت راست را طرف چپ و سمت چپ را طرف راست پوشیدن. (۱)

نماز تراویح**۹. نماز تراویح**

فقه امامیه؛ مشروعیت نماز تراویح را انکار کرده و از بدعت‌ها شمرده‌اند. و معتقدند جز نماز استسقا هیچ نافله‌ای به جماعت خوانده نمی‌شود. در منابع امامیه به نقل از منابع عامه؛ چون بخاری و سیوطی آمده است: نماز تراویح اولین بار سال ۱۴ هجری توسط خلیفه دوم متداول گردید.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ نماز تراویح را سنت غیر موکد برای زنان و مردان می‌دانند، ولی مالکیه آن را مندوب اکید می‌دانند. خواندن نماز تراویح به جماعت در نظر حنبلیه و شافعیه سنت است و در نظر حنفیه سنت کفایی است و در نظر مالکیه مندوب می‌باشد. نماز تراویح به نظر مشهور فقهای اهل سنت، بیست رکعت است، غیر از وتر. مالکیه، غیر از شفع و وتر آن را بیست رکعت می‌دانند. وقت نماز تراویح بعد از عشا تا طلوع فجر است و بهتر است قبل از وتر خوانده شود.

ص: ۳۱۰

یادآوری:

نقل شده عمر بن عبدالعزیز، نماز تراویح را به سی و شش رکعت رسانید. (۱)

۱۰. مندوبات نماز تراویح

مذاهب چهارگانه؛ سلام کردن در پایان هر دو رکعت، در نماز تراویح مندوب است.

خواندن تمام قرآن در نماز تراویح؛ به گونه‌ای که در آخرین شب ماه رمضان، قرآن را در آخرین رکعت نماز تراویح ختم کند، مسنون است. خواندن آن در مساجد افضل است، اگرچه مالکیه خواندن آن را در خانه مندوب می‌دانند، به شرط آن که در منزل نشاط داشته باشد و مسجد هم حرم مکه و مدینه نباشد و اقامه در بیت به تعطیل مساجد منجر نشود. (۲) یادآوری:

در فقه امامیه به جای نماز تراویح، خواندن هزار رکعت نماز نافله در ماه رمضان مستحب است. در دو دهه اول ماه مبارک، هر شب بیست رکعت خوانده می‌شود؛ هشت رکعت بعد از مغرب و دوازده رکعت بعد از عشا و در دهه آخر، هر شب سی رکعت؛ هشت رکعت بعد از نماز مغرب و ۲۲ رکعت بعد از نماز عشا خوانده می‌شود. به علاوه، در شب‌های نوزدهم، بیست و یکم و بیست و سوم هم یکصد رکعت خوانده می‌شود که در مجموع هزار رکعت است.

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۲۹۶-۲۹۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۱۵۵-۱۵۳؛ سید شرف‌الدین، النص و الاجتهاد، صص ۲۵۳-۲۵۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت علیهم السلام، صص ۴۷۴ و ۴۷۳؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، صص ۲۶۳ و ۲۶۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۲، صص ۱۹۵-۱۸۲

۲- همان

۱۱. برخی نمازهای مستحب

مذاهب چهارگانه؛ نمازهای دیگری به عنوان نمازهای مستحب مطرح کرده‌اند؛ از جمله: ۱. نماز تحیت مسجد ۲. نماز ضحی که بعد از بالا آمدن خورشید به اندازه یک نیزه تا ظهر خوانده می‌شود و کمترین آن دو رکعت و بیشترین آن هشتاد رکعت است ۳. دو رکعت بعد از هر وضو ۴. هنگام خروج برای سفر و بازگشت از سفر ۵. نماز استخاره ۶. نماز شب ۷. نماز قضای حاجت، نماز وتر، که برخی از این نمازها در مذهب امامیه نیز مطرح شده است.

یادآوری:

در تعقیب نمازهای واجب، طبق روایات اهل سنت ۳۳ بار سبحان‌الله، ۳۳ بار الحمدلله، و ۳۳ بار الله اکبر گفته می‌شود. در مقابل، در مذهب اهل بیت علیهم السلام، تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام مطرح است.

ص: ۳۱۳

فصل پنجم: مباحث روزه از دیدگاه مذاهب اسلامی

اشاره

۱. مفطرات روزه
۲. احکام روزه
۳. اقسام روزه
۴. اعتکاف

ص: ۳۱۵

روزه و مبطلات آن

۱. تعریف روزه

صیام (روزه) در لغت به معنای امساک از چیزی؛ مانند کلام یا طعام است و اما در اصطلاح شرعی، کف و امساک از مفطرات، با نیت می‌باشد. این که آیا نیت جزو مقوم و داخل در حقیقت روزه است یا خیر؟ میان مذاهب اسلامی اختلاف است. مالکیه و شافعیه نیت را در حقیقت روزه داخل می‌دانند، ولی مشهور در نزد امامیه و همچنین نزد حنفیه و حنبلیه، نیت از شرایط محسوب می‌شود و در تعریف آن نیست.

محقق حلی رحمه الله در شرایع آورده است: «الصوم هو الکف عن المفطرات مع النیة و هی إِمَّا رکن فیه و إِمَّا شرط فی صحته و هی بالشرط أشبه».^(۱)

۲. اقسام روزه

در سنمه در آمدی بر فقه مقارن ؛ ؛ ص ۳۱۵

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ روزه چهار قسم است: ۱. واجب؛ مانند روزه ماه رمضان و روزه کفاره و نذر ۲. روزه مسنون و مستحب ۳. روزه مکروه ۴. روزه حرام و محذور. اما حنفیه اقسام مختلفی را ذکر کرده‌اند؛ عده‌ای از آن‌ها روزه را هشت قسم و برخی هفت قسم دانسته‌اند.

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۸۷؛ جواهر الکلام، ج ۱۶، صص ۱۸۵ و ۱۸۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۴۵۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۲۲ و ۳۲۱

ص: ۳۱۶

یادآوری:

بعضی از حنفیه، روزه نذری را واجب شمرده‌اند نه فرض. همچنین از نظر آن‌ها روزه مستحب پس از شروع، واجب است آن را تمام کند و اگر افطار کرد، باید آن را قضا کند.

روزه اعتکاف نیز چنین است. (۱)

۳. وجوب روزه ماه مبارک رمضان

مذاهب اسلامی؛ از اجماعیات مسلمانان، بلکه از ضروریات اسلام، روزه ماه مبارک رمضان است که در کتاب و سنت نیز به آن تصریح شده است. (۲)

۴. مبطلات روزه که مورد اتفاق است

مذاهب اسلامی؛ مفسدات روزه که از آن‌ها در فقه اهل بیت علیهم السلام به مفطرات یاد می‌شود؛ عبارت‌اند از: ۱ و ۲. خوردن و آشامیدن عمدی ۳. جماع عمدی ۴. استمناء ۵. قی کردن عمدی ۶. اماله کردن با چیز روان. علاوه بر موارد بالا، موارد دیگری هم هست که اختصاص به برخی از مذاهب دارد. مفطرات روزه به طور کلی دو قسم است: ۱. مفطراتی که فقط موجب قضا می‌شوند ۲. مفطراتی که علاوه بر قضا موجب کفاره هم می‌باشند.

تفصیل این دو دسته را در ادامه می‌بینیم. (۳)

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۱۹۸؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۶۰ و ۴۵۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۲۲

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۱۹۴-۱۸۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۴۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۵۲-۲۴۸

۳- همان

ص: ۳۱۷

مفطرات روزه

۱. مفسدات موجب قضا و كفاره در ماه رمضان

امامیه؛ طبق مذهب امامیه هر گاه روزه‌دار یکی از مفطرات را از روی علم و عمد انجام دهد، موجب قضا و كفاره می‌شود. این امور عبارت‌اند از:

۱. خوردن و آشامیدن.

۲. جماع مطلقاً (فاعل یا مفعول).

۳. کذب بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیهم السلام.

۴. فرو بردن تمام سر در آب به نظر بعضی از فقها.

۵. رسانیدن غبار غلیظ به حلق به احتیاط واجب.

۶. باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا صبح.

۷. استمنا.

۸. اماله کردن به مایعات.

۹. قی کردن.

همچنین اگر نیت قطع روزه کند روزه واجب معین باطل می‌شود.

حنبلیه؛ ۱. وطی در نهار رمضان در قُبُل یا دُبُر مطلقاً موجب قضا و كفاره است. مفعول به حی یا میت، عاقل یا بهیمه باشد و فاعل متعمد، ناسی عالم، جاهل، مختار، مکره، مخطی ولو نیت روزه نداشته باشد، در تمامی حالات موجب كفاره است. نزع، هم جماع محسوب می‌شود و موجب كفاره است. بر موطوء هم اگر مطاوعه داشته و ناسی نبوده و عالم بوده، كفاره واجب است ۲. مساحقه.

حنفیه؛ ۱. تناول غذا و مانند آن، بدون عذر شرعی ۲. قضای شهوت فرج به طور کامل.

شرایط وجوب كفاره در این دو مورد:

۱. مکلف از شب، نیت ادای رمضان داشته باشد ۲. میباید افطار مانند سفر و مرض

ص: ۳۱۸

نداشته باشد ۳. طائع و مختار باشد ۴. متعمّد باشد.
به مجرد لقای ختانتین کفاره ثابت می‌شود ولی مساحقه کفاره ندارد. و طی میت و بهیمه و صغیره موجب کفاره نیست و در صورت انزال، قضا واجب است.

شافعیه؛ فقط جماع موجب قضا و کفاره است، آن هم با شرایط زیر:

۱. از شب نیت روزه داشته باشد و الا گرچه امساک واجب است ولی جماع در روز موجب کفاره نیست چون صائم نبوده است ۲.
عمدی باشد ۳. اکراهی نباشد ۴. علم به حرمت داشته باشد ۵. روزه رمضان باشد ۶. جماع به تنهایی باشد نه همراه با اکل و الا کفاره ندارد ۷. مکلف باشد نه کودک ۸. تا غروب جنون به او عارض نشود ۹. از روی اشتباه نسبت به روز و شب نباشد ۱۰. دخول به اندازه ختنه گاه باشد ۱۱. فاعل باشد نه مفعول.

مالکیه؛ هر مفسد صومی موجب قضا و کفاره است. مفسدات صوم عبارت‌اند از:

۱. جماع موجب غسل و خروج منی بدون جماع موجب کفاره است نه قضا به شرط آن که نظر و فکر را ادامه دهد و عادت او بر انزال در تداوم نظر باشد ۲. تعمّد قی ۳. وصول مایع به حلق عمداً ۴. رساندن چیزی به معده عمداً و بدون عذر، از بالا باشد یا پایین.
کفاره به شرطی لازم است که در روزه ماه مبارک باشد نه دیگر روزه‌های واجب و از روی علم و اختیار و عمد باشد و مسافر نباشد. (۱)

موجبات قضا

۱. مبطلات موجب قضا، در ماه رمضان

امامیه؛ مشهور میان امامیه آن است که در موارد زیر قضای ماه رمضان واجب است

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۰۹-۱۷۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۷۸-۴۷۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۷۲۸ و ۷۲۷

ص: ۳۱۹

ولی كفاره ندارد:

۱. جنب شدن در شب و خوابیدن برای بار دوم و بیدار نشدن تا صبح.
 ۲. نیت روزه نکند یا قصد کند که روزه نباشد.
 ۳. فراموش کردن غسل جنابت.
 ۴. بدون تحقیق از صبح، مفطر انجام دهد و معلوم شود که صبح دمیده است.
 ۵. افطار قبل از غروب به خاطر تاریکی.
 ۶. مضمضه کردن و بی اختیار آب فرو دادن.
- حنبلیه؛ موجبات قضا به تنهایی:

۱. ادخال چیزی در جوف بدن حتی خلط گلو یا رسیدن طعم سرمه با حلق.
۲. خروج منی به سبب تکرار نگاه یا استمنا یا بیرون آمدن مزی.
۳. قی کردن ولو به طوری قهری و بی اختیار؛
۴. حجامت.

و اما آنچه نه موجب كفاره است و نه قضا:

۱. رگ زدن ۲. خون دماغ و استفراغ ۳. انزال با فکر یا احتلام ۴. ناخودآگاه فرو رفتن آب بر اثر مضمضه. و امور دیگری که به تفصیل در کتب خود ذکر کرده‌اند.
- حنفیه؛ سه چیز موجب قضا است:
۱. تناول چیزی غیر از غذا و در معنای غذا (دوا)
 ۲. تناول غذا یا دوا به خاطر عذر شرعی
 ۳. قضای شهوت به طور غیر کامل؛ مانند امناء از راه وطی میته یا بهیمه یا صغیره یا تفخیز یا با دست.
- ولی انزال منی از طریق نگاه به شهوت و مانند آن، موجب قضا و فساد صوم نیست همچنین تأخیر غسل جنابت تا طلوع خورشید و دخول غبار غلیظ مفسد نیست.

ص: ۳۲۰

شافعیه؛ موجبات قضا عبارت‌اند از: ۱. رسیدن چیزی به جوف ۲. دود غلیظ ۳. ادخال انگشت در قُبُل یا دُبُر ۴. داخل کردن چیزی در گوش ۵. خوردن غذای لای دندان ۶. قی کردن عمدی ۷. خارج کردن مگسی که در جوف وارد شده است ۸. آروغ زدن عمدی و آمدن چیزی از معده به حلق ۹. انزال به سبب مباشرت ولو فاحش باشد و انزال به سبب تقبیل یا لمس و اما انزال به سبب نظر یا فکر، اگر عادت او نباشد، مانند احتلام، مفسد نیست.

مالکیه؛ کسی که مفطری تناول کند و شرایط وجوب کفاره را نداشته باشد، فقط باید روزه را قضا کند و اما آنچه روزه را باطل نمی‌کند و موجب قضا نیست، عبارت‌اند از:

۱. استفراغ ۲. رسیدن غبار غلیظ به حلق ۳. طلوع فجر در حال اکل و شرب در صورت طرح مأکول و مانند آن ۴. غلبه منی یا مزی به مجرد نظر یا فکر ۵. فرو دادن آب دهان جمع شده یا غذای لای دندان ۶. روغن قرار دادن روی زخم ۷. احتلام. (۱)

احکام روزه

۱. شرایط وجوب روزه

مذاهب اسلامی؛ شرایط وجوب روزه عبارت‌اند از: ۱. عقل؛ روزه بر مجنون واجب نیست ۲. بلوغ؛ روزه بر کودک واجب نیست اگرچه مشروعیت دارد ۳. طهارت از حیض و نفاس ۴. مسافر نبودن ۵. بیمار نبودن. اما در مورد بیهوش و مست، میان مذاهب اختلاف وجود دارد. در مورد کافر نیز اختلاف کرده‌اند. امامیه روزه را بر کافر واجب می‌دانند، ولی اسلام را شرط صحت آن می‌شمرند، مذاهب اهل سنت، اسلام را شرط وجوب ذکر کرده‌اند. (۲)

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۱۳-۲۰۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۸۲-۴۷۶

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۲۳-۲۱۹، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۸۷-۴۸۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۳۰-۳۲۶؛

الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۷۴۶-۷۴۰

ص: ۳۲۱

۲. کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

مذاهب اسلامی؛ روزه بر افراد زیر واجب نیست: ۱. بیمارانی که روزه برای آنها ضرر داشته باشد ۲. زن حامله یا شیرده که روزه برای خودش یا فرزندش ضرر دارد ۳. کسی که بر اثر تشنگی و گرسنگی به مشقت می‌افتد ۴. پیرانی که نمی‌توانند روزه بگیرند یا برای آنها مشقت دارد.

یادآوری:

طبق فقه اهل بیت علیهم السلام، بیماری که روزه برای او ضرر دارد، واجب است افطار کند و روزه او حرام است. (۱)

۳. قضای روزه رمضان

مذاهب اسلامی؛ کسی که روزه ماه رمضان را عمداً ترک کرده یا عذری داشته یا روزه‌اش باطل بوده، باید آنها را در زمانی که روزه گرفتن مجاز است، قضا کند. همچنین به نظر تمامی مذاهب، جز حنفیه، در ماه رمضان نمی‌توان نیت روزه قضا کرد و در صورت نیت قضا، نه قضای او صحیح است و نه ادای او، ولی حنفیه می‌گویند اداء واقع می‌شود ولی در یوم الشک قضا صحیح است و کسی که قضا به گردن دارد باید بدون تأخیر تا رمضان آینده قضا کند؛ به نظر غیر حنفیه و غیر شافعیه. ولی به نظر حنفیه وجوب قضا موسع است و تأخیر آن اشکال ندارد، به نظر شافعیه هم در صورتی که بدون عذر روزه خورده، قضای آن فوری است و الا فوری نیست. (۲)

۱- همان

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۳۲-۲۳۰، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۰ و ۴۸۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۵۵-۲۵۳

ص: ۳۲۲

۴. فدیة تأخیر قضای رمضان

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ معتقدند در صورت تأخیر قضا تا رمضان بعد بدون عذر شرعی، باید فدیة پردازد و مقدار آن را امامیه یک مدّ طعام (۷۵۰ گرم) می‌دانند و اهل سنت اطعام و سیر کردن یک مسکین. این فدیة به نظر غیر شافعیه، بر اثر تأخیر در سال‌های مختلف، تکرار نمی‌شود ولی شافعیه، با تکرار سال، معتقد به تکرار فدیة هستند. اما حنفیه به طور کلی فدیة را واجب نمی‌شمرند.

(۱)

۵. كفاره افطار عمدی

امامیه؛ مخیر است بین عتق رقبه مؤمنه یا روزه دو ماه پی در پی و یا اطعام شصت مسکین. حنبلیه؛ كفاره ترتیبی است. باید رقبه مؤمنه آزاد کند و اگر نیافت دو ماه پی در پی روزه بگیرد و در بین دو ماه، اگر به خاطر عذر شرعی، مانند سفر افطار کرد، لازم نیست از سر بگیرد و اگر نمی‌تواند، دو ماه پی در پی روزه بگیرد و شصت مسکین را طعام دهد. حنفیه؛ كفاره ماه رمضان ترتیبی است از عتق رقبه، ولی لازم نیست مؤمن باشد، سپس دو ماه پی در پی روزه که عذر قاطع آن است و سپس اطعام شصت مسکین.

شافعیه؛ كفاره افطار عمدی، ترتیبی است از عتق رقبه مؤمنه، سپس دو ماه روزه پی در پی که عذر شرعی هم تتابع را قطع می‌کند و سپس اطعام شصت مسکین.

مالکیه؛ مانند امامیه تخیری است، اگرچه افضل اطعام، سپس عتق و سپس صیام است.

یادآوری:

به نظر امامیه، اگر یک ماه کامل روزه بگیرد و یک روز از ماه دوم را به آن اضافه کند،

ص: ۳۲۳

تتابع دو ماه محقق است، ولی اهل سنت، دو ماه کامل شرط می‌کنند که پی در پی باشد. (۱)

۶. قضای نماز و روزه از سوی میت

امامیه؛ فرزند ارشد میت موظف است نماز و روزه فوت شده از متوفا را قضا کند، به صورت مباشرت یا استیجار. مذاهب چهارگانه؛ قضای نمازهای فوت شده از میت، بر ولی او و بر شخص دیگر لازم نیست، در مورد روزه فوت شده از میت، ابوحنیفه و مالک و مشهور از شافعی گفته‌اند: ولی میت از طرف او روزه نمی‌گیرد، ولی برای هر روز یک مدّ طعام می‌دهد اما شافعی گفته‌اند:

مستحب است ولی میت از طرف او روزه‌ها را قضا کند حنبلیه هم مانند امامیه قضای روزه از طرف میت را بر ولی لازم می‌دانند. البته آن‌ها ولی را منحصر به فرزند ارشد ذکور نمی‌دانند و منظور از او را قریب به میت معرفی می‌کنند؛ وارث باشد یا عصبه یا غیر آن‌ها. (۲)

۷. روزه در مناطق قطبی

روزه در مناطقی که روزهای طولانی و شب‌های کوتاه یا بالعکس دارند، چگونه است؟ نظر فقهای اسلام مختلف است؛ در میان اهل سنت دو نظریه مطرح است: ۱. تقدیر و ملاک بر اساس مناطق معتدلی است که تشریع الهی در آن واقع شده است؛ مانند مکه و مدینه ۲. تقدیر و ملاک نزدیکترین منطقه دارای اعتدال نسبت به آن‌هاست. ولی به نظر گروهی از فقهای امامیه، ملاک در نماز و روزه، همان افق محل سکونت است، البته اگر روزه برای

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۰-۲۳۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۱ و ۴۹۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۵۷-۲۵۵

۲- العروة الوثقی، ج ۱، صص ۷۶۱-۷۵۵ و ج ۲، صص ۲۳۴ و ۲۳۳؛ الفقه السنه، ج ۱، صص ۳۴۸ و ۳۴۷

ص: ۳۲۴

طولانی بودن روز، حرجی باشد، ادای آن ساقط و قضای آن واجب است. (۱)

۸. روزه مسافر

امامیه؛ میان تمام بودن نماز و وجوب روزه و قصر نماز و واجب نبودن روزه، ملازمه است، جز در موارد خاص؛ مانند اماکن اربعه تخیر یا مسافری که بعد از ظهر سفر می‌رود.

مذاهب چهارگانه؛ در صورتی افطار برای مسافر جایز است که: ۱. مسافتی را که طی کرده نماز قصر می‌شود. (مانند شانزده فرسخ به نظر غیر حنفیه یا سه روز به نظر حنفیه) ۲. حرکت خود را پیش از طلوع فجر به گونه‌ای آغاز کند که قبل از طلوع فجر به جایی که نماز قصر می‌شود، برسد ولی حنبلیه سفر در میان روز، ولو بعد از ظهر را هم اگر به اندازه قصر نماز باشد، موجب جواز افطار می‌شمرند. به نظر شافعیه جواز افطار شرط سومی هم دارد و آن این که دائم‌السفر نباشد و اما بر دائم‌السفر، افطار حرام است. یادآوری:

مباحث مربوط به قصر نماز در سفر، در بحث نماز گذشت. (۲)

۱- فقه السنه، ج ۱، ص ۳۴۸؛ تحریرالوسیله، ج ۲، ص ۶۰۷؛ و ترجمه اجوبه الاستفتائات، ص ۷۷

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۲۱-۲۱۹، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۸۷-۴۸۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۳۲۹

۹. حکم روزه در سفر

امامیه؛ روزه در سفر حرام است، جز در موارد خاص که روزه در سفر جایز یا واجب می‌باشد. مذاهب چهارگانه؛ اگر با روزه در سفر، خوف بر جان یا از بین رفتن عضو داشته باشد، روزه حرام است و در غیر این صورت، به نظر غیر حنبلیه، مندوب یا افضل آن است که اگر مشقت نداشته باشد، روزه بگیرد، اما حنبلیه افطار را برای مسافر سنت و روزه را مکروه ص: ۳۲۵ می‌دانند. (۱)

احکام هلال

۱. ثبوت ماه رمضان

مذاهب اسلامی؛ هلال ماه، با امور ذیل ثابت می‌شود: ۱. رؤیت هلال در صورتی که آسمان از غبار و ابر و مانند آن خالی باشد ۲. گذشتن سی روز از ماه. به نظر حنبلیه، اگر غروب روز بیست و نهم شعبان، هلال رمضان دیده نشد، باید روز آینده را روزه بگیرد، ولی اگر در اثنای روز مشخص شد که شعبان است، می‌تواند افطار کند. (۲)

۲. شرطیت اتحاد افق

به نظر شافعیه و مشهور امامیه، اتحاد افق شرط است و اگر هلال در جایی ثابت شد، برای مناطق متحد یا نزدیک در افق، ثابت می‌شود و برای سایر مناطق ثابت نمی‌شود، ولی به نظر سایر مذاهب اهل سنت، رؤیت در یک مکان، برای تمامی مکان‌های دیگر کفایت می‌کند و اتحاد در افق شرط نیست. یادآوری: آن دسته از فقهای امامیه که وحدت افق را شرط نمی‌دانند، لااقل اشتراک در مقداری از شب را شرط می‌دانند. (۳)

۱- همان

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۲۵-۲۲۳، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۶۶-۴۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۲۵ و ۳۲۴

۳- همان

ص: ۳۲۶

۳. اعتبار حکم حاکم

امامیه؛ هلال با حکم حاکم ثابت می‌شود، در صورتی که خطای او و یا خطای مستند او محرز نباشد. مذاهب چهارگانه؛ مانند مشهور امامیه، اگر حاکم حکم به ثبوت هلال کرد، به هر طریق که حکم کرده باشد، بر عموم مسلمانان روزه واجب است ولو از جهت مذهب مختلف باشند. ولی در ثبوت هلال حکم حاکم شرط نیست. اما به نظر شافعیه شرط ثبوت هلال، حکم حاکم است. (۱)

۴. اعتبار قول منجمان

مذاهب اسلامی؛ در رؤیت هلال، قول منجمان اعتباری ندارد، چون شارع ملاک را رؤیت هلال قرار داده است و آرای منجمان نیز در رؤیت‌پذیری هلال متفاوت است و قواعد دقیق و منضبطی ندارد. اگرچه شافعیه معتقدند: قول منجم برای خودش و کسی که او را تصدیق کند، معتبر است. فقهای امامیه تصریح کرده‌اند که اگر با قول منجم یقین و اطمینان به رؤیت هلال حاصل شود، حجت است. (۲)

۵. راه‌های اثبات هلال

امامیه؛ ۱. تواتر ۲. شیاع مفید علم ۳. شهادت عدلین، راه‌های اثبات هلال رمضان و شوال است، ولی عدل واحد و شهادت نساء کافی نیست و در اعتبار بینة فرقی ندارد که هوا ابری باشد یا نه.

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۲۵-۲۲۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۶۸ و ۴۶۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۶۵-۲۶۳

۲- همان

ص: ۳۲۷

حنبلیه؛ هلال رمضان با یک شهادت ثابت می‌شود؛ زن باشد یا مرد، ولی ثبوت هلال شوال با دو عادل است. حنفیه؛ اگر در آسمان مانعی نباشد، هلال ثابت نمی‌شود مگر با شهادت گروه کثیر که علم‌آور باشد و اگر در آسمان مانع وجود داشت، هلال رمضان با شهادت یک نفر زن یا مرد عاقل مسلمان بالغ ثابت می‌شود و اما هلال شوال در این صورت با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن ثابت می‌شود.

شافعیه؛ اگر در آسمان مانع باشد یا نباشد، هلال رمضان و شوال با شهادت یک نفر عادل مسلمان عاقل ثابت می‌شود. مالکیه؛ هلال فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود و تفاوتی میان هلال رمضان و شوال و وجود مانع و عدم آن نیست. یادآوری:

به نظر امامیه، در صورتی ینّه معتبر است که توافق در گفتار داشته باشند. (۱)

اقسام روزه

۱. روزه‌های حرام

مذاهب اسلامی؛ روزه‌های حرام عبارت‌اند از: ۱. عید فطر ۲. عید قربان ۳. ایام تشریق (۱۱ و ۱۲ و ۱۳) ذی حجه. امامیه روزه را در ایام تشریق، بر کسی که در مناسبت حرام می‌دانند، ولی مذاهب اهل سنت، این حرمت را مطلق ذکر کرده‌اند، حنفیه آن را در غیر حج، مکروه تحریمی شمرده‌اند، مالکیه هم به جای سه روز، دو روز را حرام می‌دانند ۴. صوم

۱- العروۃ الوثقی، ج ۱، صص ۲۲۴ و ۲۲۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۶۷ و ۴۶۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۲۶۲

ص: ۳۲۸

دهر: سراسر سال، حتی عیدین را روزه گرفتن.

یادآوری:

روزه وصال (یعنی وصل روزه روز به شب بدون افطار) در نظر امامیه حرام است و اهل سنت آن را مکروه شمرده‌اند. همچنین روزه نذر معصیت و روزه مریض و روزه صمت را امامیه از روزه‌های حرام دانسته‌اند. (۱)

۲. روزه مستحب گرفتن زن

امامیه؛ روزه زن در صورت مزاحمت با حق شوهر، به نظر مشهور امامیه حرام است.

حنبلیه؛ اگر زوج حاضر است، بدون اذن او روزه جایز نیست ولو معتکف، مُحْرَم یا بیمار باشد.

حنفیه؛ روزه زن بدون اذن شوهر مکروه است.

شافعیه و مالکیه؛ روزه زن، بدون اذن شوهر یا علم به رضایت او حرام است، مگر این که نیازی به او نداشته باشد، مانند غایب و مُحْرَم و معتکف. (۲)

۳. روزه یوم‌الشک

امامیه؛ روزی که معلوم نیست از شعبان است یا رمضان، روزه گرفتن در آن، به نیت رمضان حرام است.

مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ روزه یوم‌الشک را مکروه شمرده‌اند، ولی به نظر حنفیه، کراهت هم ندارد و چنانچه به نیت رمضان گرفت و بعداً معلوم شد رمضان بوده، به نظر

۱- العروۃ الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۶-۲۴۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۷۱ و ۴۷۰؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۳۳-۳۳۰؛

الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۵۹-۲۵۷

۲- همان

ص: ۳۲۹

حنفیه کفایت از رمضان می‌کند، ولی به نظر سایر مذاهب مجزی نیست و باید قضا کند. (۱)

۴. روزه‌های مکروه

امامیه؛ ۱. روزه میهمان بدون اذن میزبان ۲. روزه ولد بدون اذن والد ۳. روزه عرفه برای کسی که خوف از ضعف بدن برای دعا دارد. یا کسی که شک دارد در هلال ذی‌الحجه.

مذاهب چهارگانه؛ روزه‌های مکروه عبارت‌اند از: ۱. روزه نوروز و مهرگان بدون این که قبل و بعد آن‌ها را روزه بگیرد ولی شافعیه مکروه نمی‌دانند ۲. روزه جمعه و روزه شنبه بدون وصل به قبل و بعد در مذهب غیر مالکیه ۳. روزه یک یا دو روز قبل از رمضان در مذهب حنفیه و حنبلیه. ولی مالکیه مکروه نمی‌دانند، در حالی که شافعیه حرام شمرده‌اند ۴. روزه نیمه شعبان که وصل به قبل نباشد ۵. روزه یوم‌الشک.

یادآوری:

۱. در مذهب امامیه، منظور از کراهت، اقلُ ثواباً است.

۲. امامیه روزه نوروز را مستحب می‌دانند. (۲)

۵. روزه عاشورا

امامیه؛ مکروه است.

مذاهب چهارگانه؛ بالاتفاق روزه ماه محرم، به ویژه روزه تاسوعا و عاشورا و عاشورای به تنهایی را سنت یا مندوب شمرده‌اند، ولی در روایات اهل بیت علیهم السلام، روز عاشورا، روز حزن و اندوه و مصیبت شمرده شده، نه روز فرح و روزه و گفته شده: «مَنْ صَامَ أَوْ تَبَرَّكَ بِهِ حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَ آلِ زِيَادٍ مِمَّنْ سَوَّاهُ الْقُلُوبُ مَسْخُوطٌ عَلَيْهِ».

۱- همان

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۳ و ۲۴۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۷۴ و ۴۷۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱،

ص ۲۶۰

ص: ۳۳۰

طبق برخی روایات اهل سنت، روز عاشورا برای یهود عید بوده و آنان و نصارا این روز را بزرگ می‌شمردند و آن را روز نجات موسی و بنی‌اسرائیل از دشمن دانسته‌اند.

البته امامیه روزه اول و دوم و سوم و هفتم ماه محرم را مستحب دانسته‌اند.

یادآوری:

۱. امامیه روزه ۱۷ ربیع‌الأول، ۱۸ ذی‌حجه، ۲۷ رجب، ۲۵ ذی‌قعدة و ۲۴ ذی‌حجه را مستحب می‌دانند.
 ۲. اگر کسی روزه مستحب بگیرد و برادر مؤمنش او را به میهمانی دعوت کند، به نظر امامیه قطع روزه در این حال مستحب است.
- (۱)

۶. روزه‌های مستحب

مذاهب اسلامی؛ موارد زیر از روزه‌های مستحب و مندوب شمرده می‌شوند: ۱. سه روز از هر ماه ۲. روزه ایام‌البیض از هر ماه، در غیر مذهب مالکیه ۳. روز عرفه ۴. روزه پنج‌شنبه ۵. شش روز از ماه شوال با شرایطی که در مذاهب، مختلف است ۶. ماه رجب و شعبان. (۲)

۷. شب قدر

شب قدر در میان مذاهب، مختلف است؛ معمولاً آن را در دهه آخر ماه رمضان می‌دانند.

شب‌های ۲۱، ۲۳، ۲۵ و ۲۹ و تغییر آن در شب‌های فرد دهه سوم در میان اهل سنت مطرح شده است، البته بسیاری آن را شب ۲۷ ماه رمضان دانسته‌اند. در میان امامیه نیز شب

-
- ۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۲ و ۲۴۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۷۲ و ۴۷۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۳۷-۳۳۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۵۹؛ وسایل‌الشیعه، ج ۷، ص ۳۳۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل‌البیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۷۲۱
 - ۲- همان

ص: ۳۳۱

نوزدهم، بیست و یکم به ویژه شب بیست و سوم مورد تأکید است. (۱)

احکام اعتکاف

۱. اعتکاف

اعتکاف، از عبادات مشروعی است که همه مذاهب اسلامی به آن معتقدند و آن عبارت است از: لبث و توقف در مسجد برای عبادت. اعتکاف نزد همه مسلمانان مستحب است و بر اثر اموری؛ مانند نذر واجب می‌شود و در زمان‌های خاص، مانند ماه مبارک رمضان، به ویژه دهه آخر آن، سنت مؤکد است. (۲)

۲. مدت اعتکاف

امامیه؛ کمترین زمان اعتکاف سه روز است و بیشتر از آن هم اشکال ندارد ولی اگر پنج روز معتکف بود، روز ششم هم واجب است.

حنبلیه و حنفیه؛ کمترین مدت اعتکاف یک لحظه زمانی است و حدّ مشخصی ندارد.

شافعیه؛ حداقل زمان اعتکاف، مدتی بیش از آن است که کسی بگوید: سبحان الله.

مالکیه؛ بنا بر قول راجح، حداقل زمان اعتکاف یک شبانه روز است. (۳)

۳. شرایط مورد اتفاق در اعتکاف

مذاهب اسلامی؛ شرایط اعتکاف عبارت‌اند از: ۱. اسلام ۲. عقل ۳. وقوف در مسجد ۴. نیت.

۱- فقه‌السنه، ج ۱، صص ۳۴۹ و ۳۴۸؛ سید بن طاووس، اقبال الاعمال، صص ۴۹۹ و ۴۹۸، ۴۸۳، ۴۵۰

۲- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۸-۲۴۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۴ و ۴۹۳؛ تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۸۷

۳- همان

ص: ۳۳۲

۴. روزه در زمان اعتکاف

امامیه؛ اعتکاف بدون روزه صحیح نیست و روزه شرط صحت آن است، لذا اعتکاف از مسافر، حیض، نفساء و نیز در عید قربان و فطر صحیح نیست.

حنبلیه؛ اعتکاف مشروط به روزه نیست.

حنفیه؛ اگر اعتکاف واجب است، روزه شرط آن است ولی در اعتکاف مستحب، روزه شرط نیست.

شافعیه؛ اعتکاف مشروط به روزه نیست.

مالکیه؛ اعتکاف واجب باشد یا مستحب، روزه شرط آن است.

۵. طهارت از جنابت، حیض و نفاس

امامیه؛ چون اعتکاف مشروط به روزه و توقف در مسجد است، لذا باید شرایط آن‌ها مراعات شود.

حنبلیه؛ طهارت از جنابت و حیض و نفاس شرط صحت اعتکاف است.

حنفیه؛ طهارت از جنابت شرط حلیت است نه صحت و اگر جنب معتکف شود صحیح است ولی کار حرام مرتکب شده است و اما حیض و نفاس شرط صحت روزه واجب می‌باشد. پس شرط اعتکاف واجب است ولی چون روزه شرط اعتکاف مستحب نیست لذا حیض و نفاس مانع آن نمی‌باشد.

شافعیه؛ طهارت از جنابت و حیض و نفاس شرط صحت است.

مالکیه؛ طهارت از جنابت شرط مکث در مسجد است نه شرط صحت اعتکاف ولی طهارت از حیض و نفاس شرط صحت اعتکاف است چون روزه شرط اعتکاف است.

ص: ۳۳۳

۶. مسجد محل اعتکاف

امامیه؛ باید محل اعتکاف مسجد جامع باشد.

حنبلیه؛ اعتکاف در هر مسجدی، برای زن و مرد جایز است ولی اگر در زمان فریضه‌ای اعتکاف می‌کند که جماعت در آن واجب است، باید مسجدی باشد که جماعت منعقد می‌شود.

حنفیه؛ برای مردان در مسجدی که امام و مؤذن دارد و مسجد جماعت است، اعتکاف صحیح است ولی زن در مسجد منزلش معتکف می‌شود و در مسجد جماعت کراهت تنزیهی دارد.

شافعیه؛ اعتکاف در هر مسجدی که وقف خاص برای مسجد است، برای زن و مرد جایز است اگرچه مسجد جامع نباشد یا مباح برای عموم نباشد.

مالکیه؛ باید در مسجدی باشد که برای عموم مردم مباح است و برای کسی که نماز جمعه واجب است باید مسجد جامع باشد. پس در مسجد بیت صحیح نیست ولو معتکف زن باشد. در کعبه هم اعتکاف صحیح نیست.

یادآوری:

بعضی از امامیه اعتکاف را تنها در چهار مسجد مستحب می‌دانند؛ مسجد الحرام، مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم، مسجد کوفه و مسجد بصره و در غیر آن را رجاء صحیح می‌دانند. (۱)

۷. خروج از مسجد در حال اعتکاف

امامیه؛ اگر معتکف در حال اختیار و از روی عمد از مسجد خارج شود، اعتکافش باطل است ولی برای ضرورت عقلی و شرعی و عادی خروج اشکال ندارد.

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۴۹-۲۴۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۶-۴۹۴؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۵۳-۳۴۹؛
تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۲۹۱-۲۸۷

ص: ۳۳۴

حنبلیه؛ اعتکاف با خروج عمدی از مسجد باطل می‌شود ولی خروج به خاطر عذر شرعی یا طبیعی اشکال ندارد. حنفیه؛ در اعتکاف واجب، خروج بدون عذر جایز نیست و برای عذر طبیعی یا شرعی یا ضروری اشکال ندارد ولی در اعتکاف مستحب خروج بدون عذر اشکال ندارد. شافعیه؛ خروج از مسجد بدون عذر مبطل اعتکاف واجب متتابع است ولی در غیر آن اشکال ندارد، اگرچه با خروج، اعتکاف قطع می‌شود و پس از برگشت باید تجدید نیت کند. مالکیه؛ خروج معتکف از مسجد، اگر به خاطر ناچاری باشد اعتکاف او باطل نمی‌شود و الا باطل می‌شود ولو خروج واجب باشد مانند نماز جمعه. (۱)

۸. آمیزش جنسی در حال اعتکاف

امامیه؛ ارتباط با زنان؛ اعم از جماع، لمس و تقبیل همراه با شهوت، حرام و مبطل اعتکاف است. همچنین استمنا ولو حلال بنا بر احتیاط واجب. حنبلیه و حنفیه؛ جماع عمدی ولو بدون انزال و جماع از روی فراموشی مفسد است ولی تقبیل و مانند آن مفسد نیست مگر در صورتی که با انزال باشد ولی حرام است اما انزال با نگاه یا فکر ولو عادت او هم باشد مفسد نیست. شافعیه؛ جماع عمدی ولو بدون انزال مفسد اعتکاف است ولی اگر از روی فراموشی باشد مفسد نیست و اما دواعی جماع مانند تقبیل با شهوت مفسد نیست مگر با انزال، اگرچه حرام است؛ همچنین انزال با نگاه و فکر اگر عادت او بوده، مفسد است و الا مفسد نیست. مالکیه؛ جماع عمدی و از روی نسیان ولو بدون انزال مفسد است همچنین دواعی

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۸۸؛ العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۶۰-۲۴۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۸-۴۹۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۵۶-۳۵۳

ص: ۳۳۵

جماع مانند تقبیل مفسد است همچنین با نگاه و فکر اگر انزال شد مفسد اعتکاف است. (۱)

۹. محرمات و مفسدات دیگر در اعتکاف

امامیه؛ ۱. بوییدن عطر و گل از روی لذت ۲. خرید و فروش ۳. جدال بر امور دینی و دنیوی، اگر برای غلبه و اظهار فضل باشد، از محرمات دیگر اعتکاف است.

حنبلیه؛ نوشیدن مسکر ولو در شب، مفسد اعتکاف است.

حنفیه؛ اغمای مستمر مفسد است ولی سکر در شب مفسد نیست و با سب و جدال هم باطل نمی‌شود.

شافعیه؛ سکر و جنون مفسد اعتکاف است.

مالکیه؛ ۱. خوردن و آشامیدن عمدی در روز ۲. تناول مسکر محرم ولو در شب ۳. جنون و اغما ۴. انجام هر گناه کبیره بنابر یک قول.

یادآوری:

امامیه هم، چون شرط صحّت اعتکاف را عقل می‌دانند، اعتکاف را از مجنون و مست و بیهوش و مانند آن درست نمی‌دانند. (۲)

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۲۹۲-۲۸۸؛ العروة الوثقی، ج ۲، صص ۲۶۰-۲۴۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۴۹۸-۴۹۶؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۵۶-۳۵۳

فصل ششم: مباهت حج و عمره از دیدگاه مذاهب اسلامی

۱. وجوب حج و شرایط و اقسام آن

۲. واجبات احرام

وجوب حج

۱. وجوب حج، یک بار در عمر

مذاهب اسلامی؛ وجوب حج بر هر زن و مرد دارای شرایط، تنها یک بار در عمر واجب می شود، البته ممکن است به دلایل دیگر؛ همچون نذر هم واجب گردد. گفتنی است تکرار آن در طول عمر مستحب است. در فقه فریقین شیعه و سنی، به حجی که یک بار در عمر بر انسان واجب می شود، «حَجَّةُ الْإِسْلَام» گویند.

۲. فوری یا تراخی بودن وجوب حج

مذاهب اسلامی (جز شافعیه)؛ فوری

شافعیه؛ تراخی

یادآوری:

در فقه شافعی، در صورتی تأخیر حج مجاز است که اولاً ترس از فوت شدن حج بر اثر پیری و عاجز شدن نباشد، ثانیاً تصمیم بر انجام آن در سال های بعد را داشته باشد.

۳. شرایط وجوب حج

مذاهب اسلامی؛ بلوغ، عقل، حریت و استطاعت، از شرایط وجوب حج است و بر غیر

ص: ۳۴۲

بالغ، مجنون، عبد و غیر مستطیع واجب نیست، چنانچه این گروه‌ها انجام دهند، کافی از حَجَّةُ الاسلام آن‌ها نخواهد بود.

۴. اسلام، شرط صحت یا وجوب

امامیه و مالکیه؛ شرط صحت

حنبلیه و حنفیه؛ شرط وجوب

شافعیه؛ برای کافر اصلی شرط وجوب و برای مرتد شرط صحت است.

یادآوری:

اگر اسلام شرط صحت باشد، حج بر کافر واجب است، لیکن تا مسلمان نشده حش صحیح نیست. (۱)

۵. وجوب همراه داشتن مَحْرَم (بر زنان)

امامیه، شافعیه و مالکیه؛ شرط وجوب حج نیست.

حنبلیه؛ شرط وجوب حج است.

حنفیه؛ اگر فاصله او تا مکه بیش از سه روز است، شرط وجوب حج است و در غیر این صورت همراه داشتن واجب نیست.

یادآوری:

طبق فقه امامیه، شافعیه و مالکیه، اگر زن در سفر حج امنیت داشته باشد، باید به حج

۱- شیخ طوسی رحمه الله، مسائل الخلاف، ج ۱، صص ۴۱۷-۴۱۱؛ محقق حلی رحمه الله، شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۲۹-۲۲۴؛
امام خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۳۶۲-۳۴۹؛ عبدالرحمن الجزیری، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۷۶-
۵۷۱؛ ابن رشد، بدایةالمجتهد و نهایةالمقتصد، ج ۱، صص ۳۲۶-۳۲۳؛ محمدجواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص

ص: ۳۴۳

برود و آن را انجام دهد، اگرچه مَحْرَم همراهش نباشد. (۱)

۶. نیابت در حج

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ بر اساس فقه امامیه و دیگر مذاهب اسلامی، حج از عباداتی است که در آن امکان نیابت از دیگران وجود دارد.

مالکیه؛ حج قابل نیابت از دیگری نیست.

یادآوری:

طبق مذهب مالکی، کسی که از انجام حج عاجز شد و توانایی نیافت، از او ساقط می‌شود.

۷. استنابه برای مستطیع عاجز یا میت

مذاهب اسلامی (جز مالکیه)؛ بر کسی که مستطیع بوده و از دنیا رفته یا ناتوان از حج گردیده است، استنابه برای حج واجب است. مالکیه؛ استنابه واجب بلکه جایز نیست و اگر کسی را اجیر کرد، اجاره فاسد است.

۸. نیابت از بلد یا میقات

امامیه و شافعیه؛ میقات

حنبلیه، حنفیه و مالکیه؛ بلد

یادآوری:

طبق مذهب مالکیه، نیابت برای حج در صورتی که میت وصیت کرده باشد، صحیح

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۷۵-۵۷۲؛ بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد، ج ۱، ص ۳۲۶؛ العروة الوثقی مع تعالیق الامام الخمینی قدس سره، ص ۷۳۲؛ الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۱، صص ۳۰۴ و ۳۰۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، صص ۸۵-۸۲؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۲۸-۳۰

ص: ۳۴۴

است و از بلد میت نایب گرفته می‌شود اگرچه وصیت به حج مکروه است. (۱)

اقسام حج

۱. انواع حج

مذاهب اسلامی؛ حج بر سه قسم است: تمتع، افراد و قرآن. همچنین همه مذاهب بر این نظریه‌اند که در حج تمتع، پیش از اعمال حج، در ماه‌های حج باید عمره تمتع گزارده شود و در حج افراد، اول اعمال حج انجام می‌شود و پس از فراغ از آن، احرام عمره بسته می‌شود.

در حج افراد قربانی واجب نیست، ولی مستحب است. (۲)

۲. حج قرآن

امامیه؛ تنها تفاوت حج قرآن و افراد آن است که در قرآن، سوق قربانی در هنگام احرام واجب است. مذاهب چهارگانه؛ حج قرآن آن است که در یک احرام میان حج و عمره جمع کند و نیت کند: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ بِحَجٍّ وَعُمْرَةٍ»، به این نوع قرآن، قرآن حقیقی گویند. حج قرآن نوع دیگری هم دارد که به آن «قرآن حکمی» گویند و آن عبارت است از ادخال حج بر عمره؛ یعنی اول احرام عمره ببندد، آنگاه احرام حج را بر آن داخل کند، اگرچه در مورد شرایط

- ۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۳۸-۶۳۴؛ بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد، ج ۱، صص ۳۲۵ و ۳۲۴؛ العروة الوثقی مع تعالیک الامام الخمینی قدس سره، صص ۷۳۶-۷۳۲؛ الخلاف، ج ۱، صص ۴۱۵ و ۴۱۴؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۲۹
- ۲- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۴۰-۲۳۶؛ العروة الوثقی، ج ۲، صص ۵۴۰-۵۳۴؛ الخلاف، ج ۱، صص ۴۲۳-۴۱۹؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۲۶-۶۱۹؛ بدایة‌المجتهد و نهایة‌المقتصد، ج ۱، صص ۳۳۹-۳۳۵؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۲۲-۳۱۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، صص ۱۸۱-۱۶۷

ص: ۳۴۵

صحتِ قرآن حکمی، میان مذاهب چهارگانه اختلاف است، ولی به هر حال مذاهب اربعه این نوع قرآن را صحیح می‌شمارند، ولی در مذهب امامیه این دو نوع قرآن جایز نیست. اهل سنت قرآن دیگری را هم تعریف کرده‌اند و آن داخل عمره بر حج است؛ یعنی اول احرام حج ببندد و سپس احرام عمره را بر آن داخل کند، این قرآن را شافعیه و مالکیه و حنبلیه مانند امامیه صحیح نمی‌شمرند. ولی حنفیه صحیح می‌دانند، هر چند آن را گناه شمرده‌اند.

یادآوری:

طبق مذاهب اهل سنت، در حج قرآن هم مانند حج تمتع، قربانی واجب است. در حج قرآن در نظر امامیه اشعار شتر و تقلید گاو و گوسفند مستحب است. (۱)

۳. انتخاب نوع حج

امامیه؛ تخییر میان اقسام نیست. وظیفه ساکنان دور (آفاق): تمتع، و وظیفه ساکنان نزدیک (مکی): افراد یا قرآن است.

حنبلیه؛ تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. تمتع ۲. افراد ۳. قرآن.

حنفیه؛ تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. قرآن ۲. تمتع ۳. افراد.

شافعیه؛ تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. افراد ۲. تمتع ۳. قرآن.

مالکیه؛ تخییر میان اقسام حج، ولی ترتیب در فضیلت: ۱. افراد ۲. قرآن ۳. تمتع.

یادآوری:

بنابر نظر مشهور فقیهان امامیه، ساکنان دور از مکه: از ۴۸ میلی (۱۶ فرسخ) و بیش از آن را گویند. (۲)

۱- همان

۲- همان

ص: ۳۴۶

میقات احرام

۱. مواقیت مکانی

مذاهب اسلامی؛ میقات‌ها و مکان‌های احرام عبارت‌اند از: ۱) ذوالحلیفه (مسجد شجره) ۲) جحفه ۳) وادی عقیق و ذات عرق ۴) یَلْمَلَم ۵) قرن‌المنازل ۶) کسی که منزلش به مکه از میقات نزدیکتر است، همان منزلش میقات اوست. (۱) یادآوری: در چاپ‌های قدیمی کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة»، قرن‌المنازل به عنوان نامی دیگر از یلملم شمرده شده که قطعاً اشتباه است؛ چون در تمامی منابع فریقین، قرن‌المنازل و یلملم را دو مکان متفاوت می‌دانند. در چاپ جدید که سال ۱۴۲۴ ق. منتشر شده، این اشکال رفع گردیده است.

۲. احرام قبل از میقات

امامیه؛ جایز نیست.
حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ جایز است، ولی افضل احرام از میقات می‌باشد.
حنفیه؛ جایز است، ولی افضل احرام از بلد خویش می‌باشد.
یادآوری:

در مذهب امامیه، در مواردی چون نذر، احرام قبل از میقات جایز است. (۲)

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۴۲ و ۲۴۱؛ العروة الوثقی، ج ۲، صص ۵۶۲-۵۵۱؛ الخلاف، ج ۱، صص ۴۳۰ و ۴۲۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۷۹ و ۵۷۸؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، صص ۳۲۹ و ۳۲۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۲۵-۳۲۳؛ الفقه‌المقارن، صص ۲۲۵-۲۲۳

ص: ۳۴۷

۳. عبور از میقات بدون احرام

مذاهب اسلامی؛ گذشتن از میقات بدون احرام جایز نیست و باید برگردد.
 امامیه؛ در صورت علم و عمد و عدم بازگشت، احرام و حج باطل است
 حنبلیه؛ در صورت عدم برگشت باید قربانی کند.
 حنفیه؛ در صورت عدم بازگشت اگر میقاتی دیگر در مسیر او نیست، باید قربانی کند.
 شافعیه؛ در صورت عدم برگشت باید قربانی کند.
 مالکیه؛ در صورت عدم بازگشت اگر میقاتی دیگر در مسیر او نیست، باید قربانی کند. (۱) یادآوری:
 در کتاب «الفقه المقارن» جایز نبودن احرام قبل از میقات به حنفی‌ها نسبت داده شده است که جای تأمل دارد.

۴. ماه‌های حج

امامیه؛ طبق نظر مشهور: شوال، ذی قعدة و ذی حجه.
 حنبلیه؛ شوال و ذی قعدة و ده روز اول ذی حجه.
 حنفیه؛ شوال و ذی قعدة و ده روز اول ذی حجه (تا غروب روز عید قربان).
 شافعیه؛ شوال و ذی قعدة و ۹ روز اول ذی حجه (تا طلوع فجر روز عید قربان).
 مالکیه؛ شوال، ذی قعدة و ذی حجه. (۲)

۱- همان

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۷؛ خلاف، ج ۱، صص ۴۱۸ و ۴۱۷؛ بدایه‌المجتهد، ج ۱، ص ۳۲۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۲۶؛ العروة الوثقی، ج ۲، ص ۵۴۲؛ الفقه المقارن، صص ۲۲۷ و ۲۲۶؛ به نقل از المغنی لابن قدامة، ج ۳، ص ۲۷۱

ص: ۳۴۸

یادآوری:

شیخ طوسی در کتاب خلاف، فتوایی مانند فتوای شافعی دارد. اقوال دیگری نیز درباره «شهر الحج» از فقهای امامیه نقل شده است. به نظر می‌رسد نزاع در این باره چنان که صاحب جواهر نیز معتقد است، لفظی است. (۱)

۵. احرام قبل از ماه‌های حج

امامیه؛ برای حج تمتع صحیح نیست.

حنبله و حنفیه؛ صحیح است ولی کراهت دارد.

شافعیه؛ برای حج صحیح نیست و عمره محسوب می‌شود.

مالکیه؛ صحیح است ولی کراهت دارد.

یادآوری:

در کتاب خلاف، رأی شافعی به احمد و مالک نیز نسبت داده شده است. (۲)

احرام

۱. مستحبات احرام

مذاهب اسلامی؛ در بسیاری از سنت‌ها و مستحبات احرام، اشتراک فتوا دارند؛ مانند:

۱. نظافت بدن ۲. کوتاه کردن ناخن ۳. ازاله موهای زاید بدن ۴. احرام بستن پس از نماز ۵. غسل احرام که سنت است و از حائض و نفساء نیز صحیح است. (۳)

۱- معجم فقه الجواهر، ج ۲، صص ۲۸۸ و ۲۸۷

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۳۷

۳- بدایة المجتهد، ج ۱، صص ۳۴۱-۳۳۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۸۲-۵۷۹؛ مناسک محشی، صص ۱۵۰-۱۳۸؛
 شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۳۴۵-۲۴۸؛ الخلاف، ج ۱، صص ۴۳۳-۴۳۱؛ الکافی فی فقه ابن حنبل، المصاדר الفقهیه، ج ۱۱، ص
 ۱۰۰۴؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۸۵؛ الفقه المقارن، ص ۲۲۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۷، صص ۲۶۳-۲۲۱

ص: ۳۴۹

یادآوری:

طبق مذاهب اربعه اهل سنت، نماز احرام باید در وقتی که نماز نهی دارد (مانند هنگام طلوع و غروب خورشید که قبلاً بحث آن گذشت) نباشد و الا نماز نمی‌خواند.

۲. تیمم بدل از غسل احرام

امامیه؛ مورد اختلاف است؛

الف) مشروعیت دارد؛ ب) رجاء مانعی ندارد.

حنبلیه و شافعیه؛ مشروعیت دارد.

حنفیه و مالکیه؛ مشروعیت ندارد. (۱)

۳. واجبات احرام

امامیه؛ ۱. نیت ۲. تلبیه ۳. پوشیدن لباس احرام برای مردان.

حنبلیه؛ برای تحقق احرام، نیت کافی است و گفتن تلبیه همزمان با نیت واجب نیست، ولی سنت است.

حنفیه؛ ۱. نیت ۲. اقتران نیت به تلبیه یا مطلق ذکر، و یا تقلید و اشعار و سوق قربانی.

شافعیه؛ احرام نیت ورود در حج و عمره است و نیازی به تلبیه و سوق قربانی ندارد و گفتن تلبیه سنت است.

مالکیه؛ احرام ورود در ترک محرمات حج است و با نیت به تنهایی محقق می‌شود و

ص: ۳۵۰

اقتران آن به تلبیه یا تهلیل یا تقلید قربانی سنت است. (۱) یادآوری:

طبق فقه امامیه، مُحَرَّم برای حجِ قرآن، مخیر است میان تلبیه یا اشعار و تقلید قربانی و هر یک را ابتدا انجام داد، دومی انجامش مستحب خواهد بود.

۴. حکم تلبیه

امامیه؛ واجب و شرط تحقق احرام.

حنبلیه؛ سنت است، و بدون آن احرام صحیح است.

حنفیه؛ سنت است و برای تحقق احرام واجب تخییری است.

شافعیه؛ سنت است، و بدون آن احرام صحیح است.

مالکیه؛ واجب ذاتی است و اقتران احرام به آن سنت می‌باشد. (۲) یادآوری:

ابوحنیفه معتقد است: تلبیه برای حج، مانند تکبیره الا-حرام برای نماز است، با این تفاوت که یکی تخییری و دیگری تعیینی است؛ یعنی در نماز حتماً باید لفظی باشد که دلالت بر تعظیم دارد، ولی در تلبیه به جای مطلق ذکر، سوق قربانی می‌توان کرد. در کتاب «الفقه‌المقارن»، وجوب تلبیه برای احرام از امور مورد اجماع شمرده شده است که جای تأمل دارد. (۳)

۱- همان

۲- همان

۳- همان

ص: ۳۵۱

۵. ذکر تلبیه

امامیه؛ «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ».

مذاهب چهارگانه؛ تلبیه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین بوده است: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَكَ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمُلْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ»، ولیکن در این که آیا لازم است همین الفاظ گفته شود یا تبدیل آن و افزودن بر آن جایز است، اختلاف نظر وجود دارد.

یادآوری:

در مورد تکرار تلبیه در حالات گوناگون، همه مذاهب آن را مستحب می‌دانند، ولی در مورد زمان قطع تلبیه در عمره و حج، میان اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد. (۱)

ص: ۳۵۵

۳. تروک احرام

تروک احرام (۱)

۱. شکار صحرائی وحشی

مذاهب اسلامی؛ حرمت شکار از اجماعیات مذاهب اسلامی است که در قرآن نیز به آن اشاره شده است: «لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ» (مائدة: ۹۵) و «حُرِّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا» (مائدة: ۹۶)

۲. جماع و مقدمات آن

مذاهب اسلامی؛ آمیزش جنسی با زنان و بوسیدن و ملاعبه و امور شهوت‌انگیز، از محرمات مورد نظر مذاهب اسلامی است که در قرآن نیز با عنوان «رفث» در آیه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷) به آن اشاره شده است.

۳. عقد ازدواج برای خود و دیگران

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ حرام است.
حنفیه؛ جایز است.

۱- در این قسمت تروک احرام به ترتیب آن‌چه در مناسک حج مذکور است، عنوان شده است و منابع و مستندات بحث نیز در پایان ذکر می‌گردد

ص: ۳۵۶

۴. استمنا و خود ارضایی جنسی

مذاهب اسلامی؛ استمنا به هر شکل که باشد حرام است و به تصریح برخی از اهل سنت؛ مانند مالکیه و بنا بر فتوا یا احتیاط برخی از فقهای امامیه، استمنا همچون جماع موجب بطلان حج می‌شود. گفتنی است برخی از مذاهب اهل سنت، تصریح به حرمت استمنا در حال احرام نکرده‌اند، ولی با توجه به مبانی آن‌ها در معنای رفت و فسوق، باید استمنا نیز از تروک محسوب شود.

۵. استفاده از عطریات و چیزهای خوشبو

امامیه؛ در حال احرام حرام است و همچنین است استفاده از لباسی که پیش از احرام عطر زده‌اند و اثر آن باقی است. حنبلیه؛ در حال احرام حرام است، ولی معطر کردن بدن پیش از احرام مستحب است و استفاده از لباسی که عطر زده‌اند، جایز است. حنفیه؛ در حال احرام حرام است، ولی معطر کردن لباس و بدن پیش از احرام؛ به گونه‌ای که اثرش باقی بماند مستحب است. شافعیه؛ در حال احرام حرام است ولی معطر کردن بدن اگرچه جرم داشته باشد، سنت است و باقی ماندن اثر عطر بر لباس جایز می‌باشد. مالکیه؛ در حال احرام حرام است و پیش از احرام، اگر اثر آن باقی باشد، کراهت دارد.

۶. پوشیدن چیز دوخته

مذاهب اسلامی؛ پوشیدن مخیط و اشیای دوخته، برای مردان در حال احرام جایز نیست ولی برای زنان اشکال ندارد.

ص: ۳۵۷

۷. پوشیدن چکمه و جوراب و مانند آن

مذاهب اسلامی؛ برای مردان پوشیدن چکمه و گیوه و جوراب و هر چه تمام روی پا را می‌گیرد، حرام است.

۸. سرمه کشیدن

امامیه؛ اگر سرمه بوی خوشی دارد یا به قصد زینت است حرام می‌باشد.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ اگر بوی خوش دارد حرام است و الا جایز است.

مالکیه؛ سرمه کشیدن مطلقاً حرام است.

یادآوری:

۱. در میان فقهای امامیه، اگر سرمه کشیدن بوی خوش نداشته باشد، تفصیلات دیگری نیز مطرح است؛ از جمله: ۱. سرمه‌ای که سیاه نیست و زینت شمرده نمی‌شود، اگر به قصد زینت نباشد جایز است ۲. احوط اجتناب از مطلق سرمه است ۳. اگر قصد و هدف زینت نباشد احوط اجتناب است.

۲. علامه حلی رحمه الله: از ابوحنیفه نقل کرده، اکتحال با طیب هم جایز است.

۹. فسوق

مذاهب اسلامی؛ به نظر همه مسلمانان و به تصریح قرآن کریم در آیه «فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ» (بقره: ۱۹۷)، فسوق از محرمات احرام است اگرچه در تفسیر آن اختلاف است و به اموری همچون دروغ گفتن، فحش دادن، فخرفروشی، بلکه مطلق گناهان تفسیر شده است. فقهای امامیه بر اساس روایات اهل بیت علیهم السلام، فسوق را به دروغ و فحش دادن و فخر به دیگران تفسیر کرده‌اند.

ص: ۳۵۸

۱۰. جدال

مذاهب اسلامی؛ به نظر همه مسلمانان و به تصریح قرآن کریم «جدال» هم از محرمات احرام است، اگرچه در تفسیر آن فتاوا مختلف است. طبق روایات اهل بیت علیهم السلام در تفسیر واژه «جدال» و طبق نظر فقهای امامیه، منظور از جدال، گفتنِ «لَا وَاللَّهِ» و «بَلَى وَاللَّهِ» است و فقهای اهل سنت آن را به مخاصمه تفسیر می‌کنند.

۱۱. نگاه در آینه

از فقهای امامیه؛ مانند شیخ مفید و ابن ادریس و ابی‌الصلاح حلبی آن را حرام و برخی مانند شیخ طوسی در «خلاف»، و محقق در «مختصرالنافع»، نگاه در آینه را مکروه می‌دانند. برخی از فقهای معاصر امامیه نیز در صورتی حرام می‌دانند که به قصد زینت باشد، اما از فقهای اهل سنت، عده‌ای؛ مانند شافعی در «الأمم»، نگاه در آینه را مجاز می‌شمرند، احمد بن حنبل نیز در صورتی حرام می‌داند که به قصد زینت باشد.

۱۲. کشتن جانوران ساکن در بدن

مذاهب اسلامی؛ کشتن جانورانی؛ مانند شپش و کنه که در بدن ساکن می‌شوند، از تروک احرام محسوب می‌شود.

۱۳. انگشتر به دست کردن

امامیه؛ به دست کردن انگشتر برای زینت جایز نیست، ولی برای استحباب و غیر زینت اشکال ندارد. مذاهب چهارگانه؛ تصریحی نسبت به حرمت انگشتر به دست کردن مشاهده نشد. یادآوری:

مؤلف «الفقه علی المذاهب الخمسه» نیز حرمت انگشتر به دست کردن را تنها به امامیه

ص: ۳۵۹

نسبت داده است.

۱۴. پوشش زیور برای زنان مُحَرَّم

امامیه؛ پوشیدن زیور برای زینت بر زنان محرم، حرام است.

مذاهب چهارگانه؛ در مورد حرمت پوشیدن زیور برای زنان مُحَرَّم، مطلبی نقل نشده است. اگرچه علامه حلی رحمه الله از احمد بن حنبل، حرمت پوشیدن زینت‌هایی؛ مانند خلخال و النگو و دست‌بند را نقل کرده است.

یادآوری:

اگرچه در مناسک حج، پوشش زیور تنها برای زنان حرام شمرده شده، ولی در واقع به نظر امامیه تفاوتی میان زن و مرد در حرمت پوشیدن زیور وجود ندارد.

۱۵. روغن مالی به بدن

امامیه؛ مالیدن روغن به بدن در حال احرام جایز نیست، اگرچه در آن بوی خوش نباشد.

حنبلیه؛ اگر روغن بوی خوش ندارد، مانند روغن زیتون، مالیدن آن به بدن یا موی سر و صورت جایز است.

حنفیه؛ اگر چیزی که به بدن می‌مالند، خوشبو نباشد و به هیچ وجه جنبه بوی خوش نداشته باشد مانند پیه، اشکال ندارد.

شافعیه؛ روغن مالی به چیزی که بوی خوش ندارد، در بدن جایز است، ولی در موی سر و صورت جایز نیست.

مالکیه؛ مالیدن روغن به مو و بدن، اگرچه بوی خوش ندارد، جایز نیست.

ص: ۳۶۰

۱۶. ازاله مو

مذاهب اسلامی؛ ازاله مو از بدن را از تروک احرام می‌دانند.

۱۷. پوشاندن سر برای مردان محرم

امامیه؛ پوشاندن سر برای مرد مُحرم جایز نیست، ولی پوشاندن صورت جایز است.

حنبلیه؛ پوشاندن سر حرام، ولی پوشاندن صورت جایز است.

حنفیه؛ پوشاندن سر و صورت، هر دو حرام است.

شافعیه؛ پوشاندن سر حرام، ولی پوشاندن صورت جایز است.

مالکیه؛ پوشاندن سر و صورت، هر دو حرام است.

۱۸. پوشاندن صورت برای زنان

امامیه؛ پوشاندن صورت بر زنان محرم حرام است.

حنبلیه؛ پوشاندن صورت بر زنان، در صورت نیاز؛ مانند عبور مردان اجنبی، جایز است اگرچه ساتر به صورت بچسبد.

حنفیه؛ پوشاندن صورت از اجنبی، بر زنان محرم جایز است به شرط آن که ساتر با صورت تماس نداشته باشد.

فتوای شافعیه مانند فتوای حنفیه است.

مالکیه؛ اگر مرد اجنبی در حال نگاه کردن به او است و یا زن زیبا روست، می‌تواند صورت خود را بپوشاند و الاً حرام است.

یادآوری:

به نظر امامیه نیز زن می‌تواند برای رو گرفتن از نامحرم، آنچه را بر سر افکنده، تا محاذی بینی، بلکه تا چانه پایین بیندازد، ولی

احتیاطاً آن را از صورت دور نگه دارد.

ص: ۳۶۱

۱۹. استظلال

امامیه؛ سایه قرار دادن بالای سر در روز بر مردان محرم جایز نیست
 حنبلیه؛ استظلال به چیزی که غالباً همراه و ملازم اوست؛ مانند چتر و محمل حرام است و در غیر آن مانند سایه درخت جایز است.
 حنفیه؛ استظلال به درخت و خانه و محمل و چتر، در صورتی که با سر و صورت تماس پیدا نکند، جایز است.
 شافعیه؛ استظلال جایز است ولو به سر یا صورت بچسبد.
 مالکیه؛ فتوای مالکیه با حنفیه یکسان است.
 یادآوری:
 فتوای حنبلیه در استظلال، مانند نظریه امامیه است.

۲۰. بیرون آوردن خون از بدن خود

امامیه؛ جایز نیست
 مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ اگر همراه با تراشیدن مو نباشد، حجامت و خون‌گیری مانعی ندارد.
 مالکیه؛ حجامت و خون‌گیری مکروه است، جز هنگام نیاز.

۲۱. ناخن گرفتن

مذاهب اسلامی؛ ناخن گرفتن از محرمات و تروک احرام است.

۲۲. کندن دندان

امامیه؛ حرمت کندن دندان، اگر خون نیاید، میان فقها اختلاف است.
 مذاهب چهارگانه؛ مطلبی مبنی بر حرمت کندن دندان نقل نشده است.

ص: ۳۶۲

یادآوری:

امام خمینی رحمه الله حرمت کندن دندان را بنا بر احتیاط دانسته و مشهور میان فقهای معاصر امامیه، عدم حرمت آن است.

۲۳. کندن درخت یا گیاهان روئیده در حرم

امامیه؛ جایز نیست، جز زمانی که خودش آن را کاشته باشد.

حنبلیه؛ جایز نیست، ولی اگر آدمی آن را کاشته باشد، کندن یا قطع کردنش جایز است.

حنفیه؛ اگر انسان آن را نکاشته و نیز از جنس گیاهانی نباشد که انسان می‌رویاند، جایز نیست و در غیر این صورت جایز است.

شافعیه؛ کندن درختان حرم مطلقاً حرام است، خودش روئیده یا کسی آن را کاشته باشد، ولی کندن گیاهانی که خود روئیده حرام است و اگر آن را کاشته‌اند، جایز است.

مالکیه؛ کندن درخت و گیاهی که شأنش خودرو بودن است حرام می‌باشد ولی کندن درخت و گیاهی که شأنش کاشتن است ولو خود به خود بروید، اشکال ندارد.

یادآوری:

قطع و کندن درخت و گیاه حرم، از تروک احرام نیست، بلکه غیر محرم نیز باید از کندنش پرهیزد.

۲۴. سلاح در بر داشتن (مسلح شدن)

امامیه؛ حرام است، مگر برای ضرورت.

مذاهب چهارگانه؛ متعرض حرمت آن نشده‌اند.

۲۵. حنا

امامیه؛ اگر زینت به حساب آید، حرام و در غیر این مورد جایز است.

ص: ۳۶۳

حنبلیه؛ حنا بر سر مالیدن برای مردان حرام و برای غیر آنان جایز است.

حنفیه؛ برای زن و مرد محرم جایز نیست.

شافعیه؛ برای مردان در غیر دست‌ها و پاها جایز است و در دست‌ها و پاها حرام می‌باشد و در زنان کراهت دارد.

مالکیه؛ برای زن و مرد محرم جایز نیست. (۱) یادآوری:

اهل سنت حنا را از جهت خوشبو بودن، حرام شمرده‌اند و برخی از فقهای امامیه، حکم حرمت حنا را بنا بر احتیاط دانسته‌اند.

۲۶. محرمات احرام به صورت شعر

ناخن و دندان و خون و مو جدا از تن حرام

دُهن مالی، صید و استمنا، جدال در کلام،

عقد و سرمه، آینه، قطع گیاه، آلات حرب،

پس دروغ و طیب و انگشتر، جماع و قتل هائم

مرد سایه نفکند بر سر، پا نپوشد، هم مخیط

زن نبندد زیور و رو هم نپوشد والسلام

- ۱- مناسک محشی، صص ۲۰۸-۱۵۹؛ موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ج ۴-۳، صص ۲۹۹-۲۷۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۸۸-۵۸۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۴۹-۳۳۷؛ بدایة المجتهد، ج ۱، صص ۳۳۵-۳۳۰؛ الخلاف، ج ۱، صص ۴۴۵-۴۳۳؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۵۲-۲۴۸؛ دروس فی الفقه المقارن، صص ۵۱۱-۴۹۵؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، ص ۴۹۷؛ فتاوی بن باز، صص ۹۱ و ۹۰؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، صص ۴۳۷-۲۸۶؛ مختصر الخلیل و المدونه فقه مالکی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیة، ج ۱۰، صص ۷۳ و ۷۴ و ۴۰۳ و ج ۱۱، ص ۶۳۴؛ تذکره الفقها، ج ۷، صص ۳۹۸-۲۶۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۸۹

ص: ۳۶۷

۴. طواف و نماز آن

۵. سعی

۶. تقصیر

ورود به مکه

۱. قطع تلبیه در احرام عمره تمتع

امامیه؛ هنگامی که خانه‌های مکه دیده شد، به نظر مشهور امامیه باید لبیک را ترک کرد. حنبلیه؛ وقتی به بیت رسید، تلبیه را قطع می‌کند. حنفیه و شافعیه؛ وقتی وارد مسجدالحرام شد و شروع به طواف کرد، تلبیه را قطع می‌کند. مالکیه؛ اگر از میقات محرم شده، وقتی وارد حرم گردید تلبیه را قطع کند و اگر از جعرانه محرم شده، وقتی وارد خانه‌های مکه شد و اگر از تنعیم محرم شده، وقتی بیت را دید، تلبیه را قطع کند. یادآوری: بعضی از فقهای مالکی، نظر سایر فقهای اهل سنت را نیز حسن و قابل عمل دانسته‌اند. (۱)

۲. حکم ورود به مکه

امامیه؛ واجب است ورود به مکه با احرام باشد، مگر کسانی که مقتضای شغلشان رفت و آمد زیاد به مکه است. درسنامه درآمدی بر فقه مقارن؛؛ ص ۳۶۷

۱- مناسک محشی، ص ۱۴۴؛ الخلاف، صص ۴۵۸-۴۵۱؛ المقنع فقه حنبلی، المصا‌درالفقهیه، ج ۱۱، ص ۹۷۲؛ الکافی فی فقه اهل‌المدینه فقه مالکی، المصا‌درالفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۰۰

ص: ۳۶۸

حنبلیه؛ کسی که می‌خواهد وارد مکه شود، جایز نیست بدون احرام باشد مگر برای قتال مباح یا کسانی که باید تردد داشته باشند؛ مانند هیزم فروشان.

حنفیه؛ اگر منزل شخصی قبل از میقات است، ورودش به مکه باید با احرام باشد و در غیراین صورت می‌تواند بدون احرام داخل شود.

شافعیه؛ دو نظریه داده‌اند: در کتاب أمّ: با احرام وارد شدن واجب است. در سایر کتب:

با احرام وارد شدن مستحب است.

مالکیه؛ برای غیر مکی داخل شدن بدون احرام جایز نیست، جز کسانی که از مناطق مجاور مکه هستند و به مکه تردد دارند؛ مانند اهالی جدّه و عسفان، که آنان بدون احرام می‌توانند وارد مکه شوند. (۱) یادآوری:

طبق مذهب امامیه، کسانی که پس از عمره یا حج از مکه خارج شوند و در همان ماه بازگردند، لازم نیست ورودشان با احرام باشد. شیخ طوسی در کتاب خلاف، قول به استحباب را به مالک نسبت داده است و در کتاب فتاوی بن باز، دخول مکه بدون احرام برای کسی که تصمیم به حج یا عمره ندارد، مجاز شمرده شده است. این مطلبی برخلاف نظر مذاهب اربعه اهل سنت است.

۳. آداب ورود به مکه و مسجدالحرام

امامیه؛ برای دخول به حرم، مکه و مسجدالحرام باید غسل کرد و از باب بنی شیبه وارد شد و برای ورود به حرم و مسجدالحرام باید دعای مأثور را خواند.

مذاهب چهارگانه؛ غسل برای ورود به مکه سنت است. همچنین مستحب است انسان

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۸۹-۵۸؛ مناسک محشی، صص ۲۲۲ و ۲۲۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۸۲-۷۹

١- مناسك محشى، صص ٩٨ و ٩٧؛ شرائع الاسلام، ج ١، ص ٢٥٢؛ جواهرالكلام، ج ١٨، صص ٤٥٠-٤٣٧؛ علاءالدين بن مسعود كاشانى، بدائع الصنائع، المصادرالفقيهيه، ج ١٠، ص ١١٨ و على بن ابى بكر عبدالجليل المرغينانى، الهدايه، المصادرالفقيهيه، ج ١٠، ص ٢٥٨؛ الأم، مصادرالفقيهيه، ج ١١، صص ٦٩٩ و ٦٩٨؛ الخلاف، ج ١، ص ٤٧٠؛ يوسف بن عبدالله النمرى القرطبى، الكافى فى فقه اهل المدينه، المصادر الفقيهيه، ج ١٠، ص ٥٠٧؛ عبدالله بن احمد بن قدامه، المقنع، المصادرالفقيهيه، ج ١١، ص ٩٦١؛ فتاوى بن باز، ص ٤٢؛ فقه السنه، ج ١، ص ٥٠٤

ص: ۳۷۰

طواف واجب، میان امامیه محل اختلاف است. (۱)

۲. طواف عمره تمتّع

مذاهب اسلامی؛ بر کسی که برای عمره تمتّع احرام بسته، واجب است طواف عمره تمتّع انجام دهد و به نظر فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، همان طوافی که برای عمره تمتّع به جا می‌آورد، طواف قدوم او محسوب می‌شود. (۲)

۳. طواف عمره مفرد

همان حکم طواف عمره تمتّع را دارد و به فتوای فقهای اهل سنت، طواف قدوم شمرده می‌شود. (۳)

۴. طواف زیارت

مذاهب اسلامی؛ طواف زیارت یا طواف افاضه، بر تمام حجاج؛ اعم از تمتّع، قارن و مفرد واجب است و باید پس از اعمال روز عید قربان آن را انجام دهند. طبق نظریه‌ای تفسیری، آیه ۲۹، سوره حج: «ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» اشاره به این طواف دارد. (۴)

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۸۹؛ بداية المجتهد، ج ۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۵؛ المبسوط، ج ۱، ص ۳۵۱؛ الدروس الشرعية، ج ۱، صص ۴۰۱ و ۴۰۰؛ جواهر الكلام، ج ۱۹، صص ۳۵۳ و ۳۵۲؛ مناسك محشى، صص ۳۱۶ و ۳۱۵؛ الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۱، ص ۳۵۴؛ دروس فى الفقه المقارن، ج ۱، ص ۵۱۳

۲- بداية المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۴؛ مناسك محشى، صص ۲۲۶ و ۱۰۰

۳- همان

۴- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۰ و ۵۸۹؛ بداية المجتهد فقه مالکی، ج ۱، صص ۳۴۶ و ۳۴۵؛ الفقه على المذاهب الخمسة، ج ۱، ص ۳۵۳

ص: ۳۷۱

۵. طواف نساء

امامیه؛ در عمره مفرده و اقسام سه گانه حج، واجب است طواف نساء انجام شود و با انجام آن، زنان حلال می شوند. مذاهب چهارگانه؛ منکر طواف نساء هستند و از آن، نه به عنوان واجب و نه به عنوان مستحب نام نبرده اند و زنان را با طواف زیارت حلال می شمارند. (۱)

۶. طواف وداع

امامیه و مالکیه؛ مستحب است.
حنبلیه و حنفیه؛ واجب است.
شافعیه؛ دو قول است: واجب و مستحب.

۷. طواف مستحب

مذاهب اسلامی؛ علاوه بر طواف هایی که گفته شد، «طواف مستحب» است که می توان در مدت اقامت در مکه آن را انجام داد. طبق مذهب امامیه در هر شبانه روز گزاردن ده طواف مستحب است.

۸. شرایط طواف

الف) شرایط مورد اتفاق:
مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ ۱) طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر ۲) طهارت از خبث ۳) ستر عورت از امور معتبر در طواف است اما نظر حنفیه در مورد این سه شرط:

۱- الهدایة فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۲۷۸؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۰۵؛ المذهب فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۹۰۴؛ بدایة الاجتهاد، ج ۱، ص ۳۴۴؛ مناسک محشی، صص ۵۰۸-۵۰۶؛ الکافی لابن قدامه، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۱۰۴۰

ص: ۳۷۲

۱. طهارت از حدث اکبر و حدث اصغر، نه فرض طواف و نه شرط آن است، بلکه واجب می‌باشد و طواف بدون آن جایز است ۲. طهارت از خبث نه شرط است و نه واجب، بلکه سنت است. پس اگر در لباس نجاست بیش از درهم بود، اشکال ندارد. ۳. ستر عورت نه شرط جواز طواف و نه فرض آن است، ولی واجب است و اگر عریان طواف کرد، مادام که در مکه است باید اعاده کند و اگر بازگشت باید قربانی کند.

یادآوری:

عَلَّامه حَلّی رحمه الله از برخی حنفیه نقل کرده که طهارت شرط طواف است. همچنین عَلَّامه گوید: دو روایت از احمد بن حنبل نقل شده که طبق یکی، طهارت شرط طواف نیست. (۱) ب) شرایط مورد اختلاف

(۱) نیت

امامیه و حنبلیه؛ شرط است.

حنفیه و مالکیه؛ شرط نیست.

شافعیه؛ نیت در غیر طواف زیارت و طواف قدوم شرط است.

یادآوری:

کسانی که نیت را معتبر نمی‌دانند، معتقدند نیت کلی حج کفایت می‌کند.

(۲) مختون بودن

امامیه؛ شرط است.

۱- مناسک محشی، صص ۲۴۱-۲۲۸؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۶۷ و ۲۶۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۴۲-۳۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۵۷ و ۳۵۶؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۸۴ و ۸۳؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۸ و ۲۷؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱، ص ۹۱۷

ص: ۳۷۳

مذاهب چهارگانه؛ مختون بودن شرط طواف نیست، اگرچه خود ختنه به عنوان یکی از سنت‌های اسلامی که آن‌ها را از سایر مسلمانان متمایز می‌کند واجب است، مگر این که بر جان خود بترسد. (۱)

۹. واجبات طواف

الف) واجبات مورد اتفاق

۱) هفت شوط بودن طواف (۲) شروع و اختتام هر شوط به حجرالأسود (۳) قرار گرفتن کعبه در طرف چپ طواف کننده (۴) خروج از حجر اسماعیل و شاذروان در حال طواف.

از موارد پیش گفته، در مذهب حنبلیه، شافعیه و مالکیه با عنوان «شرایط طواف» یاد می‌شود، ولی در مذهب امامیه و حنفیه، آن‌ها را «واجبات طواف» می‌خوانند با این تفاوت که طبق اصطلاح حنفیه در معنای «واجب» و تفاوت آن با «فرض»، چنانکه طواف کننده از حجرالأسود آغاز نکند، یا کعبه را در طرف چپ خود قرار ندهد، تا زمانی که در مکه است باید اعاده کند و اگر بازگشت باید کفاره بدهد، ولی اعمالش محکوم به صحت است.

همچنین به نظر حنفی‌ها؛ از هفت شوط طواف؛ در طواف زیارت، تنها چهار شوط آن رکن و فرض و بقیه واجب است و رکن نیست و اما در طواف قدوم و وداع، هیچ مقدار از اشواط آن فرض نیست و تمام هفت دور این دو طواف واجب است و کسی که چهار شوط از طواف وداع را ترک کند، باید قربانی کند و کسی که کمتر از آن را ترک کند، باید برای هر شوط صدقه دهد و اما در ترک اکثر یا اقل اشواط طواف قدوم چیزی نیست.

یادآوری:

۱. پیش‌تر گذشت که به نظر حنفیه فرق است بین واجب و فرض.

۱- مناسک محشی، صص ۲۶۲ - ۲۴۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴ - ۵۹۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۴۸ - ۴۳؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۶۳ - ۳۵۸

ص: ۳۷۴

۲. از جهت فتنی، امور چهارگانه یاد شده را باید واجب نامید، نه شرط؛ زیرا این امور مقوم ماهیت شرعی طواف را تشکیل می‌دهند و به اصطلاح شطر آن محسوب می‌شوند نه شرط.

ب) واجب مورد اختلاف

امامیه؛ در میان امامیه دو نظریه مطرح است: (۱) لزوم طواف میان کعبه و مقام ابراهیم بوده و این فاصله را حدّ مطاف می‌شمرده‌اند (۲) طواف در دورتر از این حدّ کافی است، به ویژه در صورت ازدحام جمعیت.

مذاهب چهارگانه؛ در نظر فقهای مذاهب چهارگانه، طواف حدّی ندارد، ولی باید داخل مسجدالحرام باشد و خارج از آن جایز نیست. در مورد جواز طواف بر بام مسجدالحرام، فقهای اهل سنت اختلاف فتوا دارند، ولی طواف میان بیت و مقام را شرط نمی‌دانند، اگرچه برخی از آن‌ها مانند حنبلی‌ها نزدیکی به کعبه را مستحب شمرده‌اند. (۱)

۱۰. مستحبات طواف

الف) مستحبات مورد اتفاق

مذاهب اسلامی؛ امور زیر از مستحبات طواف است: ۱. بوسیدن حجرالأسود ۲. استلام حجرالأسود ۳. استلام رکن یمانی ۴. اشتغال به ذکر و دعا در حال طواف. (۲) یادآوری:

به نقل از علامه حلی رحمه الله در مورد ریشه لغوی استلام، دو نظریه وجود دارد: (۱) باب

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۷؛ جواهرالکلام، ج ۱۹، صص ۲۹۹-۲۹۵؛ مناسک محشی، ص ۲۴۶؛ الکافی فی الفقه ابن حنبل، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۱۰۳۳-۱۰۲۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۰؛ شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۰۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۹۳ و ۹۲

۲- مناسک محشی، صص ۳۱۸-۳۱۶؛ الروضة البهیة، ج ۱، صص ۵۰۶ و ۵۰۵؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، صص ۴۳۳-۳۴۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۲؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۹

ص: ۳۷۵

افتعال و از واژه سَلام (به معنای حجاره و سنگ) مشتق است و وقتی که انسان حجرالأسود را با دست خویش مسّ کند، گویند: «استلم، أی مسّ السلام بیده» (۲) باب استفعال و از واژه لامه (به معنای درع و سپر) اخذ شده است و کسی که حجر را استلام می‌کند؛ یعنی آن را سپر خود قرار می‌دهد.

ب) استلام تمامی ارکان کعبه

امامیه؛ مستحب است.

مذاهب چهارگانه؛ تنها استلام رکن یمانی و حجرالأسود را مجاز می‌شمرند و استلام دو رکن دیگر را جایز نمی‌دانند. (۱)

۱۱. اضطباع

امامیه؛ در اکثر کتب فقهای امامیه عنوان نشده، ولی برخی از قدما آن را در نخستین طواف (طواف قدوم) مستحب شمرده‌اند. حنبلیه؛ در طواف قدوم سنت است.

حنفیه؛ در هر طوافی که پس از آن سعی وجود دارد؛ مانند طواف قدوم، سنت غیر مؤکد است.

شافعیه؛ برای مردان و پسران سنت است.

مالکیه؛ اضطباع در فقه مالکیه مطرح نیست و به این مذهب نسبت نداده‌اند. (۲)

۱- مناسک محشی، ص ۳۱۸؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۰۵؛ الهدایة، فقه حنفی المصاדר الفقهیة، ج ۱۰، ص ۲۶۵؛ بدایة المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۳؛ الأمّ للشافعی، المصاדר الفقهیة، ج ۱۱، ص ۷۵۱؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۴۶؛ تذکرة الفقها، ج ۸، صص ۱۰۷-۱۰۳؛ لسان العرب، ج ۱۲، صص ۳۶۱ و ۳۶۰

۲- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۲؛ الأمّ للشافعی، المصاדר الفقهیة، ج ۱۱، ص ۷۵۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۲؛ الوسيلة إلى نیل الفضيلة، صص ۱۷۳ و ۱۷۲؛ الجامع للشرایع، ص ۲۰۱؛ تذکرة الفقها، ج ۸، صص ۱۷۳ و ۱۷۲؛ الموسوعة الفقهیة المیسرة، ج ۳، ص ۴۳۰

ص: ۳۷۶

یادآوری:

«ضبیع» در لغت به معنای «بغل» یا «بازو» یا نیمه بالای آن است و اضطباع به معنای انداختن ردا از زیر بغل راست بر شانه چپ است و در نتیجه برهنه کردن شانه راست و پوشاندن شانه چپ می‌باشد.

۱۲. رَمَل

امامیه؛ بعضی از قدمای فقهای امامیه، رمل را در سه شوط اولِ طوافِ قدوم، برای مردان مستحب شمرده‌اند ولی مشهور آن را ذکر نکرده‌اند.

حنبلیه؛ در سه شوط اول طواف قدوم، برای غیر راکب و غیر معذور و کسی که از مکه محرم نشده سنت است. همچنین رَمَل برای زنان نیست.

حنفیه؛ در سه شوط اول، سنت غیر مؤکد است.

شافعیه؛ در سه شوط اول، برای غیر زنان سنت است.

مالکیه؛ در سه شوط اول غیر طواف زیارت، برای مردان سنت است. (۱) یادآوری:

الرَّمَلُ: «الهرولة، الاسراع فی المشی مع تقارب الخطأ دون الوثوب و العدو».

در کتب تاریخ و سیره نقل شده است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عمره القضاء در ذیقعه سال هفتم هجری، وقتی وارد مسجد شدند، چون مشرکین مکه در اطراف مسجد الحرام نظاره گر مسلمانان بودند، حضرت برای نشان دادن قدرت مسلمانان، ردای خود را اضطباع کرده و

۱- الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۲؛ جواهر الکلام، ج ۱۹، صص ۳۵۳-۳۵۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۹؛ بداية المجتهد، ج ۱، صص ۳۴۳ و ۳۴۲؛ الدروس الشرعیة، ج ۱، صص ۴۰۰ و ۳۹۹؛ الوسيلة إلى نيل الفضيلة، صص ۱۷۳ و ۱۷۲؛ الجامع للشرائع، ص ۲۰۱؛ الموسوعة الفقهية الميسرة، ج ۲، صص ۴۳۰

ص: ۳۷۷

سه شوط اول طواف را به صورت رَمَل و هروله انجام دادند. (۱) احتمال دارد این کار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جنبه حکم حکومتی داشته باشد، نه حکم شرعی اولی.

۱۳. نماز طواف

امامیه؛ نماز طواف از واجبات عمره و حج است و باید پشت مقام ابراهیم گزارده شود.

حنبلیه؛ سنت است.

حنفیه؛ سنت مؤکد و واجب است.

شافعیه؛ سنت است و اگر نماز فریضه یا نافله دیگری خوانده شود، از نماز طواف کفایت می‌کند.

مالکیه؛ نماز طواف واجب ولی گزاردن آن پشت مقام ابراهیم مستحب است.

یادآوری:

در الفقه علی المذاهب الخمسه، از حنفیه فتوا به وجوب نماز طواف نقل شده است، ولی باید توجه داشت که آن‌ها، آن را سنت مؤکد می‌دانند نه فرض.

سعی میان صفا و مروه

۱. وجوب سعی میان صفا و مروه و شرایط و کیفیت آن

مذاهب اسلامی؛ در وجوب و فرض بودن سعی صفا و مروه و تعداد اشواط و لزوم انجام آن، پس از طواف عمره مفرده و عمره تمتع، متفق القولند. همچنین همگان بر این باورند که: باید از صفا آغاز و در مروه پایان یابد و طهارت از حدث و خبث شرط آن نیست، اگرچه سنت است؛ اما حنفی‌ها، سعی را سنت مؤکد و واجب می‌دانند، و آن را فرض

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۷؛ مناسک محشی، صص ۳۲۰ و ۳۱۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۶۳ و ۳۶۲

ص: ۳۷۸

نمی‌شمرند. همچنین از ابوحنیفه روایت شده، آغاز از صفا شرط نیست، لذا اگر از مروه شروع کند، تکلیفی بر او نیست. استحباب هروله برای مردان در محل مشخص بین صفا و مروه نیز از اجماعات اسلامی است. (۱)

۲. تعداد سعی

مذاهب اسلامی؛ در حج تمتع دو بار سعی؛ یک بار در عمره تمتع و یک بار در حج تمتع واجب است. همچنین در حج افراد نیز یک بار سعی در حج و یک بار سعی در عمره مفرده پس از آن لازم است؛ اما در حج قرآن، بنابر مذهب امامیه، دو سعی لازم است؛ مانند حج افراد ولی بنا بر تفسیر اهل سنت از قرآن یک بار سعی بیشتر واجب نیست. به اعتقاد مذاهب اهل سنت، کسی که حج قرآن یا افراد انجام می‌دهد، طواف قدوم بر او مستحب است و پس از طواف قدوم، لازم نیست سعی صفا و مروه انجام دهد و چنانچه پس از طواف قدوم، سعی کرد، نباید حلق و تقصیر کند و باید در حال احرام باقی بماند و با انجام این سعی، دیگر لازم نیست پس از طواف زیارت، سعی دیگری انجام دهد. (۲)

۳. تکرار سعی

مذاهب اسلامی؛ برخلاف طواف، که اکثار آن مستحب است، غیر از دو سعی واجب؛ یکی در عمره و دیگری در حج، سعی دیگری مستحب یا سنت نیست.

- ۱- مناسک محشی، صص ۳۴۳-۳۳۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۶ و ۵۹۵؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۷۱-۳۶۶؛ بدایةالمجتهد، ج ۱، صص ۳۴۸-۳۴۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۷۴-۲۷۲؛ فتاوی بن باز، صص ۱۵۲-۱۴۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادرالفقهیه، ج ۱۰، صص ۵۲-۴۹؛ تذکرهالفقهه، ج ۸، ص ۱۳۶
- ۲- الکافی لابن قدامه، المصادرالفقهیه، ج ۱۱، ص ۱۰۴۰؛ رسائل للحجاج و المعتمرین، ص ۱۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۹۶؛ المختصر فی الفقه فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۷ و ۶؛ مناسک محشی، صص ۳۵۴-۳۳۷

ص: ۳۷۹

به نظر برخی از فقهای امامیه، در یک مورد استحباب سعی مطرح است و آن در صورتی است که اگر بر اثر فراموشی از هفت شوط بگذرد و شوط هشتم کامل شده باشد، تکمیل هفت شوط دوم مستحب است. (۱)

تقصیر

۱. حلق یا تقصیر در عمره تمتع

امامیه؛ پس از سعی در عمره تمتع، واجب است بر مُحَرِّم تقصیر کند و تراشیدن سر جایز نیست. حنبلیه و حنفیه؛ طبق مذهب حنبلیه و حنفیه، تمتع دو گونه است: ۱. تمتعی که سوق هدی نکرده، وظیفه او است که با حلق یا تقصیر، پس از سعی از احرام خارج شود. ۲. تمتعی که سوق هدی کرده، پس از سعی نمی‌تواند با حلق یا تقصیر از احرام بیرون آید و در فاصله میان اعمال عمره تمتع و حج، همچنان مُحَرِّم می‌ماند تا روز ترویبه یا قبل از آن محرم به احرام حج گردیده و عازم منا و عرفات شود.

شافعیه؛ دو قول دارد: ۱. پس از سعی، حلق یا تقصیر می‌کند و از احرام خارج می‌شود و حلق افضل است. ۲. حلق یا تقصیر از واجبات نیست و جزو نسک نمی‌باشد و با سعی، از عمره خارج می‌شود. شافعیه معتقدند: سوق هدی مانع از تحلل و خروج از احرام نیست و پس از عمره تمتع می‌توان قربانی کرد. به نقل شیخ طوسی از شافعیه، در مروه یا در هر جای مکه، تمتع اگر بخواهد، می‌تواند قربانی کند.

مالکیه؛ تمتع پس از سعی، حلق یا تقصیر می‌کند و از احرام خارج می‌شود و بعداً از مکه برای حج احرام می‌بندد. تمتع اگر قربانی خود را در عرفه وقوف داد، آن را در منا ذبح

ص: ۳۸۰

می‌کند و آلا باید در مروه ذبح کند.

یادآوری:

در کتاب الفقه علی المذاهب الخمسه ادعای اتفاق مذاهب نسبت به وجوب و نسک بودن تقصیر شده، در حالی که نسبت به شافعی مسأله محل اختلاف است. (۱)

۲. تعداد افعال واجب در عمره تمتع

امامیه؛ پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. تقصیر اطروست (احرام، طواف، رکعتی الطواف، سعی، تقصیر) للحج اجعل نهج.

حنبلیه؛ چهار عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. سعی ۴. حلق یا تقصیر.

حنفیه؛ پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف (به عنوان سنت مؤکد و واجب، نه فرض) ۴. سعی ۵. تقصیر.

شافعیه؛ دو قول دارد: ۱. چهار عمل: احرام، طواف، سعی و حلق یا تقصیر ۲. سه عمل احرام، طواف و سعی.

مالکیه؛ پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. حلق یا تقصیر.

یادآوری:

پیش‌تر گذشت که به نظر حنبلیه و شافعیه، نماز طواف سنت است و از واجبات

- ۱- مناسک محشی صص ۳۵۷ و ۳۵۶، الکافی لابن قدامه، فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۱۰۳۹؛ المقنع لابن قدامه، فقه حنبلی المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۹۶۲ و ۹۶۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۲؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۱۲۳؛ الهدایه فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۲۸۸؛ بدایه المجتهد، ج ۱، صص ۳۳۶ و ۳۳۵؛ القوانين الفقهیه، فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۶۱۶؛ المذهب فقه شافعی المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۸۵۰-۸۴۸؛ مختصر المزنی فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۸۲۱؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۶۴؛ المذهب فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۸۹۸

ص: ۳۸۱

محسوب نمی‌شود.

۳. چگونگی تقصیر

امامیه؛ قدری از موی سر یا ریش یا شارب را کوتاه کند کافی است و احتیاط آن است که اکتفا به کوتاه کردن ناخن نکند. حنبلیه؛ به اندازه سر انگشت یا کمتر، از مو کوتاه کند کافی است. حنفیه؛ مقداری بیش از سر انگشت، از مو کوتاه کند کافی است. شافعیه؛ همین که صدق تقصیر و کوتاه کردن مو کند، کافی است. مالکیه؛ زنان به اندازه سر انگشت مو را کوتاه می‌کنند و مردان از نزدیکی ریشه مو، تمام سر را کوتاه می‌کنند. (۱) یادآوری: این که در کتاب «الفقه علی المذاهب الخمسه»، در باب حلق و تقصیر، کوتاه کردن تمام سر به احمد بن حنبل نسبت داده شده و در مورد حلق مقدار ربع سر به ابوحنفیه و تعداد سه مو به شافعی نسبت داده‌اند، درست است ولی در مورد تقصیر جای تأمل دارد.

۴. حلق یا تقصیر در عمره مفرده

امامیه؛ زنان باید تقصیر کنند ولی مردان میان حلق یا تقصیر مخیرند. مذاهب چهارگانه؛ در اعمال عمره (تمتع یا مفرده) و حج، بر مردان معتقد به تخییر میان حلق و تقصیر می‌باشند، اگرچه حلق را افضل و برتر می‌دانند.

۱- مناسک محشی، ص ۳۵۷، بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۶۷؛ القوانين الفقهیه فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۶۱۵؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۱۰۴۸؛ المذهب فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۸۹۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۵۰

ص: ۳۸۲

ظاهراً فقهای امامیه نیز به افضلیت حلق در عمره مفرده فتوا می‌دهند؛ چنانکه بعضی از آنها تصریح کرده‌اند. (۱)

۵. تعداد افعال واجب در عمره مفرده

امامیه؛ هفت عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. تقصیر یا حلق ۶. طواف نساء ۷. نماز طواف نساء.
 حنبلیه؛ چهار عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. سعی ۴. حلق یا تقصیر.
 حنفیه؛ پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف (به عنوان سنت مؤکد و واجب، نه فرض) ۴. سعی ۵. حلق یا تقصیر.
 شافعیه؛ بنابراین که حلق یا تقصیر نسک باشد نه استباحه محظور؛ چهار عمل:
 ۱. احرام ۲. طواف ۳. سعی ۴. حلق یا تقصیر.
 مالکیه؛ پنج عمل: ۱. احرام ۲. طواف ۳. نماز طواف ۴. سعی ۵. حلق یا تقصیر.

۱- مناسک محشی، صص ۱۰۱ و ۱۰۰؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصا‌در الفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۳۴؛ بدائع الصنائع فقه حنفی المصا‌در الفقهیه، ج ۱۰، ص ۶۵

ص: ۳۸۵

۷ احرام حج

۸. وقوف به عرفات و مشعر

۹. مناسک منا

احرام حج

۱. زمان و مکان احرام حج

مذاهب اسلامی؛ پس از عمره تمتع، کسی که حج تمتع انجام می‌دهد، باید از مکه محرم شود. زمان احرام حج تمتع باید به گونه‌ای باشد که وقوف در عرفه، در روز نهم ذی حجه را درک کند، اگرچه مستحب است روز ترویه (هشتم ذی حجه) احرام ببندد و عازم منا شود و شب نهم را در منا سپری کند. احرام حج از جهت واجبات، مستحبات و تروک احرام، تفاوتی با احرام عمره ندارد. به گفته شیخ طوسی و برخی از فقهای اهل سنت، امام در روز هفتم ذی حجه، بعد از ظهر در مکه خطبه می‌خواند و به مردم فرمان می‌دهد که از صبح روز هشتم عازم منا شوند. این خطبه، یکی از خطبه‌هایی است که در مناسک حج سنت است.

آن‌گاه امام با مردم نمازهای ظهر و عصر و مغرب و عشاء روز هشتم و نماز صبح روز نهم را در منا می‌خواند و پس از طلوع خورشید عازم عرفه می‌شود. (۱) یادآوری:

۱. به نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت، مستحب است نماز ظهر و عصر در روز ترویه،

۱- الروضة البهیه، ج ۱، صص ۵۱۷ و ۵۱۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۲۶-۶۱۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۰؛ مناسک محشی، ص ۳۷۹؛ مختصر المزنی فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۸۳۰؛ المذهب فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۸۹۲؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۳۳؛ تذکره الفقها، ج ۸، صص ۱۶۵-۱۶۳؛ مبسوط، ج ۱، ص ۳۶۵

ص: ۳۸۶

- در منا خوانده شود ولی در مذهب امامیه مستحب است (غیر از امام و امیرالحاج)، محرمی پیش از نماز ظهر و عصر از مکه خارج نشود. اما مستحب است امام نماز ظهر و عصر تروییه را در منا به جا آورد.
۲. همچنین طبق مذهب امامیه، مستحب است زائر از مقام ابراهیم یا حجر اسماعیل احرام ببندد.
۳. احمد بن حنبل معتقد است: امام روز هفتم خطبه نمی‌خواند.

۲. قطع تلبیه در احرام حج

امامیه؛ هنگام ظهر روز عرفه، به نظر مشهور امامیه، افراد محرم باید لبیک را قطع کنند.

فقه‌های چهارگانه (جز مالکیه)؛ تا زمان رمی جمره عقبه در روز عید قربان، لبیک را تکرار می‌کند.

مالکیه؛ هنگام ظهر روز عرفه، تلبیه را قطع می‌کند، ولی کسی که در عرفه محرم شده باشد تا رمی جمره عقبه تکرار می‌کند. (۱)

وقوف در عرفات

۱. زمان وقوف در عرفات

امامیه؛ عرفات دو نوع وقوف دارد: ۱. وقوف اختیاری؛ از ظهر تا غروب روز عرفه، وقوف برای یک لحظه و این یک لحظه در عرفات «رکن» حج است و بقیه آن «واجب» می‌باشد. ۲. وقوف اضطراری؛ مقداری از شب عید قربان.

حنبلیه؛ از فجر روز نهم تا فجر روز عید قربان. وقوف مقداری از این زمان در عرفه

ص: ۳۸۷

رکن است، ولی اگر در روز وقوف می‌کند، باید تا غروب بماند.

به فتوای حنفیه و شافعیه، وقت وقوف از زوال روز نهم است تا فجر روز دهم.

شافعیه؛ اگر یک لحظه از این زمان را درک کند، کافی است، ولی به نظر حنفیه واجب است اگر روز وقوف می‌کند تا غروب بماند.

مالکیه؛ حضور در عرفه دو نوع است: ۱. حضور رکنی؛ که ترک آن موجب فساد حج است و آن یک لحظه از غروب روز عرفه است تا طلوع فجر دهم. ۲. حضور واجب که ترک آن کفاره دارد و آن یک لحظه از زوال روز عرفه تا غروب خورشید می‌باشد. یادآوری:

تفصیل مربوط به فتوای مالکی‌ها در بسیاری از کتب؛ از جمله فقه السنه و الفقه علی المذاهب الخمسه مطرح نشده است و نظر مالکی‌ها مانند نظر حنفی‌ها و شافعی‌ها شمرده شده است. (۱)

۲. خطبه امام در عرفات

مذاهب اسلامی؛ امام، ظهر روز عرفه در عرفات برای مردم خطبه می‌خواند. به گفته امامیه، حنبلیه و شافعیه، این خطبه قبل از اذان است ولی به گفته حنفیه و مالکیه خطبه عرفه بعد از اذان می‌باشد. خطبه عرفات؛ مانند خطبه روز جمعه دو خطبه است که ضمن تحمید و تهلیل و ثنا و امر به تقوا، امام مناسک حج را به مردم می‌آموزد. (۲)

- ۱- مناسک محشی، صص ۳۸۷-۳۸۴؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۲؛ جامع الخلاف و الوفاق، ص ۲۰۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۸؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۹-۵۹۷؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۳۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۷۷
- ۲- الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۲؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المدونه فقه مالکی، الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المذهب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۸۹ و ۳۹۰ و ۵۳۲ و ج ۱۱، صص ۸۹۲ و ۱۰۴۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۷۷

ص: ۳۸۸

یادآوری:

این گونه مسائل؛ از نکات اساسی در مناسک حج است و ابعاد سیاسی حج را به خوبی آشکار می‌کند. اگرچه از وظایف حکومت اسلامی است و از مسائل فقه سیاسی محسوب می‌شود و جزو وظایف فردی نمی‌باشد.

۳. قصر یا تمام بودن نماز امام و سایر مجامع در عرفات

امامیه؛ مانند دیگر موارد است؛ اگر امام یا حجاج مقیم مکه هستند، مانند دیگر مقیمان مکه، نماز را تمام می‌خوانند و اگر امام یا حجاج مسافرنند، مانند سایر مسافرین نماز را قصر می‌خوانند.
حنبلیه؛ نماز قصر در عرفه سنت است.
حنفیه و شافعیه؛ اگر امام مقیم مکه است، او و تمامی مردم؛ اعم از مسافر و مقیم نماز را تمام می‌خوانند ولی اگر امام مسافر است؛ مانند دیگر مسافران، قصر می‌خوانند و اما مقیمان مکه تمام می‌خوانند.
مالکیه؛ نماز قصر در عرفه سنت است؛ خواه مقیم باشد، خواه مسافر. (۱)

۴. جمع نماز ظهر و عصر در عرفات

امامیه؛ مانند سایر ایام، جمع میان این دو نماز جایز است؛ منفرد باشد یا با امام.
حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ برخلاف سایر ایام، جمع این دو نماز جایز است؛ منفرد باشد یا با امام.
حنفیه؛ برخلاف دیگر ایام، اگر نماز را با امام بخواند، جمع جایز است و در صورت

ص: ۳۸۹

فرازی جایز نیست.

۵. نماز جمعه در عرفات

امامیه؛ حکم سایر جمعه‌های طول سال را دارد که با وجود شرایط، می‌توانند آن را اقامه کنند.
 حنبلیه؛ اگر امیرالحاج والی مکه باشد، در صورت مصادف شدن عرفه با جمعه، باید نماز جمعه اقامه کند.
 حنفیه؛ اگر نماز امیرالحاج تمام است، در صورت مصادف شدن عرفه با جمعه، باید نماز جمعه اقامه کند.
 شافعیه و مالکیه؛ اگر عرفه با جمعه مصادف شود، نماز جمعه در عرفات خوانده نمی‌شود و همان خطبه‌های عرفه و نمازی که امام با حجاج اقامه می‌کند، جای نماز جمعه محسوب می‌شود، مگر این که امام از اهل عرفه باشد. (۱)

۶. مستحبات و قوف در عرفات

در بیشتر مستحبات و آداب وقوف در عرفات، مذاهب اسلامی اتفاق نظریه دارند؛ مانند طهارت از حدث و مشغول بودن به ذکر و تهلیل و تحمید و ثنای الهی و فرستادن صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و زیاد دعا خواندن، اگرچه از جهت حجم و کمیت و کیفیت، مستحباتی که در فقه امامیه آمده و ادعیه و نمازها و اذکاری که در متون فقهی و روایی امامیه مندرج است، به هیچ وجه قابل قیاس با متون فقهی مذاهب اربعه اهل سنت نیست. کافی است مقایسه شود آنچه در فقه مذاهب اهل سنت آمده، با دعای عرفه حضرت سیدالشهدا علیه السلام و دعای عرفه صحیفه سجاده، تا غنای معنوی و معرفتی و توحیدی مذهب اهل بیت علیهم السلام آشکار

۱- فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۵؛ بدایه‌المجتهد، ج ۱، ص ۳۴۹؛ جامع‌الخلاص والوفاق، ص ۵۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۹-۵۹۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۱۷۹ و ۱۷۸

ص: ۳۹۰

گردد. استحباب غسل را نیز امامیه و برخی از مذاهب اهل سنت؛ مانند شافعیه تصریح کرده‌اند. (۱)

۷. زمان کوچ از عرفات

مذاهب اسلامی؛ پس از غروب خورشید، برای وقوف مشعرالحرام، امام همراه دیگر حجاج از عرفات کوچ می‌کنند. در حالی که در هنگام حرکت و میانه‌روی و اقتصاد در راه رفتن و دوری از شتاب‌زدگی را مراعات می‌کنند و به ذکر و دعا و توجه به خداوند سبحان مشغول می‌شوند.

یادآوری:

برخی از مذاهب اهل سنت؛ مانند حنبلیه تصریح کرده‌اند که مستحب است پیش از امام کوچ نکنند. (۲)

وقوف در مشعرالحرام

۸. بیتوته شب عید در مشعرالحرام (پیش از وقوف بین الطلوعین)

امامیه؛ محل خلاف است. اکثر فقهای معاصر نسبت به بیتوته در شب عید، احتیاط (واجب یا مستحب) می‌دانند و برخی هم آن را واجب می‌شمرند.

حنبلیه؛ مبیت در مزدلفه واجب است و تا پیش از نصف شب خروج از آن جایز نیست،

۱- الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۹-۵۹۷؛ مناسک محشی، صص ۳۹۳-۳۹۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۶۹

۲- الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۲۱؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۵؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۵؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصادر الفقهی، ج ۱۰، ص ۵۰۱؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهی، ج ۱۱، ص ۱۰۴۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۱۹۴ و ۱۹۳

ص: ۳۹۱

ولی پس از نصف شب جایز است.

حنفیه؛ بیتوته در مزدلفه واجب نیست، ولی سنت (مستحب) است.

شافعیه؛ در مورد وجوب بیتوته در مشعرالحرام دو قول است: ۱. واجب است و نسک محسوب می‌شود ۲. سنت است.

مالکیه؛ مبیت در مزدلفه سنت مؤکد است، ولی واجب نیست. (۱)

۹. وقوف پس از طلوع فجر در مشعرالحرام

امامیه؛ وقوف بین الطلوعین در مشعرالحرام واجب است و وقوف در مقدار کمی از این زمان، رکن حج است، اما برای زنان و کسانی که معذورند، جایز است پس از وقوف مقداری از شب، مشعرالحرام را ترک کنند. همچنین کسی که وقوف بین الطلوعین و وقوف در شب را درک نکرده و معذور بوده، می‌تواند مقداری از طلوع خورشید تا ظهر روز عید را وقوف کند. حنبلیه؛ سنت است.

حنفیه؛ واجب است، ولی فرض نیست. اگر پس از طلوع فجر قبل از نماز فجر خارج شود، گناه کرده، چون تارک سنت است ولی تکلیفی ندارد.

شافعیه؛ همین که پس از نصف شب در مسیر عبور از عرفات به منا، در مشعر حضور پیدا کند ولو در حال مرور باشد، کافی است. مالکیه؛ نزول در مزدلفه برای غیر معذور لااقل به اندازه حطّ رحال و پایین گذاردن بار و پالان شتر در شب عید در مسیر عبور از عرفات به منا واجب است، ولی اگر معذور است

۱- مناسک محشی، ص ۳۹۶؛ جواهرالکلام، ج ۱۹، صص ۷۷-۶۹؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المذهب فقه شافعی، الکافی فی فقه اهل‌المدینه فقه مالکی، المصا‌درالفقهیه، ج ۱۱، صص ۱۰۴۴ و ۸۹۵، ج ۱۰، صص ۵۷ و ۵۶ و ۹۷ و ۵۰۱؛ فتاوی بن باز، ص ۱۱۸

ص: ۳۹۲

در حال عبور هم وقوف داشته باشد کافی است. (۱)

۱۰. شرایط وقوف در عرفات و مشعرالحرام

امامیه؛ در وقوف، نیت و علم معتبر است و کسی که به هیچ وجه قصد وقوف نداشته باشد مانند بی‌هوش و مغمی علیه وقوفش باطل است.

حنبلیه؛ در وقوف، نیت و علم معتبر نیست ولی باید مجنون، مست و بی‌هوش نباشد.

حنفیه؛ در وقوف، هیچ کدام از نیت، علم و عقل معتبر نیست و صرف حضور بدون نیت و بدون علم به این که اینجا سرزمین عرفات است و با حضور در حال جنون و بی‌هوشی و خواب، صحیح و کافی است.

شافعیه؛ علم و نیت شرط نیست، ولی اهلیت عبادت؛ یعنی عقل لازم است و توقف مجنون و بی‌هوش کفایت نمی‌کند.

مالکیه؛ قائل به تفصیل‌اند؛ اگر در حال عبور وقوف می‌کند علم و نیت معتبر است، ولی اگر توقف می‌کند، علم و نیت شرط نیست. در «الفقه علی المذاهب الخمسه» تفصیل مذکور از مالکیه مطرح نشده و به طور مطلق، اعتبار علم و نیت به آن‌ها نسبت داده شده است. (۲)

- ۱- مناسک محشی، ج ۱۱، صص ۴۰۰ و ۳۹۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۸۵-۳۸۳؛ المقنع و الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المذهب فقه شافعی، الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصاדר الفقهیه، ج ۱۱، صص ۱۰۴۴ و ۸۹۵ و ج ۱۰، ص ۵۶، ص ۵۰۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۲-۵۹۹؛ سراج السالک، ص ۱۸۰؛ الانتصار، ص ۲۳۲
- ۲- مناسک محشی، صص ۳۸۴-۳۶۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۸۱-۳۷۹؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۱۷۰

۱۱. نماز مغرب و عشا شب عید قربان و چگونگی آن

امامیه؛ مستحب است نماز مغرب و عشا را تا مزدلفه به تأخیر اندازد، اگرچه ثلث شب نیز بگذرد و دو نماز را با یک اذان و دو اقامه به صورت جمع بخواند و نوافل مغرب را پس از عشا به جا آورد و اگر از رسیدن به مزدلفه پیش از نصف شب ناتوان شد، نماز مغرب و عشا را بین راه به جا آورد و اما از جهت قصر و اتمام، وظیفه‌اش مانند عرفات است. حنبلیه؛ جمع میان نماز مغرب و عشا سنت است و اگر نماز مغرب را در مسیر مزدلفه به جا آورد، ترک سنت کرده، ولی مجزی است.

حنفیه؛ نماز مغرب و عشا را به صورت جمع باید در مزدلفه به جا آورد و چنانچه نماز مغرب را پیش از رسیدن به مزدلفه بخواند. اگر تا قبل از طلوع فجر به مزدلفه رسید، به نظر ابوحنیفه و اکثر حنفی‌ها باید اعاده کند، ولی اگر فجر طلوع می‌کند، جایز است قبل از مزدلفه به جا آورد.

شافعیه؛ جمع میان نماز مغرب و عشا با دو اقامه سنت است ولی اگر هر کدام را در وقت خود به جا آورد، کفایت می‌کند. مالکیه؛ اگر همراه امام است، سنت است نماز مغرب و عشا را با امام، با یک اذان و یک اقامه به صورت جمع بخواند ولی اگر تنها است، مغرب را در وقت خود و عشا را در وقت خود به جا آورد. همچنین سنت برای غیر اهل مزدلفه آن است که نماز عشا را شب عید به صورت قصر بخوانند. (۱)

۱- مناسک محشی، ص ۴۰۷؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۴؛ جامع‌الخلاف والوفاق، ص ۲۱۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی فی فقه اهل‌المدينه فقه مالکی، المذهب فقه شافعی؛ مختصرالمزنی فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۶۰۴؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، ص ۳۵۱؛ المصادرالفرقیه، ج ۱۰، صص ۹۷-۹۵ و ج ۱۰، ص ۵۰۰ و ج ۱۱، صص ۸۹۴ و ۸۲۲ و ج ۱۱، ص ۱۰۴۴؛ تذکره‌الفرقه، ج ۸، صص ۲۰۰-۱۹۴

۱۲. مستحبات و قوف در مزدلفه

مذاهب اسلامی؛ مستحب است: ۱. سنگ‌ریزه‌هایی را که در منا باید رمی کند، از مزدلفه گرد آورد ۲. شب عید قربان را به عبادت و دعا به سر برد و پس از نماز صبح مشغول ذکر و حمد و ثنای الهی شود ۳. کمی قبل از طلوع خورشید کوچ کند، به گونه‌ای که از وادی محسّر نگذرد ۴. هنگامی که به وادی محسّر رسید، با سرعت بیشتری حرکت کند. طبق مذهب امامیه، پیش از طلوع خورشید، آغاز به کوچ می‌کند، ولی نباید تا پیش از طلوع از سرزمین مشعرالحرام خارج شود. (۱) یادآوری:

طبق مذهب امامیه، برای وقوف در مزدلفه سه وقت است: ۱. شب عید برای معذورین (اضطراری لیلی) ۲. بین طلوع صبح تا طلوع خورشید (اختیاری) ۳. از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم (اضطراری نهاری) اما نظریات و فتاوی نقل شده از مذاهب چهارگانه اهل سنت در باب وقوف در مزدلفه به ویژه حنفیه و مالکیه مختلف است. در الفقه علی المذاهب الأربعة از حنفیه نقل می‌کند که بین الطلوعین، وقوف واجب نیست و وقوف در شب واجب است، ولی در کتب حنفیه وقوف بین الطلوعین، واجب شمرده شده است. همچنین در بعضی کتب مالکیه، مانند بدایه‌المجتهد، مطلقاً وقوف و بیتوته در مزدلفه را سنت شمرده‌اند. ولی در برخی کتب دیگر؛ مانند سراج السالک و الفقه علی المذاهب الأربعة، وقوف در مقداری از شب، واجب شمرده شده است. مرحوم سید مرتضی از فقهای امامیه در کتاب الانتصار می‌نویسد: «مما انفردت الامامیه به: القول بوجوب الوقوف به مشعرالحرام و أنه ركن من

۱- مناسک محشی، ص ۴۸؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، مختصر المزنی فقه شافعی، المذهب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۲۹۸، ج ۱۱، ص ۵۰۲ و ج ۱۱، صص ۸۹۴ و ۸۲۲ و ج ۱۱، ص ۱۰۴۴؛ جامع الخلاف والوافق، ص ۲۱۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۸۷ و ۳۸۶؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۲۰۲

ص: ۳۹۵

أركان الحج و جاری مجرى الوقوف بعرفة فى الوجوب و خالف باقى الفقهاء فى ذلك و لم يوجه أحد منهم.» جمع آرای اهل سنت و کلام سید مرتضی رحمه الله این است که وقوف اختیاری را هیچ کدام فرض نمی‌دانند و تنها حنفیه سنت مؤکد (واجب) می‌شمارند و اما وقوف اضطراری لیلی را به جز حنفیه، بقیه واجب شمرده‌اند. (۱)

مناسک منا

۱. مناسک واجب منا در عید قربان

مذاهب اسلامی؛ بر اساس آن چه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع انجام داده‌اند؛ سه عمل واجب، در روز عید قربان، در منا، باید انجام پذیرد:

۱. رمی جمره عقبه ۲. ذبح قربانی ۳. حلق یا تقصیر. (۲) یادآوری: انجام دهندگان حج افراد، متمتع و قرآن در رمی جمره عقبه و حلق یا تقصیر اشتراک دارند، ولی قربانی تنها بر متمتع و قارن واجب است و مفرد وظیفه‌ای ندارد.

۲. ترتیب اعمال عید قربان

امامیه؛ رعایت ترتیب بالا، در روز عید قربان واجب یا احتیاط واجب است، ولی اگر برخلاف ترتیب عمل شد، اعاده لازم نیست.

-
- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۲۰۹-۲۰۷؛ سراج السالک، شرح اسهل المسالک، ج ۱، ص ۱۸۰؛ الانتصار، ص ۲۳۲؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹
 - ۲- مناسک محشی، صص ۴۴۴-۴۰۸، بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۶۵۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۷؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۳۸۸ و ۳۸۷؛ الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ص ۵۲۵

ص: ۳۹۶

حنبلیه؛ رعایت ترتیب سنت است و اگر مراعات نشد، موجب کفاره نیست.
حنفیه؛ اگر پیش از قربانی یا رمی حلق کند، باید گوسفند کفاره دهد، ولی اگر پیش از رمی قربانی کند، کفاره ندارد.
شافعیه؛ رعایت ترتیب سنت است و کسی که مراعات نکند کفاره ندارد.
مالکیه؛ کسی که پیش از رمی حلق کند باید فدیة دهد، ولی اگر قبل از ذبح حلق کند یا قبل از رمی ذبح کند کفاره ندارد. (۱)

ویژگی‌شن‌ها

۱. جنس و اندازه شن‌ها (سنگ‌ریزه)

امامیه؛ باید ریگ باشد و به غیر ریگ؛ مانند کلوخ و خزف (سفال) صحیح نیست و از جهت اندازه باید مانند شن، ریز نباشد و زیاد بزرگ هم نباشد.
حنبلیه؛ رمی جمره به غیر حصاء و شن؛ مانند طلا و سنگ‌های گرانبها کافی نیست، همچنین رمی به شن خیلی ریز یا خیلی درشت کفایت نمی‌کند.
حنفیه؛ با چیزی که از جنس زمین باشد؛ مانند گل یا سنگ یا خاک که تیمم بر آن صحیح است، رمی جایز است و با غیر آن؛ مانند طلا و نقره و چوب و جواهرات کافی نیست.
شافعیه؛ رمی با غیر سنگ، مانند کلوخ یا سفال یا نمک یا آجر جایز نیست و مستحب است که سنگ به اندازه حصی الخذف (قدر دانه باقلا) باشد و بزرگتر از آن نباشد.

۱- مناسک محشی، صص ۴۵۱ و ۴۵۰؛ جواهرالکلام، ج ۱۹، صص ۲۵۱ و ۲۵۰؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۲۵؛ رسائل للحجاج و المعتمرین، صص ۱۳ و ۱۲؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۵۳؛ مغنی و الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، بدائع الصنائع فقه حنفی، مختصر المزنی فقه شافعی، القوانين الفقہیہ فقه مالکی؛ مصادر الفقہیہ، ج ۱۱، صص ۱۰۴۸-۱۰۴۵ و ۹۷۴ و ج ۱۰، ص ۱۰۳ و ج ۱۱، ص ۸۲۳

ص: ۳۹۷

مالکیه؛ رمی با غیر حجر؛ مانند کلوخ و سفال کافی نیست، همچنین باید بسیار ریز نباشد ولی رمی با سنگ یا سنگ بزرگ مجزی است اگرچه کراهت دارد. (۱)

شرایط رمی

۱. محل جمع آوری سنگریزه

امامیه؛ باید سنگریزه‌ها از حرم باشد، البته از مسجدالحرام یا مسجد خیف جایز نیست و مستحب است از مزدلفه برداشته شود. حنبلیه؛ از هر جا برداشته شود کافی است. حنفیه؛ شن‌ها را از هر جا می‌تواند جمع کند، ولی کراهت دارد از سنگ‌ریزه‌های کنار جمره بردارد. شافعیه؛ در فتاوی شافعیه، تصریحی نسبت به مکان جمع‌آوری شن‌ها یافت نشد، ولی در ظاهر آن‌ها هم مانند سایر مذاهب اهل سنت معتقدند: از هر جا باشد کافی است. مالکیه؛ سزاوار نیست از سنگ‌ریزه‌های مسجدالحرام باشد و مستحب است از مزدلفه برداشته شود و در غیر این صورت، از هر مکان طاهری می‌توان جمع کرد. یادآوری:

۱. امامیه در این فتوا که باید سنگ از حرم باشد منحصر هستند ۲. به نقل «فقه السنه»، از حنفیه، شافعی و احمد بن حنبل، رمی با سنگ گرفته شده از محل رمی جایز است ولی

۱- مناسک محشی، ص ۴۰۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۱ و ۶۰۰؛ وسائل الشیعه، ج ۵، ابواب رمی جمره العقبه، باب ۷، ج ۱، بدائع الصنائع فقه حنفی، المهدب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المصادر الفقهیة، ج ۱۰، ص ۱۰۱ و ص ۵۰۳ و ج ۱۱، ص ۸۹۶ و ۱۰۴۶، فقه السنه، ج ۱، صص ۵۲۹ و ۵۲۸؛ الدروس الشرعیة، ج ۱، ص ۴۳۳

ص: ۳۹۸

کراهت دارد. (۱)

۲. بکر بودن سنگریزه‌ها

امامیه؛ به نظر مشهور، باید سنگ‌ها بکر باشد و پیش‌تر برای رمی از آن‌ها استفاده نشده باشد. حنبلیه؛ استفاده از سنگی که دیگری رمی کرده، مجزی نیست. حنفیه؛ کراهت دارد از سنگ‌های کنار جمره برای رمی بردارد. شافعیه؛ کراهت دارد با سنگی که پیش‌تر رمی شده، رمی کند و سنت است با سنگ‌های جدیدی که تاکنون رمی نشده است، بزند. مالکیه؛ باید سنگ‌ها بکر و جدید باشد و چنانچه با سنگی که پیش‌تر با آن رمی شده، رمی کند، کافی نیست. (۲)

۳. مباح بودن حصاء

امامیه؛ باید سنگ‌ها مباح باشد. مذاهب چهارگانه؛ به این شرط تصریحی نشده است. (۳)

- ۱- مناسک محشی، ص ۴۰۹؛ جامع‌الخلافت و الوفاق، ص ۲۱۳؛ فقه السنه، ص ۵۲۹؛ المقنع فقه حنبلی، الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، الهدایه فقه حنبلی، المصاדרالفقهیه، ج ۱۰، ص ۲۷۳ و ص ۵۰۴ و ج ۱۱، ص ۹۷۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۲
- ۲- مناسک محشی، ص ۴۰۵؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۶؛ الروضه البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۲۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۱ و ۶۰۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۹
- ۳- مناسک محشی، ص ۴۱۰؛ تذکره الفقها، ج ۸، صص ۲۱۹-۲۱۳

ص: ۳۹۹

واجبات رمی

امامیه؛ نیت، با قصد خالص و بدون ریا.

در منابع فقهی اهل سنت به لزوم نیت خالصانه به عنوان یکی از واجبات رمی اشاره‌ای نشده است. (۱)

۱. پرتاب کردن

پرتاب کردن و انداختن، از مقومات معنا و مفهوم رمی است که در فقه امامیه به وجوب آن تصریح شده و در فقه مذاهب اربعه اهل سنت نیز مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. (۲)

۲. اصابت به جمره

برخورد و رسیدن سنگ‌ها به جمره از واجبات رمی است که در فقه امامیه و فقه مذاهب چهارگانه مورد تأیید و تأکید است. (۳) یادآوری (۱):

اهل سنت در جوامع روایی خود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده‌اند که با سنگی مانند حصی الخذف (بالذال) رمی شود. «خذف» در لغت به معنای رمی و انداختن است و حصی الخذف به معنای سنگریزه مناسب برای پرتاب خواهد بود. از این رو، حصی الخذف را به اندازه باقلا، کوچکتر از فندق و بزرگتر از نخود تفسیر کرده‌اند. به جز حنبلیه، سایر

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۸، مناسک محشی، ص ۴۱۱؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۵۹ و ۲۵۸؛ مناسک محشی، ص ۴۱۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المصاדר الفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۰۴ و ص ۵۷

۳- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۹؛ مناسک محشی، ص ۴۱۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹؛ المدونه فقه مالکی، المصاדר الفقهیه، ج ۱۰، ص ۳۹۹

ص: ۴۰۰

مذاهب اهل سنت رعایت این اندازه را مستحب شمرده‌اند. البته شهید اول در کتاب دروس «الرمی حَذْفًا» را مستحب می‌شمرد و آن را تفسیر می‌کند: به گذاشتن ریگ بر باطن انگشت ابهام و پرتاب آن با ناخن انگشت سَبَّابه، در منابع روایی شیعه نیز وارد است: «حصی الجمار یكون مثل الأنملة تخذفهنَّ حَذْفًا و تضعها علی الابهام و تدفعها بظفر السَّبَّابه» و نظر شهید اول ناظر به همین روایت است. مشهور فقها نیز به این روایت فتوا داده‌اند.

یادآوری (۲):

در مورد معنای لغوی و اصطلاحی «جمره» توجه به این توضیح اهل لغت لازم است. «الجمرة الحصاء و أما موضع الجمار بمنی فسمی جمرة لأنها ترمی بالجمار و قيل: لأنها مجمع الحصی التي ترمی بها، من الجمرة و هی اجتماع القبلیة علی من ناوأها». همچنین فیومی گوید: «جمرة النار القطعة الملتهبة، جمع الجمرة جمرات و منه جمرات العرب واحدها جمرة و هی الطائفة تجتمع علی حدة لقوتها و شدّة بأسها و جمرة المرأة شعرها جمعت و عقدته فی قفاها و کلّ شیء جمعتة فقد جمرته و منه الجمرة و هی مجتمع الحصی بمنی فکلّ کومة من الحصی جمرة». (۱)

۳. تعداد سنگ‌ها

مذاهب اسلامی؛ سنگ‌هایی که به هر جمره باید برخورد کند، باید به هفت عدد برسد. بنابراین، در روز عید قربان هفت سنگ به جمره عقبه می‌زند و روز یازدهم نیز هفت سنگ به جمره اولی، هفت سنگ به جمره وسطی و هفت سنگ به جمره عقبه؛ که ۲۱ سنگ می‌شود و همین تعداد را در روز دوازدهم نیز تکرار می‌کند، این که باید به هر جمره‌ای هفت سنگ بزند؛ از جمله مسائل مورد اتفاق مذاهب اسلامی است، اگرچه از احمد بن حنبل نقل

۱- لسان العرب، ج ۲، ص ۳۵۱؛ مصباح المنیر، ج ۱، ص ۱۳۳

ص: ۴۰۱

است که وی، پنج سنگ را نیز کافی شمرده است. (۱)

۴. پشت سر هم انداختن

مذاهب اسلامی؛ باید سنگ‌ها را به تدریج و یکی پس از دیگری پرتاب کند و چنانچه همه را با هم بیندازد، کافی نیست و یک بار محسوب می‌شود. (۲)

۵. زمان رمی جمره عقبه

امامیه؛ از طلوع آفتاب تا غروب آن، وقت رمی جمره عقبه در روز عید قربان است، ولی کسانی که از رمی در روز معذورند، می‌توانند شب انجام دهند. زنان که شب عید در مشعر وقوف اضطراری می‌کنند و وارد منا می‌شوند، می‌توانند همان شب عید رمی کنند.

حنبلیه؛ پس از طلوع خورشید، رمی جمره عقبه مستحب است، ولی اول وقت رمی، بعد از نیمه شب است و اگر رمی را تا شب به تأخیر اندازد، تکلیفی ندارد و کفاره بر عهده او نیست.

حنفیه؛ پس از طلوع خورشید، رمی جمره عقبه مستحب است، ولی زمان مجاز آن از فجر روز عید تا غروب آن است. شافعیه؛ رمی پس از طلوع خورشید مستحب است، ولی اگر پس از نصف شب عید نیز رمی کند کافی است و چنانچه تا غروب رمی نکند و شب یا روز بعد رمی کند، تکلیفی ندارد و کفاره بر عهده او نیست.

- ۱- مناسک محشی، ص ۴۱۲، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۰۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۰؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی؛ المصادر الفقهيه، ج ۱۹، ص ۱۰۵۲
- ۲- مناسک محشی، ص ۴۱۲؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۰۹؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المدونه فقه مالکی، المصادر الفقهيه، ج ۱۱، ص ۳۹۹

ص: ۴۰۲

مالکیه؛ از طلوع خورشید تا ظهر مستحب است، ولی از طلوع فجر تا ظهر، وقت رمی است و تأخیر بعد از ظهر جز برای بیماران یا کسی که فراموش کرده جایز نیست، ولی اگر تا غروب رمی کرد، کفاره واجب نیست، اما اگر شب یا روز بعد رمی کرد، باید کفاره دهد.

چهار مذهب اهل سنت رمی پس از طلوع خورشید تا ظهر را مستحب شمرده‌اند. این استحباب در فقه امامیه ثابت نیست. (۱)

۶. مستحبات و سنن رمی جمره عقبه

امامیه؛ ۱. طهارت رمی کننده ۲. تکبیر گفتن هنگام پرتاب هر سنگ ۳. خواندن دعاها یا مأثور ۴. با جمره عقبه ده یا پانزده ذراع فاصله داشتن ۵. پشت به قبله رمی کردن در جمره عقبه ۶. نهادن سنگ بر انگشت ابهام و با ناخن سبابه پرت کردن (خذف).
حنبلیه؛ ۱. رمی از طلوع خورشید تا ظهر ۲. تکبیر گفتن ۳. رو به قبله رمی کردن ۴. توقف نکردن کنار جمره عقبه پس از رمی.
حنفیه؛ ۱. رمی از طلوع خورشید تا ظهر ۲. پرتاب با سر انگشتان ۳. گفتن تکبیر یا هر ذکر دیگر هنگام پرتاب ۴. توقف نکردن کنار جمره عقبه پس از رمی ۵. پنج ذراع با جمره فاصله داشتن.
شافعیه؛ ۱. رمی از طلوع خورشید تا ظهر ۲. تکبیر گفتن هنگام پرتاب ۳. غسل کردن برای رمی ۴. توقف نکردن کنار جمره عقبه پس از رمی.
مالکیه؛ ۱. تکبیر گفتن هنگام پرتاب سنگ ۲. رو به قبله رمی کردن ۳. اگر با سنگ نجس رمی کرد، با سنگ پاک آن را اعاده کند برخی از مالکیه گویند: رمی با سنگ نجس گناه است، ولی مجزی است.

۱- مناسک محشی، صص ۴۱۵ و ۴۹۸؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی فی فقه اهل المدینه، فقه مالکی، ص ۵۰۲؛ المذهب فقه شافعی، ص ۸۹۶؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیة، ج ۱۰، صص ۵۸ و ۵۰۲؛ و ج ۱۱، ص ۸۹۲ و ص ۷۶۶؛ بدایة‌المجتهد، ج ۱، ص ۳۵۲

ص: ۴۰۳

چنانکه پیش‌تر گذشت، فقهای اهل سنت تکرار تلبیه را تا رمی جمره عقبه مستحب می‌شمردند و معتقدند وقتی آغاز به رمی جمره کرد، تلبیه را قطع کند. البته مالک این را جایز می‌داند ولیکن خودش طبق روایتی که از علی علیه السلام نقل شده، می‌گوید: ظهر عرفه تلبیه را قطع کند. (۱)

قربانی و احکام آن

۱. ذبح

مذاهب اسلامی؛ متمتع، اگر اهل مکه نیست، بر او واجب است پس از رمی جمره عقبه، قربانی کند. به فتوای امامیه اگر اهل مکه هم هست، باید قربانی کند و تفاوتی میان مکی و غیر مکی نیست و اما در فتوای اهل سنت بر متمتع مکی، قربانی واجب نیست، به نظر تمامی مذاهب اسلامی قربانی باید، شتر یا گاو یا گوسفند باشد و ذبح شتر افضل از ذبح گاو و ذبح گاو افضل از ذبح گوسفند است. (۲)

۱- مناسک محشی، صص ۴۱۶-۴۱۴، شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۵-۵۹۹؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۳؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی صص ۱۰۴۶ و ۱۰۴۵؛ بدایة الصنائع فقه حنفی، ص ۱۰۱؛ المذهب فقه شافعی، ص ۸۰۱؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی ص ۵۰۲؛ المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۱۰۱ و ص ۵۰۲ و ج ۱۱، ص ۸۹۱

۲- مناسک محشی، ص ۴۱۶؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۵۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹۵؛ جامع الخلاف والوفاق، صص ۲۱۷-۲۱۵؛ بدائع الصنائع فقه حنفی؛ بدایة المجتهد فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۱۳۳ و ۱۳۲ و ۶۰۰-۵۹۸؛ المقنع فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۹۷۷

ص: ۴۰۴

۲. سنّ قربانی

مذاهب اسلامی؛ اگر قربانی شتر، گاو یا بز است، باید ثنی باشد. ثنی در شتر، زمانی است که از نظر سن، سال پنجم را تمام و داخل در سال ششم شده باشد و ثنی در گاو و بز وقتی است که داخل در سال دوم شده باشد. در تفسیر ثنی برخی از امامیه احتیاط واجب می‌کنند که کمتر از دو سال نباشد و داخل در سال سوم شده باشد و اما اگر ضأن (میش) است، کافی است که جَذَع باشد. و در تفسیر جَذَع، عده‌ای آن را به هفت ماهگی تفسیر کرده‌اند و برخی از امامیه هم احتیاط واجب می‌کنند که کمتر از یک سال نباشد.

(۱)

۳. صفت و ویژگی‌های قربانی

مذاهب اسلامی؛ در بسیاری از صفات و ویژگی‌های قربانی، اتفاق نظریه دارند؛ مانند این که ناقص (کور یا لنگ) نباشد؛ به گونه‌ای که کوری و لنگی او واضح باشد، همچنین مریض یا لاغر نباشد. (۲)

۴. تعداد قربانی

امامیه؛ هر نفر باید حداقل یک حیوان قربانی کند؛ شتر باشد یا گاو یا گوسفند و شرکت چند نفر در یک قربانی مجزی نیست.

۱- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۰؛ الروضة البهیه و شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۳۰؛ بدایه المجتهد، ج ۱، ص ۳۷۵؛ مناسک محشی، ص ۴۱۷؛ عمدة الفقه فقه حنبلی، المقنع لابن قدامه و الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المختصر فقه حنفی، بدائع الصنائع فقه حنفی، مختصر المزنی فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، ص ۹۵۶؛ ص ۹۷۷ و صص ۱۰۶۷-۱۰۶۲ و ج ۱۰، ص ۱۴ و صص ۱۳۷-۱۳۳ و ج ۱۱، ص ۸۳۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۷

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، صص ۲۶۱ و ۲۶۰؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، صص ۵۳۰ و ۵۳۱؛ مناسک محشی، صص ۴۱۸ و ۴۱۷؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۷؛ المقنع لابن قدامه فقه حنبلی و المختصر فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۹۷۷ و ۹۷۶ و ج ۱۰، صص ۱۴ و ۱۳

ص: ۴۰۵

مذاهب چهارگانه؛ میان گوسفند با شتر و گاو تفاوت وجود دارد؛ اگر گوسفند قربانی می‌کند، تنها برای یک نفر کافی است ولی شتر و گاو برای هفت نفر کفایت می‌کند و اگر هر نفر حداقل یک هفتم از شتر یا گاو را سهیم شود، مجزی است به نظر حنفی‌ها باید تمامی شرکا قصد قربت داشته باشند و به فتوای سایر مذاهب، ولو برخی از شرکا قصدشان گوشت است و قصد قربت ندارند کفایت می‌کند. (۱) یادآوری:

مذاهب اسلامی از جهت حداکثر قربانی اتفاق نظر دارند که هر چه بیشتر ذبح کند افضل است و در روایات فریقین نقل شده که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حَجَّةُ الْوَدَاعِ، یک صد شتر قربانی کردند، بنابر نقل روایات شیعی از این تعداد، سی و چهار شتر برای حضرت امیر علیه السلام بود و بقیه برای خودش.

۵. بدل قربانی

مذاهب اسلامی؛ به تصریح قرآن کریم، اگر از قربانی کردن ناتوان شد، باید به جای آن، سه روز در حج و هفت روز پس از مراجعت از حج، روزه بگیرد. «فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ...» (بقره: ۱۹۶) (۲)

۱- الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، ج ۱، ص ۵۳۴؛ مناسک محشی، صص ۴۱۶ و ۴۲۰؛ الفقه السنه، ج ۱، ص ۳۷۵؛ مناسک محشی، ص ۴۱۷؛ عمدة الفقه فقه حنبلی المقنع لابن قدامه و الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المختصر فقه حنفی، بدائع الصنائع فقه حنفی، مختصر المزنی فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۹۵۶ و ۹۷۷ و ۱۰۶۷-۱۰۶۲ و ج ۱۰، ص ۱۴ و صص ۱۳۷-۱۳۳ و ج ۱۱، ص ۸۳۲؛ لقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۷

۲- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۶۲؛ الروضة البهیه، ج ۱، ص ۵۳۳؛ مناسک محشی، ص ۴۲۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۴۰۰؛ رسائل للحجاج والمعتزمین، ص ۱۲

۶. مکان ذبح

امامیه؛ ذبح باید در منا انجام گیرد و در صورت عدم امکان، ذبح در خارج منا اشکال ندارد. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ ذبح باید در حرم باشد و در غیر آن مجزی نیست ولی افضل و سنت آن است که عمره گزار در مکه، نزدیک مروه و حج گزار در منا قربانی کند. مالکیه؛ واجب است در منا قربانی کند ولی سه شرط دارد:

۱. قربانی در احرام حج سوق داده شده باشد ۲. خودش یا نایبش قربانی را شب عید قربان در عرفه یا در غیر عرفه و در حلّ وقوف داده باشد ۳. تصمیم داشته باشد روز عید قربان و دو روز پس از آن قربانی را ذبح کند. با وجود این سه شرط باید در منا قربانی کند و اگر در مکه قربانی کرد مجزی است ولی گناهکار است.
- طبق نظر مالکیه، اگر قربانی را در احرام عمره سوق دهد، یا آن را شب عید در عرفه وقوف ندهد یا تصمیم دارد پس از ایام نحر آن را قربانی کند، در این حالات که شرایط سه گانه منتفی است، باید قربانی را در مکه ذبح کند و در غیر آن مجزی نیست. (۱)

۷. زمان ذبح

امامیه؛ پس از رمی جمره عقبه، در روز عید قربان، باید قربانی کند و فقها در جواز تأخیر آن از روز عید قربان، اختلاف فتوا دارند. احتیاط (وجوبی با استحبابی) در عدم تأخیر است. حنبلیه؛ ایام نحر روز عید و دو روز پس از آن است و ذبح قبل از این ایام جایز و مجزی نیست.

۱- مناسک محشی، ص ۴۳۲؛ الروضة البهیة، ج ۱، ص ۵۳۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۲۸ و ۶۲۷؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۹۹

ص: ۴۰۷

حنفیه؛ ذبح هدی قران و تمتع باید در سه روز، (عید قربان و دو روز پس از آن)، پس از رمی جمره عقبه باشد. اما قربانی قران و تمتع زمان خاصی ندارد.

شافعیه؛ تمتع، پس از احرام عمره، هر وقت بخواهد می‌تواند قربانی کند و از جهت پایان، زمان خاصی ندارد، ولی افضل ذبح روز عید است.

مالکیه؛ ایام نحر سه روز است: عید قربان و دو روز بعد از آن و مستحب است پس از رمی جمره عقبه باشد.

یادآوری:

سه مذهب حنبلی، حنفی و مالکی اشتراک فتوا دارند که زمان ذبح قربانی تمتع، عید قربان و دو روز بعد از آن است. (۱)

احکام حلق یا تقصیر در حج

۱. وجوب حلق یا تقصیر

مذاهب اسلامی؛ مُحرم پس از ذبح قربانی، باید حلق یا تقصیر کند، بر زنان مُحرم واجب است تقصیر کنند ولی مردان مُحرم (به استثنای برخی از طوایف) میان حلق یا تقصیر مخیرند، اگرچه حلق افضل است. چگونگی حلق یا تقصیر و مقدار واجب از آن پیش‌تر در مباحث تقصیر در عمره تمتع گذشت.

یادآوری:

به نظر فقهای امامیه، مرد مُحرمی که سال اول حج او (سروره) است، به احتیاط (واجب

۱- مناسک محشی، صص ۴۲۱ و ۴۲۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة چاپ ۱۴۲۴ ق؛ ج ۱، صص ۵۸۸-۵۸۷؛ تذکره الفقهاء، ج ۸،

ص: ۴۰۸

یا مستحب) باید حلق کند. (۱)

۲. زمان حلق یا تقصیر

امامیه؛ به احتیاط واجب یا مستحب مُحرم باید در روز عید حلق کند و آن را به تأخیر نیندازد.
 حنبلیه؛ تأخیر حلق از ایام نحر جایز است.
 حنفیه؛ حلق باید در ایام نحر باشد و در صورت تأخیر از آن، باید گوسفند کفاره دهد.
 شافعیه؛ تأخیر حلق از ایام نحر جایز است.
 مالکیه؛ حلق باید در ایام نحر انجام گیرد. (۲)

۳. مکان حلق یا تقصیر

امامیه؛ محل حلق و تقصیر منا است و اختیاراً حلق و تقصیر در غیر منا جایز نیست.
 مذاهب چهارگانه؛ در مورد مکان حلق و تقصیر، منا را شرط نمی‌دانند و معتقدند همین که در حرم باشد کفایت می‌کند.
 (۳) یادآوری:
 به نظر امامیه، اگر مُحرم از منا بدون حلق و تقصیر بیرون رفت، برای انجام حلق یا تقصیر باید به منا برگردد و چنانچه امکان بازگشت نبود، باید در همان جا حلق یا تقصیر کند

۱- مناسک محشی، صص ۴۴۶ و ۴۴۵؛ المقنع لابن قدامه (فقه حنبلی)، بدائع الصنائع (فقه حنفی)، المذهب (فقه شافعی)، الکافی (فقه مالکی)، المصاادر الفقهی، ج ۱۱، ص ۹۷۴ و ص ۸۹۹ و ج ۱۰، صص ۶۶ و ۶۵ و ص ۵۰۳، فقه السنه، ج ۱، صص ۵۴۰ و ۵۳۹

۲- مناسک محشی، ص ۴۴۷؛ الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۱، صص ۵۶۱-۵۳۹؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصاادر الفقهی، ج ۱۰، ص ۶۷

۳- مناسک محشی، ص ۴۴۹، مختلف الشیعه، ج ۴، ص ۳۰۳؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۴۰؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۴

ص: ۴۰۹

و موی خود را به منا بفرستد.

۴. وظیفه مردان بدون مو (اگر حلق برای آن‌ها متعین باشد)

حنبلیه؛ مستحب است تیغ را بر سر بکشند.

حنفیه؛ واجب است تیغ را بر سر بکشد.

شافعیه و مالکیه؛ مستحب است تیغ را بر سر بکشند. (۱)

۵. مستحبات حلق

امامیه؛ ۱. از جانب راست جلوی سر، آغاز کند ۲. دعای مأثور را بخواند ۳. موی سر خود را در منا دفن کند. عده‌ای از فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت نیز نقل کرده‌اند که مستحب است از سمت راست سر آغاز به تراشیدن کند؛ چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین کردند. همچنین گفته‌اند: رو به قبله بنشیند و تکبیر بگوید و پس از پایان یافتن حلق، دو رکعت نماز به جا آورد.

یادآوری:

دعای مأثور در زمان حلق با سند صحیح از امام باقر علیه السلام چنین است: «اللَّهُمَّ أَعْظِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (۲)

۶. خروج از احرام حج

امامیه و مالکیه؛ با انجام حلق یا تقصیر، تمامی محرمات احرام حلال می‌شوند، جز بوی خوش و زن. مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ با حلق یا تقصیر تمامی محرمات احرام حتی بوی

۱- مناسک محشی، ص ۴۴۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۴۵۴

۲- مناسک محشی، ص ۴۶۱ و ص ۴۶۵؛ تذکره الفقه، ج ۸، ص ۳۳۶؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۴۰

ص: ۴۱۰

خوش حلال می‌شود و تنها حرمت زن باقی می‌ماند. به نظر شافعی، حرمت زن پس از حلق یا تقصیر اختصاص به وطی در فرج دارد و اما سایر تمتعات و لذات با حلق یا تقصیر حلال می‌شود. یادآوری:

حرمت صید در حرم، چون اختصاص به مُحرَم ندارد، پس از حلق یا تقصیر همچنان باقی می‌ماند. (۱)

۷. مراحل تحلل از احرار

امامیه؛ خروج از احرام حج، در سه مرحله انجام می‌گیرد: ۱. پس از حلق یا تقصیر به جز زن و بوی خوش سایر محرمات احرام حلال می‌شود. ۲. با انجام طواف زیارت و نماز آن و سعی، بوی خوش حلال می‌شود. ۳. با انجام طواف نساء و نماز آن، زنان بر او حلال می‌شوند.

مذاهب چهارگانه؛ تحلل از احرام در دو مرحله انجام می‌گیرد. به نظر حنبلیه، حنفیه و شافعیه آن دو مرحله عبارت‌اند از: ۱. پس از حلق یا تقصیر به جز زن، تمامی محرمات احرام حلال می‌شوند. ۲. پس از طواف زیارت، زن نیز حلال می‌شود. مالکیه؛ دو مرحله تحلل به نظر مالکیه عبارت‌اند از: ۱. پس از حلق یا تقصیر، به جز بوی خوش و زن، دیگر محرمات حلال می‌شود. ۲. پس از طواف زیارت، بوی خوش و زن نیز حلال می‌شود.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۴؛ مناسک محشی، ص ۴۵۰؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۵۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۳۷۴؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المقنع لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۶۸ و ۶۴ و ج ۱۱، ص ۶۷۴؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۲۷

ص: ۴۱۱

یادآوری:

برخی از حنفیه از قول شافعی نقل کرده‌اند که حلق یا تقصیر واجب نیست و با رمی جمره عقبه، تحلل از احرام حاصل می‌شود؛ چنانکه با سعی صفا و مروه تحلل از احرام عمره حاصل می‌گردد. (۱)

اهمّ مستحبات منا

۱. خطبه روز عید قربان

امامیه؛ برای امام مستحب است پس از نماز ظهر روز عید قربان در منا خطبه بخواند و مناسک حج را به آن‌ها بیاموزد. چنانکه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت امیر علیه السلام چنین کردند. حنبلیه؛ خواندن خطبه روز عید برای امام در منا مستحب است. حنفیه؛ در روز عید خطبه ثابت نیست. شافعیه؛ خطبه روز عید برای امام در منا مستحب است. مالکیه؛ در روز عید خطبه ثابت نیست. یادآوری:

برخی از محدثان و سیره‌نویسان گفته‌اند: در روز عید خطبه وجود داشته است، ولی امیران به خاطر مشغله کاری خود، آن را به تأخیر انداخته‌اند. (۲)

۱- همان

۲- الخلاص، ج ۱، صص ۴۵۹ و ۴۵۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۴۳ و ۳۴۲؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی و الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی و المذهب فقه شافعی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۵۳۴ و ۵۳۳؛ ج ۱۱، ص ۸۹۹ و ص ۱۰۴۹

۲. کوچ از منا در روز عید

مذاهب اسلامی؛ مستحب یا افضل آن است که در روز عید قربان، پس از مناسک عید، حجاج از منا افاضه و به سوی مکه برای انجام طواف زیارت کوچ کنند. هر چند جایز است آن را به تأخیر اندازند. (۱)

۳. تکبیرهای روز عید

در منابع فقهی امامیه آمده است: از نماز ظهر روز عید تکبیرهای مخصوص عید قربان را آغاز کند و آن تکبیرها را در منا بعد از پانزده نماز تکرار کند. این تکبیرها را برخی مانند سید مرتضی، بر اساس آیه «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ» (بقره: ۱۸۵) و برخی از روایات واجب شمرده‌اند. این تکبیرها عبارت‌اند از: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا هَدَانَا. اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَىٰ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَىٰ مَا أَلَانَا»؛ فقهای اهل سنت نیز پس از نمازهای واجب ایام عید، گفتن تکبیر را مطرح کرده‌اند. شافعی‌ها و حنبلی‌ها آن را سنت می‌دانند، اما حنفی‌ها آن را واجب و مالکی‌ها مندوب می‌شمرند. اهل سنت به این تکبیر، تکبیر تشریق می‌گویند، اما از نظر صیغه، تکبیر اهل سنت اندکی با صیغه تکبیر نزد امامیه متفاوت است. اکثر اهل سنت این صیغه را چنین نقل کرده‌اند: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَ لِلَّهِ الْحَمْدُ». مادام که در منا اقامت دارد، نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف، به ویژه در جایی که مصلاهی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده است، به جا آورد. (۲)

-
- ۱- مناسک محشی، ص ۴۶۲؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۵۰-۳۴۷؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۴۱؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، ص ۴۷؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، ص ۱۰۴۸؛ المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۴۷ و ج ۱۱، ص ۱۰۴۸
 - ۲- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۷۰ و ۳۶۹؛ و ص ۳۷۵، مناسک محشی، صص ۵۰۶ و ۵۰۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۳۲۴ و ۳۲۳

ص: ۴۱۵

۱۰. اعمال بعد از منا**۱۱. مناسک ایام تشریق****واجبات بعد از اعمال منا****۱. طواف زیارت**

مذاهب اسلامی؛ پس از مناسک منا در روز عید قربان، انجام طواف زیارت، از واجبات و ارکان حج است. طبق یک نظریه، آیه کریمه «وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ» (حج: ۲۹) بر این طواف تطبیق شده است. طواف زیارت از جهت شرایط و واجبات و کیفیت، حتی آداب و مستحبات، به جز نیت، با طواف عمره تمتع تفاوت ندارد و نظریات مربوط به مذاهب مختلف اسلامی که در طواف عمره تمتع گذشت، در اینجا نیز مطرح می‌شود. (۱)

۲. نماز طواف زیارت

امامیه؛ نماز طواف از واجبات حج است و پشت مقام ابراهیم گزارده می‌شود.

حنبلیه؛ سنت است.

حنفیه؛ سنت مؤکد (واجب) است.

شافعیه؛ سنت است و نافله یا فریضه‌ای دیگر کفایت از آن می‌کند.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۴۷؛ مناسک محشی، صص ۴۶۳ و ۴۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۴۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱،

ص ۵۸۹؛ الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۱، ص ۵۴۳؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۵۷

ص: ۴۱۶

مالکیه؛ واجب است، ولی گزاردن آن پشت مقام ابراهیم مستحب است. یادآوری:

نماز طواف زیارت مانند نماز طواف عمره تمتع است، جز در نیت. (۱)

۳. سعی میان صفا و مروه

مذاهب اسلامی؛ چنانکه پیش‌تر گذشت به نظر مذاهب اسلامی، کسی که حج تمتع به جا می‌آورد، پس از طواف زیارت، باید سعی صفا و مروه انجام دهد، ولی به نظر اهل سنت کسی که حج افراد یا قرآن به جا می‌آورد، چنانکه بعد از طواف قدوم سعی کرده است، سعی دیگری بر او واجب نیست و در غیر این صورت، او نیز مانند متمتع پس از طواف زیارت سعی به جا می‌آورد، این سعی از جهت کیفیت و شرایط و واجبات و مستحبات نظیر سعی در عمره تمتع است. (۲)

۴. تحلل دوم از احرام

امامیه؛ پس از طواف زیارت و نماز آن و سعی صفا و مروه، بوی خوش بر حجاج حلال می‌شود. مذاهب چهارگانه؛ پیش‌تر گذشت که به اتفاق مذاهب چهارگانه اهل سنت، پس از طواف زیارت، تمامی محرمات احرام، حتی زن بر محرم حلال می‌شود.

- ۱- الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۵۷؛ مناسک محشی، ص ۴۶۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۹۴-۵۹۰
- ۲- مناسک محشی، ص ۴۶۲؛ فقه السنه ج ۱، ص ۵۴۷؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، ص ۴۵۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، ص ۵۹۶

ص: ۴۱۷

۵. طواف نساء و نماز آن

امامیه؛ طواف نساء از واجبات حج و عمره است و بر تمام حجاج و معتمران به عمره مفرده؛ اعم از مرد، زن، بالغ و غیر بالغ، واجب است که در پایان مناسک آن را انجام دهند.

طواف نساء و نماز آن، با سایر طواف‌ها و نمازهای آن‌ها، جز در نیت تفاوتی ندارد.

مذاهب چهارگانه؛ در انکار طواف نساء و نماز آن وحدت دارند. (۱)

۶. تحلل سوم از احرام

امامیه؛ پس از طواف نساء و نماز آن، زن نیز بر مُحرم حلال می‌شود و به این صورت تمامی آنچه بر اثر احرام، حرام شده بود، حلال می‌گردد، جز صید که حرمت آن بر اثر احرام نیست و امری کلی است.

مذاهب چهارگانه؛ تحلل سوم بی‌مفهوم است. (۲)

مناسک ایام تشریق**۱. بیتوته شب یازدهم و دوازدهم در منا**

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ واجب است.

حنفیه؛ سنت است و ترک آن کراهت دارد. (۳)

۱- مناسک محشی، صص ۴۶۶-۴۶۲؛ الدروس الشرعیه، ج ۱، صص ۴۵-۴۵۸؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۵۴ و ۳۵۳

۲- همان

۳- شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۵؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۵۶ و ۳۵۵؛ مناسک محشی، صص ۴۷۹ و ۴۷۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۳-۵۹۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳۵ و ۵۳۴؛ الهدایه فقه حنفی، المصاדר الفقهیه، ج ۱۰، ص ۲۷۸

ص: ۴۱۸

یادآوری:

نقل است که خلیفه دوم ترک کنندگان بیتوته را ادب می‌کرد. توجه به این گونه قضایا از این جهت اهمیت دارد که می‌تواند ابعاد سیاسی مناسک حج را آشکار کند.

۲. کفاره ترک بیتوته

امامیه؛ برای هر شب یک گوسفند کفاره دهد.

حنبلیه؛ برای هر شب یک مد طعام دهد و اگر هر سه شب را ترک کرد، طبق برخی روایات از احمد بن حنبل یک گوسفند دهد.

حنفیه؛ چیزی بر او نیست و تکلیفی ندارد.

شافعیه؛ اگر هر سه شب را ترک کند باید یک گوسفند کفاره دهد.

مالکیه؛ برای هر شب یک گوسفند کفاره دهد.

یادآوری:

در مذهب شافعی برای کفاره ترک بیتوته یک شب، سه نظر وجود دارد. (۱)

۳. عبادت در مکه به جای بیتوته در منا

امامیه؛ کسی که شب را در مکه بیدار باشد و تا صبح به عبادت مشغول شود می‌تواند بیتوته را ترک کند.

مذاهب چهارگانه؛ از حکم بیتوته در منا، این مورد را استثنا نکرده‌اند و در نتیجه استثنای مذکور از مختصات مذهب امامیه است.

(۲)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۵۷ و ۳۵۶؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۰۶ و ۴۰۵؛ مناسک محشی، صص ۴۸۲ و

۴۸۱؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المذهب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۵۰۳ و

ج ۱۱، صص ۹۰۳ و ۱۰۵۱

۲- مناسک محشی، صص ۴۸۰ و ۴۷۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۰۶؛ فقه السنه، ج ۱۰، صص ۵۳۵ و ۵۳۴؛ الخلاف،

ج ۱، صص ۴۶۲ و ۴۶۱؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۵۹ و ۳۵۸

ص: ۴۱۹

۴. حکم معذورین از بیتوته

مذاهب اسلامی؛ کسانی که عذری دارند، می‌توانند بیتوته در منا را ترک کنند.

یادآوری:

مذاهب چهارگانه اهل سنت، سقایان و چوپانان را از معذورین می‌شمردند، ولی برخی از فقهای امامیه در این استثنا تأمل دارند.

رمی ایام تشریق**۱. رمی جمرات سه‌گانه در روزهای یازدهم و دوازدهم**

مذاهب اسلامی؛ بر حجاج واجب است که روزهای یازدهم و دوازدهم، سه جمره اولی، وسطی و عقبه را رمی کنند و به هر یک از آنها هفت سنگریزه بیندازند. شرایط سنگریزه‌ها و چگونگی رمی و مستحبات آن از دیدگاه مذاهب مختلف، در بحث رمی جمره عقبه گذشت. (۱) یادآوری:

به روزهای یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی حجه «ایام تشریق» می‌گویند؛ به این دلیل که عرب‌ها گوشت‌های قربانی را در این سه روز خشک می‌کردند. (۲)

۲. ترتیب در رمی جمرات سه‌گانه

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ واجب است.

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۶۰ و ۳۵۹؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳۳-۵۳۰؛ مناسک محشی، ص ۴۹۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹

۲- فرهنگ فارسی عمید، ج ۱، ص ۶۸۷

ص: ۴۲۰

حنفیه؛ سنت است. (۱)

۳. زمان رمی جمرات سه‌گانه، روزهای یازدهم و دوازدهم

امامیه؛ وقت رمی، از اول طلوع آفتاب تا غروب آن است و رمی در شب جایز نیست.

مذاهب چهارگانه؛ از ظهر تا غروب، وقت رمی است و قبل از ظهر، رمی جایز نیست. (۲) یادآوری:

درسنامه در آمدی بر فقه مقارن ؛ ؛ ص ۴۲۰

خ طوسی (از فقهای امامیه) در کتاب خلاف، در مورد زمان رمی، قول فقهای اهل سنت که یازدهم و دوازدهم ذی حجه است، را

اختیار می‌کند. (۳)

۴. کوچ از منا در روز دوازدهم (نفر اول)

طبق آیه شریفه «وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَى» (بقره: ۲۰۲) به نظر مذاهب اسلامی پس از رمی جمرات، بعد از ظهر روز دوازدهم حاجیان می‌توانند از منا کوچ کنند و نفر قبل از ظهر جایز نیست؛ به این نفر، نفر اول گویند. از حکم جواز نفر اول چند گروه استثنا شده‌اند که در مسأله بعدی مطرح خواهد شد. (۴)

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۶۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳۴-۵۳۳؛ مناسک محشی، ص ۴۹۱؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۳-۵۹۹

۲- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۶۱ و ۳۶۰؛ مناسک محشی، ص ۴۹۰؛ شرائع الاسلام، ج ۱، ص ۲۷۵؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳۳ و ۵۳۲؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المذهب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۱۰۴ و ۵۰۴ و ج ۱۱، صص ۹۰۰ و ۱۰۵۱

۳- الخلاف فی الفقه، کتاب الحج، مسأله ۱۷۶، ج ۱، ص ۴۵۹

۴- مناسک محشی، ص ۴۸۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۷۲ و ۳۷۱؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۳۵؛ مجمع البیان، ج ۱، ص ۲۹۹؛ الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المذهب فقه شافعی، بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۱، صص ۱۰۵۴ و ۹۰۴ و ج ۱۰، ص ۱۰۵

ص: ۴۲۱

یادآوری:

از احمد بن حنبل نقل شده کسی که می‌خواهد در مکه ساکن شود، سزاوار نیست که در نَفَر اول کوچ کند. همچنین مالک گفته است: کسانی که اهل مکه هستند و عذری ندارند، در نَفَر اول کوچ نکنند.

۵. بیتوته شب سیزدهم برای کسی که غروب آن شب در منا بوده

به نظر همه فقهای مذاهب اسلامی (جز حنفیه)، کسانی که در روز دوازدهم از منا کوچ نکنند و غروب شب سیزدهم را در منا درک کنند، باید شب سیزدهم را در منا بیتوته کنند.

جمله «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ» (بقره: ۲۰۳) اشاره به این حکم دارد. ولی ابوحنفیه و فقهای حنفی معتقدند: تا طلوع فجر شب سیزدهم نشده و هنگام رمی روز سیزدهم نرسیده است، این طایفه می‌توانند کوچ کنند، اگرچه کراهت دارد، ولی کفاره بر آنها ثابت نیست. (۱)

۶. بیتوته شب سیزدهم برای کسی که در حال احرام، صید یا با زن نزدیکی کرده

یکی از احکام اختصاصی فقهای امامیه که مذاهب چهارگانه اهل سنت به آن فتوا نداده‌اند، آن است که علاوه بر طایفه فوق، دو طایفه دیگر نیز باید شب سیزدهم در منا بیتوته کنند: ۱. کسانی که در احرام (حج یا عمره تمتع) صید کرده‌اند ۲. کسانی که در احرام

۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۷۴ و ۳۷۳؛ مناسک محشی، ص ۴۷۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۶۰۰؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۱۰۵؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۶۱

ص: ۴۲۲

(حج یا عمره تمتع) با زن نزدیکی کرده‌اند. (۱) یادآوری:

۱. بنابر روایات و تفاسیر امامیه، نَفَر اول برای کسانی است که شرط اتقا را رعایت کرده باشند و این دو طایفه شرط مذکور را زیر پا نهاده‌اند.
۲. برخی از فقهای امامیه حکم طایفه دوم را مبنی بر احتیاط شمرده‌اند.

۷. رمی روز سیزدهم

مذاهب اسلامی؛ کسانی که شب سیزدهم در منا بیتوته می‌کنند، باید روز سیزدهم نیز سه جمره اولی، وسطی و عقبه را به ترتیب رمی کنند و به هر یک هفت سنگریزه پرتاب کنند. (۲) یادآوری:

۱. برخی از فقهای امامیه رمی روز سیزدهم برای طوایف بالا را مبنی بر احتیاط شمرده‌اند.
۲. به نظر حنفیه، وجوب رمی روز سیزدهم در صورتی است که هنگام طلوع فجر سیزدهم در منا باشد.

۸. زمان رمی روز سیزدهم

امامیه و حنفیه؛ از طلوع آفتاب تا غروب آن.

- ۱- تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۷۳ و ۳۷۲؛ مناسک محشی، صص ۴۷۹ و ۴۷۸؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، ص ۴۱۰
- ۲- مناسک محشی، ص ۴۵۰؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۳۷۳ و ۳۷۲؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۵۳۳ و ۵۳۲؛ رسائل للحجاج والمعتمرین، ص ۱۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۰۲-۵۹۹؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۱۰۵

ص: ۴۲۳

حنبلیه، شافعیه و مالکیه؛ از ظهر تا غروب. (۱)

۹. زمان کوچ از منا در روز سیزدهم (نفر دوم)

امامیه و حنفیه؛ روز سیزدهم می‌توان قبل از ظهر رمی کرد، نفر و کوچ پیش از ظهر نیز جایز است. مذاهب چهارگانه جز حنفیه؛ باید پس از زوال خورشید رمی و سپس کوچ کند. (۲)

۱۰. خطبه امام پیش از نفر اول

امامیه؛ یک خطبه در بعد از ظهر روز دوازدهم مستحب است. حنبلیه و شافعیه؛ یک خطبه سنت است در بعد از ظهر روز دوازدهم. حنفیه؛ مستحب نیست. مالکیه؛ یک خطبه سنت است در بعد از ظهر روز یازدهم. (۳)

۱- همان

۲- مناسک محشی، ص ۴۸۳؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۷۲؛ بدائع الصنائع فقه حنفی، متن الرساله فقه مالکی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، صص ۱۰۵ و ۴۸۵

۳- تذکره الفقهاء، ج ۸، ص ۳۷۱؛ الخلاف، ج ۱، ص ۴۶۱؛ الکافی فی فقه اهل المدینه فقه مالکی، المذهب فقه شافعی، الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، المصادر الفقهیه، ج ۱۰، ص ۵۳۳ و ج ۱۱، صص ۹۰۴ و ۱۰۵۳

ص: ۴۲۵

خاتمه

۱. طواف وداع

امامیه و مالکیه؛ مستحب است.

حنبلیه و حنفیه؛ واجب است.

شافعیه؛ دو قول دارد: ۱. مستحب ۲. واجب. (۱) یادآوری (۱):

۱. در خطبه پیش از نفر اول، امام، مناسک حج از جمله تخییر میان تعجیل یا تأخیر در کوچ را به حجاج آموزش می‌دهد و با آن‌ها خداحافظی می‌کند.

۲. شیخ طوسی در خلاف از ابوحنفیه نقل کرده است: «یخطب يوم النفر و هو أول التشريق فانفرد به و لم يقل به فقيه و لا نقل فيه اثر».

به نظر می‌رسد در این نقل اشتباهی رخ داده باشد، چون از مالکیه در این زمینه نقل است: «خطب الحج عند مالك و أصحابه ثلاث خطب كلها مسنونة: أولها قبل يوم التروية بيوم .. و الثانية: يوم عرفة قبل الصلاة ... و الثالثة: بمنى يوم ثاني النحر و هو يوم القرّ يخطب بعد الظهر خطبة واحدة يعلمهم فيها بأنّ النفر الأول في يوم الثاني من ذلك اليوم». طبق این نقل از مالکیه، به نظر می‌رسد در جمله منقول از شیخ طوسی در خلاف، به

ص: ۴۲۶

جای یوم القز، یوم النفر ضبط شده است.

یادآوری (۲):

بر اساس منابع امامیه، مادام که حجاج در منا اقامت دارند، مستحب است نمازهای واجب و مستحب خود را در مسجد خیف، به ویژه در جایی که مصلای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده، به جا آورند.

۲. اعمال حج تمتع در یک بیت از شیخ بهایی رحمه الله

ا ط ر س ت ل ل ع م ر ة ا ج ع ل ن ه ج

ا و و ا ر ن ح ط ر س ط ر م ر ل ح ج

(عمره تمتع؛ أ: احرام، ط: طواف، ر: رکعتین طواف، س: سعی، ت: تقصیر) و (حج تمتع؛ أ:

احرام، و: وقوف به عرفه، و: وقوف به مشعرالحرام، أ: افاضه به سمت منا، ر: رمی جمره عقبه، ن: نحر و قربانی، ح: حلق، ط: طواف

زیارت، ر: رکعتین طواف زیارت، س: سعی صفا و مروه، ط: طواف نساء، ر: رکعتین طواف نساء، م: مییت به منا یازدهم و

دوازدهم، ر: رمی جمرات یازدهم و دوازدهم) (۱)

(۱)

ص: ۴۲۷

مناسک حج در یک نگاه کلی

۱. ارکان و واجبات حج

امامیه؛

ارکان عمره تمتع: ۱. احرام ۲. طوف ۳. سعی.

واجبات عمره تمتع: ۱. احرام ۲. طواف کعبه ۳. نماز طواف ۴. سعی بین صفا و مروه ۵. تقصیر.

ارکان حج تمتع: ۱. احرام ۲. وقوف به عرفه ۳. وقوف به مشعر ۴. طواف زیارت ۵. سعی.

واجبات حج تمتع: ۱. احرام ۲. وقوف به عرفات ۳. وقوف به مشعر ۴. رمی جمره عقبه ۵. قربانی ۶. حلق یا تقصیر ۷. طواف زیارت

۸. نماز طواف زیارت ۹. سعی بین صفا و مروه ۱۰. طواف نساء ۱۱. نماز طواف نساء ۱۲. بیتوته در منا (شب‌های یازدهم و دوازدهم) ۱۳. رمی جمرات.

حنبلیه

ارکان حج: ۱. احرام ۲. طواف زیارت ۳. سعی بین صفا و مروه ۴. وقوف به عرفات.

واجبات حج: ۱. احرام از میقات ۲. وقوف به عرفه تا غروب ۳. مییت در مزدلفه ۴. بیتوته در منا ۵. رمی جمرات به ترتیب ۶. حلق یا تقصیر ۷. طواف وداع.

ص: ۴۲۸

حنفیه؛

ارکان حج: ۱. وقوف در عرفه ۲. طواف زیارت.

واجبات حج: ۱. سعی میان صفا و مروه ۲. وقوف به مزدلفه ۳. رمی جمرات ۴. حلق یا تقصیر ۵. طواف صدر.

شافعیه؛

ارکان حج: ۱. احرام ۲. طواف زیارت ۳. سعی بین صفا و مروه ۴. وقوف به عرفات ۵. ازاله شعر (حلق) ۶. ترتیب منظم ارکان خمس

(احرام، وقوف، حلق، طواف و سعی).

واجبات حج: ۱. احرام از میقات ۲. حضور در مزدلفه ۳. رمی جمرات ۴. بیتوته در منا ۵. اجتناب از محرمات احرام.

مالکیه؛

ارکان حج: ۱. احرام ۲. طواف زیارت ۳. سعی بین صفا و مروه ۴. وقوف به عرفات.

واجبات حج: ۱. نزول به مزدلفه ۲. رمی جمره عقبه ۳. نحر هدی ۴. حلق یا تقصیر ۵.

بیتوته در منا ۶. رمی جمرات. (۱)

۱- الروضة البهية، ج ۱، صص ۴۸۵ و ۵۱۷؛ مناسک محشی، صص ۱۰۳ و ۱۰۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۷۸ و ۵۷۷

و صص ۶۰۲-۵۹۹

ص: ۴۳۱

۱۲. زیارت مدینه منوره

زیارت مدینه منوره

۱. زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم، بقیع، اُحد و مسجد قبا
 فقهای مذاهب اسلامی، زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مستحب شمرده‌اند. ابن قدامه، از فقهای حنبلی در فضیلت
 زیارت آن حضرت روایت کرده است: «وَمَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ قَبْرِي كُنْتُ لَهُ شَفِيعاً أَوْ شَهِيداً». قاضی ابی یعلی، مؤلف کتاب «الأحكام
 السلطانية» در فصل «ولایة الحج»، ضمن شرح وظایف ده گانه برای امیرالحاج گوید: پس از مناسک حج امیرالحاج با حاجیان به
 مدینه می‌رود تا به زیارت قبر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم پردازد، و این به خاطر رعایت حرمت آن حضرت و انجام وظیفه
 نسبت به ادای حقوق آن حضرت است.

زیارت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اگرچه از فروض حج نیست، ولی از امور مستحب و مشروع و مستحسنی است که سیره
 مسلمانان بر آن استوار بوده است. (۱) عبدالرحمان جزیری نیز در کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة» می‌نویسد: «لَا رَيْبَ فِي أَنَّ زِيَارَةَ
 قَبْرِ الْمُصْطَفَى عَلَيْهِ الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ مِنْ أَعْظَمِ الْقُرْبِ وَأَجْلَهَا شَأْنًا فَإِنَّ بَقْعَةَ ضَمَّتْ خَيْرَ الرِّسْلِ وَأَكْرَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ لَهَا شَأْنٌ خَاصٌّ وَ مَزِيَّةٌ
 يَعْجَزُ الْقَلَمُ عَنْ وَصْفِهَا». وی پس از

۱- «إِذَا عَادَ بِهِمْ سَارَ عَلَى طَرِيقِ الْمَدِينَةِ لَزِيَارَةِ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ رِعَايَةَ لِحَرَمَتِهِ وَ قِيَاماً بِحَقُوقِ طَاعَتِهِ وَ إِنْ لَمْ
 يَكُنْ ذَلِكَ مِنْ فُرُوضِ الْحَجِّ فَهُوَ مِنْ مَنَدُوبَاتِ الشَّرْعِ الْمُسْتَحَبَّةِ وَ عَادَاتِ الْحَجَّاجِ الْمُسْتَحْسَنَةِ». روى عمر، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
 وَ سَلَّمَ قَالَ: «مَنْ زَارَ قَبْرِي وَجِبَتْ لَهُ شَفَاعَتِي»

وی در ادامه به استحباب زیارت شهدای احد، به ویژه حمزه سیدالشهدا و استحباب رفتن به مسجد قبا اشاره می‌کند. این ادله و نظریات و فتاوا که در منابع امامیه نیز به حد وفور طرح و تفصیل داده شده، به روشنی حکایت از اهمیت زیارت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و

ص: ۴۳۳

سایر زیارات مدینه در منابع روایی و فقهی مسلمانان در طول تاریخ دارد و نشان می‌دهد.

آنچه برخی از منحرفان تندرو مطرح می‌کنند تا از اهمیت این زیارت بکاهند و به جای زیارت‌النبی صلی الله علیه و آله و سلم، زیارت مسجدالنبی صلی الله علیه و آله و سلم را مطرح کنند، جایگاه علمی، فقهی و تاریخی مهمی ندارد و سیره مسلمانان، بلکه والیان و حکومت‌ها و امراء الحاج آن بوده است که پس از مناسک حج، برای عرض ارادت و دعا و درخواست شفاعت به زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و مدینه منوره تشریف یابند و به آثار آن حضرت تبرک جویند. عبدالرحمان جزیری در پایان این بحث و ضمن اشاره به استحباب رفتن به مسجد قبا، دعایی را نقل کرده است که با ذکر این دعا، این بخش را به پایان می‌بریم:

«يَا صَدْرِيخَ الْمُسْتَضِيحِينَ وَيَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا مُفَرِّجَ كَرْبِ الْمَكْرُوبِينَ، وَيَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اكْشِفْ كُرْبِي وَ حَزَنِي كَمَا كَشَفْتَ عَنْ رَسُولِكَ كُرْبَهُ وَ حَزَنَهُ فِي هَذَا الْمَقَامِ يَا حَنَّانَ يَا مَنَّانَ يَا كَثِيرَ الْمَعْرُوفِ وَ يَا دَائِمَ الْإِحْسَانِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ» (۱)

۱- الکافی لابن قدامه فقه حنبلی، القوانين الفقهیه فقه مالکی، المصاادرالفقهیه، ج ۱۱، ص ۱۰۵۶ و ص ۶۲۳؛ الاحکام السلطانیه، صص ۱۱۱-۱۰۸؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۶۴۲-۶۳۸؛ مفاتیح‌الجنان زیارت حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم؛ تذکره الفقهاء، ج ۸، صص ۴۵۲-۴۴۹؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۴۲۱ و ۴۲۰؛ فقه السنه، ج ۱، ص ۵۵۳

ص: ۴۳۹

فصل هفتم: مروری بر سایر ابواب فقهی از دیدگاه مذاهب اسلامی

قسمت اول: سیری در مباحث زکات و خمس از نگاه مذاهب اسلامی

اشاره

۱. زکات فطره (بدن)

۲. زکات اموال

۳. خمس اموال

زکات فطره

۱. زکات فطره

مذاهب اسلامی؛ زکات فطره، از واجباتی است که در روز عید فطر، در پایان ماه مبارک رمضان واجب می‌شود. به گفته روایات، پیش از تشریع زکات اموال، در همان سالی که روزه رمضان فرض گردید، زکات فطره هم تشریع شده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یک یا دو روز پیش از عید فطر، در خطبه‌ها، فرمان به اخراج آن داد و فرمود: «ادّوا صاعاً من بُرّ أو قمح أو صاعاً من تمر أو شعیر، عن کلّ حرّ أو عبد، صغیر و کبیر».

در روایات خاصی زکات فطره تمام کننده روزه شمرده شده است: «مِنْ تمام الصوم كما أن الصلاة على النبي صلى الله عليه و آله و سلم من تمام الصلاة».^(۱) یادآوری:

۱. بُرّ و قَمَح هر دو به معنای گندم است، ولی قمح گندمی است که کاملاً رسیده و برای آرد شدن و پخت نان آماده است.

۲. فطره یا به معنای خلقت و بدن یا به معنای دین و یا به معنای افطار است. اهل سنت

۱- العروة الوثقی، ج ۲، صص ۳۵۵ و ۳۵۳؛ تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۳۲۶؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۳۰-۵۲۷؛ فقه

السنه، ج ۱، ص ۳۰۷؛ لسان العرب، واژه قمح؛ الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، صص ۲۹۲-۲۹۰

ص: ۴۴۰

از این زکات، تعبیر به زکات فطر (بدونه) کرده‌اند.

۲. حکم زکات فطره

مذاهب اسلامی (جز حنفیه)؛ زکات فطره را فرض می‌دانند ولی حنفیه آن را به اصطلاح فقهی خود واجب می‌شمردند که مترادف سنت مؤکد است. (۱) یادآوری:

به نظر مذهب امامیه، علاوه بر روایات، در قرآن کریم نیز آیه «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» بر وجوب فطریه دلالت دارد.

۳. شرایط وجوب زکات فطره

امامیه؛ فرد عاقل بالغ هشیار غیر فقیر و حرّ باید فطریه خود و افرادی را که نان خور او محسوب می‌شوند بپردازد؛ خواه واجب‌النّفقه باشند یا نباشند. فطریه جنین هم واجب نیست، ولی نوزادی که پیش از غروب شب عید فطر متولد شود، فطریه‌اش باید پرداخت شود.

حنبلیه؛ مسلمانی که فقیر نیست و مخارج خود و زن و فرزندانش را علاوه بر نصاب دارد، باید فطریه خود و کسانی را که مؤونه آنها را تأمین می‌کند ولو جنین بپردازد.

حنفیه؛ ۱. اسلام ۲. حرّیت ۳. علاوه بر داشتن نیازهای اصلی زندگی و داشتن نصاب از شرایط آن است، ولی عقل و بلوغ شرط آن نیست و مجنون و صغیر غیر فقیر را ولی آنها از طرف آنها اخراج می‌کند و واجب است انسانی که شرایط سه گانه بالا را دارد فطریه خود، خادم، ولد مجنون کبیر و ولد صغیر فقیر خود را بپردازد و فطریه زوجه بر عهده زوج نیست.

ص: ۴۴۱

شافعیه؛ بر هر مسلمانی که مخارج خود و زن و فرزندانش را دارد واجب است فطریه خود و افراد لازم‌النفعه‌اش را بپردازد و آن‌ها عبارت‌اند از همسر غیر ناشزه، اصل خود و فرع خود اگر فقیر یا مسکین هستند و مملوک و لو آبق باشند.

مالکیه؛ بر هر مسلمانی که فقیر نیست و قوت خود و لازم‌النفعه‌اش را دارد و می‌تواند فطریه را ولو با قرض کردن بپردازد، واجب است فطریه خود و افراد لازم‌النفعه‌اش از اقارب را بپردازد و آن‌ها عبارت‌اند از پدر و مادر فقیر، فرزندان ذکور فقیر و دختران فقیری که ازدواج نکرده‌اند و مملوک و زوجه خود و زوجه پدرش که فقیر است.

یادآوری:

غیر از حنبلیه، سایر مذاهب شرط وجوب پرداخت فطریه افراد تحت تکفل را فقر می‌شمرند، در حالی که طبق مذاهب امامیه شرط آن صدق عیولت است ولو فقیر هم نباشند. (۱)

۴. مقدار فطریه

امامیه؛ یک صاع از گندم، جو، خرما، کشمش، برنج یا ذرت بپردازد و اگر قیمت یکی از این‌ها را بپردازد کفایت می‌کند.

حنبلیه؛ یک صاع از گندم، جو، خرما، کشمش و مانند آن می‌پردازد.

حنفیه؛ برای هر فرد، نصف صاع گندم یا یک صاع خرما یا جو و یا کشمش باید پرداخت ولی می‌تواند قیمت آن‌ها را به فقرا بپردازد.

شافعیه؛ برای هر فرد یک صاع از قوت غالب است، ولی بهتر است از گندم، جو، برنج، عدس، خرما، کشمش و مانند آن باشد، البته نمی‌شود نصف از یک قوت و نصف از قوت دیگر داد و پرداخت قیمت کافی نیست.

ص: ۴۴۲

مالکيه؛ از هر شخص يك صاع از قوت شهر كه غالب است؛ مانند: قمع، جو، خرما، كشمش و غير غالب مجزى نيست مگر اين كه بهتر باشد و اگر گوشت مى دهد بايد دو نفر را سير كند.

يادآورى:

در مورد مقدار زكات فطره، در غير گندم، اجماع مذاهب اسلامى است كه يك صاع است و در مورد گندم نيز به جز حنفيه همه مذاهب آن را يك صاع مى دانند و تنها اين مذاهب نصف صاع را مطرح کرده‌اند. (۱)

۵. مصرف فطره

اماميه؛ زكات فطره را به يكي از هشت مصرفى كه در زكات مال است مى توان به مصرف رسانيد، ولى بهتر است فقط به فقير پرداخت شود.

مذاهب چهارگانه (جز مالکيه)؛ همان مصرف زكات اموال است.

مالکيه؛ به اصناف مذکور در آيه، به شرطى مى توان فطره داد كه فقير يا مسكين و حرّ مسلمان و از غير بنى هاشم باشد والاّ زكات به او پرداخت نمى شود.

فقهائى اماميه قصد قربت را هم شرط در پرداخت دانسته‌اند. (۲)

۶. چگونگی پرداخت فطره

اماميه؛ نمى توان به يك فقير كمتر از يك صاع داد، ولى پرداخت چندين صاع به يك نفر اشكال ندارد، البته به كسى كه فطره را در معصيت خرج مى كند نمى توان داد.

حنبله؛ مى توان فطره چند نفر را به يك نفر پرداخت و ايشان نمى تواند زكات را به

۱- العروة الوثقى، ج ۲، صص ۳۶۵-۳۶۰؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۳۳-۵۳۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۳۰۹ و ۳۰۸؛

الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۹۴-۲۹۲

۲- همان

ص: ۴۴۳

کس دیگری بفروشد ولو غیر از پرداخت کننده زکات باشد.
حنفیه؛ می‌توان فطریه چند نفر را به یک مسکین و فطریه یک نفر را به چند مسکین پرداخت.
شافعیه؛ در این مسأله تصریحی از شافعیه مشاهده نشده است.
مالکیه؛ می‌توان به هر فقیر یا مسکین یک صاع یا بیشتر یا کمتر پرداخت ولی بهتر است به هر نفر یک صاع بپردازد.
یادآوری:
به اجماع مسلمانان، زکات به بنی‌هاشم (سادات) داده نمی‌شود. (۱)

۷. زمان وجوب فطریه

امامیه؛ از غروب شب عید فطر واجب می‌شود و باید تا ظهر عید فطر یا تا هنگام نماز عید برای کسی که نماز عید می‌خواند به احتیاط واجب ادا شود. اگر در این زمان مستحق یافت نشد، باید آن را کنار بگذارد و در اولین فرصت بپردازد و تقدیم آن نیز جایز نیست.
حنبلیه؛ غروب شب عید فطر واجب می‌شود. افضل اخراج آن قبل از نماز عید است و بعد از آن کراهت دارد و تأخیر آن از عید حرام است، ولی باید قضا کند و دو روز قبل از عید هم مجزی است.
حنفیه؛ از طلوع فجر عید فطر واجب می‌شود، ولی تقدیم و تأخیر در ادای آن اشکال ندارد، چون وقت ادا همه عمر است، ولی مستحب است پیش از خروج به سوی مصلّا باشد.
شافعیه؛ آخرین جزو رمضان و اولین جزو شوال وقت وجوب فطریه است، ولی سنت است که اول روز عید فطر و قبل از نماز عید خارج کند و بعد از آن تا غروب عید کراهت دارد و بعد از غروب حرام است مگر به خاطر عذر مانند غایب بودن مستحق و می‌توان از

ص: ۴۴۴

اول ماه رمضان پرداخت.

مالکيه؛ بعد از فجر روز عيد مندوب است بپردازد، ولی يك يا دو روز قبل از عيد، نه بيشتر نيز جايز است، ولی تأخير آن از عيد حرام است ولی در ذمه او باقى است اگر شب عيد قدرت بر پرداخت داشته باشد. (۱)

زکات اموال

۸. اهميت زکات

زکات که در لغت به معنای تطهير و نمو است، به نظر مذاهب اسلامى يکى از ضروريات دين و از ارکان اسلام، محسوب مى‌شود که آيات و روايات فراوانى دلالت بر وجوب و اهميت اين فريضه الهى دارد. به تصريح قرآن کریم «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» (معارج: ۲۴) زکات واجبى است مالى و از ماليات‌هاى است که هر مسلمانِ داراى شرايط بايد از دارايى خود بپردازد و به مصارف مقرر شرعى آن برساند. (۲)

۹. موارد مورد اتفاق در متعلق زکات

اين که چه اموالى متعلق زکات است و بايد زکات آن‌ها پرداخت شود، مذاهب اسلامى درباره برخى موارد اتفاق نظر دارند و يك صدا آن‌ها را از دارايى‌هاى متعلق زکات مى‌شمرند و در مواردى اختلاف نظر و فتوا مشاهده مى‌شود. مواردى که اتفاق نظر ميان

۱- همان

۲- العروة الوثقى، ج ۲، کتاب الزکات و کتاب الخمس؛ الفقه على المذاهب الأربعة، ج ۱، صص ۵۰۶-۵۰۱؛ فقه السنه، ج ۱، صص ۲۸۸-۲۴۸؛ الفقه على المذاهب الخمسه، ج ۱، صص ۲۹۷-۲۶۷؛ الفقه على المذاهب الأربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، ج ۱، صص ۸۰۰-۷۶۷؛ تحرير الوسیله، ج ۱، کتاب الخمس و کتاب الزکات

ص: ۴۴۵

امامیه و مذاهب اربعه اهل سنت حداقل در مباحث کلی، با صرف نظر از امور جزئی مانند نصاب و حول، وجود دارد عبارت‌اند از: انعام ثلاثه (گوسفند، شتر، گاو) غلات اربعه (گندم، جو، کشمش، خرما) نقدین (طلا و نقره مسکوک). این موارد، مورد اتفاق تمامی مذاهب است و به بیان دیگر، هر آنچه را که امامیه معتقدند زکات به آن تعلّق می‌گیرد اگر شرایط آن فراهم باشد، مذاهب چهارگانه نیز به وجوب زکات آن معتقدند، اگرچه ممکن است در شرایط تعلّق زکات و برخی فروع جزئی، با تفاوت فتوا مواجه باشیم. (۱)

۱۰. موارد اتفاقی در عدم تعلّق زکات

افزون بر موارد بالا، که نه مورد است و به نظر همه مذاهب، متعلق زکات می‌باشد مواردی نیز بالاتفاق متعلق زکات نیست؛ به عبارت دیگر مواردی را که تمام یا اکثر مذاهب چهارگانه معتقد به نفی زکات از آنها می‌باشند، امامیه نیز وجوب زکات را از آنها نفی می‌کنند. مهمترین این موارد عبارت‌اند از:

خانه مسکونی، لباس برای پوشش بدن، لوازم منزل، وسیله سواری، سلاح برای کاربرد، ظروف برای زینت (غیر از طلا و نقره) لؤلؤ و یاقوت و زبرجد و سایر جواهرات که برای تجارت نباشد، همچنین کتب علمی که برای تجارت نباشد و همچنین ابزار و آلات صنعت از این موارد در فقه امامیه به عنوان مؤونه و مایحتاج زندگی تعبیر می‌شود که نه تنها متعلق زکات نیست، بلکه خمس هم به آنها تعلّق نمی‌گیرد. بعلاوه زکات اسب و قاطر و الاغ و سگ شکاری و مانند آنها نیز واجب نیست، مگر این که برای تجارت نباشد. (۲)

۱- همان

۲- همان

۱۱. موارد اختلافی میان امامیه و سایر مذاهب در تعلق زکات

مواردی را که همه یا بیشتر مذاهب چهارگانه اهل سنت، متعلق زکات شمرده‌اند، ولی در مذهب امامیه متعلق زکات نیست عبارت‌اند از:

۱. طلا و نقره غیر مسکوک ۲. مال التجاره؛ مذاهب چهارگانه آن را واجب و امامیه مستحب شمرده‌اند ۳. میوه‌جات و محصولات کشاورزی غیر از غلات اربعه؛ مذاهب چهارگانه علاوه بر غلات اربعه، در سایر محصولات و میوه‌جات نیز بر وجوب زکات فتوا می‌دهند، هر چند تفاوت‌هایی در فتوای آن‌ها مشاهده می‌شود، ولی امامیه زکات را در سایر میوه‌ها و برخی از محصولات کشاورزی غیر از سبزیجات و حبوبات مستحب می‌شمرند ۴. معدن و گنج؛ اهل سنت زکات معدن و گنج را واجب شمرده و مقدار آن را خمس می‌دانند که طبق فتوای برخی از آن‌ها مانند حنبلیه باید به بیت‌المال تحویل شود تا امام‌المسلمین یا نایب او صرف در مصالح مسلمانان کند ۵. اوراق نقدی و اسکناس؛ غیر از حنبلیه سایر مذاهب چهارگانه اسکناس و سندهای بانکی را به منزله طلا و نقره می‌شمرند و لذا زکات را در آن‌ها واجب شمرده‌اند ۶. اجاره بها؛ اجاره ای را که موجر از مستأجر دریافت می‌کند باید زکات آن‌ها را با شرایطی؛ مانند نصاب حول پیردازد ۷. مهریه زنان؛ مهریه زنان نیز اگر به حد نصاب برسد و از تاریخ وصول آن بگذرد، دادن زکات آن واجب است با شرایطی که در میان مذاهب متفاوت است ۸. استفاده اموال؛ درآمد و سود اموال مانند ربح تجارت و نتاج حیوان، علاوه بر خود اصل آن اموال، باید زکاتش پرداخت شود. (۱)

ص: ۴۴۷

۱۲. وجوب خمس غنیمت

بر اساس آیه «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِإِخْوَتِ الْفُقَرَىٰ وَالْأَيْتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» (انفال: ۴۱) تمامی مسلمانان خمس را به عنوان یکی از واجبات اسلامی پذیرفته‌اند، اما این که خمس چه مال و ثروتی باید پرداخت شود؟ مورد اختلاف است. در این که غنیمت جنگی متعلق خمس است مورد اتفاق تمام مذاهب اسلامی است، ولی آیا علاوه بر غنیمت جنگی در موارد دیگر نیز خمس واجب است، محل اختلاف است که تفصیل آن خواهد آمد. [۵۶۶]

۱۳. مهمترین موارد اختلافی در وجوب خمس

۱. معدن: امامیه و حنفیه، خمس معادن را واجب شمرده‌اند، ولی مالکیه و شافعیه و حنبلیه، در معدن معتقد به (ربع عشر) می‌باشند. در حقیقت، تمامی مذاهب معتقدند، مالیات اسلامی به معدن تعلق می‌گیرد، ولی در مقدار آن که چقدر است و در شرایط آن که آیا نصاب در آن اعتبار دارد، فتاوی‌ای گونه‌گون داده‌اند. بنابراین، در اصل پرداخت اختلافی ندارند، اگرچه گروهی آن را خمس و گروهی دیگر زکات می‌نامند.
۲. گنج: تمامی مذاهب اسلامی معتقد به وجوب خمس آن می‌باشند. با این تفاوت که امامیه نصاب را معتبر می‌دانند ولی اهل سنت قائل به نصاب در آن نیستند.
۳. جواهر به دست آمده در غوای: مانند لؤلؤ مرجان، در صورت رسیدن به نصاب باید خمس آن را پرداخت. ولی به نظر مشهور اهل سنت خمس آن واجب نیست.
۴. درآمد کسب: به فتوای امامیه چیزی از درآمد کسب که زاید بر مؤونه سال باشد، خمس آن واجب است. اهل سنت اگرچه خمس آن را واجب نشمرده‌اند لیکن به نظر آن‌ها زکات آن در صورت وجود نصاب و حول واجب است. (۱)

۱۴. نتیجه‌گیری

(۱) پس از مقایسه میان آرا و فتاوی امامیه و مذاهب اهل سنت، می‌توان نتیجه گرفت: اهل سنت از یک سو دایره زکات را به بسیاری از مواردی که امامیه معتقد به آن نیستند توسعه داده‌اند و از سوی دیگر خمس را محدود به امثال غنیمت و گنج کرده‌اند. به عکس، امامیه از یک سو دایره زکات را محدود به نه مورد کرده و در مواردی نیز به استحباب زکات فتوا داده‌اند و از سوی دیگر دایره خمس را به مواردی؛ مانند در آمد کسب نیز وسعت داده‌اند.

در واقع می‌توان گفت: بسیاری از موارد که در نظر اهل سنت زکات است، در فتوای امامیه «خمس» نام گرفته و مواردی که در نظر امامیه خمس نامیده شده به فتوای اهل سنت، در دایره «زکات» وارد شده است. در حقیقت اجماع مرکبی میان تمامی مسلمانان پدید آمده است که بسیاری از اموال و دارایی‌های انسان متعلق «مالیات اسلامی» و حق دیگران است که باید پرداخت شود، هر چند در مقدار و شرایط آن، میان مذاهب اختلاف است و این اموال و دارایی‌ها که باید مالیات آن پرداخت شود، در برخی مذاهب نام «زکات» به خود گرفته و در برخی مذاهب از آن با عنوان «خمس» یاد شده است، و این تفاوت نامگذاری در حقیقت آن، تأثیری ندارد، همچنان که در برخی از کتب؛ مانند ارشاد علامه حلی رحمه الله نیز مشهود است؛ (۲) در حقیقت، خمس نوعی از زکات است و در زیر مجموعه زکات قرار گرفته است با این تفاوت که باید پرداخت شود. همانطور که پرداخت زکات در موارد وجوب آن یکسان نیست و در هر موردی مقدار خاصی باید پرداخت شود و این تفاوت در مقدار، موجب تفاوت در حقیقت آن نمی‌شود.

۱- همان

۲- علامه؛ در ارشاد، عنوانی با نام «کتاب الخمس» نیآورده بلکه در کتاب «الزکات» سه بحث دارد: «النظر الأول فی زکات المال»، «النظر الثانی فی زکات الفطره» و «النظر الثالث فی الخمس»

ص: ۴۴۹

قسمت دوم: سیری در ابواب معاملات از نگاه مذاهب اسلامی

اشاره

۱. باب بیع و مکاسبه محرّمه

۲. باب حجر

۳. عقود شرعی دیگر

ص: ۴۵۱

باب بیع و مکاسب محرمة

۱. اشاره

آنچه تاکنون آوردیم و نگاه مذاهب اسلامی به آن، مورد بررسی قرار گرفت، بیشتر مربوط به ابواب عبادات بود و اختلافات عمده و اساسی مذهب امامیه و مذاهب چهارگانه اهل سنت را ارائه می‌کرد و به نمایش می‌گذاشت. مباحث عبادات از آن جهت به طور تفصیلی و گسترده طرح گردید که بیشتر مورد ابتلا و نیاز کسانی است که در اماکنی مانند مدینه و مکه یا در جاهایی که شیعه با اهل سنت ارتباط دارند و با هم زندگی می‌کنند. اکنون مناسب است به طور فشرده و اجمال، به سایر ابواب فقهی؛ اعم از معاملات و مباحث نکاح و طلاق و ... نیز اشاره‌ای داشته باشیم که چارچوب کلی اندیشه فقهی مذاهب اسلامی تا حدی روشن و مشخص شود.

۲. احکام کلی بیع

در معاملات و عقود مختلف شرعی؛ همچون بیع، اجاره، مضاربه، شرکت، مزارعه، مساقات، حواله، عاریه، ودیعه، قرض، هبه و ربا چارچوب کلی فتاوا و نظریات فقهی در تمامی مذاهب اسلامی یکسان مشاهده می‌شود و تفاوت‌ها چندان گسترده و چشمگیر به حساب نمی‌آید و بهتر است برای آشنایی بیشتر، به برخی امور کلیدی و مهم اشاره شود. از نظر تمامی مذاهب اسلامی، بیع ممکن است معاطاتی و یا با صیغه باشد. عاقد باید عاقل،

ص: ۴۵۲

بالغ و مختار باشد و بیع کودک ممیز باید به اذن ولی او انجام شود. از نظر ثمن و مثن، به جز حنفیه، بقیه اهل سنت می‌گویند باید طاهر باشد و خرید و فروش نجس و متنجس صحیح نیست، ولی حنفیه خرید و فروش روغن متنجس را برای غیر خوردن صحیح می‌دانند. امامیه نیز خرید و فروش نجس را در صورتی که منافع عقلایی معتدّبه داشته باشد، مجاز می‌شمرند. در سایر موارد ثمن و مثن، تمامی مذاهب اشتراک رأی دارند.

صحت بیع فضولی متوقف بر اجازه مالک است و در بحث خیارات، امامیه، شافعیه و حنبلیه خیار مجلس را قبول دارند. حنفیه نیز در صورت شرط می‌پذیرند، ولی مالکیه منکر آن هستند. ولی خیار رؤیت و خیار عیب شرط اجماعی مذاهب است. از نظر مذاهب اسلامی، فاسد و باطل به یک معنا است. اما آیا فساد مساوی حرمت است؟ به غیر از امامیه بقیه مذاهب فساد را مساوی حرمت شمرده‌اند. از این رو بیع نجس و متنجس را فاسد و حرام می‌دانند. تلقی رکبان را اکثر مذاهب، منهی عنه می‌دانند، ولی آن را باطل نشمرده‌اند. (۱)

۳. مکاسب محرّمه

در بحث مکاسب محرّمه، مذاهب اسلامی معمولاً ساختن مجسمه موجود زنده را حرام شمرده‌اند. اگرچه مباحث مفصلی را برخی از آن‌ها مطرح کرده و گفته‌اند: حرمت در صورتی است که برای غرض فاسد؛ مانند بت‌پرستی و شهوت‌رانی باشد. همچنین در ذیل عنوان غنا مباحث بسیاری مطرح است. گروهی از اهل سنت معتقدند تغنی مشتمل بر الفاظی که وصف زن معین را کند یا وصف شراب باشد و یا مشتمل بر هجو مسلمانان گردد و مانند آن، که آمیخته به حرام باشد، حرام است ولی تغنی مشتمل بر حکم و مواعظ اشکالی

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۵۲۷-۴۶۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، صص ۲۴۶-۱۲۳ و صص ۴۴-۳۵؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۱۳۰-۸۹

ص: ۴۵۳

ندارد. برخی از شافعیه از جمله ابو حامد غزالی هم مباحث مفصلی را در حلیت غنا و رقص و استفاده از آلات موسیقی مطرح کرده و می‌گویند: غنایی حرام است که فتنه یا کار حرام بر آن مترتب شود و مشتمل بر الفاظ مستهجن باشد، ولی غنا در ایام سرور؛ مانند عروسی، ولیمه، عقیقه، ختنه و برگشت از سفر، اشکال ندارد، ریش تراشی را حنفیه و مالکیه و حنبلیه حرام شمرده‌اند و کوتاه کردن بیش از یک قبضه را همگی مجاز و یا سنت دانسته‌اند. ولی شافعیه حلق لحيه را مکروه می‌دانند. در سایر ابواب مکاسب محرمه نیز اختلاف نظر مهمی مشاهده نمی‌شود. (۱)

باب حجر

۱. عوامل حجر

مذاهب اسلامی؛ عوامل حجر عبارت‌اند از: ۱. صغر ۲. جنون ۳. سفه ۴. رقیت ۵. دَین مستغرق (افلاس).

۲. علایم بلوغ

امامیه؛ علایم بلوغ پسران و دختران:

۱. احتلام و خروج منی ۲. رویدن موی خشن بر شرمگاه ۳. تمام شدن ۱۵ سال قمری در پسران و ۹ سال قمری در دختران.

حنبلیه؛ علایم بلوغ دختران و پسران:

۱. انزال منی در خواب یا بیداری ۲. رویدن موی خشن بر شرمگاه ۳. داشتن ۱۵ سال قمری ۴. حیض در دختران ۵. حاملگی در دختران.

ص: ۴۵۴

حنفیه؛ علایم بلوغ پسران:

۱. احتلام ۲. انزال منی ۳. حامله کردن دختران ۴. پانزده سال.

علایم بلوغ دختران:

۱. حیض ۲. حامله شدن ۳. پانزده سال. ولی ابوحنیفه گفته سن بلوغ پسران ۱۸ و دختران ۱۷ سال است.

شافعیه؛ علایم بلوغ دختران و پسران:

۱. ۱۵ سال قمری ۲. امناء پس از ۹ سالگی ۳. حیض (برای دختران).

مالکیه؛ علایم بلوغ دختران و پسران:

۱. انزال منی در بیداری و خواب ۲. حیض و حاملگی (مخصوص دختران) ۳. رویدن موی خشن بر شرمگاه ۴. بد بو شدن زیر بغل

۵. جدا شدن ارنه الأنف ۶. کلفت شدن صدا ۷. داشتن ۱۸ سال قمری. (۱)

۳. اولیای صغیر

امامیه؛ ۱. پدر ۲. جد پدری ۳. قیم از طرف پدر یا مادر ۴. حاکم شرع؛ ولی مادر و اقربای دیگر ولایت ندارند.

حنبلیه؛ ۱. پدر حَرّ رشید عادل ۲. وصی پدر ۳. حاکم ولی اب الأب و امّ ولایت ندارند.

حنفیه؛ در اموال:

۱. پدر ۲. وصی پدر و وصی وصی او ۳. جد پدری و بالاتر ۴. وصی جد ۵. والی ۶. قاضی. ولی مادر ولایت ندارد.

در نکاح: ۱. قرابت ۲. ولاء ۳. امامت ۴. ملک.

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۴-۱۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، صص ۲۹۴-۲۷۲؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۲۹۳-۲۸۶

ص: ۴۵۵

شافعیه؛ ۱. پدر ۲. پدر پدر و بالاتر ۳. وصی یکی از این دو ۴. قاضی.

ولی مادر ولایت ندارد.

مالکیه؛ ۱. پدر ۲. وصی پدر و وصی وصی او ۳. حاکم ۴. جماعة المسلمین. (۱)

عقود شرعی دیگر

۱. مضاربه

مذاهب اسلامی؛ عقد مضاربه، یکی از عقود مشروع است که فردی (عامل) با سرمایه صاحب مال، به تجارت می‌پردازد و به نظر تمامی مذاهب اسلامی، باید سود و ربح به دست آمده، میان آن دو به صورت کسر مشاع؛ مانند نصف و ثلث تقسیم شود. (۲)

۲. شرکت

شرکت گاهی به ملک است و گاهی به عقد. شرکت عقدی اگر در اموال باشد، به آن «شرکت عنان» گویند و به عقیده تمامی مذاهب، صحیح است، ولی شرکت الأبدان و شرکت وجوه و شرکت مفاوضه از نظر امامیه و شافعیه باطل است، و از نظر حنبلیه و حنفیه و مالکیه صحیح است. شرکت ابدان، شرکت در عمل است؛ به این صورت که دو نفر کار کنند و اجرت کار آن‌ها مشترک باشد و شرکت وجوه آن است که دو نفر آبرومند به ذمه خود خرید و فروش کنند و سود را تقسیم نمایند و شرکت مفاوضه آن است که دو نفر قرارداد می‌بندند که هر چه سود و خسارت به دست آوردند از راه تجارت یا کشاورزی یا ارث یا

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۵۹۳-۵۷۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، صص ۶۴-۲۹؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۱۵۲ و ۱۵۳ و

۲۱۵-۲۰۸

ص: ۴۵۶

وصیت و مانند آن، با یکدیگر شریک باشند. (۱)

۳. اجاره

اجاره از عقود مشروعی است که گاهی بر عمل و گاهی بر ملک واقع می‌شود، به اجماع فقهای اسلامی اجاره بر کارهای غیر مشروع روا نباشد، همچنین اجاره بر واجبات جایز نیست و اما اجاره بر برخی اعمال؛ مانند حج و قرائت قرآن و ذکر و مانند آن، اختلافی است. (۲)

۴. ضمان و كفالت و حواله

مذاهب اسلامی؛ عقد ضمانت، كفالت و حواله، از عقود مشروع در همه مذاهب اسلامی است. امامیه؛ در ضمانت، ذمه از مضمون عنه به ضامن منتقل می‌شود. مذاهب چهارگانه؛ ضمان، ضم ذمه ضامن به مضمون عنه است. همچنین امامیه عقد كفالت را غیر از ضمانت می‌شمرند، ولی مذاهب چهارگانه كفالت را نوعی از عقد ضمان شمرده‌اند. (۳)

۵. هبه

مذاهب اسلامی؛ هبه از عقود مشروعی است که افراد جایز التصرف می‌توانند دارایی

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۵۵۷-۵۴۳؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، صص ۱۰۸-۷۱؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۱۵۰-۱۴۲

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۳۶-۲۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، صص ۱۷۸-۱۵۱؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۲۰۴-۲۰۰

ص: ۴۵۷

خود را با عوض یا بدون عوض، به دیگری واگذار کنند. (۱)

۶. رجوع در هبه

امامیه؛ هبه از عقود جایز و قابل رجوع است، مگر هبه معوضه و هبه به رحم. و هبه به زوجه قابل رجوع است. حنبلیه؛ هبه پیش از قبض و گرفتن آن، قابل رجوع و برگشت است، ولی بعد از قبض قابل رجوع نیست، مگر این که بخشنده پدر باشد، ولی مادر و جد و دیگر اقربا و نزدیکان حق رجوع در هبه ندارند. حنفیه؛ هبه بعد از قبض و تصرف هم مانند قبل از قبض، قابل برگشت است، اگرچه کراهت تحریمی دارد، ولی قرابت و زوجیت و هبه معوض مانع رجوع است. شافعیه؛ هبه با قبض لازم است و قابل رجوع نیست، مگر برای پدر و جد پدری و مادر و جدّه. مالکیه؛ هبه، عقد لازم است و قابل رجوع نیست مگر برای پدر. (۲)

۷. وصیت

مذاهب اسلامی؛ وصیت در ۱۳ مال نافذ است و در بیشتر از آن، باید ورثه آن را تنفیذ کنند. وصیت به حسب موارد مختلف، ممکن است احکام خمسّه تکلیفیه پیدا کنند. (۳)

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۹-۵۴؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، صص ۲۲۲-۲۰۶

۲- همان

۳- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۱۰۵-۸۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۳، صص ۲۴۵ و ۲۲۴؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۳۰۰-۲۹۳

۸. وصیت به حج و قرائت قرآن و مانند آن

امامیه؛ وصیت به عبادات و امور مستحب؛ مانند قرآن، مستحب است و در امور واجب؛ مانند حَجَّه‌الاسلام واجب می‌باشد. حنبلیه؛ وصیت به نوشتن علم و قرآن صحیح است. وصیت برای مسجد نیز صحیح است و اگر وصیت به حج کرد، طبق آن عمل می‌شود، ولی وصیت به صدقه بهتر است از وصیت به حج و وصیت به امور منهی عنه؛ مانند ساختن قبور جایز نیست. حنفیه؛ وصیت به قرائت قرآن باطل است، ولی وصیت به عبادت؛ مانند حج مستحب می‌باشد و در مورد حَجَّه‌الاسلام برخی واجب و برخی مستحب می‌دانند. وصیت به ساختن قبر نیز باطل است. شافعیه؛ وصیت به قرائت قرآن صحیح است. وصیت به حج نیز صحیح است. وصیت به عمارت مسجد نیز صحیح است و به طور کلی هر عملی که حرام و مکروه نباشد، وصیت به آن جایز است. مالکیه؛ وصیت برای قرائت قرآن صحیح است. وصیت برای حج نیز نافذ است. ولی وصیت به روزه و نماز باطل است. (۱)

ص: ۴۵۹

قسمت سوم: مروری بر احوال شخصیه از نگاه مذاهب اسلامی

اشاره

۱. مباحث نکاح
۲. مباحث طلاق
۳. مباحث اطعمه و اشربه
۴. چند واجب اجتماعی

ص: ۴۶۱

نکاح

۱. حکم نکاح

امامیه؛ به خودی خود مستحب مؤکد است و در صورتی که به گناه بیفتد، واجب می‌شود. مذاهب چهارگانه؛ بر نکاح احکام پنجگانه واجب، حرام، کراهت، سنت و ندب و اباحه مترتب می‌شود. وقتی که خوف وقوع در زنا باشد، نکاح واجب و اگر برای نسل یا به نیت خیری است، مستحب و سنت است. (۱)

۲. نکاح موقت

امامیه؛ نکاح موقت صحیح است. مذاهب چهارگانه؛ نکاح موقت باطل است، ولی اگر انجام شد، موجب حدّ نیست، چون شبهه عقد در میان است. (۲)

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۷۷-۲۲۵؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، صص ۲۲-۳؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۲۸-۵

۲- همان

ص: ۴۶۲

۳. شاهد گرفتن برای عقد

امامیه؛ مستحب است.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ حضور دو شاهد هنگام عقد ضروری است و الا عقد باطل خواهد بود. مالکیه؛ حضور دو شاهد برای عقد مندوب است ولی برای دخول لازم می‌باشد. (۱)

۴. نکاح اکراهی و هزلی

امامیه؛ باطل است.

مذاهب چهارگانه؛ نکاح هزلی؛ مانند طلاق و عتق هزلی منعقد می‌شود، ولی به عقیده سه مذهب، جز مذهب حنفیه، نکاح اکراهی منعقد نمی‌گردد. حنفیه نکاح اکراهی را صحیح دانسته‌اند. (۲)

۵. لزوم ولی در نکاح

امامیه؛ برای عقد پسر و دختر صغیر و مجنون متصل به بلوغ، وجود ولی شرط است و در بالغه رشیده غیر باکره شرط نیست، ولی در باکره رشیده اختلافی است و احتیاط در اذن از اوست.

حنبلیه؛ وجود ولی ضروری است و نکاح بدون ولی یا نایب او باطل است، ولی در غیر باکره بالغ، رضایت او هم مانند ولی شرط است.

حنفیه؛ ولی برای صغیره و کبیره مجنونه ضروری است، لیکن برای بالغه عاقله باکره یا ثیب ضروری نیست. البته باید زوج کفو باشد و الا ولی می‌تواند اعتراض و نکاح را فسخ کند.

۱- همان

۲- همان

ص: ۴۶۳

شافعیه و مالکیه؛ مانند حنبلیه وجود ولی برای هر نکاحی ضروری است و زنی که خودش ازدواج کند، ازدواج او بدون اذن و رضایت ولی صحیح نیست، مگر در ثیب بالغه که هر دو شریک در عقد هستند. (۱)

۶. ولی مجبر

امامیه؛ در فقه امامیه تقسیم ولی به «مجبور» و «غیر مجبر» مطرح نشده است. حنبلیه؛ پدر و جد، از ولی مجبر است و می‌تواند باکره بالغه را بدون اذن و رضایت او به تزویج کسی در آورد. وصی پدر نیز ولی مجبر است. حنفیه؛ ولی غیر مجبر معنی ندارد؛ چون معنای ولایت، نفوذ قول است؛ شخص راضی باشد یا نباشد، ولی ولایت مربوط به صغیر و صغیره و مجنون و مجنونه کبیره است. شافعیه؛ پدر و جد، ولی مجبرند و می‌توانند بدون اذن و رضایت باکره بالغه را به عقد کسی در آورند. مالکیه؛ ولی مجبر، فقط پدر است نه جد که می‌تواند بدون رضایت باکره بالغه را به عقد کسی در آورد. وصی پدر نیز ولی مجبر است حاکم نیز در ضرورت ولی مجبر است. (۲)

۷. مراتب اولیا

امامیه؛ ولایت تنها برای پدر و جد پدری است و مادر و جد مادری و برادر و عمو و دایی و دیگران ولایت ندارند. حاکم نیز ولایت بر صغیر ندارد، ولی در صورت ضرورت می‌تواند اقدام کند، در زمان فقدان پدر و جد نسبت به نکاح صغیر یا مجنون. ولی احتیاطاً اجازه وصی پدر و جد نیز ضمیمه شود.

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۵۰-۲۴۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، صص ۴۴-۲۲؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۹۶-۸۶

۲- همان

ص: ۴۶۴

حنبلیه؛ ۱. أب ۲. وصی أب ۳. حاکم ۴. طبقات ارث.

حنفیه؛ ۱. عصبه نسبی: ابن ولو از زنا و ابن ابن پدر؛ أب‌الاب، برادر، پسر برادر، عمو، پسر عمو، این‌ها ولایت اجبار بر دختر و پسر در حال کودکی دارند ولی در حال بزرگی به جز بر مجنون ولایت ندارند

۲. عصبه سببی: مانند معتق جاریه

۳. ذوالأرحام در میراث مانند مادر، دختر، دختر پسر، عمه، خاله

۴. سلطان

۵. قاضی.

شافعیه؛ ۱. پدر ۲. جد پدری ۳. برادر ۴. پسر برادر ۵. عمو ۶. معتق ۷. حاکم.

مالکیه؛ ۱. ولی مجبر؛ أب، وصی أب، مالک ۲. ابن ولو از زنا ۳. اخ و ابن اخ ۴. جد پدری ۵. عمو ۶. کافل المراه ۷. حاکم ۸. عموم مسلمانان.

یادآوری:

۱. به نظر مالکیه، رعایت ترتیب اولیا مندوب است نه واجب.

۲. اهل سنت، جز حنفیه ذکور را شرط ولایت نکاح می‌دانند ولی حنفیه در صورت نبودن اولیای مردم، ولایت زن را در نکاح صغیر و صغیره اجازه می‌دهند. (۱)

۸. محرمات ابدی

مذاهب اسلامی؛ بر اثر نسب، مصاهره و رضاع، طوائفی از زنان و مردان بر یکدیگر حرام می‌شوند که تفصیل آن در ابواب نکاح فقه مطرح شده است. (۲)

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۷۴-۲۵۰؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، صص ۱۹۴-۴۹؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۷۱-۲۴

۹. محرمات بالجمع

امامیه؛ جمع بین دو خواهر جایز نیست و نکاح دختر برادر بر عمه و دختر خواهر بر خاله جایز نیست مگر با اجازه عمه و خاله. مذاهب چهارگانه؛ جمع بین دو خواهر جایز نیست و جمع بین دختر برادر و عمه و دختر خواهر و خاله‌اش، حتی اگر عمه و خاله اجازه دهند، جایز نیست. (۱)

۱۰. ازدواج با کفار

امامیه؛ ازدواج زن مسلمان با مرد کافر در هر صورت حرام است. ازدواج مرد مسلمان با غیر اهل کتاب جایز نیست و با اهل کتاب به صورت دائم، باطل و به طور موقت، جایز است. با مجوس هم حرام است مطلقاً. مذاهب چهارگانه؛ ازدواج با کفار مشرک و مرتد و روافض حرام است مطلقاً. ازدواج با مجوس نیز حرام است، ولی مرد مسلمان می‌تواند با زن کتابیه ازدواج کند، اما زن مسلمان نمی‌تواند به ازدواج مرد کتابی درآید. (۲)

۱۱. مهمترین شرایط حرمت با شیرخواری

امامیه؛ رضاع باید پیش از تمام شدن دو سال باشد و در صورتی موجب حرمت می‌شود که شیر از پستان، مکیده شود، و ریختن در حلق و مانند آن کافی نیست.

مذاهب چهارگانه؛ اگر شیر آدمی به جوف طفلی که سَنَس از دو سال بالاتر نیست برسد، موجب حرمت می‌شود، بنابراین، لازم نیست از راه مکیدن پستان باشد، بلکه از راه ریختن در گلو یا وارد کردن از راه بینی هم اگر شیر به معده طفل برسد، موجب نشر حرمت است ولی به نظر ابوحنیفه ملاک دو سال و نیم است، مالکیه هم دو سال و دو ماه را ملاک

ص: ۴۶۶

قرار داده‌اند. (۱)

۱۲. کمیت رضاع موجب حرمت

امامیه؛ با پانزده مرتبه کامل یا یک شبانه‌روز شیر خوردن کامل، به گونه‌ای که موجب رشد گوشت و محکم شدن استخوان طفل شود، حرمت حاصل می‌شود.

حنبله و شافعیه؛ رضاعی موجب حرمت است که پنج مرتبه کامل باشد.

حنفیه و مالکیه؛ کمیتی مطرح نیست و همین که مقداری از شیر مرضعه وارد جوف طفل شد موجب نشر حرمت است.

یادآوری (۱):

افزون بر شرایطی که گفته شد، مذاهب مختلف شرایط دیگری را آورده‌اند که در کمیت، مفصل مطرح است. (۲) یادآوری (۲): مذاهب اسلامی؛ ملاک در شیرخواری موجب حرمت، از دو سال بیشتر نداشتن کودک است، ولی در صحیح مسلم روایتی آمده است که:

«إن النبي صلى الله عليه وآله وسلم أمر سهلة بنت سهيل أن ترضع سالماً مولی أبي حذيفة، زوجها بعد البلوغ حتى تكون أمّاً له فلا يحرم نظره إليها وذلك لأن سهلة ذهبت إلى النبي صلى الله عليه وآله وسلم وقالت له: يا رسول الله إن سالماً مولی أبي حذيفة، مضى في بيتنا وقد بلغ ما يبلغ الرجال و علم ما يعلم الرجال فقال: أرصغيه تحرمي عليه».

در مورد این روایت گفته‌اند: «فهذا صريح في أن رضاع الكبير يوجب التحريم». ولی در

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۵۸-۲۵۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، صص ۲۰۲-۱۹۲؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۵۵-۵۱

ص: ۴۶۷

پاسخ به این روایت، اهل سنت گفته‌اند: «إن ذلك قبل تحديد مدّة الرضاع بالحوالین فنسخ العمل به أو هو خصوصیه لسالم و لسهله لما رآه النبی صلی الله علیه و آله و سلم من الضرورة الملحّة التي تستلزم الترخيص لأهل هذا البيت».

ولی در روایت، مشکل دیگری مطرح است که علمای عامّه آن را چنین بیان کرده‌اند:

«أما هناك إشكالاً آخر و هو أن الرضاع يستلزم كشف الثدي و مصه ولمسه و هو محرم» و در پاسخ آن گفته‌اند: «انه لا يستلزم لأن التحريم كما يكون بالمص يكون بالشرب فيصح أن تكون قد حلبت له ثديها فشرب». برخی از علمای اهل سنت، این روایت را رخصت برای موارد حاجت دانسته‌اند و طبق آن برای موارد ضرورت فتوا داده‌اند؛ مانند ابن تیمیه. (۱)

مباحث طلاق

۱. ارکان طلاق

مذاهب چهارگانه؛ در بسیاری از شرایط طلاق؛ مانند عاقل و بالغ بودن زوج و مکره نبودن وی، فتوای مشترک دارند. از نظر این مذاهب طلاق با کنایه نیز محقق می‌شود ولی به نظر امامیه باید صیغه خاص «أنت طالق» باشد. بعلاوه مذاهب چهارگانه حضور دو شاهد عادل در طلاق را، برخلاف نکاح مذاهب اربعه اهل سنت، شرط نمی‌دانند، و به عکس، امامیه حضور دو شاهد عادل را در طلاق، شرط و در نکاح مستحب دانسته‌اند.

تمام مذاهب اسلامی در تقسیم طلاق به «سنّی» و «بدعی» اشتراک نظر دارند. سنّی طلاق طبق شرایط و بدعی طلاق غیر جامع شرایط است. (۲)

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۳۲۷-۳۰۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۴، صص ۲۶۷-۲۱۷؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۱۸۴-۱۶۲

۲. سه طلاقه و ملاک آن

مذاهب اسلامی؛ مرد سه بار می‌تواند زن را طلاق دهد و در بار سوم نیازمند محلل است. ولی به نظر مذاهب چهارگانه، سه طلاقه در یک بار محقق می‌شود؛ مانند این که بگویند: «أَنْتَ طَالِقٌ ثَلَاثًا» ولی نظر امامیه خلاف آن است و می‌گویند باید پس از هر طلاق رجوع باشد تا در بار سوم موجب حرمت ابد گردد و نیاز به محلل داشته باشد. ولی بسیاری از مجتهدین با نظریه مذاهب چهارگانه مخالفت کرده‌اند؛ از جمله صاحب کتاب «الفقه علی المذاهب الأربعة»، ضمن آن که معتقد است نظر ابن عباس برخلاف این فتوا بوده، روایتی نقل می‌کند از صحیح مسلم و او از ابن عباس که گفت: «كَانَ الطَّلَاقُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وَابْنِ بَكْرٍ وَسَنَتَيْنِ مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ طَلَاقُ الثَّلَاثِ وَاحِدَةً، فَقَالَ عُمَرُ: النَّاسُ قَدْ اسْتَعْجَلُوا فِي أَمْرِ كَانَ لَهُمْ فِيهِ أُنَاءٌ فَلَوْ أَمْضَيْنَاهُ عَلَيْهِمْ، فَأَمْضَاهُ عَلَيْهِمْ». طبق این روایت معلوم می‌شود این که سه طلاق در یک مرتبه واقع می‌شود، اجتهاد عمر بوده است و ائمه چهارگانه نیز از او تبعیت کرده‌اند، ولی در این مسأله می‌توان از ابن عباس تقلید کرد، به ویژه آن که بر طبق اجتهاد او، در زمان پیامبر و ابوبکر و دو سال از خلافت عمر، عمل می‌شده است.

ابن تیمیه در فتاوی خود ضمن آن که سه طلاق با یک لفظ را محکوم به یک طلاق دانسته است، ولی جواز نکاح تحلیلی را که در سه طلاق با محلل بتوان ازدواج را حلال شمرد، انکار کرده است. در قوانین وضعی کشورهای سنی نشین نیز آمده است: «الطلاق المقترن بعدد - لفظاً أو إشارة - لایقع واحدة» و به این طریق حتی حکم یک طلاق هم بر این طلاق‌ها انکار شده است. (۱)

مباحث اطعمه و اشربه

۱. پرندگان حلال و حرام

مذاهب اسلامی (جز مالکيه)؛ تمام پرندگان که چنگال دارند و همچنین خفاش حرام می‌باشند، ولی مالکيه آنها را حلال می‌شمرد. اهل سنت برخی از انواع کلاغ را مانند کلاغ زرع حلال می‌دانند، ولی اماميه احتیاط را در ترک آن دانسته‌اند. (۱)

۲. چهارپایان

مذاهب اسلامی (جز مالکيه)؛ حیوانات درنده؛ مانند شیر، پلنگ و گربه را حرام می‌دانند، ولی مالکيه آن را مکروه می‌شمرد. اما گوشت الاغ (حمار اهلی برخلاف حمار وحشی) و قاطر به نظر بیشتر اهل سنت حرام است، ولی به نظر اماميه و برخی از مالکيه مکروه است. ولی گوشت اسب را همه حلال می‌دانند اگرچه مکروه است. خرگوش را اهل سنت حلال و اماميه حرام می‌دانند. در بسیاری دیگر از حیوانات نیز اختلاف وجود دارد که در کتب فقهی مطرح است. (۲)

۳. حشرات

مذاهب اسلامی (جز مالکيه)؛ حشرات را حرام می‌دانند. مالکيه؛ اگر مضر باشد حرام است، ولی اگر قومی عادت به آن داشته باشند و مضر بر آنها نباشد، مانند ماری که سر و دم آن را بزنند، حلال است. سگ را به جز مالکيه همه مذاهب حرام می‌شمرد، ولی برخی مالکيه آن را مکروه دانسته‌اند.

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۱۵۱-۱۴۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، صص ۱۳-۵؛ فقه السنه، ج ۳، صص ۱۸۸-۱۷۵

۲- همان

ص: ۴۷۰

۴. آبریان

امامیه؛ تنها ماهی‌های پولک دار و میگو حلال هستند.

مذاهب چهارگانه؛ هر حیوان دریایی ولو به صورت ماهی هم نباشد، حلال است حتی مارماهی. ولی تمساح حرام است اما حنفیه مار ماهی را حرام می‌دانند و همچنین آبریانی که به صورت ماهی نیستند، مانند خوک دریایی و اسب دریایی را حرام شمرده‌اند. برخلاف مالکیه که بدون استثنا تمامی حیوانات دریایی را حلال شمرده‌اند.

۵. حیوان جلال

امامیه؛ حرام است.

مذاهب چهارگانه؛ مکروه است.

چند واجب اجتماعی**۶. ولیمه**

میهمانی دادن به مردم هنگام ازدواج، در نظر همه مذاهب اسلامی سنت است اما اجابت دعوت ولیمه به فتوای بیشتر مذاهب اهل سنت واجب و فرض است، به خلاف امامیه که آن را مستحب می‌دانند و برخلاف مشهور میان حنفیه که اجابت دعوت ولیمه را سنت مؤکد و قریب به واجب شمرده‌اند. البته در صورتی واجب است که دعوت کننده فاسق متجاهر نباشد و غرض فاسد نداشته باشد و مجلس مشتمل بر حرام یا مکروه نبوده و مدعو نیز عذری نداشته باشد. (۱)

۱- تحریر الوسیله، ج ۱، صص ۱۷۸-۱۷۶ و ج ۲، ص ۲۲۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۲، صص ۵۲-۳۲

ص: ۴۷۱

۷. افشای سلام و رد آن

به نظر همه مسلمانان، افشا و ابتدای به سلام، مستحب و سنت است و اما رد آن واجب و فرض عینی فوری است. اگر به فرد غایب نیز سلام رسانده شود، باید جواب سلام را بدهد. اهل سنت تصریح کرده‌اند که در پاسخ سلام غایب، خطاب به پیام آورنده بگوید: «و علیک و علیه السلام» [\(۱\)](#).

۸. تسمیت العاطس

کسی که عطسه کرد و گفت: الحمد لله، مستحب است به او گفته شود: «يُزَحِّمُكَ اللَّهُ» و اما پاسخ آن به نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت مانند رد سلام واجب است؛ یعنی در پاسخ عطسه کننده باید بگوید: «يَغْفِرُ اللَّهُ لِي وَ لَكُمْ»، یا بگوید: «يَهْدِيكُمْ اللَّهُ وَ يَصْلَحْ بِالْكُمْ» اما امامیه پاسخ را واجب ندانسته‌اند. [\(۲\)](#)

۱- همان

۲- همان

ص: ۴۷۳

قسمت چهارم: مروری بر سیاست از دیدگاه مذاهب اسلامی

اشاره

۱. حدود
۲. قصاص
۳. دیات
۴. امامت
۵. ولایت فقیه

ص: ۴۷۵

مجازات اسلامی

۱. انواع مجازات

مذاهب اسلامی؛ جرم‌ها بر اساس مجازاتی که برای آن‌ها تعیین شده، سه گروه‌اند:

۱. موجب حدّ ۲. موجب تعزیر ۳. قصاص.
- «حدود»، عقوباتی که مقدّر شرعی دارد.
- «تعزیر»، تأدیبی که بسته به نظر حاکم است.
- «قصاص»، عقوبت جانی است به اندازه ارتکاب جنایت.
- جرائم موجب حدّ به اجماع فقها عبارت‌اند از: ۱. زنا ۲. سرقت ۳. قذف ۴. شرب خمر.
- افزون بر این، موارد دیگری نیز به نظر برخی مذاهب موجب حدّ است. (۱)

۲. مشروب‌خواری

مذاهب اسلامی (جز شافعیه)؛ حدّ خوردن مشروب، ۸۰ تازیانه است، تنها شافعی‌ها آن را ۴۰ تازیانه گفته‌اند. (۲)

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۵۷-۴۵۳ و ۱۶۳-۱۵۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۳۱-۳؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۲۶۹-

ص: ۴۷۶

۳. حکم مشروبات مست کننده

امامیه؛ هر مسکر و مست کننده‌ای موجب حدّ است و تفاوتی نیست که از انگور گرفته شده باشد یا خرما، کشمش، جو و ... و شرب مسکر ولو یک قطره، حرام و موجب حدّ است و در این حکم، فقّاع (آب جو) نیز ملحق به مسکرات است ولو مسکر نباشد. مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ مانند امامیه معتقدند: هر شرابی که زیاد خوردن آن مستی آور باشد، کم خوردن آن هم حرام است و موجب حدّ می‌شود، ولی آب جو را موجب حدّ نمی‌دانند. اما حنفیه می‌گویند: خوردن شراب خرما و کشمش، کم و زیادش حرام است و اگر مستی آورد موجب حد می‌شود، ولی شراب چیزهای دیگر؛ مانند گندم، جو، برنج، عسل و ... حلال است و خوردنش موجب حد نمی‌شود، مادام که موجب مستی نشود. (۱)

۴. حکم مواد مخدر

مذاهب اسلامی؛ مواد مخدر را به اعتبار ضررها و مفسد جبران‌ناپذیری که دارد حرام دانسته‌اند، حتی کسانی مانند ابن تیمیه گفته است: حشیش مانند شرب خمر موجب حدّ است؛ چون ملاک، اسکار و مست کنندگی است نه مایع بودن. برخی از علمای اهل سنت، قائلان به حلیت موادّ مخدر را زندیق و مبتدع و مفتری علی‌الله شمرده‌اند. همچنین به فتوای امامیه، خرید و فروش و زراعت آنها هم حرام است. علمای اهل سنت نیز به حرمت این امور فتوا داده‌اند و درآمد کسب از این طریق را حرام شمرده‌اند. (۲)

۵. حدّ زنا و لواط

مذاهب اسلامی؛ اگر زنا محصنه باشد، موجب رجم است و اگر غیر محصنه باشد، حدّ آن یکصد تازیانه است، همچنین به اجماع مسلمانان، لواط حرام و از فواحش بزرگ است.

۱- همان

۲- همان

ص: ۴۷۷

غیر از حنفیه، سایر مذاهب اسلامی، لواط را موجب حدّ می‌دانند، ولی حنفیه آن را موجب حدّ ندانسته و موجب تعزیر می‌شمرند.

(۱)

۶. تحریم به اثر لواط

امامیه؛ مادر، دختر و خواهر مفعول بر لواط کننده، حرام می‌شود ولی عکس آن چنین نیست.

حنبلیه؛ مادر و دختر فاعل و مفعول بر این دو حرام می‌شود.

مذاهب چهارگانه (جز حنبلیه)؛ موجب حرمت نمی‌شود. (۲)

۷. وطی در دُبُر

امامیه؛ کراهت شدید دارد، ولی حرام نیست.

مذاهب چهارگانه؛ وطی در دُبُر زوجه حرام است. (۳)

۸. وطی بهائم

مذاهب اسلامی؛ حرام است و به نظر امامیه، حنفیه و رأی برخی از شافعیه و حنفیه موجب تعزیر نیز می‌شود ولی به نظر مالکیه و رأی

دیگر شافعیه و حنبلیه موجب حدّ است. (۴)

۱- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۲۶۸ و ۱۵۲ و نیز ۴۴۷-۴۳۲؛ الفقه عی المذاهب الأربعة، ج ۵، ص ۱۱۲-۴۵؛ فقه السنه، ج ۲، صص

۲۹۲-۲۶۹

۲- همان

۳- همان

۴- همان

ص: ۴۷۸

۹. حکم حیوان وطی شده

امامیه؛ اگر گوشتش را می‌خورند؛ مانند گاو و گوسفند، کشته و سوزانده می‌شود و نباید آن را خورد و در غیر این صورت؛ مانند الاغ و اسب در شهری دیگر می‌فروشند.

حنبلیه؛ باید کشته و سوزانده شود و نباید آن را خورد.

حنفیه؛ اگر حیوان ملاک واطی است باید کشته شود و الا ذبحش واجب نیست و در صورت ذبح می‌سوزانند و خورده نمی‌شود.

شافعیه دو روایت دارند:

۱. اگر گوشت آن خورده می‌شود، باید کشت و گرنه کشته نمی‌شود.
۲. چه گوشتش را بخورند یا نخورند کشته می‌شود.

و در مورد خوردن آن هم شافعی دو روایت دارد: موافق حنبلیه و حنفیه و موافق مالکیه.

مالکیه؛ قتلش واجب نیست مطلقاً (گوشتش خوردنی باشد یا نباشد) و بعد از ذبح خوردنش حلال است. (۱)

انواع مجازات**۱۰. استمنا با دست**

مذاهب اسلامی؛ حرام است، ولی موجب حدّ نیست و حاکم او را تعزیر می‌کند. (۲) یادآوری:

۱. از بعضی حنبلی‌ها و حنفی‌ها نقل شده اگر کسی می‌ترسد به زنا بیفتد، استمنا حرام

۱- همان

۲- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۴۴۸ و ۴۴۷ و ۵۴۱-۴۵۷؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، صص ۲۷۳-۱۱۲؛ فقه السنه، ج ۲، صص ۲۹۴-۲۹۱ و ۳۸۵-۲۴۳

ص: ۴۷۹

نیست.

۲. امامیه قیادت را نیز حرام و موجب حدّ شمرده‌اند (۷۵ تازیانه) (۱).

۱۱. مسأله

امامیه؛ حرام و موجب حدّ است و مقدارش ۱۰۰ تازیانه است.

مذاهب چهارگانه؛ حرام است، ولی موجب حدّ نبوده و تعزیر می‌شود. (۲)

۱۲. حدّ سرقت

به نظر همه مسلمانان و نصّ قرآن کریم، وقتی سرقت با شرایط خاص آن محقق شد، موجب قطع دست می‌شود. این شرایط در مذاهب مختلف به تفصیل آمده است اما این که دست سارق از کجا قطع می‌شود؟ مذاهب چهارگانه فتوا داده‌اند بار اول دست راست از مفصل قطع می‌شود و بار دوم پای چپ از مفصل قطع می‌شود ولی به فتوای امامیه بار اول چهار انگشت دست راست قطع می‌شود و انگشت شصت و کف دست باقی می‌ماند و بار دوم پای چپ از زیر بلندی آن قطع می‌شود و نصف آن را باقی می‌گذارند. (۳)

قصاص و دیات

۱. ولی دم

امامیه؛ غیر از زوج و زوجه، بقیه ورثه حق قصاص دارند.

مذاهب چهارگانه (جز مالکیه)؛ ولی دم همان وارثان میت هستند.

۱- همان

۲- همان

۳- همان

ص: ۴۸۰

مالکيه؛ ولی دم وارثان مرد می‌باشند و زنان ارث نمی‌برند. (۱)

۲. قتل مسلمان به خاطر قتل ذمی

امامیه؛ مسلمان به خاطر قتل کافر کشته نمی‌شود. مذاهب چهارگانه (جز حنفیه)؛ مانند امامیه تساوی در دین را شرط می‌دانند و لذا مسلمان به خاطر کافر کشته نمی‌شود ولی حنفیه می‌گویند: مسلمان در مقابل ذمی کشته می‌شود. (۲)

۳. دیه زن

امامیه؛ دیه زن و مرد تا ثلث مساوی است و هر گاه به ثلث رسید، دیه زن نصف دیه مرد است. مذاهب چهارگانه؛ دیه زن نصف دیه مرد است، ولی شافعی نظر امامیه را دارد. (۳)

۴. مقدار دیه

امامیه؛ یکصد شتر یا دویست گاو یا هزار گوسفند یا دویست حله یا هزار دینار یا ده هزار درهم مقدار دیه است. حنبلیه و حنفیه؛ یک صد شتر است و جایز است ده هزار درهم یا هزار دینار به جای آن داده شود. شافعیه و مالکیه؛ باید صد شتر یا قیمت آن داده شود و غیر آن جایز نیست. (۴)

۱- همان

۲- همان

۳- همان

۴- تحریر الوسیله، ج ۲، صص ۵۳۷-۴۹۳؛ شرح تجرید الاعتقاد، علامه حلی رحمه الله، صص ۳۶۳ و ۳۶۲؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، صص ۳۰۹-۲۷۱

ص: ۴۸۱

۵. قصاص از مرد به خاطر زن

امامیه؛ قصاص نفس و اطراف (اعضای بدن) از مرد جایز است ولی اگر در مقدار دیه از ثلث تجاوز کرد، چون دیه زن نصف دیه مرد است، فاضل دیه مرد باید داده شود.

حنبلیه؛ قصاص نفس جایز است، ولی نصف دیه را اولیای زن به اولیای قاتل می‌دهند.

قصاص اطراف هم جایز است.

حنفیه؛ قصاص نفس جایز است، ولی قصاص دون نفس (اطراف) جایز نیست.

شافعیه و مالکیه؛ قصاص نفس و قصاص دون نفس (اطراف) جایز است. (۱)

مباحث امامت**۶. مجری حدود و قصاص**

مذاهب اسلامی؛ غیر از امام، کسی حق اجرای حدود را ندارد و مخاطب اجرای حدود امام است. به نظر اهل سنت، همین دلیل وجوب نصب امام بر مردم است؛ چون اقامه حدود واجب است و تنها امام باید آن را اقامه کند، پس نصب امام مقدمه واجب است، و مقدمه واجب، واجب می‌باشد. همانطور که اجرای قصاص با اولوالأمر است و اوست که می‌تواند قصاص کند. (۲)

۷. وجوب امامت

امامیه؛ امامت از اصول است و نصب امام تکلیف مردم نیست. تکلیف مردم آن است که از امام منصوب تبعیت و پیروی کنند، بلکه امامت لطف است و به حکم قاعده لطف، نصب او بر خداوند سبحان لازم است.

۱- همان

۲- همان

ص: ۴۸۲

مذاهب چهارگانه؛ امامت فرض و تکلیف مسلمان است تا شعائر دین را اقامه کند و حق مظلومان را از ظالمان بازستاند و دو امام نمی‌توانند بر مسلمانان دنیا امامت کنند؛ خواه متفق باشند و خواه متفرق. (۱)

۸. شرایط امامت

امامیه؛ امامت بالاصاله مشروط به عصمت است و از این رو، با نصّ و نصب الهی ثابت می‌شود، چون عصمت امر مخفی است و تنها خداوند از آن آگاه است.

مذاهب چهارگانه؛ شرایط امام عبارت‌اند از: ۱. اسلام ۲. عقل و بلوغ ۳. حریت ۴. ذکورت ۵. قرشیت ۶. عدالت ۷. علم و اجتهاد و بی‌نیازی از استفتای غیر خودش ۸. شجاعت ۹. صاحب رأی صائب ۱۰. سالم بودن چشم و گوش و نطق.

۹. امامت

امامیه؛ امامت امیر مؤمنان علیه السلام و فرزندان ایشان تا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با نصب و نصّ الهی است. مذاهب چهارگانه؛ امامت ثابت می‌شود با: ۱. بیعت اهل حل و عقد ۲. استخلاف امام سابق؛ مانند خلافت خلیفه دوم توسط خلیفه اول.

۱۰. اجماع بر ولایت فقیه

امامیه؛ در عصر غیبت، فقیه جامع شرایط به عنوان نایب عام ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای سرپرستی و تصدّی اموری که نیازمند ولی شرعی و حاکم شرع است، منصوب و تعیین می‌گردد و هر فقیه عادل با کفایت و جامع شرایط که زمینه اعمال ولایت یافت، متصدی ولایت و اجرای احکام الهی؛ مانند حدود و قصاص می‌شود.

ص: ۴۸۳

مذاهب چهارگانه؛ بر اساس مبانی مورد اتفاق اهل سنت، اجتهاد شرط امامت است و غیر فقیه، حق تصدی امامت و ولایت را ندارد و مجتهد جامع شرایطی که متصدی شد و اهل حلّ و عقد با او بیعت کردند، امامت او منعقد می‌شود و متصدی شؤون ولایت و شعائر دین؛ همچون اجرای حدود و استیفای قصاص می‌گردد. از این رو، مسأله ولایت فقیه از اجماعیات مذاهب اسلامی شمرده می‌شود. (۱)

۱- شرح تجرید، صص ۳۶۲-۳۹۵؛ کتاب البیع امام خمینی رحمه الله، ج ۲، صص ۵۱۹-۴۵۹؛ الفقه علی المذاهب الأربعة، ج ۵، صص ۳۰۸ و ۳۰۹

ص: ۴۸۷

خاتمه

بخش پایانی

در این کتاب مطالبی به طور فشرده از آرا و فتاوی مهم و کلیدی مذاهب چهارگانه اهل سنت در مقایسه با مذهب اهل بیت علیهم السلام در هفت فصل و بخش پایانی تقدیم ارباب فضل و فرهیختگان شد. این مباحث در بخش عبادات، با جزئیات بیشتر و در سایر ابواب، به عناوین اصلی و تأثیرگذار مورد وفاق و اختلاف اشاره داشت که به شرح زیر بود:

فصل اول: آشنایی با پیشینه مذاهب فقهی و چکیده‌ای از آرای اصولی آن‌ها.

فصل دوم: مقایسه اصول اساسی استنباط مذاهب با یکدیگر.

فصل سوم: طهارت.

فصل چهارم: نماز.

فصل پنجم: روزه.

فصل ششم: حج و عمره.

فصل هفتم: مروری بر سایر ابواب فقهی.

فصل هشتم در چهار بخش تنظیم گردید. بخش اول: احکام کلی زکات و خمس بخش دوم: مروری بر ابواب معاملات بخش سوم: مروری بر احوال شخصی (نکاح و طلاق) بخش چهارم: مروری بر سیاسات.

از مجموع بررسی و مقایسه مباحث فقهی سنی و شیعه و مذاهب مختلف اسلامی روشن می‌شود که اصول و امّهات آرا و فتاوا بسیار به یکدیگر نزدیک است و شاید تفاوت‌های

ص: ۴۸۸

فقهی مذاهب چهارگانه اهل سنت چندان کمتر از اختلاف ایشان با مذهب امامیه نباشد، بلکه گاهی تفاوت عمیق میان این مذاهب، برخی از آن‌ها را به امامیه بسیار نزدیک می‌کند. این حقایق ملموس و روشن که به طریق علمی و با پژوهش به دست آمده است، نشان می‌دهد که امت اسلامی به عنوان امتی واحد، می‌توانند در عصر حاضر که عصر انفجار اطلاعات و دوران تحقیق و گسترش علوم است، بیش از پیش در عرصه‌های مختلف از جمله در عرصه فقه و حقوق، به تعامل با یکدیگر بپردازند و با انگشت تدبیر عالمانه خویش، مشکلات علمی و فقهی جوامع اسلامی را در تعامل با یکدیگر برطرف سازند و به رشد و بالندگی بیشتر جوامع اسلامی کمک کنند و به خیزش اسلامی معاصر که در دهه‌های اخیر آغاز شده، شتاب بیشتری بدهند. عقب‌ماندگی‌های مسلمانان را جبران کنند و دست استکبار و کفر و شرک را از جوامع و سرزمین‌های اسلامی کوتاه و انسجام اسلامی و وحدت مسلمانان را تقویت کنند و دیو کینه و دشمنی و شیطان و تفرقه و جدایی را برای همیشه در میان خود بسوزانند، به امید آن روز «أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ».

۲۶ جمادی‌الثانی ۱۴۲۹

۱۳۸۷/۴/۱۰

فهرست منابع

فهرست منابع

۱. (امام) خمینی قدس سره، سید روح الله، توضیح المسائل.
۲. (امام) خمینی قدس سره، سید روح الله، کتاب البیع، اسماعیلیان، قم، چاپ سوم، ۱۳۶۳ ش.
۳. (امام) خمینی قدس سره، سید روح الله، کشف الاسرار، تهران.
۴. (امام) خمینی قدس سره، سید روح الله، مناسک حج با حواشی مراجع، نشر مشعر، تهران، ۱۳۸۵ ش.
۵. (امام) خمینی قدس سره، سید روح الله، تحریر الوسیله، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، تهران، ۱۴۲۱ ق.
۶. (شهید) مطهری رحمه الله، مرتضی، کلیات علوم اسلامی (اصول فقه و فقه)، انتشارات صدرا، تهران، چاپ ۲۶، ۱۴۲۴ ق.
۷. (علّامه) طباطبائی رحمه الله، سید محمد حسین، شیعه در اسلام، واریان، قم، ۱۳۸۰ ش.
۸. (علّامه) عسکری، سید مرتضی، معالم المدرستین، المجمع العلماء الاسلامی، تهران، ۱۴۱۶ ق.
۹. ابن خلکان، احمد بن محمد بن ابی بکر، وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان، دار صادر، بیروت.
۱۰. ابن رشد (الحفید)، محمد بن احمد، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۲۱ ق.

ص: ۴۹۲

۱۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، الکافی فی فقه ابن حنبل (الفقه الحنبلی)، المصادر الفقهیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۲. ابن قدامه، عبدالله بن احمد، المقنع (الفقه الحنبلی)، المصادر الفقهیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۱۳. ابن منظور، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
۱۴. بری الجعلی المالکی، السید عثمان، سراج السالک فی شرح أسهل المسالک، المكتبة العصریه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۱۵. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، فتاوی بن باز، وزارة الشؤون الاسلامیه و الأوقاف، ریاض، چاپ ششم، ۱۴۲۳ ق.
۱۶. جعفرپیشه، مصطفی، بررسی فقه سیاسی نماز جمعه، نماز عیدین و استسقا، معاونت فرهنگی شورای سیاستگذاری نماز جمعه، چاپ اول، ۱۳۸۴ ق.
۱۷. جعفرپیشه، مصطفی، منصب امامت جمعه در حکومت اسلامی، دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.
۱۸. جناتی، محمد ابراهیم، ادوار اجتهاد، انتشارات کیهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۲ ش.
۱۹. خامنه‌ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات (ترجمه فارسی)، انتشارات بین‌المللی هدی، تهران، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ش.
۲۰. سبحانی، شیخ جعفر، آیین و هایت، مؤسسه دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۶۴ ش.
۲۱. سید بن طاووس، علی بن موسی، اقبال الاعمال، دارالحجّه للثقافه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.
۲۲. سید مرتضی، علی بن الحسین الموسوی، الانتصار، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.

ص: ۴۹۳

۲۳. شرف‌الدین الموسوی، السید عبدالحسین، المراجعات، مؤسسة الأعلمی، بیروت، لبنان، چاپ ۲۵، ۱۴۱۱ ق.
۲۴. شرف‌الدین، عبدالحسین، النص و الاجتهاد، موسوعة الامام السید عبدالحسین شرف‌الدین، دار المورّخ العربی، چاپ اول، بیروت، لبنان، ۱۴۲۷ ق.
۲۵. شهید اول، شیخ محمد بن مکی العاملی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.
۲۶. شهید اول، شیخ محمد بن مکی العاملی، ذکر الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۷. شیخ طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن، المبسوط.
۲۸. شیخ طوسی، ابو جعفر، محمد بن الحسن، کتاب الخلاف فی الفقه، تهران، ۱۳۷۷ ش.
۲۹. صنقور علی، شیخ محمد، المعجم الاصولی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۳۰. طباطبایی یزدی، سید محمد کاظم، العروة الوثقی مع تعالیک الامام الخمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، المكتبة العلمیه الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۹ ق.
۳۱. علّامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، تذکره الفقهاء، مؤسسة آل البيت لاحیاء التراث، قم، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۳۲. علّامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.
۳۳. علّامه حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه، مؤسسه بوستان کتاب، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
۳۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ نهم، ۱۳۸۲ ش.

ص: ۴۹۴

۳۵. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.
۳۶. مؤسسه دائرة المعارف الاسلامی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۳۷. مؤسسه دائرة المعارف الفقه الاسلامی، معجم فقه الجواهر، الغدير، بیروت، ۱۴۲۲ ق.
۳۸. مالک بن انس، روایه کنون بن سعید، المدونه (الفقه المالکی)، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۳۹. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، منشورات الأعلمی، تهران، ۱۳۸۹ ق.
۴۰. محقق کرکی، الشیخ علی بن الحسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
۴۱. مدکور، محمد سلام، مناهج الاجتهاد فی الاسلام، جامعه الکویت، چاپ اول، ۱۳۹۳ ق.
۴۲. مروارید، علی اصغر، المصادر الفقهیه، دارالتراث، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
۴۳. معوض، علی محمد و عبدالموجود عادل احمد، تاریخ التشریع الاسلامی، دارالکتب العلمیه، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر، وهابیت بر سر دو راهی، قم.
۴۵. واحد تألیف الکتب الدراسیه، المنظمه العالمیه للحوزات والمدارس العلمیه، الفقه المقارن، قم، چاپ دوم، ۱۴۲۳ ق.
۴۶. الجزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الأربعة، دارالفکر، بیروت، لبنان، ۱۴۲۴ ق.

ص: ۴۹۵

۴۷. الحرّ العاملي، الشيخ محمد بن الحسن، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، مكتبة الاسلاميه، تهران، ۱۴۰۱ ق.
۴۸. الحكيم، السيد محسن، منهاج الصالحين، دارالتعارف للمطبوعات، بيروت، ۱۴۰۰ ق.
۴۹. الحكيم، السيد محمد تقی، الاصول العامه للفقّه المقارن، المجمع العالمی لاهل البيت عليهم السلام، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۸ ق.
۵۰. الحلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرایع، مؤسسه سيد الشهداء العلمیه، قم، ۱۴۰۵ ق.
۵۱. الخضرى بك، محمد، تاريخ التشريع الاسلامی، دارالمعرفه، بيروت، لبنان، چاپ سوم، ۱۴۲۳ ق.
۵۲. السید سابق، فقه السنه، دارالفكر، بيروت، لبنان، چاپ دوم، ۱۴۱۹ ق.
۵۳. الشافعی، محمد بن ادريس، الامّ (الفقه الشافعی)، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۵۴. الشهيد الثاني، شيخ زين الدين العاملي، الروضة البهيه في شرح اللمعة الدمشقيه، مجمع الفكر الاسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق.
۵۵. الشيخ ابوزيده، تاريخ المذاهب الاسلاميه.
۵۶. الشيرازي، ابراهيم بن محمد، المهدّب (الفقه الشافعی)، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۵۷. الطبري، محمد بن جرير، تاريخ الطبري، مؤسسه الاعلمی، بيروت، لبنان، چاپ پنجم، ۱۴۰۹ ق.
۵۸. القاضي ابی يعلى، محمد بن الحسين الفراء، الاحكام السلطانيه، مكتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
۵۹. القدوري البغدادي، احمد بن محمد، المختصر والمعروف به الكتاب (الفقه الحنبلي)، المصادر الفقهيه، بيروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.

ص: ۴۹۶

۶۰. الکاشانی، علاءالدین بن مسعود، بدائع الصنائع (الفقه الحنبلی)، المصادر الفقهیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۱. المجلس الاعلى للشؤون الاسلاميه، موسوعه الفقه الاسلامی المقارن، قاهره، ۱۳۸۶ ق.
۶۲. المجوبی، عبدالله بن مسعود، مختصر الوقایه (الفقه الحنبلی)، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۳. المرغینانی، علی ابن ابی تیر، الهدایه (الفقه الحنبلی)، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۴. المصری المزنی، اسماعیل بن یحیی، مختصر المزنی (الفقه الشافعی)، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۵. المغنیه، محمد جواد، الفقه علی المذاهب الخمسه، مؤسسه دارالکتاب الاسلامی، چاپ اول، قم، ۱۴۲۲ ق.
۶۶. المقرئ الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر، ۱۳۴۷ ق.
۶۷. النجفی، الشیخ محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.
۶۸. النمری القرطبی، یوسف بن عبدالله (الفقه المالکی)، الکافی فی فقه اهل المدينه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق.
۶۹. الیحیی، شیخ یحیی بن ابراهیم، رسائل للحجاج والمعتمرین، دارالمسلم، ریاض، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صداها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱) ۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسير المنسوب إلى الإمام العسكري عليه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بداند، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



اصفهان

فائمه



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹